بعض اوقات ضرور است تا شاگردان به خاطر تعلیم / آموزش از محیط عادی صنف بیرون برده شوند. نشستن در زیر یک درخت یا در سایهٔ یک مسجد فرق چندانی با تدریس صنفی نداشته بل که، استفاده از میتود تدریس خارج از صنف در ساحهٔ مطالعات مضمون ساینس و طبیعت شناسی هم مفید بوده همچنین در مضمون اجتماعیات هم امکان مشاهدهٔ جاهای تاریخی، شهرها و فابریکه ها به شاگردان مهیا گردد.

نکات مثبت این میتود قرار ذیل است:

- آموزش را آسان میسازد.
- در عملیهٔ تدریس از یکنواختی جلوگیری میکند.
- بین صنف و محیط ماحول ارتباط برقرار میگردد.
- برای به دست آوردن دانش و معلومات به مشق و تمرین موقع را مساعد میسازد.

در وقت استفاده از این میتود، معلم باید نکات ذیل را در نظر داشته باشد:

۱. هدایت :

معلم باید در وقت تشریح موضوع درس، معلومات ضروری را به شاگردان داده قبلاً اهداف را مشخص سازد و بفهماند که هنگام بیرون رفتن از صنف شاگردان باید چی کارهایی را انجام دهند.

۲- آماده گی :

معلم باید قبلاً مواد ممد درسی یی را آماده سازد که در وقت فعالیتهای خارج از صنف به آنها ضرورت میباشد. البته این آماده گی دو نوع است:

اول: آماده کردن موادی که در فعالیت از آن استفاده میشود و به موضوع درس ارتباط دارد.

دوم: هرگاه شاگردان صنفهای بالای دورهٔ ابتدایی رفتن به کدام جای دور را در نظر داشته باشند، باید وظایف به اساس گروپهای شاگردان به آنان سپرده شود و هر گروپ مسؤولیت داشته باشد که اشخاص فنی و مسلکی را از مقصد خود باخبر ساخته ضمناً آماده گی خوراک و دیگر ضروریات سفر را پیش از حرکت در نظر گیرند.

۳. رهنمایی و کنترول توسط معلم :

در جریان رفتن به ساحه و اجرای فعالیتهای خارج از صنف، معلم باید وقتاً فوقتاً شاگردانرا رهنمایی نموده از پیشرفت کار شان نظارت به عمل آورد. معلم، مسؤول حفظ مواد و دارایی محل های قابل دیدن بوده؛ ضمناً باید از وضع صحی و امنیتی شاگردان وارسی به عمل آرد.

۴. رعایت نظم و دسپلین :

هنگام مشاهده باید مردم محل اخلال نشده ضمناً امنیت و حفاظت اشیای سفر در نظر گرفته شود.

۵. کیفیت کار :

بیشتر گروپها یکنوع کار را انجام داده با اینهم شاید کار بعض سرگروپها از نگاه چگونگی یی کیفیت آن فرق داشته باشند. مهم است تا شاگردان در وقت رفتن به ساحه، در یکجای نگهداشته شوند؛ مثلاً: در وقت رفتن به یک فابریکه فعالیتهایی انجام داده شود که وقت کم را گرفته و به وسیلهٔ گروپهای کوچک دو نفری اجرا شده بتواند. از طرف دیگر در صنفهای بالای دورهٔ ابتدایی کار گروپها از یکدیگر تفاوت میداشته باشد.

٦. نوشتن راپور :

برای شاگردان دوره های بالا ضرور است تا فعالیتهای ساحوی خود را در هنگام سفر یادداشت نموده نزد خود حفظ کنند. از شاگردان کوچک دورهٔ پایین ابتدایی توقع میرود تا در مورد تجارب و مشاهدات سفرهای علمی و فعالیتهای خارج از صنف خود سخن بزنند و باید تمام شاگردان فعالیتهایی را که خارج از صنف انجام میدهند یادداشت نمایند که این کار در تهیهٔ راپور شفاهی یا کتبی به آنان کمک خوبی را کرده میتواند.

۷. نتایج و مثالها :

در پایان هر فعالیت باید بحثی به راه انداخته شده ضمناً حل سوالهای معلم توسط شاگردان و کار و مشاهدهٔ جمعی آنان نتایج مثبتی را از سفر خارج از صنف به بار خواهد آورد.

مثال اول :

در ساعت مضمون دینیات معلم میتواند که شاگردان را به یک جوی کوچک آب ببرد تا وضو را به شکل عملی انجام دهند.

مثال دوم :

در ساعت مضمون حساب معلم میتواند شاگردان خود را هدایت دهد تا در ساعت درسی آینده پنج پنج دانه سنگچل سفید را با خود بیاورند.

مثال سوم :

در درس مضمون ساینس معلم میتواند از شاگردان خود بخواهد که در ساعت درسی آینده در مورد زراعت از بزرگان خود سوالهایی را به عمل آورند.

۴ ـ ۲ ـ ۴ ـ ۱۰. آموزش از طریق اجرای وظایف خانه گی :

شاگردان نسبت به آنقدر وقتی که با معلم و مکتب سپری میکنند بیشتر وقت خود را با والدین و در خانه سپری مینمایند. پس میتوانند که در خانه بیشتر وقت خود را در امر آموزش به سر برند. کار خانه گی از این جهت مفید میباشد که: "تکرار مادر آموزش خوب است." بنابراین تکرار درسهای صنف در خانه، شاگردان را به آسان فهمی آماده ساخته از همین سبب دادن کار خانه گی به شاگردان یک اصل مهم در تدریس به شمار میرود. پدر و مادر هم در اجرای کار خانه گی شاگردانرا کمک کرده بدینگونه، آنان میتوانند خود را از چگونگی تعلیم اطفال خویش باخبر سازند و روزانه از وضع درس مکتب معلومات حاصل نمایند. معلم با دادن کار خانه گی به شاگردان بین مکتب و محیط ماحول روابط خوبی را برقرار میسازد، این کار از طریق مجالس والدین با معلمان و ادارات مکاتب صورت گرفته میتواند. زیرا معلمان از والدین اطفال تقاضا دارند تا آنان اطفال خود را در اجرای کار خانه گی تشویق نموده، با آنان کمک کنند. هنگامی که معلم به شاگردان کار خانه گی را میسپارد باید موضوع درس را به آنان خوب تشریح نموده و در مورد

نحـوهٔ اجرای کار خانه گی به آنها مشوره های لازم بدهد. کار خانه گی هم به قسم انفرادی و هم طـور گـروپی بـه شـاگردان داده شـود زیرا عملیهٔ آموزش را تنظیم مینماید. از طرف دیگر، وظایف خانـه گـی یی تحریـری کـه غرض اصلاح به معلم سپرده میشود به ذات خود آموزش را به وجود میـآورد. پـس بـر معـلمان لازمسـت تا پیش از دادن کارهای خانه گی به شاگردان، به نکات ذیل توجه داشته باشند:

۱. کیفیت وظیفهٔ خانه گی :

وظیفهٔ خانه گی باید بر اساسهای ذیل استوار باشد:

- بر مضمونها و موضوعهایی که در صنف تدریس میشود.
- بر سویهٔ شاگردان، یعنی کار خانه گی به شکل معقول و آسان باشد.
- بر علاقمندی شاگردان.
- بر محیط خانواده گی شاگردان و به دادن وقت به درسهای دیگر.

وظیفهٔ خانه گی باید به اساس تقاضاهای ذیل داده شود:

- به تقاضای مکلفیت.
- به تقاضای مشق و تمرین موضوع.
- بـه تقاضـای وقت، یعنی وظیفهٔ خانه گی نه آنقدر خلص و کوتاه باشد که زود انجام شود و نـه آنقـدر زیـاد و طولانـی کـه وقـت زیاد را گرفته، برای مطالعهٔ درسهای دیگر وقت باقی نماند.

۲. دیدن و تصحیح کردن وظیفهٔ خانه گی :

هـرگاه معـلم وظیفـهٔ خانـه گی شاگردان را در صنف تصحیح نماید، به آنان مفید واقع میشود. زیـرا دیـدن وظـایف خانـه گی شاگردان در صنف، به معلم موقع میدهد تا اشتباهها و غلطی های شـاگردان را بـه آنـان نشـان دهـد. این هم امکان دارد که معلم وظایف خانه گی شاگردان را جمع کـرده پس از تصحیح و دیدن دوباره به آنان بسپارد. معلم باید طریقه های درست اجرای وظایف

خانه گی را به شاگردان واضح سازد تا بر اساس آن شاگردان وظایف خانه گی خود را به انجام رسانند. عدم توجه معلم به نکات کوچک کار خانه گی شاگردان، سبب عدم دلچسپی آنان به درس گردیده و طوری که لازمست شاید توجه نکنند. علاوه براین، شاید شاگردان متزلزل شده و کار خانه گی را هیچ انجام ندهند.

معلم باید آنعده شاگردانی را که کارهای خانه گی خود را انجام داده اند تشویق نموده با دادن کلمه های تشویقی (خوب، بسیار خوب، آفرین، شاد باش، عالی) و مثل اینها، به شاگردان مکافات دهد. همینگونه معلم بکوشد تا شاگردان را به خوب کار کردن تشویق نماید مثلاً: کار آنانرا به آواز بلند در صنف قرائت کند یا به نمایش بگذارد یا یک شاگرد لایق را در مقابل همصنفانش ستایش کند که البته این کارها سبب اجرای هرچه زودتر کار گروپی و وظایف خانه گی شاگردان میگردد.

آنعده شاگردان ضعیفی که کارهای خانه گی خود را انجام نمیدهند، باید تنبیه و مجازات شوند. در این صورت معلم باید به خاطر تحریک نمودن ذوق و دلچسپی آنان به زحمت کشی، آنها را هدایت و رهنمایی نماید. شاید معلم به شاگردان لایق هدایت دهد تا در اجرای وظایف خانه گی با شاگردان ضعیف کمک نمایند.

۴ ـ ۲ ـ ۵. گامهای عادی / ابتدایی آموزش :

کتابها و دیگر آثار تعلیم و تربیه برای شاگردان قدمها و مراحل مختلف انتقال علم و دانش را واضح ساخته، بااین هم آن، سیستم تدریسی قابل تطبیق است که متناسب به مقتضیات جامعۀ افغانی بوده و فهم دانش را برای شاگردان آسان سازد.

تدریس با آموزش ارتباط مستقیم داشته وقتی که ما در مورد (قدمهای ابتدایی تدریس) سخن میرانیم، به این متوجه میشویم که آموزش چیست؟ و اطفال چگونه به شکل بهتر میآموزند؟

آموزش در اثر برخورد با مقتضیات دیگر، معنای حاصل کردن مهارتها و امکانات تازه و نو را به خود میگیرد.

این تعریف، آموزش سادهٔ حیوانات و همین گونه، آموزش پیچیدهٔ انسانها هردو را دربر میگیرد؛ مثلاً:

- یک اسپ در اثر تربیت و کشیدن آواز مخصوص و یا از اثر فشار قمچین و مهمیز سوار کار خود، ایستاده شدن را میآموزد.
- یک طفل خورد سال از اثر لمس کردن بخاری داغ و سوختن دست میآموزد که دست زدن به بخاری خطر دارد.
- یک شخص از اثر آموزش ضرب زبانی یی عدد ۳ میتواند قیمت سه قلم جنس را محاسبه نماید.

آموزش به چند سویه تقسیم میشود :

حفظ کردن :

اطفال مسلمان باید حقایق در مورد حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را حفظ کنند. اینگونه یادگیری، آموزیست که هیچگاه فراموش نشده و زمانی که از شاگردان در این مورد سوال شود دوباره به ذهن شان تداعی میگردد.

فهمیدن :

اطفال در فهم و یادگیری معنی و محل استعمال لغتهای جدید بسیار فعال میباشند. آنان از خلال جمله ها و کلمه های مرکب کتابهای درسی خویش این آموزش را فرا گرفته ضمناً قابلیت سهل آموزی و زود فهمی را به دست میآورند.

این دو مثال، نمونهٔ از آموزش ذهنی و معرفتی است که قدرت فهمیدن و فکر کردن انسانرا رشد داده و مهارتهایی را که با استفاده از حافظه به کار برده میشوند، انکشاف میبخشد. آموزش علاوه از شیوهٔ معرفتی به شیوه های دیگری نیز حاصل شده میتواند طوری که در مثال پایین نشان داده میشود:

اطفال مسلمان از کارنامه های مملو از لطف و مهربانی شخصیت های بزرگ اسلام آموزش میگیرند. مثلاً: این که، خلفای کرام رضی الله عنهما چگونه با مردم گرسنه و مساکین کمک مینمودند.

اینگونه آموزش، احساس مسؤولیت در مقابل مساکین را در آنان زنده ساخته و به این قسم احساس دلسوزی در مقابل اشخاص بیچاره و نادار را در آنان ازدیاد میبخشد.

مثال دیگری که متوجه طرز تلقی، تغییر سلوک و خلق طفل بوده و بر "آموزش تأثری" وی دلالت میکند، بدینگونه است:

والیبال از جملهٔ بازیهای بسیار مشهور در افغانستان است که بسیاری از جوانان آنرا یاد میگیرند. آنان در آغاز بسیار کم به این بازی پی برده بعداً آهسته آهسته و به تدریج آنرا فرا میگیرند.

این یکنوع (آموزش سنسوموتریک) یا آموزش فزیکی (حسی و حرکی) بوده البته هر اندازهٔ که یک شخص، با مهارت خاص و تمرین زیاد این بازی را دنبال نماید به همان پیمانه عکس العملها و حرکتهای او بهتر میشود. نوشتن هم یک مثال خوب اینگونه آموزش است که صرف با مشق و تمرین بیشتر خط یک شخص زیبا و صحیح میگردد.

باید "ابعاد عمومی آموزش" خوب هضم شود در عین حال اینرا هم باید به یاد داشت که اطفال چگونه میآموزند؟. طفل صرف یک موضوع یا موضوعهای متعدد را فرا نگیرد بل که، اینرا هم باید بیاموزد که "چگونه بیاموزد؟".

شما در فصل ۱ - ۴ مطالعه نمودید که اطفال وقتی به شکل بهتر میآموزند که در عملیهٔ آموزش سهم فعال داشته باشند.

بسیاری از درسها بر اساس مشابهتهایی استوار است که قدمهای توضیح شده در پایین، تا یک حد مشخص هدف "حل کردن پرابلم یا مشکل" را تعقیب مینماید.

همراه با هر مشکل، قدمهای ابتدایی و مشخصی برداشته شده که شاید شامل موضوع "قدمهای اولی آموزش" باشد و متخصصان تعلیم وتربیه آنها را بدینگونه پیشنهاد نموده اند:

۴ ـ ۲ ـ ۵ ـ ۱ پیشکش نمودن مشکل.

۴ ـ ۲ ـ ۵ ـ ۲ تنظیم کردن مشکل و پی بردن به آن.

۴ ـ ۲ ـ ۵ ـ ۳ حل کردن مشکل (آموختن یک مهارت جدید).

۴ ـ ۲ ـ ۵ ـ ۴ تمرین و تعقیب کردن مهارت جدید (تطبیق و عملکرد).

۴ ـ ۲ ـ ۵ ـ ۵ تکرار کردن و بالای آن فشار آوردن (تقویه و تکرار).

۴ ـ ۲ ـ ۵ ـ ۶ ارزیابی موفقیت ها.

۴ ـ ۲ ـ ۵ ـ ۷ تدریس مجدد.

در اینجا میپردازیم به توضیح هریک اینها :

۴ ـ ۲ ـ ۵ ـ ۱. ارائهٔ مشکل :

آموزش در مکتب یک عملیهٔ تنظیم شده است یعنی، اطفال مضمونهای مشخص را در اوقات مشخص و به شیوه های مشخص میآموزند. معلم باید عملیهٔ آموزش را برای اطفال آسان سازد تا در یک مدت کوتاه به اهداف معین و مشخص خود رسیده بتواند.

گام نخست، پیشکش نمودن یک موضوع یا یک "مشکل" به شاگردان است تا آنان را به آموزش تحریک و تشویق نماید؛ مگر این کار چگونه تحقق مییابد؟

روانشناسان برای آموزش دو نوع تشویق را پیشنهاد نموده اند:

اول ـ یکنوع تشویق در درون و ضمیر شاگردان وجود داشته و هنگامی که آنان به کدام مشکل روبه رو گردند خود به حل آن اقدام مینمایند. در این حالت شاگردان از کار خود لذت برده و حاجت به این نمیشود که کسی آنانرا به کردن و نکردن کاری امر و نهی نماید.

این نوع تشویق را "تشویق داخلی" مینامند؛ طور مثال: یک دختر خورد سال حین چیدن ناپاکی های برنج از مادر خود میپرسد که "چرا برنج قبل از پختن پاک شده و دانه های سیاه آن چیده میشود؟" مادر برایش جواب میدهد که، دانه های سیاه برنج خوب پخته و هضم نمیگردد. بدین ترتیب طفل هم وظیفهٔ خود را انجام میدهد و هم مادر خود را خوش ساخته بار بار از مادر خود میپرسد که دانه های سیاه برنج خوبست یا آنها را دور کنم؟

مثال بالا حالتی را توضیح میکند که یک طفل وظیفهٔ قبول کرده را به وجه احسن پیش برده و تشویق هم شده است تا در پختن غذای خوب سهم خود را ایفا نماید.

دوم ـ تشویق در اصل مداخلهٔ قوی بالای شاگرد بوده زیرا وی تحت فشار معلم میآموزد که چگونه مفردات درسی را تکمیل نماید؟ این عمل به نام "تشویق خارجی" یاد میگردد؛ طور مثال: شاید معلم یک درس نو را هم مانند "پاک نگهداشتن و طور درست ذخیره کردن برنج" آغاز کند. در این وقت آنعده شاگردانی که به درس دلچسپی داشته باشند رهنمایی های معلم را صمیمانه میپذیرند مگر عدهٔ دیگر چاره یی جز آموختن درس ندارند اگر میفهمند یا نمیفهمند.

مثالهای بالا تأیید کنندهٔ این سخن است که طفلی که به اثر تشویق داخلی و درونی خود میآموزد نسبت به طفلی که در آموختن درس بالایش فشار وارد میشود به شیوهٔ بهتری درس را فرا میگیرد. یک معلم استثنایی بودن تمام شاگردان را نباید توقع داشته باشد. زیرا آنان وقتی میآموزند که تشویق شده باشند مگر امکان تشویق همیشگی تمام شاگردان هم میسر نبوده، راه حل (نظری) این معضله طوری است که معلم کوشش نماید تا مشکل یا موضوع را قسمی ارائه کند که شاگردان به کار کردن تشویق شوند. اما هر قدر که شاگردان از نگاه سن و سال کوچک باشند همان اندازه این گام دشوار خواهد بود. بعض مثالهای آن اینست:

- چون اطفال کوچک از حل کردن (چیستانها) و شنیدن قصه ها لذت برده میکوشند که به مشکلی پی ببرند. پس بهتر است که توأم با قصه اصطلاحی نیز به آنان شناسانده شود.
- چون اطفال تکمیل کردن قصه ها، جدولها، جمله ها و رسمها را خوش دارند، بناءً اگر معلم یک موضوع را به شکل یک "قصهٔ نامکمل" به آنان ارائه نماید، شاید یک شاگرد به "تکمیل کردن" آن تشویق شود.
- هرگاه اطفال با انجام دادن کاری یا حل کردن مشکلی مورد تحسین معلمان و همصنفان خود واقع شوند، این تمجید و تحسین هم سبب تشویق شان میگردد. ضمناً مساعد بودن فضای عمومی صنف برای آموزش نیز باعث تشویق شاگردان به شکل غیر مستقیم میشود.

۴ ـ ۲ ـ ۵ ـ ۲. تنظیم کردن مشکل و پی بردن به آن :

وقتی که مشکل یا موضوع به طور واضح ارائه میگردد و شاگردان هم تشویق شده و آمادهٔ حل آن میباشند، گام دیگر، پی بردن به مشکل است. در بعضی موارد ارائهٔ مشکل و فهمیدن آن

همـزمان واقـع شـده مگـر در بسـیاری مـوارد به شکل جداگانه اتفاق میافتند؛ به طور مثال: هرگاه بعضی از اطفال اعداد ذیل را این گونه جمع نمایند:

۷۶۵
+ ۸۱۷
______
۱۵۷۱۲

معـلم آنـرا بـر تخـته نوشته کرده بعداً اطفال را به حل درست آن رهنمایی میکند. شاگردی که ایـن سـوال را حـل کرده است واحدهای "۱۲" را به شکل "۱۲" زیر خط نتیجه نوشته است و ۱ را بالای ۶ افزود نکرده که تعلق آنرا با مرتبهٔ دهها نشان دهد.

معـلم بـاید، بـه طـور شـعوری یقـین حاصـل نماید که شاگردان مشکل ارائه شده را طور واضح فهمیـده انـد و در صـورتی کـه شـاگردان مشـکل را به وضاحت درک نکرده باشند، به حل آن هم سعی کـرده نمیتواند. زیرا "پی بردن به مشکل و فهمیدن آن" بسیار دارای اهمیت است گذشته از آن که مهارتهای مربوط به کتاب و زنده گی نیز دارای فرق هایی میباشد.

۴ ـ ۲ ـ ۵ ـ ۳. حل کردن مشکل (آموختن یک مهارت جدید) :

پـس از ارائـه و فهـم موضـوع، شـاگردان تشـویق میشـوند کـه بـه "کار واقعی" بالای مشکل یا موضـوع بیشـتر پی ببرند. این که، کار در آغاز چگونه پیش میرود مربوط اینست که چه چیز باید تدریـس شـود؛ مثلاً: به دست آوردن مهارت حرکی از طریق ورزش و آموزش یک عملیهٔ ریاضی به شـیوهٔ دیگر به دست میآید. البته خصوصیت عمدهٔ این گام در اینست که شاگردان باید به حصول توانمـندی بیشـتر در مقـابل مشـکلات بـزرگ تشـویق گـردند. برای این که، شاگردان از ناکامی و گرفـتن نمـرهٔ کـم مأیوس نشوند، لازمست تا معلم جزئی ترین کامیابی آنانرا نیز مورد ستایش قرار دهـد و پـس از یک ناکامی شاگردان را به سعی و تلاش بیشتر تشویق نماید؛ مثلاً: شما طفل خورد سـالی را دیـده ایـد کـه مـادر از دسـتش گرفته او را به راه رفتن کمک میکند. طفل پس از چند بار افـتادن و برخاستن با گرفتن دست مادر خود دوباره گام برداشته از موفقیت خود احساس خوشی

مضمونها	صنفها					
	۱	۲	۳	۴	۵	٦
الفبای عربی	٦	-	-	-	-	-
زبان	۵	٦	٦	۴	۴	۴
ریاضی	۵	۵	۵	۴	۴	۴
خط	۴	۵	۵	۳	۳	۳
رسم	۲	۲	۲	۱	۱	۱
دینیات	۵	۵	۵	۳	۳	۳
سپورت	۱	۱	۱	۱	۱	۱
قرآن کریم	-	٦	٦	۴	۴	۴
کار عملی	-	-	-	۱	۱	۱
تاریخ	-	-	-	۲	۲	۲
جغرافیه	-	-	-	۲	۲	۲
صحت	-	-	-	۲	۲	۲
زبان دوم	-	-	-	۳	۳	۳
مجموع	۲۸	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰

۲ - ۴. یک معلم افغان در مورد نصاب تعلیمی تا چی حدی باید معلومات داشته باشد؟

چون این یک سوال کلی میباشد لذا به اساس شرایط و وجوه سیاسی و اقتصادی جداگانهٔ جوامع، جوابهای مختلفی به آن جستجو شده میتواند.

بدبختانه به صورت عنعنوی معلم صرف همان چیزهایی را تدریس میکند که در کتاب درسی به چاپ رسیده است به (نصاب تعلیمی) یا (مفردات) آنقدرها توجه خود را مبذول نمیدارند و

میکند. پس بر معلم است تا مشکلات شاگردان خود را در آموزش یک موضوع درک نموده و بر اساس آن، به تربیت و تنظیم آن گامها اقدام لازم به عمل آورد.

قوانین عمومی در مورد این گامها چنین است :

- مشکلات باید آنقدر بزرگ نباشد که شاگردان را مأیوس سازد.
- تدریس باید همراه با آموزش بوده و از تسلسل منطقی (مراحل) برخوردار باشد طوری که گام بعدی بر بنای گام قبلی استوار باشد. یعنی، شاگردان باید از آموزش قبلی دانش لازم را فرا گرفته باشند تا آنرا با موضوع جدید ارتباط دهند. ضمناً گامهای آموزش باید مطابق با سن و سال شاگردان ترتیب و تنظیم گردد.
- به شاگردان باید برای حل و فهم و درک موضوع / مشکل وقت داده شود.
- شاگردان باید در یافتن حل مشکل و موضوع به دقت و گام به گام توسط معلم رهنمایی شوند.
- به شاگردان باید مجال بیان فکر و ارائهٔ دانش داده شود و دیگران به آنان گوش فرا دهند.

برای به دست آوردن نتایج مثبت از این گامهای تدریس معلم باید شاگردان را رهنمایی لازم نماید.

توجه کنید که تأکید بیشتر ما بر آموزش شاگردان است با وجودی که عنوان این فصل (گامهای عادی تدریس) نامگذاری شده است. به یاد داشته باشید که تمام فعالیتهای تدریسی معلم باید متمرکز بر ضرورتها و استعدادهای شاگردان باشد یعنی معلم با توجه به شاگرد چیزی را پیدا کند که خود شاگرد آنرا انجام داده میتواند.

برای این که تدریس صورت گیرد، در اینجا به ذکر مثالهایی میپردازیم که همه تسلسل منطقی درسها را نشان میدهد:

- ریاضی، صنف سوم: "معرفی تقسیم بر ۳ به وسیلهٔ کار گروپی"
- پشتو، صنف اول : جا به جا کردن یکتعداد حروف به اساس ترتیب الفبایی.
- تربیت بدنی : "با یک دست توپ را قاپ کردن / گرفتن"

وقتی که معلم در این گام کار مینماید، باید در نظر داشته باشد که شاگردان مختلف، سرعت مختلف در آموزش را دارا بوده ضمناً معلم باید معلوم کند که کدام شاگرد به تشریح بیشتر

ضرورت دارد، گرچه هر شاگرد به طور انفرادی آموزش میگیرد مگر، این ترتیب باید برای تمام صنف در نظر گرفته شود.

برای تحقق این کار، لازمست تا معلم از مهارتهای مسلکی و پیداگوژیکی برخوردار باشد. گرچه هم معلم از طریق "حل کردن مشکل" شاگردان را طور موفقانه رهنمایی نماید؛ مگر، امکان دارد که عملیهٔ تدریس و آموزش تکمیل نشود. همچنین در صورت توقف فعالیت شاید تمام آنچه را که شاگردان یاد گرفته باشند فراموش کنند و بدین ترتیب تمام زحماتی را که معلم و شاگردان تحمل نموده اند به هدر خواهد رفت. از همین سبب "روانشناسی آموزشی" تأکید بیشتر بر حفظ موضوعهایی میکند که شاگردان آنها را در جریان گامهای تدریس معلم فرا گرفته اند.

۴ - ۲ - ۵ - ۴. تطبیق و عملکرد :

هدف نهایی آموزش یک موضوع یا محتوا همیشه اینست که شاگردان بتوانند موضوع را در زنده گی اجتماعی خویش تطبیق و تعمیل نمایند. پس از کار کردن بالای یک موضوع، باز هم ما به هدف خود نرسیده ایم. با وجودی که شاید عده یی از شاگردان به اهداف آموزشی خود رسیده باشند.

ما باید این را درک نماییم که، دانش و مهارتهای شاگردان به مرحلهٔ پختگی نرسیده و شاید آنان به خود باور و اعتماد پیدا نکرده باشند بدین معنی که هنوز هم به تطبیقات، تمرین ها و مثالهای بیشتر ضرورت میداشته باشند.

حتی بعضی از شاگردان در مراحل اولی عقب مانده و شاید نفهمیده باشند که تقسیم چیست؟ چگونه اجرا میشود؟ البته اینگونه شاگردان هنوز به تشویق و کمک بیشتر ضرورت داشته؛ شاید مأیوس و خفه باشند. همچنین شاگردان لایق نیز که حدس زده میشود بسیاری از موضوعها را یاد گرفته اند شاید به تمرینهای بیشتر نیاز داشته باشند.

معلم باید مکرراً شاگردان را در امر آموزش تشویق نماید و این کار به اشکال ذیل صورت گرفته میتواند:

- تعقیب کردن متن درسی به وسیلهٔ کار بر روی تخته: که این کار هم به شکل انفرادی و هم طور مشترک انجام شده میتواند.

- جهت تشویق مجدد شاگردان باید در شکل کار تغییر وارد گردد؛ مثلاً: برای نشان دادن عملیهٔ تقسیم پس از استفاده از سنگچلها باید از تخته نیز کار گرفته شود و سپس این عملیه به وسیلهٔ رسمها در کتاب کار و یا کتابچه ها نشان داده شود.
- از شاگردان لایق تقاضا گردد که با شاگردان ضعیف کمک نمایند.
- باید مطابق استعدادهای شاگردان به آنان وظایف مختلف داده شود یعنی؛ به شاگردان لایق کارهای دشوار سپرده شود.

البته سپردن وظایف مختلف کار آسانی نبوده ایجاب تیاری بیشتر را مینماید و لازمست تا معلم هیمشه تفاوتهای فردی دانش شاگردان خود را معلوم کند. در این مورد معلم میتواند از متنهای درسی غرض شناختن سویه های مختلف شاگردان به حیث مواد کافی استفاده نماید.

این کار به پیچیده گی موضوع، به زیادی و کمی پروسهٔ تدریس، به چگونگی یی وضع صنف و به موجودیت مواد ممد درسی ارتباط دارد.

طور مثال: در گام "فهمیدن به مشکل" تدریس، شاگردان صنفهای اول و دوم یک متن کوچک را خوانده اند و تمام لغتهای نو را معنا کرده و متن را هم فهمیده اند. پس در گام "تطبیق و عملکرد" تدریس باید قرائت متن انکشاف داده شده "تقویه" گردد. البته در این مورد تمرینهای مختلف ذیل توصیه میشود:

- شاگردان میتوانند که قرائت را با هم صنف خود طور مشترک و به آواز پایین / آهسته تمرین کنند تا همصنفشان گوش گرفته غلطی های خود را اصلاح سازند و سپس نوبت شان تبدیل شود.
- معلم میتواند که متن را بالای یک شاگرد فصیح اللحن در پیشروی صنف قرائت نموده پس از آن شاگردان دیگر نیز یکی پس از دیگر در قرائت متن سهم بگیرند. این عملیه بالای همه شاگردان با گرفتن غلطیها و تبصره ها دنبال گردد.
- معلم متن را بر روی تخته به شکل خانه خالی نوشته کرده سپس از شاگردان بخواهد که کلمه های حذف شده را در جاهای خالی نوشته کنند تا جمله ها تکمیل شوند.

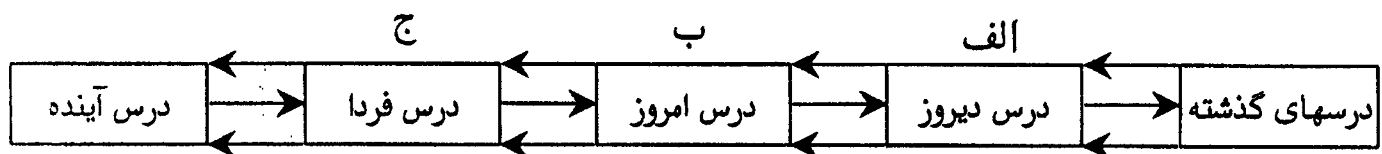
- معلم کلمات یک جمله را به شکل نامرتب بر تخته نوشته کرده از شاگردان بخواهد تا کلمه ها را به شکل درست ترتیب نموده؛ جملهٔ صحیح و مکمل را بسازند.

مهم است تا شاگردان قسمت خوانده شده را فورا تمرین نموده این تمرین به شکل مهارتهای حسی، حرکی در مضمونهای زبان و ریاضی انجام داده شده میتواند.

البته لازمست که معلم ذخیرهٔ از تمرینهای مختلف را داشته باشد تا در موقع مناسب از آنها کار گیرد.

۴ ـ ۲ ـ ۵ ـ ۵. تکرار و تقویهٔ آن :

گامهای تدریسی قبلاً یاد شده، طوری که در گراف پایین نشان داده شده است در یک ساعت درسی قابل تطبیق بوده. این ساعت درسی مستقل نبوده بل که، با درسهای قبلی و بعدی در ارتباط میباشد. به یاد داشته باشید که تدریس و آموزش دو عملیهٔ متداولی اند که بر اساس آموزش قبلی و آینده استوار میباشند. این موضوع در گراف ذیل چنین نشان داده شده است:



شرح گراف :

معنای دو خط یا دو تیر اینست که پیشرفت اساسی از یک درس به سوی درس دیگر صورت میگیرد.

معنای یک خط یا یک تیر اینست که باید به درسهای گذشته دوباره توجه صورت گیرد که دلالت به نتیجهٔ خوب درس گذشته کرده و در واقع آموزش درس امروز (حال) را تقویه مینماید.

طور مثال: در درس امروز (ب)، موضوع "قابلیت تقسیم بر ۳" تدریس گردیده که در درسهای گذشته (در ستون ب) "ضرب زبانی عدد۳" تدریس و تمرین شده است.

معنای آن اینست که: شاگردان عملیهٔ ضرب با عدد ۳ را قبلاً آموخته اند، حال میتوانند که عملیهٔ ضرب زبانی عدد ۳ را نیز اجرا نمایند.

در درس امروز (ستون ب) سه گام از "گامهای عادی تدریس" تطبیق شده است که قرار ذیل اند:

۱. ارائهٔ مشکل

۲. فهمیدن / پی بردن به مشکل

۳. تطبیق و عملکرد.

اکنون به درس فردا و درسهای آینده باید فکر کرد. حتی پس از "تطبیق و عملکرد" نیز. هر شخص یاد فراموشی داشته و ذهن شاگرد هنوز هم چیزهایی را فراموش میکند. جهت جلوگیری از فراموشی باید کاری کنیم تا ذهن ما از فراموشی در امان بماند و آموزش در ذهن ما به شکل عمیق نقش بندد.

معنای آن اینست که: یک موضوع نو باید در جریان تدریس چند مرتبه تکرار و تقویه گردد تا فراموش نشود. یعنی، موضوع نو، پس از معرفی فوراً زیاد تکرار و تقویه شود.

بهترین تکرار و تقویه، در آموزش کارهای مشابه و تطبیق و عملکرد آن متداخل است.

طور مثال: تکرار و تقویه در عملیهٔ "قابلیت تقسیم بر ۳" چگونه انجام داده میشود؟:

۱. کار خانه گی را که معلم در درس امروز (ب) میدهد باید به ارتباط متن درس بوده یا این که معلم مشکلات نو را بر تخته نوشته کرده در عین حال شاگردان باید "ضرب زبانی عدد ۳" را ادامه دهند.

۲. در درس فردا (ج) مشکل درس امروز نیز حل شده و شاگردان آنرا به حیث یک تقویه باید تشریح نمایند.

- شاید شاگردان بعضی مشکلات خود را در گروپهای خود حل کنند.
- در پایان درس، شاگردان شاید مشکلاتی را حل کنند که با عین طرزالعمل، قاعده و مهارت ارتباط داشته باشد.

۳. در درسهای آینده "قابلیت تقسیم بر ۳" باید به شکل تربیت ذهنی یا تمرینهای مخلوط شفاهی و تحریری انجام داده شود که با قابلیت تقسیم اعداد دیگر هم ارتباط داشته باشد.

۴. در آخر وقتی که، شکل تحریری یا نوشته شدهٔ تقسیم معرفی میگردد، این "دانش" را باید تمام شاگردان صنف آموخته باشند و تطبیق هم شده بتواند.

ما در این مثال میبینیم که تدریس دو جنبهٔ دراز مدت و کوتاه مدت را دارا است بناءً تکرار و تقویه باید همیشه شامل تدریس روزانه گردیده و در موضوعهای مختلف از آن کار گرفته شود.

در نظر گرفتن تمام این مراحل در آغاز به معلم آسان نبوده بل که، تنظیم کردن درسها برایش آسان میگردد. البته مواد درسی (متنهای درسی و رهنماهای معلم) باید طوری آماده شده باشد که به تمرینهای مسلسل و دوامدار معلم کمک نماید. چون تدریس خوب یک وظیفهٔ پیچیدهٔ مسلکی میباشد، پس باید از مسلک تعلیم / تدریس ستایش به عمل آورده شود.

طوری که تکرار و تقویه در موضوع "قابلیت تقسیم بر ۳" نشان داده شد، به عین شکل باید در دیگر موارد نیز تطبیق گردد. البته شیوهٔ تطبیق و عملکرد تکرار و تقویه ارتباط مستقیم با موضوع و با وضع واقعی صنف را دارا میباشد.

۴ ـ ۲ ـ ۵ ـ ۶. ارزیابی موفقیتها :

چون یک معلم تعداد زیادی از شاگردان را تدریس میکند، بنابراین هر قدر که تعداد شاگردان زیاد باشد به همان اندازه کار ارزیابی کردن را مشکل میسازد. طوری که گفتیم شاگردان دارای استعدادهای متفاوت بوده و همهٔ شان به عین شکل آموزش نمیگیرند. پس هیچگاهی هم به عین درجه و مرحلهٔ انکشاف آموزش دست نمییابند. همینگونه هر شاگرد باید تعلیمات آیندهٔ خود را تعقیب کرده بتواند. یعنی در یک کشور جمهوری اسلامی باید به هر طفل مدارج مناسب تحصیل و انکشاف شخصیت مهیا شود. بدین معنا که معلم باید به رشد و انکشاف شخصیت طفل توجه جدی داشته باشد.

از همین جهت، "ارزیابی کردن موفقیت ها" یک بخش اساسی تدریس را تشکیل میدهد. پس در مورد شناخت توانمندی، ضعف تمایلات و علاقمندی شاگردان ارزیابی کمک فراوانی به معلم میکند تا در بارهٔ فعالیتهای آموزشی آیندهٔ شاگردان خود تصمیم لازم را اتخاذ نماید.

ارزیابی دو نوع است:

الف) ارزیابی مداوم یا روزانه

ب) ارزیابی از طریق امتحانات

الف) ارزیابی مداوم یا روزانه :

یک معلم خوب همیشه سعی میکند که از نگاه آموزش هیچ شاگردش عقب نماند. زیرا هر اندازهٔ که ضعف آموزش یک شاگرد زود کشف شود، به همان اندازه این ضعف زود تر از بین برده میشود. هر گاهی که یک موضوع در مرحلهٔ "حل کردن مشکل" در پروسهٔ تدریس دوباره تشریح گردد، بسیار مؤثر واقع شده یا این که، در گام "تطبیق و عملکرد" تدریس یک مشکل یا تمرین دیگر زیاد شود مفید میباشد. البته تمام تمرینهای کار انفرادی در "عملیهٔ ارزیابی" ملاحظه شده و چون معلم شناخت کامل از وضع صنف خود دارد باید در جریان کار شاگردان بین قطارهای آنان گشت و گزار کرده از چی گونگی اجرای کار شان نظارت به عمل آورد و هرگاه شاگردی به کمک خاص ضرورت داشته باشد باید همرایش کمک نموده یا شاگرد دیگری راموظف به کمک با وی نماید. شکل دیگر ارزیابی مقایسه کردن کارهای خانه گی شاگردان است و باید شاگردان تشویق شوند تا بدون کدام ترس، فرق نتایج به دست آمده از اعداد، کلمه ها، جمله ها و غیره را خود بیان نمایند و غلطیهای شاگردان یا توسط معلم و یا به وسیلهٔ شاگردان دیگر اصلاح گردد که این کار هم یک طریقهٔ مناسب ارزیابی روزانه به شمار میرود.

ب) ارزیابی از طریق امتحانات :

(در فصل پنجم، به بخش امتحانات سالانه توجه شود.)

بیشتر ارزیابیها از طریق امتحانات صورت گرفته میتواند. مقصد از این ارزیابیها اینست که برای معلم چگونگی مؤثریت تدریس و آموزش را وانمود ساخته؛ وی میتواند که پس از نتایج به دست آمده از یک فصل به فصل دیگر تدریس خود را پیش ببرد.

از چیزی امتحان باید گرفته شود که تدریس شده باشد.

یک امتحان باید مهارتهایی را ارزیابی نماید که قبلاً توسط شاگردان نشان داده شده باشند و هر شاگرد باید چانس عادلانهٔ موفقیت را داشته باشد.

- یک امتحان صرف به چیزهای حفظ شدنی منحصر نبوده بل که، در بسیاری حالات مشابه باید متوجه تطبیق مهارتها و دانش نیز باشد؛ مثلاً: در مضمون ریاضی، عین همان سوالهایی که در درسها وجود دارد باید در امتحان آورده نشود. بل که، سوالهایی آورده شود که شبیه سوالهای مشق و تمرین درسهاست. همینگونه در مضمون زبان، کلمه ها و جمله هایی آورده شود که فرق کمی با متن درس ها داشته باشد.
- امتحانات باید نسبت به تمرینهای کتاب مشکل نباشد تا شاگردان با اطمینان خاطر در آن شرکت کرده بتوانند. هدف ارزیابی این نیست که شاگردان لایق و ضعیف شناخته شود. بل که، هدف اینست که آیا تدریس به شکل درست صورت گرفته یانه؟ و آیا شاگردان اهداف اساسی تعلیمی و تربیتی را به دست آورده اند یا خیر؟

(مثلاً: در ختم صنف پنجم) علاوه از امتحانات رسمی، ارزیابی های دیگر نیز در قسمت شناخت سویه و سطح آموزش شاگردان به معلم کمک مینماید، اما، نه به حیث یک وسیلهٔ که صرف فیصدی آموزش و ناکامی شاگردان را محاسبه کند.

امتحانات طوری نباید باشد که شاگردان ضعیف را "محکوم" نماید یا به آنان اخطار دهد. زیرا اگر امتحان اخطار دهنده باشد منجر به وارخطایی شاگردان شده و آنان از اندازهٔ واقعی دانش خود نتیجهٔ کمتری را به دست میآورند.

امتحانات نباید به این خاطر گرفته شود که سبب استراحت معلم و مشغولیت شاگردان گردد پس از اخذ یک امتحان باید ملاحظهٔ دقیق و غور کامل بالای آن صورت گیرد زیرا هرگاهی که یک امتحان خوب بر اساس اهداف آموزشی استوار باشد در موارد ذیل به معلم معلومات داده میتواند:

- در مورد موفقیتهای یک شاگرد.
- در مورد موفقیتهای تمام شاگردان صنف.

هردو مورد بالا باید در ارتباط بایکدیگر در نظر گرفته شوند. یعنی، هرگاه تعداد کمی از شاگردان اهداف مطلوب آموزش را به دست نیاورده باشند، باید به آنها توصیهٔ لازم داده شود و اگر تعداد بیشتر شاگردان امتحان را خوب سپری نکرده باشند، امکان آن میرود که شاید در

تدریس معلم کدام عیب و نقیصه وجود داشته باشد یا تدریس به سطح بلندتر از سویهٔ شاگردان صورت گرفته و یا این که مشق و تمرین کمتر انجام داده شده است که این خود قوت و ضعف معلم را در عملیهٔ تدریس نشان میدهد. پس به جای این که شاگردان مورد ملامتی قرار گیرند، باید معلم معلوم کند که چرا تعداد بیشتر شاگردان ناکام مانده اند.

به این خاطر، معلم در قدم اول باید عیب و ضعف متن درسی را تحلیل نماید و در قدم دوم جستجو کند که چرا این نقیصه به وجود آمده است. برای از بین بردن آن، لازمست تا معلم تدریس دوامدار یا "تدریس مجدد" را روی دست گیرد.

بنابراین، گفته میتوانیم که امتحان تنها و تنها ارزیابی شاگردان نبوده بل که، از این طریق معلم نیز مورد ارزیابی قرار میگیرد.

۴ ـ ۲ ـ ۵ ـ ۷. تدریس مجدد :

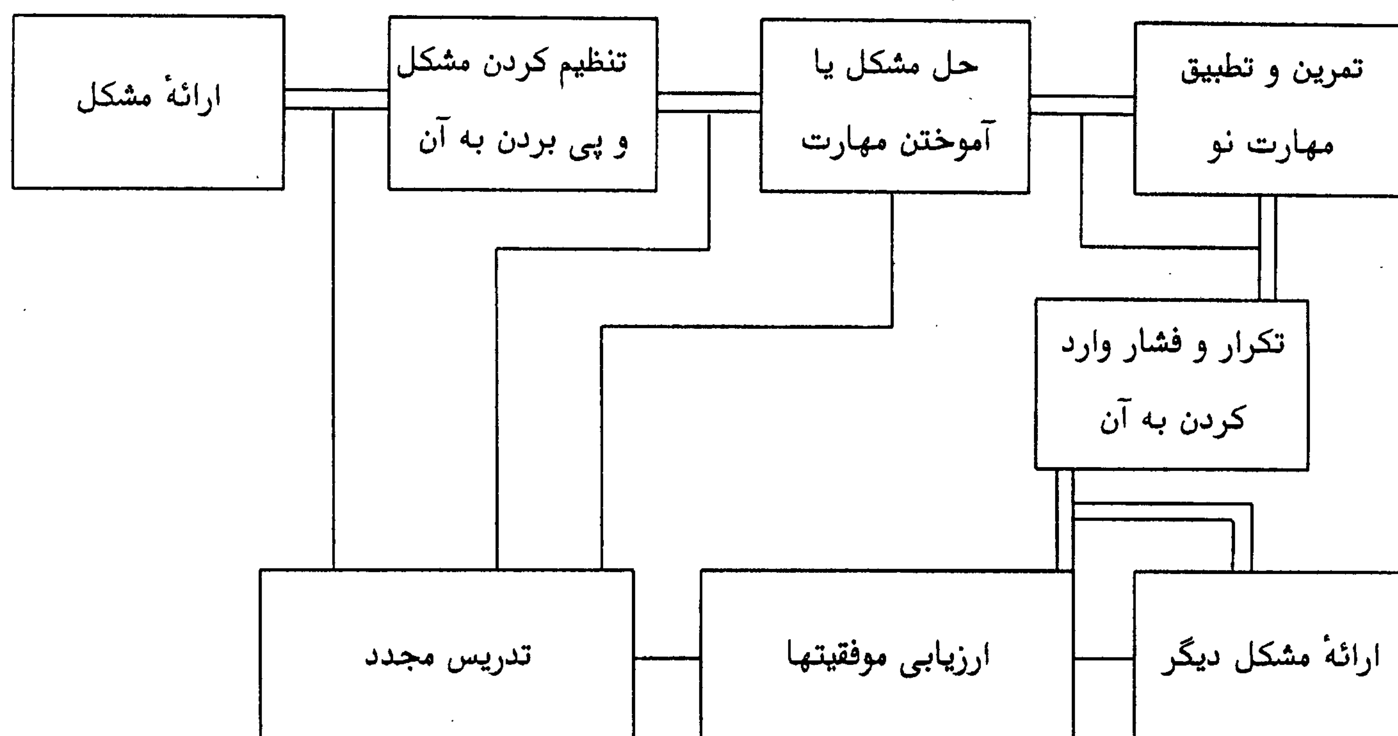
هرگاه در یک امتحان نتایج مطلوب از شاگردان به دست آمده باشد به "تدریس مجدد" ضرورت نیست. صرف به همان شاگردان ضعیف باید رهنمایی های لازم داده شود تا خود را به سویهٔ دیگر شاگردان برسانند. چنین کمک باید به اساس ضرورتهای فردی آن دسته شاگردان تنظیم گردد. "تدریس مجدد" به تمام صنف به خاطری صورت میگیرد که عیب و نقیصهٔ شیوهٔ تدریس گذشته را مرفوع سازد. (طوری که از طریق امتحان هم به دست آمده میتواند)

برای رسیدن به این مقصد، لازم نیست که تمام مفردات درسی دوباره تکرار شود. زیرا سبب ضیاع وقت، خستگی و دلزده گی شاگردان میگردد.

معلم به جای تکرار دوبارهٔ تمام موضوعهای درسی باید بر نقاط ضعف و ضرورتهای درسی شاگردان فشار وارد کند. طوری که مشکلات خاص و تمرینها را نباید به همان شیوهٔ گذشته حل نماید. بل که، تمرینهای نو راباید پیدا و حل نموده تا سبب تشویق بیشتر شاگردان گردد؛ مثلاً: یک معلم در مضمون ریاضی، جمع سه عدد دو خانه یی از "صفر تا ۱۰۰" را به شاگردان خویش نشان داده است و شاگردان هم تمام عملیهٔ جمع از "صفر تا ۵۰" را با ارقام مرتبهٔ دهها به شکل درست انجام داده میتوانند. پس باید که تدریس از "۵۰ تا ۱۰۰" دوباره بر اعداد مرکب متمرکز ساخته شود.

خلاصه :

در ایـن فصـل توضیح دادیم که تمام درسها از یکدیگر نباید تفاوت زیاد داشته باشند. بل که، بسیاری از درسـها یـک نمونـهٔ عمومـی را باید تعقیب نمایند؛ طوری که در شکل ذیل نشان داده شده است.



اصول طـوری نیسـت کـه حـتماً تمـام گامهـا باید شامل عملیهٔ تدریس باشد. یا به هرگام چند دقیقـه بـه مصـرف برسـد. همچـنین در هر درس برای مرحلهٔ "ارزیابی موفقیت ها" لازم نیست که امـتحان گرفـته شـود. همـین طـور در بسـیاری از درسـها مـرحلهٔ "تدریس مجدد" وجود ندارد. در بسیاری حـالات امکـان دارد که دو مرحلهٔ "تنظیم مشکل و پی بردن به آن" و "حل کردن مشکل" بـه حیـث گـام مشترک به کار برده شوند. اما تمام فعالیتهای درسی در صنف زیر عنوان "گامهای عادی تدریس" که پیشتر توضیح گردید، شامل میباشد.

۴ ـ ۲ ـ ٦. تنظیم کردن در س :

در فصـل ۴ - ۲ - ۱ (ضـرورت پلانسـازی) توضـیح نمـودیم کـه جهت اجرای تمام فعالیتهای درسـی در مکـتب به پلانسازی ضرورت است. پلان تعلیمی مکاتب پس از تصویب وزارت معارف

حتی به این اصطلاحات آشنا نیستند و آنرا یک نظر عملی و معقول تلقی میکنند. در بسیاری موارد کتابهای درسی صرف ارتباط آنان را با نظام تعلیمی و ضوابط عمده و اهداف آن قایم میکند و سایر معلمان مکتب نیز به همین شیوه با آن عمل میکنند. لذا آنها اکثراً در ماحول خود مثالهای بهتری از نظریات را مشاهده میکنند.

مگر معلمان باید به چیزهای خارج از کتاب های درسی شاگردان نیز توجه داشته باشند. آموزش علاوه بر داشتن کمیت و کیفیت دانش و شکل مناسب، مسلکی است که معلم در جهت انتقال دانش، مهارت و الفاظ خود به دیگران نیازمند است.

برای معلم لازم است تا مهارت های خواندن، نوشتن، رسم کردن و حل سوالات ریاضی را به صورت میخانیکی به هر شاگرد یا به گروپی از شاگردان منتقل سازد. آنان باید از لحاظ فردی و گروپی شرایط محیطی و روانی شاگردان خود را بدانند و آنرا مدنظر قرار دهند. معلمان باید از علاقمندی های شاگردان خود و هم از روابط آنها چه در محیط صنف، خانواده و جامعه معلومات داشته باشند. معلمان باید از ارزشهای خاص اجتماعی محیط خویش و موضوعات و اهدافی که مردم آنها را در محیط او اجتماع خویش مهم میشمارند آگاه باشند.

معلم باید در مورد نصاب تعلیمی اسلامی آگاهی کافی داشته باشد.

برای رسیدن به این مقاصد باید از آزادی های نسبی برخوردار باشند تا نصاب تعلیمی را به ملاحظهٔ کتاب درسی بهتر تدریس کنند؛ مگر طور مکمل به آن محصور نباشند. آنها باید در صنف به حیث معلمان مسلکی فعالیتهای درسی خود را به صورت مناسب و بهتر تنظیم کنند. فعالیتهای شان باید منحصر به صنف نباشد؛ بل که، باید تمام محیط مکتب را در بر داشته باشد. زیرا تعلیم و تربیه در جوامع رو به انکشاف وظایف زیادی را در قبال دارد. لذا معلمان باید چنان موضوعهای مختلفی را بدانند که با واقعیتهای زنده گی شاگردان ارتباط داشته باشد. خلاصه این که معلمان پیش از آن که به تدریس میپردازند باید به سوالهای ذیل پاسخ مناسب تهیه کنند:

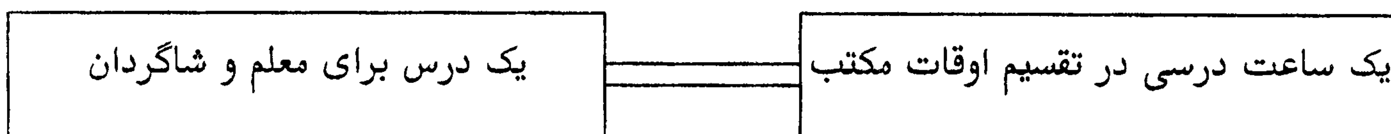
- این موضوع یا این مضمون و این مهارت را به کی بیاموزانم؟
- آموزش کدام مهارت و کدام معلومات برای این گروپ خاص حتمی است؟

بـه خاطر تطبیق به مکتب و معلم سپرده میشود. برای این که معلم یک درس خوب را به شاگردان تقدیم نماید، مجبور و مکلف است تا پلان درسی مضمونهای هر روز را قبلاً تهیه نموده و به اساس آن تدریس را پیش ببرد.

چون شاگردان در قالب درسها، کار روزانهٔ مکتب را تجربه مینمایند، پس بیمورد نخواهد بود که پیرامون سوالهای ذیل توجه خود را معطوف سازیم:

۱. چه چیز را درس گویند ؟

یک درس همیشه در یک ساعت درسی تدریس گردیده و از نگاه وقت مدت ۳۵ ، ۴۰ یا ۴۵ دقیقه را در بر میگیرد. تعداد ساعتهای درسی در هفته، از طرف مقام وزارت معارف تعیین گردیده وتقسیم اوقات مکتب مطابق آن ساخته میشود و معلم در چوکات تقسیم اوقات معین به تدریس میپردازد؛ طوری که در شکل ذیل نیز این موضوع نشان داده شده است:



پس گفته میتوانیم که درس در مکتب به حیث یک واحد اساسی عملیهٔ تدریس و آموزش به شمار میرود.

۲. چرا تنظیم و ترتیب درس ضروریست ؟

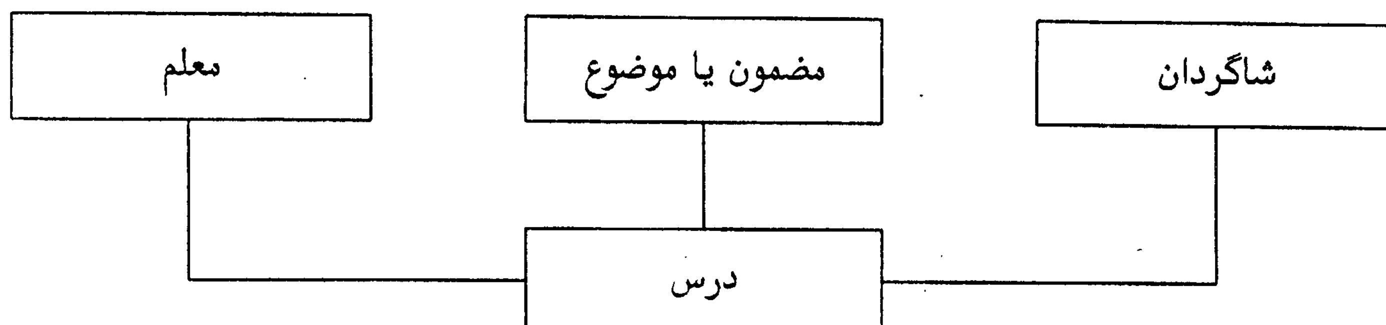
قبلاً گفتیم که یک درس در محدودهٔ وقت معین تنظیم میگردد. معنای آن اینست که، معلم هنگام ساختن پلان درسی و تدریس به وقت؛ منحیث یک عامل عمده و قوی توجه خویش را مبذول سازد. زیرا هر کار در محدودهٔ زمان انجام داده میشود مگر تنها در نظر داشتن وقت، یک درس را تثبیت کرده نمی تواند.

۳. عناصر و بخشهای سازندهٔ یک درس کدامهاست ؟

بخش نخست، گروپ مطلوب است. چون درس به شاگردان ساخته میشود، پس متضمن آنان نیز است. زیرا سن و سال و کمی و زیادی تعداد شاگردان بر یک درس تأثیر مهم را دارا میباشد.

بخش دوم، موضوع است که باید به مغز شاگردان انتقال داده شود. خواه یک پارچهٔ شعر باشد، خواه کدام تمرین ریاضی یا موضوع دیگر.

بخش سوم، خود معلم است که تمام عملیه / مراحل تدریس به آن وابسته میباشد. هرگاه به این بخشهای سه گانهٔ درس متوجه شویم، میبینیم که چگونه در یک درس با همدیگر ارتباط دارند:



الف) شاگردان :

در فصل سوم متذکر شدیم که شاگردان مراحل مختلف انکشاف را سپری نموده و هر مرحلهٔ ضرورتهای مشخص خود را دارا میباشند. اینرا هم تذکر داده بودیم که اطفال شخصیتهایی اند که دارای احساسها، عواطف و مفکوره های ویژهٔ خود اند. آنان مثل گدی ها نیستند که به خواست ما کنترول شوند. همچنین شاگردان به مثابهٔ ظرفهای خالی هم نمیباشند که از دانش پر کرده شوند. بل که، آنان به شکل دوامدار و مسلسل میآموزند و آنچه را که قبلاً آموخته اند اساس قرار میدهند.

بناءً شرایطی که در بالا ذکر گردید، باید هنگام ساختن پلان درسی و تدریس در نظر گرفته شوند. لازمست تا معلم هنگام تدریس، واقعیتهای سایکالوجیکی ذیل را در نظر داشته باشد:

- چون شاگردان تمرکز فکری خود را در یک مدت طولانی آموزش به دست آورده نمیتوانند. از این سبب برای شاگردان خوردسال مدت تمرکز فکری باید کوتاه باشد. پس به این اساس در یک درس باید فعالیتهای مختلف جا داده شود تا شاگردان تمرکز فکری خود را از دست ندهند.

- شاگردان تنها از راه شنیدن و گوش گرفتن نمیآموزند. بل که، از طریق دیدن و عمل کردن خوبتر آموزش میگیرند. همچنان هر قدر که در آموزش حواس آنها سهم داشته باشد، به همان اندازه بیشتر میآموزند. پس باید آموزش درس به شکل عملی به آنان نشان داده شود و لازمست که در هر گام / مرحلهٔ تدریس، فعالیتها به شکل متبادل (تبدیل شونده) پیش برده شود نه صرف به یک طریق.
- برای این که شاگردان در عمل و آموزش، مهارتهای مختلف خویش را انکشاف دهند، لازمست تا مهارتهای مختلف به شکل مناسب در یک درس جا داده شود. (به عنوان، مضمون و موضوع توجه کنید)
- شاگردان وقتی خوبتر میآموزند که در یک درس به شکل عاطفی (شوق و ذوق) سهم بگیرند و هم از طریق استعمال مواد درسی در گامها / مراحل مختلف تدریس، تشویق شوند.
- شاگردان وقتی به شکل بهتر میآموزند که فعالانه در درس سهم داشته باشند.

پس باید معلم علاوه از مرحلهٔ شنیدن، به تقویهٔ مهارتهای عملی شاگردان نیز توجه خویش را مبذول نماید و شاگردان را عملاً در درس سهم بدهد.

ب) مضمون / موضوع :

مضمونهای مورد تدریس شامل نصاب تعلیمی بوده، چوکات درس را به معلم نشان میدهند. در این چوکات به معلم موقع داده شده است تا از تصامیم و پلانهای خود کار گیرد. مضمونها به واحدهای کوچک (موضوعها) تقسیم گردیده و در اوقات معین بر اساس استعداد شاگردان تدریس آنها صورت میگیرد.

مضمونهای مکتب فرق داشته، پس باید به اساس روشها و میتودهای مختلف تدریس گردند. میتودهای درسی مختلف ایجاب وسایل (منابع / مواد درسی) مختلف را مینماید.

این موضوع را با ارائهٔ دو مثال ذیل واضح میسازیم :

مثال نخست :

در میتود قرائت چشمها و گوشهای شاگردان مشغول بوده آنان باید آواز های شنیدنی و علامه ها (حرفهای) قابل دیدن را در ساخت کلمه ها ترکیب نموده بتوانند. زیرا وقتی که شاگردان حرفها را میبینند، فوراً آوازهای آنها در ذهن شان تداعی گریده که سبب تلفظ کلمه میشوند.

این یکنوع عملیهٔ ذهنی بوده باید به شکل لفظی، طور خاموشانه یا از روی کتاب به آواز بلند تمرین شود.

مثال دوم :

در نوشتن، چشمها همراه با دستها فعالیت دارند. تقاضای این عملیهٔ آموزش چنین است که هر چیز قابل دید را اول چشم تشخیص نموده بعد به وسیلهٔ دست به حرکت میآورد. اینگونه نوشتن باید روی تخته های سلیتی یا مواد دیگر قابل نوشتن تمرین گردد.

مثالهای بالا نشان میدهد که برای آموزش مضمونهای مختلف، میتودها و مواد درسی مختلف ضرورت است. از مثالهای بالا معلوم میشود که تنها یک واحد کوچک یک مضمون (موضوع) در یک درس به کار برده میشود.

ج) معلم :

وظیفهٔ معلم است تا دو بخش مهم درس (شاگردان و موضوعها / مضامین) را با همدیگر مختلط نماید. موضوع باید مطابق ساخت داخلی خود طور مناسب تدریس شود. ضمناً نیازها و خواستهای شاگردان در نظر گرفته شود تا بار کارهای شان در عملیهٔ آموزش سنگین نشده سبب خستگی شان نشود.

وظیفهٔ معلم صرف پمپ کردن علم و دانش در مغزهای شاگردان نبوده. بل که، وی وظیفهٔ مهمتر ساختن پلان درسی، تنظیم کردن، رهنمایی کردن، کنترول کردن و کمک کردن را نیز به دوش دارد که غرض مزید معلومات این نکات در پایان توضیح میشود:

- معلم به حیث پلان ساز، اهداف تعلیمی و تدریسی را در پلان درسی تثبیت مینماید.

- معلم به حیث تنظیم کننده، مواد درسی و مراحل تدریس را آماده میسازد.

- معلم به حیث کنترول کننده، کار شاگردان، انکشاف و موفقیتهای آنانرا مطابق اهداف معین تعلیمی نظارت میکند.

- معلم به حیث کمک کننده، ضرورتهای درسی معقول شاگردان را تا حدود امکان برآورده میسازد.

هرگاه به نقش معلم در تنظیم درسها متوجه شویم، به این سوال که، عناصر و بخشهای متشکلهٔ یک درس کدامهاست؟ جواب مقنع ارائه کرده میتوانیم.

درس چگونه ساخته میشود ؟

از نگاه تعامل عمومی یک درس دارای سه بخش مناسب ذیل است:

۱. بخش فعالیتهای مقدماتی

۲. بخش فعالیتهای مرکزی یا عمده

۳. بخش فعالیتهای آخری / پایان درس

بخشهای مختلف یک درس را در شکل ذیل اینگونه میتوان نشان داد :

الف	
ب	
ج	

البته جهت به سر رسانیدن موفقانهٔ درس، تمام این بخشها مهم بوده و این بخشها را به تفصیل باید مطالعه کرد:

۴ - ۲ - ٦ - ۱: فعالیتهای مقدماتی / شروع درس :

در این بخش درس فعالیتهای مختلف انجام داده میشود. در ساعت اول صبح وقتی که معلم داخل صنف میگردد، به شاگردان سلام داده بعداً توسط یکی از شاگردان کلان سال آیاتی چند از

قرآن کریم را تلاوت نماید. البته این کار همه روزه به نوبت بالای شاگردان انجام داده شود. این کار از یکطرف به اهمیت آغاز درس میافزاید و از طرف دیگر، به یک عادت نیک و خوب بین شاگردان رواج می یابد. پس از آن به خاطر که خداوند جل جلاله در کارها برکت بیاندازد، لازمست تا معلم درس خود را با گفتن "بسم الله الرحمن الرحیم" آغاز نماید. اینگونه فعالیتها باید بسیار به اخلاص و آرامی از طرف معلم و شاگردان به انجام برسد. پس از آن شاگردان باید به اجرای فعالیتهای بخش اول درس آماده ساخته شوند که در این کار دو هدف ذیل نهفته است:

۱. آماده کردن

۲. ارتباط دادن موضوع درس به بخشهای قبلی و بعدی آن.

فعالیتهای آماده سازی با موضوع عمدهٔ درس ارتباط غیر مستقیم داشته و مطالب ذیل را افاده میکند:

- آماده نمودن ذهن شاگردان
- وادار نمودن آنان به سخن گفتن
- تکرار دانش قبلی به وسیلهٔ بازیها، معماها، قصه ها، مسابقات و امثال اینها.

در مضمون ریاضی به خاطر انکشاف چهار عملیهٔ جمع، تفریق، ضرب و تقسیم، حل سوالهای ساده باید جهت تربیت ذهنی در نظر گرفته شود. به خصوص تمرینهای ضرب زبانی و سوالهای تقسیم باید حل گردد.

تربیت ذهنی باید طور شفاهی بوده از تختهٔ صنف بسیار کم و یا هیچ کار گرفته نشود؛ طور مثال: معلم اعداد از ۱ تا ۱۰ را در اطراف محیط یک دایره بدون ترتیب بنویسد. بعداً عدد مضروب؛ مثلاً: ۳ را در داخل دایره نوشته کرده به اعداد خارج محیط دایره طور جداگانه و به ترتیب اشاره نماید. بدین ترتیب شاگردان سوالهای ضرب را طور شفاهی حل میکنند. البته معلم عدد داخل دایره را یک یا دو مرتبه باید تبدیل کند. اینگونه فعالیتها برای چند دقیقه هر روز اجرا شده میتواند.

در تدریس زبان و اجتماعیات، معلم میتواند که در شروع درس به شاگردان بزرگتر وقت مختصر بدهد تا گزارش کار خود را ارائه کنند. همچنین به شاگردان وقت داده شود تا تجارب روزانهٔ زنده گی و حالتهای اتفاق افتاده برایشان را بیان نمایند. این کار سبب نزدیکی شاگردان با مکتب میگردد.

بسیاری از بازیها و فعالیتهای دیگر هم وجود دارد که شاگردان میتوانند آنها را در وقفه های زمانی کوتاه اجرا نمایند؛ مثل:

- پیدا کردن حرفهای حذف شده از یک کلمه.
- پیدا کردن کلمه های همقافیه.
- پیدا کردن کلمه های متضاد.
- ساختن کلمه ها از حرفها و هجاهای نامرتب و تیت و پاشان.
- نوشتن کلمه های وابسته (زنجیری).
- یک کلمه با حرفی آغاز شود که کلمهٔ پیشتر از آن با همان حرف ختم شده باشد؛ مثل:

بابا - آب - باغ - غوره - هیل - لب و غیره. این بازی نه تنها که یک بازی بوده. بل که، لیاقت شاگردان را در مضمون زبان ازدیاد میبخشد.

فعالیتهای مرتبط و پیوست با یکدیگر اینهاست:

- مشاهدهٔ کار خانه گی (وقتی که کار خانه گی شاگردان دیده شده باشد و شاگردان به تکمیل آن موظف گردیده باشند).

- تعریف چیزی که در درس قبلی معرفی شده باشد، زیرا اجرای یک کار برای یکبار کافی نبوده و تکرار زیاد به حفظ کردن موضوعها کمک میکند.

- یاد کردن بعض موضوعهای درس قبلی و ارتباط دادن آن به موضوع مرکزی (عمدهٔ) درس نو.

قابل یاد آوری است که تمام این فعالیتها در یک درس انجام داده نشده، معلم باید فعالیتهای متناسب به درس را دلچسپ و متنوع سازد. برای‌هر قسمت درس باید در پلان درسی وقت تعیین شود.

۴ ـ ۲ ـ ٦ ـ ۲. فعالیتهای عمده :

فعالیتهای عمده باید موضوعهای نو را معرفی کند و یا موضوعهایی را تکرار، تقویه و تمرین نماید که قبلاً در صنف معرفی شده اند و یا تسلسلی از گامها و فعالیتهای قبلی باشند. این موضوع در گراف ذیل نشان داده شده است:

معرفی (مقدمهٔ درس)
اجرای گامهای مختلف برای رسیدن به موضوع اصلی درس
مشق وتمرین

معلم در بخش معرفی (مقدمهٔ) درس، شاگردان را آگاه سازد که چه باید بکنند. این کار به خاطر تشویق شاگردان مهم میباشد. زیرا بخش عمدهٔ تدریس، گام به گام و به شکل منطقی آغاز میشود. ترتیب این گامها در فصل (۴ - ۲ - ۵ طور مفصل آمده است. در پایان این فصل دو نمونهٔ پلان درسی آورده شده است. آنرا مطالعه کنید.)

۴ ـ ۲ ـ ٦ ـ ۳. فعالیتهای آخر / پایان درس :

امر حتمی است که فعالیتهای پایان درس باید مانند فعالیتهای مقدماتی و مرکزی درس پلان شود. ختم درس موقع آنرا میسر میسازد که آیا شاگردان به اهداف و مهارت مطلوب رسیده اند یانه؟ در پایان درس باید ارتباط درس نو با درس آینده در نظر گرفته شود. در یک درس مکمل و خوب، نتایج و کاستیهای آن باید سنجیده شود.

فعالیتهای بخش نهایی درس اینهاست:

- ملاحظهٔ کار شاگردان و به دست آمدن نتایج مطلوب.
- تشویق کردن شاگردان.
- جمع کردن کتابها و مواد درسی.

درس آخری باید هر روز طوری پایان یابد که در همان روز آغاز شده بود. لازمست که با شاگردان به طریق اسلامی و کلتور جامعهٔ افغانی خدا حافظی شود و بدین ترتیب یک روز درسی به شیوهٔ خوب به پایان رسانده شود.

مثالهایی از درسهای منظم :

در مثالهایی که از دو رهنمای معلم گرفته شده فعالیتهای سه گانهٔ یک درس منظم را طوری که در این درس هم تشریح گردیده است شناخته میتوانیم. ضمناً اجرای فعالیتهایی را هم در آنها ببینید که در پلان درسی وجود نداشته باشد. معنای آن اینست که، وقتی که معلم از این پلانهای درسی کار میگیرد درس خود را مطابق شرایط مناسب آماده سازد.

درس ریاضی صنف سوم با واحد درسی‌اول ارتباط داشته که باید با یک تکرار مختصر درس صنف دوم به آن نگاه شود.

دو درس پشتو در مورد "گدایی" به متن یک واحد درسی وابسته است.

چون کتابهای درسی شاگردان تمرینها ندارد، بناءً کتاب رهنمای معلم علاوه بر وظایف خوانش تمرینهای مختلف زبان را هم ارائه میکند.

۴ ـ ۳. فعال ساختن شاگردان از طریق به وجود آوردن فضای خوب و مناسب در صنف :

هر کار در شرایط مناسب به طور موفقانه انجام شده میتواند. چون تعلیم و تربیه از فعالیتهای ضروری و خواستهای مهم یک جامعه شمرده میشود، بناءً مانند دیگر ضرورتهای زنده گی انسان به ترتیب و تنظیم درست نیاز دارد. برای این که عملیهٔ تدریس به طور مؤثر در صنف تنظیم گردد؛ لازمست تا پیش از پیش برای آن آماده گی گرفته شود و تمام کاستیها و مشکلات باید از سر راه تعلیم و تربیه برطرف گردد تا تدریس مطابق مقاصد و اهداف مطلوب پیش برده شود. اینگونه سهولتها و فرصتها به معلم کمک میکند که برای پیشبرد عملیهٔ آموزش، فضای مناسب را در صنف آماده سازد.

نظم و فضای خوب صنف، راه را برای تدریس مناسب هموار ساخته؛ با شاگردان و معلمان در امر آموزش و تدریس بهتر کمک مینماید.

حفظ فضای خوب و ادارهٔ مؤثر در صنف، از مهارتهای بسیار مهم یک معلم مجرب به شمار رفته، بسیاری از معلمان با تجربه با این مفکوره معتقد اند که یک قسمت بیشتر ساعت درسی وقف حفظ نظم وفضای خوب در صنف میگردد. معلم مواد ذیل را که تا اندازهٔ بالای شاگردان و حفظ نظم و فضای صنف تأثیر دارد، در نظر داشته باشد :

تعدا شاگردان صنف، سهولتها، سلوک و نظر معلم، وظایف خانه گی و مسؤولیتها، شاگردان سوء تغذی، بیخوابی، مسافهٔ مکتب از خانه، نظر مردم محل در مورد رویه و دانش معلم، نظر معلم در مورد درس، عوامل تشویق کنندهٔ معلم و شاگرد که سبب حاضر شدن شان به درسها و محافل فرهنگی شود.

همچنین میتودهای درسی طور ناگهانی تغییر داده نمیشود، زیرا آشنایی شاگردان با میتودهای دیگر سبب پیدا شدن مشکلات به آنها میگردد. اگرچه که میتودهای جدید از نگاه تعلیم و تربیه مؤثر و مثبت هم باشد. از این لحاظ تغییر تدریجی میتودها کار خوب است. برای این که یک فضای آرام و نظم درست در صنف حاکم شود. معلم باید بداند که شاگردان نظر به اسباب و عوامل مختلف به درسهای مکتب حاضر میگردند.

برای ایجاد فضای سالم در صنف باید که شاگردان فعال ساخته شده و به نکات زیر توجه صورت گیرد:

الف) نظم و ترتیب ظاهری صنف (طرز نشستن شاگردان و موقعیت معلم):

برای این که فضای صنف آرام باشد لازمست تا معلم وضع صنف را با میتودهای درسی مناسب ترتیب و تنظیم کند.

ب) نصاب تعلیمی :

محتویات نصاب تعلیمی متناسب با استعدادها و ضرورتها و مطابق با شرایط ذهنی و فرهنگی افراد و اجتماع عیار میگردد. برای دلچسپی شاگردان با آموزش، نصاب تعلیی باید جالب بوده تا منتج به تأمین فضای آرام در صنف شود.

- موضوع تدریس من چه طور تنظیم شده است و من باید آنرا چه طور تنظیم کنم که سبب آموزش آسان و موثر گردد؟
- تمام این ملاحظات را چه طور بیامیزم که عملیهٔ بهتر تربیوی یا آموزشی را به میان آورم؟

برای اینکه تفاوت های نصاب تعلیمی، مفردات درسی و ساعات درسی تفهیم گردد.

مثالهای ذیل تهیه شده که صرف نمونهٔ کوچکی از کتاب درسی را از هر جهت تمثیل میکند.

نصاب تعلیمی مکاتب ابتدایی
(از صنف اول تا صنف ششم)

فارغان صنف ششم در مضمون ریاضی باید به موضوعهای ذیل پی ببرند:

- خواندن و نوشتن اعداد تا ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ .
- چهار عملیهٔ اساسی ریاضی (جمع، تفریق، ضرب و تقسیم).
- فیصد و کسر.
- طول و مساحت.

مفردات صنف اول :

با پیروی از نصاب تعلیمی فوق تفصیل مفردات مضمون ریاضی صنف اول از اینقرار است:

- فکر کردن در بارهٔ زیاد و کم.
- شمار کردن اشیا از یک تا ده.
- نوشتن اعداد از یک تا ده.
- نوشتن اعداد از یک تا صد.
- جمع کردن اعداد یک رقمی، جمع کردن اشیا و رقم ها.
- جمع کردن اعداد یک رقمی با اعداد دو رقمی.
- جمع کردن اعداد دو رقمی با دو رقمی.

ج) توقعات و محدودیتها :

معلم باید پس از موافقهٔ جامعه و مشوره با دیگر معلمان و هم مسلکان خود شاگردان را طور تحریری یا شفاهی از توقعات خود باخبر سازد. معلم باید نتایج مهم را به شاگردان ابلاغ نموده و مجازات کسانی را که از محدودیتها سر باز میزنند توضیح کند. معلم همیشه قوانین را مراعات نموده مواظب اجرای آن باشد.

د) سیستم به دست آوردن همکاریها :

معلم برای بهتر ساختن فضای صنف به یک سیستم به دست آوردن کمکها و همکاری نیز ضرورت دارد. به همین مقصد با اعضای اداری مکتب، معلمان و شاگردان باید تماس حاصل نماید تا فضای صنف را خوب بسازد. در این مورد دایر نمودن مجالس و کنفرانسها با معلم کمک زیاد نموده و بیشتر سهولتها و امکانات از طریق همکاریها و کمکهای مشترک فراهم شده میتواند.

هـ) طرز فکر (ترغیب معلمان) :

معلم باید ادعاهای خود را به وسیلهٔ نشان دادن لیاقت در تدریس و برقرار نمودن نظم و دسپلین در صنف ثابت کند. معلم باید به مداخلات بیمورد دیگران در عملیهٔ تدریس و آموزش اجازه ندهد. چون معلم نمونه و مثال اعلی برای شاگردان خود است، پس باید همانگونه توقعاتی که از شاگردان خود دارد از وی نیز شاگردان توقع میداشته باشند. معلم باید رسالت و تعهد خود را در برابر شاگردان ایفا نموده تا باشد که این گونه طرز تفکر وی بالای طرز تفکر شاگردان نیز تأثیر مثبت وارد نماید.

و) پالیسی (امور معمولی درس) :

وظایف و فعالیتهای منظم درسی؛ مثل: ساختن پلان درسی، در نظر داشتن وقت، طریقهٔ داخل و خارج شدن شاگردان در صنف، آماده کردن مواد درسی و آماده گی به درس همهٔ اینها بالای فضای صنف تأثیر داشته ضمناً معلم شاگردان را از انجام دادن امور مربوط شان باخبر سازد.

ز) نقش معلم هنگام تدریس :

آن عـده معلمانی که با دانش مسلکی مجهز بوده و با فصاحت و بلاغت تدریس میکنند و ضمناً از میـتودهای مؤثـر و مـواد درسـی اسـتفاده مینمایـند، فضـای مناسـب را در صـنف حفـظ نمـوده میتوانند.

ح) پالیسی و اهداف عمومی :

معـلم باید نظم صنف را در تمام شرایط حفظ نموده نه از طریق لت و کوب شاگردان بل که، از طـریق سـلوک مناسب به سوالهای شاگردان پاسخ ارائه کند. درس در حالت بی نظمی صنف داده نشـود بـل کـه، معلم انتظار بکشد تا نظم در صنف دوباره اعاده شود و درس خود را با آواز نرم و ملایم پیش ببرد. معلم باید در حفظ نظم و انضباط از دیگر مسؤولان مکتب نیز کمک بخواهد.

ط) رویه با شاگردان ترسو :

شـاگردانی کـه مشـکلات دارنـد باید پهلوی هم شانده نشوند. به شاگردان تفهیم شود که وقتی نـزدیک رفقـای خـود نشسـته میتوانند که رویه و سلوک مناسب داشته باشند. معلم باید وقت زیاد خود را با شاگردان ترسو ضایع نکند. هرگاه مشکل شاگردان ترسو در صنف حل نگردد، لازمست تـا معلم با آنان بیرون از صنف صحبت نماید. در این مورد کنفرانسها هم دایر شده میتواند. هرگاه بـه شـکل بـالا رویـه صـورت گیرد، آرزو میرود که طرز تلقی شاگردان تبدیل شده و معلم به درس خود ادامه دهد.

ی) استفاده از انضباط لازم :

قوانـین انضـباطی بـرای حفـظ حقوق تحصیل امر مهم بوده؛ مگر انضباط در صنف نباید هدف اصلی تلقی گردد. بعضی از صنفها نسبت به دیگران به انضباط بیشتر ضرورت دارند مگر لازمست که معلم از حد اعتدال کار گرفته و به این ترتیب، فضای صنف را به درس آماده سازد.

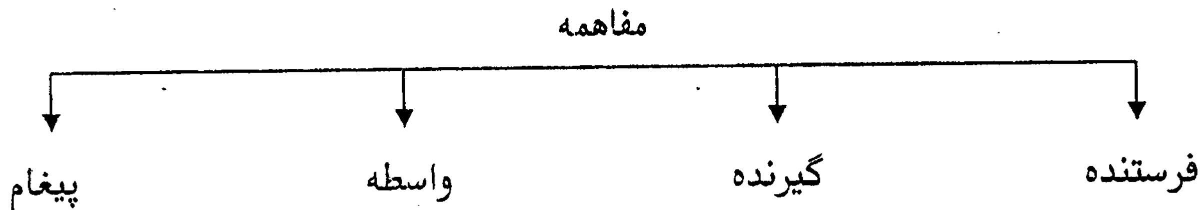
۴ ـ ۳ ـ ۱. تفاهم و روابط بین معلم و شاگردان :

ایجاد روابط حسنه بین معلم و شاگردان از مهارتهای مهم عملیهٔ تدریس به شمار میرود. از نگاه تعلیم و تربیه، فعالیتهای شاگردان در صنف و کاربرد میتودهای درسی بدون موجودیت و حفظ روابط نیک و خوب بین معلم و شاگردان امکان پذیر نیست. گرفتن تماس چنان مهارتی است که بین معلم به حیث فرستندهٔ معلومات و شاگردان به حیث گیرندهٔ معلومات برقرار میگردد. معلم مسؤولیت دارد تادانش را به شاگردان از طریق مفاهمه انتقال داده آنان را تعلیم و تربیه دهد. این عامل مهم (مفاهمه) در ذیل تشریح میشود:

مفاهمه :

تبادل نظر و معلومات بین دو جانب را مفاهمه گویند. یا به عبارت دیگر، عملیهٔ خطابه و شنیدن را هم مفاهمه نامیده اند.

مفاهمه دارای چهار بخش ذیل است :



الف) فرستنده :

منبع صادر کنندهٔ پیغام را "فرستنده" گویند. در مکتب معلم فرستنده میباشد. زیرا معلومات و دانش را به شاگردان خود صادر میکند.

ب) گیرنده :

کسی که پیغام را اخذ میکند "گیرنده" نامیده میشود. در یک ساعت درسی شاگردان گیرنده اند. زیرا معلم جمله های امری، خبری، منفی، تأکیدی و پرسشی خود را به لحن های مختلف به شاگردان انتقال میدهد. مگر وقتی که شاگرد مشکل خود را به مقصد حل آن با معلم در میان

میگذارد در این حالت معلم گیرنده میباشد. چون معلم و شاگرد در یک ساعت درسی فرستنده وگیرنده میباشند، پس وظیفهٔ معلم است تا هم گویندهٔ خوب، و هم یک شنوندهٔ خوب قرار گیرد.

ج) واسطه (کانال) :

پیغام فرستنده به گیرنده توسط یک وسیلهٔ انتقال داده میشود؛ به حیث مثال: معلم موضوع درس را توسط سخن و گفتار به شاگردان میفرستد. در اینجا سخن گفتن را واسطه میگویند. زیرا گیرنده ها به وسیلهٔ گوشها و حس شنوایی خود میشنوند و درک میکنند. پس شنیدن کانال سخن و بیان بوده سخن گفتن واسطهٔ آنست. اما وقتی که شاگردان کتاب میخوانند در این حالت حرفها، کلمه ها و جمله ها را به واسطهٔ چشمهای خود میبینند. در اینجا زبان نوشتار به حیث واسطه و دیدن به حیث کانال بوده قسم اول را کانال سمعی و قسم دوم را کانال بصری مینامند.

د) پیغام :

پیغام سخن و بیان موضوع را گویند که توسط گوینده یا فرستنده به گیرنده به شکل شفاهی یا تحریری فرستاده میشود.

هر پیغام باید به شکل شفر (کود) یا کنایه صادر گردیده و گیرنده آنرا تعبیر و تفسیر نماید. پس شفر /رمز علامهٔ است که پیغام در قالب آن فرستاده میشود. زبان نیز یک سیستم رمزی و شفر (کود) بوده و کسی که پیغام زبان شفاهی را میگیرد باید آن زبان را بفهمد و تعبیر و تفسیر کرده بتواند. فرستندهٔ پیغام پیش از ارسال شفر (کود) باید بداند که آیا گیرنده آنرا تعبیر و تفسیر کرده میتواند یا خیر؟ در صورت نفهمیدن و تفسیر نکردن گیرنده شفر را، مفاهمه صورت نمیگیرد. بناءً معلم پیغام خود را باید قسمی به شاگردان ارسال نماید که شاگردان آنرا بفهمند. یعنی زبان ساده را به کار برده و اگر از سویهٔ شاگردان بالاتر صحبت کند بین معلم و شاگردان رابطه و تفاهم برقرار نمیشود؛ طور مثال: هرگاه یک معلم با شاگردان خود، که زبان مادری شان پشتو باشد، به زبان انگلیسی صحبت کند یا اینکه لغتها و جمله های ثقیل را در گفتار خود به کاربرد، شاگردان به سخنان وی هیچ نفهمیده ذهناً خسته شده و درس را خوب نمیآموزند و خوش شان نمیآید.

تفاهم تا زمانی به شکل خوب صورت نمیگیرد که :

* پیغام به مقصد رسانده نشود :

گاه گاه پیغام به گیرنده نمیرسد، طور مثال: با به وجود آمدن مشکلات فنی و تخنیکی در وقت شنیدن رادیو، یا تبدیلی موج هوا، یا وقتی که کسی از مسافهٔ دور صحبت کند و کانالهای انتقال دهنده درست کارنکند، در این حالتها پیغام به شکل درست به گیرنده نمیرسد. لازمست که معلم یک فضای منظم و آرام را آماده سازد تا پیغام طور مناسب انتقال یابد و مفاهمه به شکل مؤثر صورت گیرد. اگر فضای صنف نا آرام و بی نظم باشد، پیغام معلم (درس) به شاگردان به صورت صحیح نمیرسد.

* پیغام فهمیده نشود :

یعنی وقتی که گیرنده پیغام را بگیرد مگر به آن نفهمد. در این حالت شاید پیغام در قالب رمزها ارائه شده باشد و گیرنده به حل آن موفق نشود. در وقت تدریس استعمال کلمه ها و جملات مغلق و پیچیده و زبان مبهم نیز باعث نافهمیدن پیغام میشود.

* وقتی که پیغام تمرین نشود :

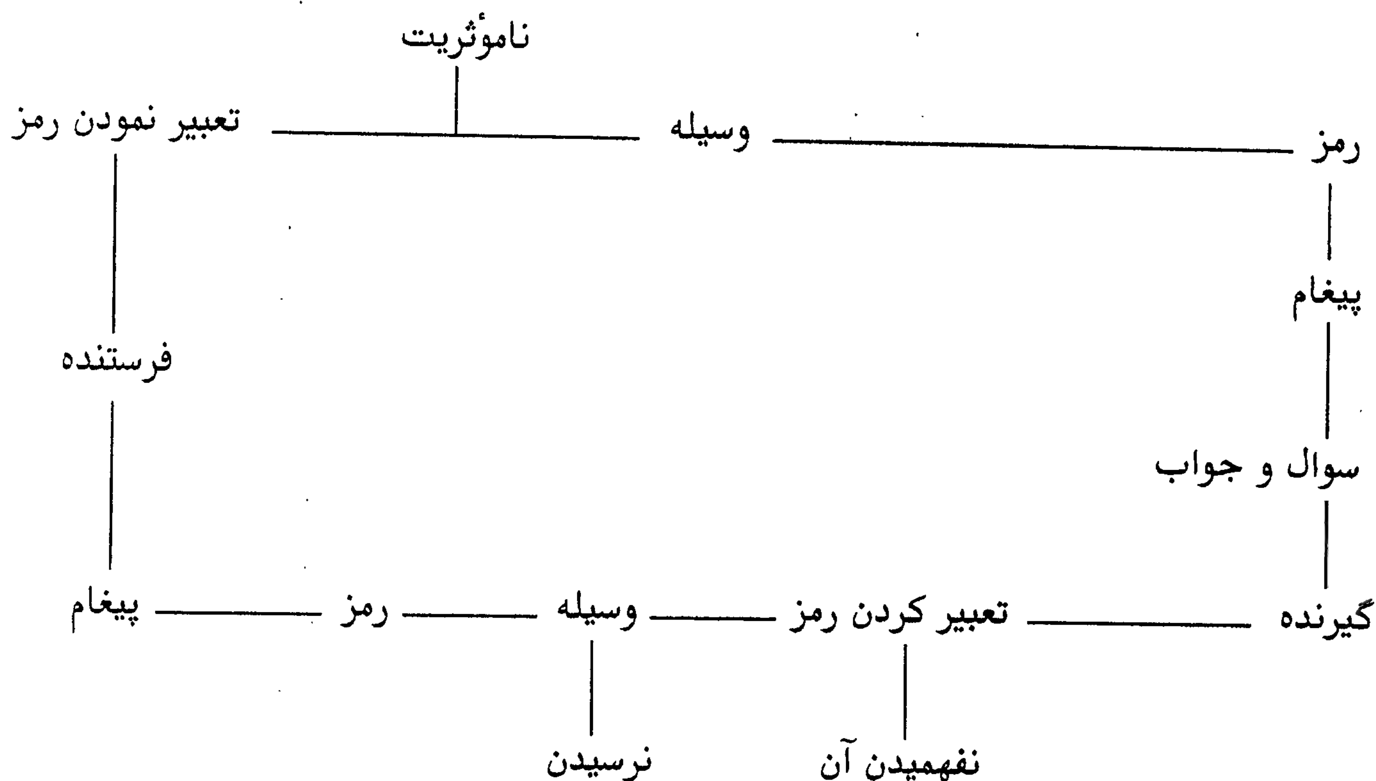
این طوری است که، گیرندهٔ پیغام از استعمال آن عاجز باشد، مثلاً: کسی که اخبار رادیو را میشنود و آنرا به دیگران تشریح کرده نتواند.

راههای خوب ساختن مفاهمه :

- هرگاه پیغام به گیرنده نرسد، باید کلمه ها تکرار، آواز بلند و موجها صاف ساخته شود.
- هرگاه گیرنده پیغام را نفهمد باید زبان به شکل ساده و آسان استعمال شده و از طریقه های دیگر مثل: مواد تکمیل کننده و غیره کار گرفته شود.
- هرگاه گیرنده پیغام را به دیگران رسانده نتواند باید تعقیب دوباره (فیدبیگ) صورت گرفته و معلم شاگردان را ارزیابی نماید. یا این که پیغام گرفته شده تشریح گردد یا برای این کار

معلم برای تطبیقات یک ساعت درسی را اختصاص دهد تا شاگردان مضمون خوانده گی خود را تمرین نمایند.

در شکل پایین دوران مفاهمه نشان داده شده است:



میتودهای مفاهمه :

مفاهمه دارای سه گونه میتود است :

۱. شفاهی

۲. کتبی (تحریری)

۳. اشاری یا غیر شفاهی و غیر کتبی

از موضوعهای بالا میتوان فهمید که در یک ساعت درسی معلم باید از طریق مفاهمه با شاگردان تماس گرفته و عواملی را که باعث ایجاد مشکلات تماس گیری بین معلم و شاگردان میشود مرفوع سازد.

- عواملی که در صنف باعث ایجاد مشکلات (معلم) یا فرستندهٔ پیغام میشود از اینقرار است:

آواز و لهجهٔ معلم، بی مفهومی مفکوره، نا رسایی حواس بینایی و شنوایی وی و آشنا نبودن معلم به میتودهای تعلیی و تربیتی و عدم تسلط بر مضمون درسی.

- عواملی که به گیرندهٔ پیغام (شاگردان) مشکل ایجاد نموده و مفاهمه را مغلق میسازد اینها اند: مشکلات روحی و بدنی، خفگی، ترس، شرم، ناتوانی استعداد و سویه، مشکلات در گفتار یا بیان و ناتوانی حواس سامعه و باصره و غیره.
- عوامل و وسایلی که باعث ایجاد مشکلات به فرستندهٔ پیغام (معلم) میشود عبارتند از: تهیهٔ نادرست و عدم معیاری چارتها و دیگر وسایل تدریس، سردی و گرمی بیش از حد صنف و امثال اینها.

تا اینجا بالای عواملی بحث صورت گرفت که باعث وارد نمودن تأثیر منفی بر مراحل مختلف مفاهمه میشوند. همچنین لازمست تا عواملی را که سبب تأثیر مثبت بر مفاهمه میگردند و دلچسپی و تشویق را بین معلم و شاگردان در عملیهٔ تدریس بار میآورند، به خوانش گیریم:

- احترام متقابل بین معلم و شاگردان.
- معلم باید نمونه و مثال اعلی برای شاگردان باشد.
- استفادهٔ معلم از صدای صاف و رسا.
- مشاهده نمودن وضع صنف توسط معلم.
- کمک نمودن معلم با شاگردان در وقت ضرورت.

۴ - ۳ - ۱ - ۱. معلم باید تمام شاگردان را به یک نظر ببیند :

در عملیهٔ مفاهمه و تربیت، معلم و شاگردان هردو سهم داشته و هر کدام دارای خواستها، محدودیتها و حقوقی نیز میباشند. برای به وجود آمدن تعادل معلم باید تمام خواستها و نیازهای شاگردان را با جبین گشاده بپذیرد؛ مثلاً: هرگاه یک معلم نسبت به خودش از دیگران توقع احترام و مهربانی را دارد، پس لازمست تا خودش نیز در مورد دیگران مهربان باشد.

معلم باید دورهٔ متعلمی خود را به یاد آورده نسبت به شاگردان احترام و مهربانی داشته، موقف و ارزش آنانرا حفظ و رعایت نماید. آنگاه شاگردان نیز احترام وی را میداشته باشند. همین

گونـه معـلم بـاید نسبت بـه شاگردان خویش دلسوز و صمیمی بوده؛ بداند که شاگردان در مرحلهٔ تکامل و رشد قرار دارند و سلوک و اخلاق در همین مرحله در آنان تشکل میپذیرد.

در صـورت احـترام و صـمیمیت معـلم بـا شـاگردان؛ فضـای صـنف از دوسـتی و محـبت مملو میگردد. در این مورد نکات آتی را باید در نظر داشت:

- اگـر یـک معلم از شاگردان توقع دارد که توصیه ها و سخنان وی را بشنوند، پس خودش هم بـاید بـه سـخنان شـاگردان گـوش فـرا داده تـا باشد که مفاهمه به شکل دو جانبه و درست صورت پذیرد.
- اگـر معـلم از شـاگردان آرزوی رعایت نمودن نظم و قانون را دارد، خودش نیز باید به نظم و قانون مکتب پابندی داشته باشد.
- اگـر معلم به خود شخصیت قایل بوده و خود را بزرگ یک جمعیت شاگردان حساب میکند، پس باید به شخصیت شاگردان نیز ارزش قایل شده رعایت خاطر آنانرا داشته باشد.
- معـلم بـاید از شـاگردان انجـام کارهـایی را توقـع نمـاید که آنان استعداد و توان اجرای آنرا داشته باشند.
- بعـض اوقـات چنین اتفاق میافتد که شاگردان با اعمال خود سبب خشم و قهر معلم میگردند کـه شـاید ناشـی از خـورد سـالی و کم تجربه گی آنان باشد. در این حالت لازمست تا معلم اعصاب خود را کنترول نموده آنانرا نصیحت نماید.

هـر معـلمی کـه نکـات ذکـر شده در بالا را رعایت کند، در نزد شاگردان خود یک معلم نمونه شناخته میشود.

۴ ـ ۳ ـ ۱ ـ ۲. معلم به حیث سرمشق به شاگردان :

در مـورد "سرمشـق" بـزرگان دین، دانشمندان، روانشناسان و متخصصان تعلیم و تربیه سخنان فـراوانی را توضـیح داده از خـلال توضـیحات آنها هویدا میشود که معلم جهت رسیدن به اهداف مطـلوب و مقاصـد تعلـیمی و تربیـتی نقـش ارزنده و سهم بس مهمی را در تعلیم و تربیه ایفا نموده میتواند.

طوی که از نام و مقام معلم پیداست؛ وی باید نمونهٔ از شخص با ایمان و عقیده و شخص با تقوا، صاحب اعتماد و فضیلت باشد. معلم باید نمونه و سرمشق مهربانی، محبت و شفقت نزد شاگردان باشد. معلم با وجود مسؤولیتها و تعهداتی که دارد باید به نقش خود هم متوجه شود. وظیفهٔ معلمی بر آن عده ارزشهایی تأثیر وارد میکند که در تشکل شخصیت شاگردان نقش مهم را دارا بوده سپس شخصیت شاگردان به نوبهٔ خود در سرنوشت آیندهٔ اجتماع نقش کلیدی را ایفا مینماید. معلم باید در مقابل تعلیم و تربیه احساس مسؤولیت کرده؛ بدانند که این احساس مسؤولیت وی از ارزش همیشگی و مؤثری برخوردار است. باید دانست که یکی از اسباب موجودیت نقایص و کاستیها در عادات و خصلتهای خوب شاگردان اینست که والدین در تربیهٔ آنان کمتر توجه میکنند. این معلم است که میتواند با مهارت و توجه خاص در رفع این نقیصه بکوشد.

معلم / تربیت کننده، حیثیت رهنما را برای شاگردان داشته باید عادات خوب و خصلتهای پسندیده را از خود تبارز دهد تا شاگردان به اثر تقلید از معلم خود نمونهٔ اعلایی از فضیلت، سخاوت، اخلاق نیک، لطف و مهربانی، پاکی، عدالت و شجاعت در جامعه باشند.

معلم (زن / مرد) باید وظیفهٔ بزرگ خود را درک نموده به حیث یک رهنمای مسؤول و با ایمان علاوه بر مسایل تعلیی و تربیتی و مضمونهای مکتب شاگردان را با روحیهٔ صداقت، ایمانداری، پاکی و فضایل اخلاقی نیز تربیت نماید. زیرا ذهن شاگردان در خورد سالی به اخذ هر گونه پیغام آماده میباشد. پس معلم باید بداند که حیثیت سرمشق را به شاگردان داشته آنان از تمام اعمال وی تقلید مینمایند.

در اینجا لازمست که با درنظرداشت تمام ارزشهای جامعهٔ اسلامی بعض صفات یک معلم خوب را بیان نماییم:

۱. از نگاه اسلامی یک معلم باید:

- یک مسلمان با فضیلت باشد.
- دارای خصلتها و اخلاق نیک باشد.

- با حوصله، صبور و حلیم باشد.
- انسان راسخ، صادق، مهربان و با ایمان باشد.
- با شریعت اسلامی آراسته باشد.

۲. در اجتماع به نام نیک شهرت داشته باشد.

۳. با اوضاع اجتماع و محیط آشنا باشد.

۴. از طریق وسایل ارتباط جمعی؛ چون: رادیوها، روزنامه ها و مجلات از اوضاع جاری در جهان آگاه باشد.

۵. از نگاه تدریس یک معلم خوب باید به نکات آتی توجه داشته باشد:
- برای هر درس اهداف خصوصی را در نظر گیرد.
- شاگردان را به درس آماده سازد.
- میتودهای مناسب را برای تدریس انتخاب و استعمال کند.
- شاگردان را در سهمگیری فعالانه در درس تشویق نماید.
- به شاگردان به شکل عملی تدریس نموده آنانرا تربیت کند.
- مواد درسی را آماده کرده از آن استفادهٔ معقول به عمل آورد.
- توجه شاگردان را به درس معطوف ساخته، نظم را در صنف تأمین نماید.
- شاگردان را تشویق نموده و در موقع لازم تنبیه هم کند.
- به آواز مناسب و بلند و مطابق سویهٔ شاگردان درس بدهد.
- قوانین و لوایح تعلیمی و تربیتی را رعایت و در تطبیق آنها بکوشد.

٦. معلم باید در زنده گی و سلوک شاگردان تغییرات مثبت و مطلوب را وارد سازد تا باشد که:
- روحیهٔ اسلامی و اخلاقی آنان هرچه بیشتر تقویه گردد.
- به خانواده و جامعهٔ خود مفید ثابت شده؛ به وطن خدمت نموده از آن حفاظت کنند.
- در برابر تعلیم و تربیه روحیهٔ احترام را داشته باشند.

- تفریق اعداد یک رقمی از اعداد یک رقمی.

- تفریق اعداد یک رقمی از اعداد دو رقمی.

- حاصل و یا قرض کردن از ده در عملیهٔ جمع و تفریق.

فهرست بالا بعضی از موضوعها و مهارتهای حتمی را واضح میسازد که شاگردان منحیث مفردات ریاضی صنف اول باید در ختم صنف اول آنها را بیاموزند.

کتاب درسی :

زبان کتاب های درسی بر اساس صنوف ابتدایی طوری که برای شان تهیه شده تغییرات زیادی را ایجاب میکند. وظیفه های نمونه یی در بسیار کتابها این طور است:

- اعدادی را بنویسد که در بین ۷۳ و ۹۱ واقع باشند.

- محاسبهٔ ذیل را تکمیل کنید.

۷ ـ ۳ = ؟　　　　　　۱۷ ـ ۳ = ؟

دیده میشود که زبان کتاب درسی با زبان نصاب تعلیمی و مفردات تفاوت زیاد دارد. هرسه مشترکاً در بارهٔ همان موضوعی که باید تدریس شود معلومات کامل ارایه میدارند؛ مانند یک سوال ریاضی، یا یک سوال زبان.

معلمی که صرف کتاب درسی را به کار میبرد، معلومات خود را بیشتر بر مبنای غیر مسلکی محدود میسازد. هرگاه با نصاب تعلیمی و مفردات آشنایی داشته باشد آنگاه تدریس وی نهایت مؤثر خواهد بود.

هرگاه معلم دارای آواز و لهجهٔ خوب باشد، درسش قابل فهم بوده جذاب و دلپسند میباشد. آهنگ سخنانش باید یکنواخت نبوده؛ یعنی، گاهی بلند و گاهی پایین باشد. معلم باید هر جمله را با احساس ادا نماید تا سبب جلب توجه شاگردان شود.

معلم باید در وقت تدریس، در بارهٔ کار گیری از زبان و آواز نکات ذیل را مراعات کند:

- روبه روی شاگردان، طور واضح و آهسته باید صحبت نماید.
- به زبان ساده و آسان باید صحبت کند.
- در وقت صحبت باید به تمام شاگردان توجه کرده به وسیلهٔ چشم همه را کنترول نماید.
- به تغییر آواز و توقف در جاهای مناسب متوجه باشد.
- در وقت صحبت باید به همه کنج و کنار صنف نظر انداخته و از حاضری همه شاگردان آگاه باشد.
- به شاگردان هم موقع صحبت و سخن زدن را بدهد.
- به سخنان شاگردان باید به دقت گوش فرا دهد.
- در وقت سخن زدن باید آرام بودن شاگردان را ارزیابی نماید.
- مثالهای واقعی را ارائه نموده، قصه ها را بیان و فعالیتهای جالب را اجرا نماید.
- در وقت سخن زدن باید به نکات مهم آن تأکید نماید.

علاوه از رعایت نکات بالا، معلم باید به زبان مادری شاگردان و یا به زبانی که آنان حد اقل آشنایی دارند و میفهمند؛ صحبت کند در غیر آن، مفاهمه به شکل درست صورت نگرفته و نتیجهٔ مطلوب را بار نمیآورد.

۴ - ۳ - ۱ - ۳. مراقبت و همکاری :

تدریس هر مضمون اهداف خاص داشته معلم باید پلان آنرا طوری تهیه نماید که در پایان درس به هداف مطلوب قبلاً در نظر گرفته شدهٔ خود برسد. البته معلم پس از ارزیابی شاگردان در این مورد مطمین میگردد. در تعلیم و تربیه یکنوع ارتباط تفاهم بین معلم و شاگردان وجود دارد.

هـرگاه این ارتباط به اندازهٔ کافی قوی و ثابت نباشد، عملیهٔ آموزش طور لازم به سر نمیرسد و این کار باعث ایجاد نا امیدی و خستگی در معلم و شاگردان میگردد.

تـنها ارزیـابی و آگـاهی از مشکلات تعلیمی و تربیتی شاگردان کافی نبوده؛ بل که، معلم باید مشـکلات شـاگردان را رفـع و غـلطیهای شانرا اصلاح سازد. عملیهٔ تربیت باید به شیوهٔ بهتر و به اسـاس تفـاهم سالم پیش برده شود. جهت آگاهی از این موضوع لازمست تا در قدم نخست به سه پرسش ذیل پاسخ ارائه گردد:

۱. چرا کار شاگردان را ارزیابی میکنیم؟

۲. اشتباهات و کمبودیهای شاگردان چگونه اصلاح و تکمیل شده میتواند؟

۳. مفاد اصلاح کردن پس از ارزیابی در چیست؟

اول) چرا کار شاگردان را ارزیابی میکنیم ؟

جواب :

- برای این که فعالیتهای شاگردان را تأیید نماییم.
- برای این که در فعالیتهای سپرده شده، استعداد و لیاقت آنانرا معلوم کنیم.
- برای مطمین شدن از عملیهٔ تدریس (به اهداف درس تا چه اندازه نزدیک شده ایم؟).
- برای این که به شاگردان اهمیت کار سپرده شده را نمایان کنیم.
- بـرایارزیابی از میتودهای درسی، مواد درسی و وقت که در پلان درسی در نظر گرفته شده اند.
- برای مرور کردن مشکلات شاگردان در فعالیتهای انجام دادهٔ آنان.
- ایـن کار در جهت پیدا نمودن راههای رفع مشکلات شاگردان در پروسهٔ مفاهمه و آموزش به ما یاری و کمک میرساند.

دوم) اشتباهات و کمبودیهای شاگردان چگونه اصلاح و تکمیل شده میتواند؟

جواب :

- وقتی که شاگردان در حل مشکل شان توسط معلم احساس توهین نکنند.
- وقتی که شاگردان حل یک مشکل را دستیاب کنند.
- وقتی که یک شاگرد از حل مشکل عاجز بوده و از شاگردان دیگر در حل آن کمک بخواهد.
- وقتی که یک شاگرد مشکل را حل نتوانسته و معلم با وی کمک نماید.
- وقتی که مشکل حل گردیده و شاگردان آنرا تکرار کنند.

سوم) پس از ارزیابی مفاد اصلاح کردن چیست؟

جواب :

- مشکلات شاگردان حل میگردد.
- عملیهٔ مفاهمه در پروسهٔ تدریس به سوی اکمال شدن پیش میرود.
- کمک معلم به شاگردان مفید ثابت شده و در وقت حل کردن مشکل وارخطا نمیشود.
- در صنف نظم و انضباط خوب را برقرار میسازد.
- در صنف یکنوع فضای سالم همکاری را به وجود میآورد.
- به تجارب مسلکی معلم در آینده کمک مینماید.
- مسؤولیت معلم در رابطه به شاگردان به انجام میرسد.

۴ ـ ۳ ـ ۱ ـ ۴. کمک با شاگردان در موارد خاص :

بسیاری از شاگردانی که به تعلیم و تربیه علاقه دارند، برای رسیدن به این هدف به کمک خاص معلم ضرورت میداشته باشند؛ طور مثال: بعض درسها برای شاگردان مشکلاتی را بار میآورند. پس بر معلم است تا به شاگردان توجه خاص خود را مبذول نموده، مشکلات شانرا

تشخیص و راههای حل آنها را جستجو نماید. عدهٔ از شاگردان هنگام خوانش متن در هجای بعضی کلمه ها مشکلات میداشته باشند و بعضی دیگر در تنظیم نمودن کارهای خود. یک معلم ماهر و با تدبیر با این نوع شاگردان کمک و رهنمایی میکند تا مشکلات شانرا خود شان حل نمایند. زیرا مقصد اصلی تعلیم و تربیه حل مشکلات شاگردان توسط معلم نبوده بل که، معلم باید در حل مشکلات شاگردان را رهنمایی کند تا مشکلات شانرا خود شان هم حل نمایند.

طوری که میدانیم کشور ما یک دورهٔ ویرانگر جنگ را سپری نموده و از هر نگاه دچار پریشانیها و مشکلاتی شده است و بسیاری اطفال از اثر استعمال سلاحهای مختلف و ماینهای مخرب و بمباردمانها معیوب و معلول شده؛ عدهٔ آنها دستها، چشمها و یا حس شنوایی و سایر اعضای بدن خود را از دست داده اند و به تعداد دیگر آنها مشکلات جدی دیگری رونما گردیده است. پس باید با اینگونه اطفال کمک صورت گرفته تشویق شوند. وظیفهٔ معلم است تا به آن عده شاگردانی توجه کند که مشکلات خاص دارند. هرگاه معلم به تنهایی قادر به چنین کاری نشود باید در این زمینه ازاشخاص دیگر، مثل: اداره، معلمان، مقامات ذیصلاح، مؤسسات صحی و خیریه، بزرگان قوم و اولیای شاگردان کمک بخواهد.

طوری که تفصیلات بالا موارد وسیع کمک را احتوا میکند، شاید مورد تأیید دیگران واقع نشود. ما در اینجا چند حالت از مشکلات و تقاضاهای خاص را تشریح میکنیم؛ مثلاً:

معلم باید بداند که با آنعده شاگردانی که تکلیف بینایی یا شنوایی یا لکنت زبان دارند، چگونه کمک نماید. البته در این مورد شیوه های مؤثری وجود داشته؛ مگر یک طریقهٔ سادهٔ کمک به آنانی که حس شنوایی ضعیف دارند اینست که معلم علاوه از کمکهای صحی میتواند که چنین شاگردان را در جای مناسب یا در قطار اول صنف بنشاند تا سخنان معلم و همصنفان خود را به آسانی بشنوند. همینگونه شاگردی که حس بینایی ضعیف دارد علاوه بر کمکهای طبی با او، یک طریقهٔ ساده چنین است که: در صنف در جایی شانده شود که از انعکاس نور چشمهایش اذیت نگردد؛ بدین ترتیب، اگر شاگردی لکنت زبان داشته باشد باید بیشتر وقت را در نوشتن و کارهای عملی سپری نماید و در صورت لزوم پرسشهایی از وی به عمل آید که صرف جواب آن "بلی" و "نی" باشد و بس. سپس به تدریج برایش زمینهٔ سخن زدن مفصل آماده ساخته شود.

۴ ـ ۳ ـ ۱ ـ ۵. مکافات و مجازات :

بعض اشخاص بدین باور اند که تشویق با آموزش انفرادی وابسته بوده و در صورت ارتکاب کدام عمل خلاف، از دادن مجازات در اینگونه موارد خود داری به عمل آید. به اساس همین عقیده مکافات و مجازات تهداب تعلیم و تربیه را تشکیل نموده و تمام معلمان طور آشکار یا نهانی از مکافات و مجازات در صنف خود کار میگیرند؛ مثلاً: وقتی که پدر یا مادر ملتفت شوند که طفل شان به مطالعهٔ کتاب علاقه نشان نمیدهد، برای تغییر این وضع پدر به طفل خود وعده میدهد که هرگاه یک کتاب را از اول تا آخر بخواند، برایش ۲۰ افغانی بخشش میدهد. همچنین طور اخطار گونه میگویدکه هرگاه به سوالهای کتابهای خوانده گی خوب جواب درست ارائه نکند، برایش پول نمیدهد. این پلان وی بسیار موٌفقانه و موٌثر بوده شاید طفل ۱۰ کتاب را در مدت دو ماه بخواند. با وجودی که دردو ماه گذشته قطعاً هیچ کتابی را مطالعه نکرده است.

پس از مدتی پدر و مادر در مقابل خواندن کتاب به پسر خود دادن پول را متوقف میسازند. در این حالت طفل فکر میکند که در مقابل مطالعه، پول گرفتن حق وی است و زمانی که پدر برایش پول ندهد، طفل هم به خوانش کتابها علاقه نشان نمیدهد.

در این مثال، عامل تشویق کننده یکنوع انگیزهٔ خارجی بوده و توقع مکافات هم در آن وجود دارد، مگر ترس از مجازات در آن دیده نمیشود. در این گونه آموزش، خواستها و نیازهای شاگرد هم متأثر نمیگردد. این تجربه نشان میدهد که آموزش و یاد گیری مربوط به تشویق و مکافات نیست. گرچه بسیاری از اشخاص بدون تشویق هم میآموزند مگر؛ در بعض حالات تشویق عملیهٔ آموزش را سرعت میبخشد. چون مکافات و مجازات متناسب یکدیگر اند، بناءً معیار تعیین کنندهٔ عملیهٔ آموزش نمیباشند.

در مراحل مختلف زنده گی بسیاری از مفکوره ها، عقاید، ضرورتها و عوامل دیگر، مردم را مجبور به آموختن چیزهایی نموده که در آنها نه مکافات و نه ترس از مجازات دیده شده است، مگر با وجود این هم در عرصهٔ تعلیم و تربیه از مکافات و مجازات به پیمانهٔ وسیعی کار گرفته میشود.

در اینجا هریک از اینها (مکافات و مجازات) را طور جداگانه تحت مطالعه قرار میدهیم:

مکافات :

طوری که دیده شده، بیشتر انضباط مکاتب به شیوهٔ عنعنی نسبت به مکافات بر مجازات استوار است. پس جای تعجب نیست که بعضی از معلمان فکر میکنند سیستم انظباط شان نمودار ضعف و بی کفایتی آنان نیست. مگر عدهٔ از معلمان بدین باور اند تا زمانی که شاگردان کُلاً تشویق نشوند، به آموزش علاقهٔ چندانی نشان نمیدهند.

دو عامل باعث تشویق شاگردان میگردد: نخست، تشویق داخلی (ذهنی)؛ مثلاً: پذیرفتن کار شاگردان و به آنان موقع دادن تا در بعض فعالیتهای مسرت انگیز حصه بگیرند.

دوم، تشویق خارجی (مادی)؛ مثلا: دادن پول یا خوردنی یا لوازم درسی به شاگردان. مگر باید به یاد داشت که تشویق داخلی (ذهنی) نسبت به تشویق خارجی (مادی) نتیجهٔ همیشگی و بهتر دارد. زیرا نتیجهٔ مثبت تشویق بعداً در سلوک شاگردان مشاهده میشود.

تعیین و دادن مکافات دو نوع است: نخست، دادن یک چیز؛ مثل: پول، لوازم درسی، اشیای مادی و مانند اینها که بعداً به مکافات دیگر؛ مثل: دادن نمره، مدال، تحسین نامه و غیره تبدیل میگردد. نوع دیگر مکافات که به یکنوع قرارداد اجتماعی هم تبدیل شده است، عبارت از تشویق شاگردان در مقابل اجرای درست کار سپرده شده به آنان میباشد و به حیث مکافات، اجازهٔ داخل شدن به میدانهای سپورتی به آنها داده میشود. هنگام توزیع و اهدای مکافات باید مراحل زیرین را در نظر داشت:

- معلم به شاگردانی مکافات بدهد که سلوک شان شایستهٔ مکافات دادن را داشته باشد.
- سلوک و رویهٔ سزاوار مکافات باید به شاگردان تشریح گردد.
- برای سلوک خوب در یک وقت باید یک یا دو مکافات داده شود.
- تا حد امکان مکافات معنوی باید زیادتر داده شود.
- قضاوت سلوک مطلوب باید به شکل صحیح صورت گیرد.
- معلم باید بیشتر به سلوک مثبت و کمتر به سلوک منفی توجه کند.

خوبیهای دادن مکافات (جوایز / انعامها) :

- شاگردان را تشویق میکند.
- شاگردانرا میفهماند که انجام کار به شکل عملی از اهمیت بیشتر برخوردار است.
- شرایط مناسب و سالم را به شاگردان مهیا میسازد تا سلوک مطلوب را از خود تبارز دهند.
- عملیهٔ تربیهٔ شاگردان را سرعت میبخشد.

مجازات :

هرگاه برای تغییر سلوک شاگردان کوشش مثبت نتیجه ندهد، در این حالت به مجازات ضرورت احساس میگردد. زیرا مجازات یکی از وسایل تغییر سلوک به شمار میرود. مگر معلم باید از نارسایی ها، کمبودیها و مشکلات درسی شاگردان باخبر باشد. در غیر آن ضرر مجازات نسبت به مفاد آن بیشتر خواهد بود. از طرف دیگر دادن بسیار مجازات صنف را خاموش نگهداشته سبب کم شدن فعالیتهای تربیتی و بی جرأتی شاگردان میشود.

تأثیر مجازات بالای شاگردان باید مؤقتی باشد. زیرا بیشتر شاگردان از سبب روش قهر آمیز و مجازات معلم، مکتب را ترک میکنند. گرچه که مجازات از سلوک نامناسب جلوگیری به عمل میآورد. مگر گاهی هم مجازات باعث محرومی شاگردان از گرفتن مکافات گردیده، بعض اوقات سبب کمی نمره و دور شدن شاگردان از فعالیتهای دلچسپ میشود. از اثر مجازات شاگردان از صنف اخراج گردیده حتی گاهی منجر به جزای فزیکی و بدنی شان هم میگردد.

باید به خاطر داشت که بعضی اوقات مجازات نسبت به شاگردان بی استعداد به شاگردان با استعداد هم راجع میشود. پس ضرور است تا مجازات خفیف و سبک باشد. یکی از انواع مجازات سبک، محروم کردن شاگردان از اشتراک در فعالیتهای دلچسپ بوده و در حقیقت محرومی از چنین فعالیتها عیناً مانند محرومی از مکافات شمرده میشود. به شاگردان باید این احساس داده شود که دادن مجازات کدام انتقام گیری از آنان نیست.

به صورت عمومی، هنگام دادن مجازات معلمان باید مراحل ذیل را در نظر داشته باشند:

- مجازات باید پس از سه مرتبه خطا کاری داده شود.

- مجازات باید مطابق اقتضاآت انسانی باشد.

- دادن مجازات باید منتج به مشکلات روحی و جسمی شاگردان نشود.

- مجازات و اخطار باید واضح بوده تا سبب تغییر سلوک شود.

(باید اضرار سلوک نامناسب به شاگردان خطا کار تشریح گردد.)

- توصیه و اخطار وقتی به شاگرد داده شود که تنها و جدا از همصنفانش باشد.

- مجازات باید فی الفور با بروز خطا کاری داده شود. زیرا وقفه بین آنها سبب کم تأثیری جزا گردیده و خطرناکترین جزا آنست که پس از آن فوراً شاگردان سلوک خود را تغییر دهند، آنرا رهنمای خود بدانند و معلم هم به همین سبب مسرور شده پیهم به مجازات کردن مصمم شود. گذشته از آن فشار سایر معلمان به مجازات کردن با نتایج مثبت آن عادت پیدا میشود. هرگاه چنین حالت به میان آید برای معلم مشکل خواهد بود تا میتودهای مثبت را عملی کند.

چون فرصت مجازات کردن شاگردان کم بوده، پس باید یکنوع پرنسیپ مثبت تقویه کردن تطبیق گردد؛ مثل: توصیه، رهنمایی و امثال اینها و برای مؤثر ثابت شدن مکافات و مجازات قضاوت معلم باید بر مبنای تغییر سلوک صورت گیرد.

۴ ـ ۳ ـ ۲. تنظیم صنف :

محل اصلی کار معلم صنف است. در صورت میسر نبودن عمارت مناسب، معلم میتواند از صحن حویلی یا سایهٔ زیر درخت به حیث صنف استفاده کند. و طوری که لازمست باید قضاوت حیثیت صنف بالای آنجاها نیز صورت گرفته و با معیارهای صنف اصلی تنظیم آن جایها هم در نظر گرفته شود. زیرا تنظیم خوب صنف در مؤثریت و آسانی عملیه های تدریس و آموزش به معلم مساعدت میکند.

۴ ـ ۳ ـ ۲ ـ ۱. نشستن (تنظیم نشستن شاگردان) :

نشستن به ترتیب خوب / تنظیم نشستن باید :

- متوجه بودن شاگردان به درس را ممکن سازد.

- این امکان را میسر سازد تا معلم به هر شاگرد رسیده گی و کمک کرده بتواند.

- مراقبت و ارزیابی معلم از کار شاگردان را ممکن سازد.

- استفادهٔ مؤثر معلم از مواد درسی را ممکن سازد.

- به تشویق شاگردان در سهمگیری شان در فعالیتهای تعلیی و تربیتی کمک نماید.

اهداف بالا وقتی به شیوهٔ بسیار خوب به دست آمده میتواند که بعض معیارهای عمومی در این مورد تکمیل شده باشد. آن معیارها قرار ذیل اند:

- هر شاگرد باید تختهٔ صنف را دیده بتواند.

- در وقت خواندن و نوشتن به هر شاگرد باید نور و روشنی کافی برسد.

- هر شاگرد برای آرام نشستن باید جای کافی داشته باشد.

- به هر شاگرد باید در موقع ضرورت تماس گرفتن با رفیق همپهلویش میسر باشد.

سه معیار اولی ایجاب میکند تا معلم از آنعده شاگردانی که جسماً ضعیف و یا معیوب و معلول اند مواظبت جدی به عمل آورد؛ مثلاً قوهٔ بینایی یا شنوایی شان ضعیف باشد، اینگونه شاگردان باید در قطار اول صنف شانده شوند.

البته چگونگی بهتر شاندن شاگردان در صنف به شکل عملی وابسته به وضع صنف است. یعنی، آیا تعداد شاگردان صنف زیاد است؟ یا آیا برای نشستن شاگردان در صنف جای کافی وجود دارد؟ و اینکه آیا شاگردان برای تدریس عمومی در صنف شانده شده اند یا برای کدام کار خاص و گروپی دیگر.

صنفهای مزدحم (متراکم) :

بدبختانه در بسیاری از مکاتب برای نشاندن شاگردان زیاد، اتاقهای کوچک موجود بوده و ناچار تعداد زیادی از شاگردان در یک صنف کوچک جا به جا میگردند. پس بدون شک در چنین حالات مشکلات و نقایص بیشتر بروز مینماید که در اینجا به عدهٔ از این مشکلات اشاره میکنیم:

- معلم جهت کمک و مواظبت شاگردان در صنف خوب گشت و گذار کرده نمیتواند.

- شاگردان از سبب بسیار نزدیک نشستن، به یکدیگر مزاحمت ایجاد میکنند.

- غالمغال و هیاهوی زیاد در صنف حفظ نظم و انضباط و فضای صمیمیت را مشکل میسازد.

- تختهٔ صنف را شاگردان به مشکل مورد استعمال قرار میدهند.

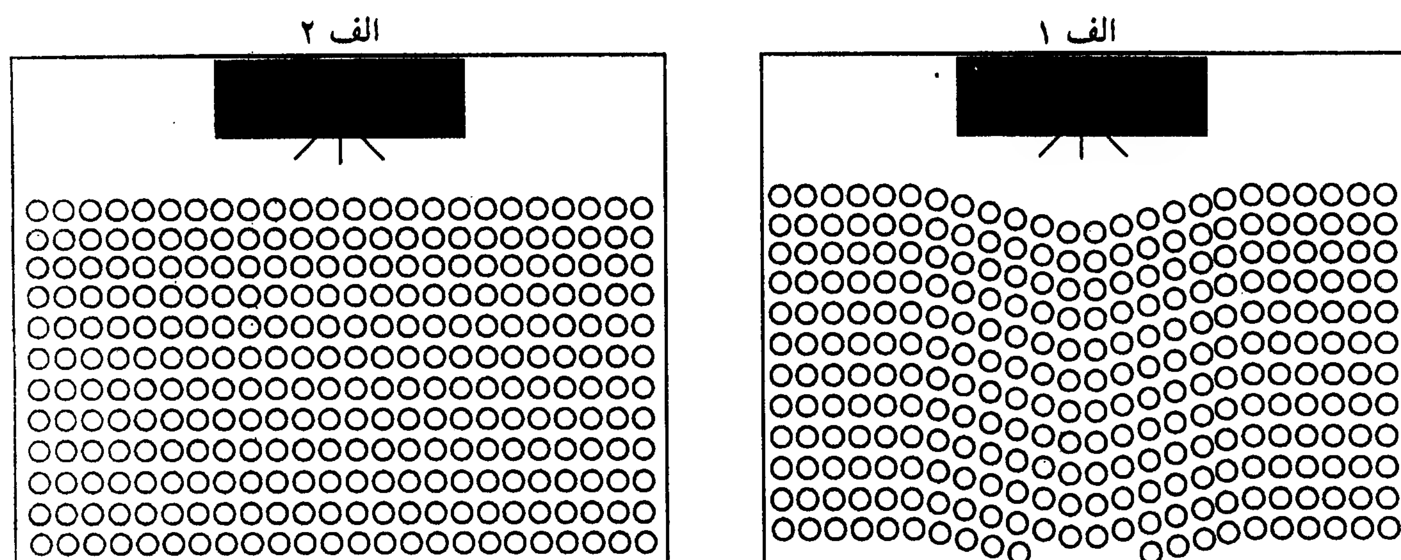
- انجام کارهای عملی و پیشبرد فعالیتها مشکل میشود.

- جلوگیری از نقل کردن در امتحان و املا برای معلم مشکل میباشد.

- کار قضاوت بر استعداد و دانش شاگردان را مشکل میسازد.

با وجود تمام این مشکلات موجودیت چنین صنفها و مکاتب نسبت به هیچ نبودن آنها کار خوبیست.

دو شکل پایین نشان دهندهٔ چگونگی تنظیم و نشستن شاگردان در صنف میباشد:



(در این شکلها اندازه های مختلف دایره ها، نشاندهندهٔ اندازه های مختلف شاگردان میباشد.)

مگر در چنین حالات مشکل و خراب مفادی هم نهفته است که قرار آتیست:

- تعداد زیاد شاگردان از نعمت مکتب برخوردار شده؛ حد اقل یک چیزی را میآموزند.

- یک معلم، جمعیت زیاد شاگردانرا تنظیم و کنترول مینماید.

- شاگردان با یکدیگر کمک کرده میتوانند.

صنفهایی که دارای تعداد زیاد شاگردان باشد، مشکلی رونما میگردد و آن اینکه، شاید به تنهایی معلم فعال باشد؛ مثلاً: صرف معلم قصه میگوید، بر تخته مینویسد، به سوالهای شاگردان جواب میگوید و... .

۳. در مکتب به کی درس داده میشود؟

اطفال و محیط ماحول شان

آموزش پلان شده و منظم در هوا یا خلا تنظیم شده نمیتواند. برای این که مکتب بدون هر نوع اخلالی وظیفهٔ خود را انجام دهد باید شرایط لازم برایش آماده گردد. در مرحلهٔ معین انکشاف، پیش از تطبیق پروگرام تعلیمی مصؤونیتهای فردی و اقتصادی (حیات اقتصادی فردی) نیز ضروری است.

زمانی که زمینهٔ مناسب انکشاف مساعد شد، تعلیم و تربیه هم سرعت مییابد. هرگاه برای انکشاف اجتماعی، عاطفی، ذهنی و جسمی فضای مساعد به میان آید اطفال هم بهتر خواهند آموخت.

در کشور ما برای مدت زیادی صرف انکشاف ذهنی، یکی از اهداف تعلیم و تربیه شمرده میشد؛ مگر اکنون ثابت شده که تعلیم و تربیه در چوکات انکشاف جامعه و زمینهٔ تفاهم و شرایط مناسب زنده گی احتیاج دارد. هرگاه اطفال صرف (سرشار از علم شوند) و به صورت عاطفی کاملاً تشویق نشوند و انکشاف نیابند؛ پس به هیچ وجه برای انکشاف ذهنی مردم و جامعهٔ خود ابراز آماده گی کرده نمیتوانند. انکشاف عمومی اطفال به سهم گیری پدر، مادر، بزرگان، داکتران، معلمان و کار گران نیازمند است. همه مردم باید خوردان و بزرگان یعنی هر دو گروپ را در فعالیتهای خود سهیم بسازند تا کار شان به افراد و تمام مردم یعنی به هردو جانب مؤثر و دلچسپ واقع شود.

زنان اگر بزرگ باشند یا کوچک در بین مردم با مردان چه خورد باشند یا بزرگ حقوق مساوی دارند که باید علاقمندی شان جداً مد نظر گرفته شود و نیازمندی های شان بر وفق فرهنگ افغانی اکمال شود.

معلمان باید پلان تعلیمی خود را بر اساس همین شرایط ترتیب کنند؛ یعنی صرف انتقال بعضی حقایق و ارقام را به شاگردان هدف نشمرده بل که مهارتهای ایشان را طوری تربیه کنند

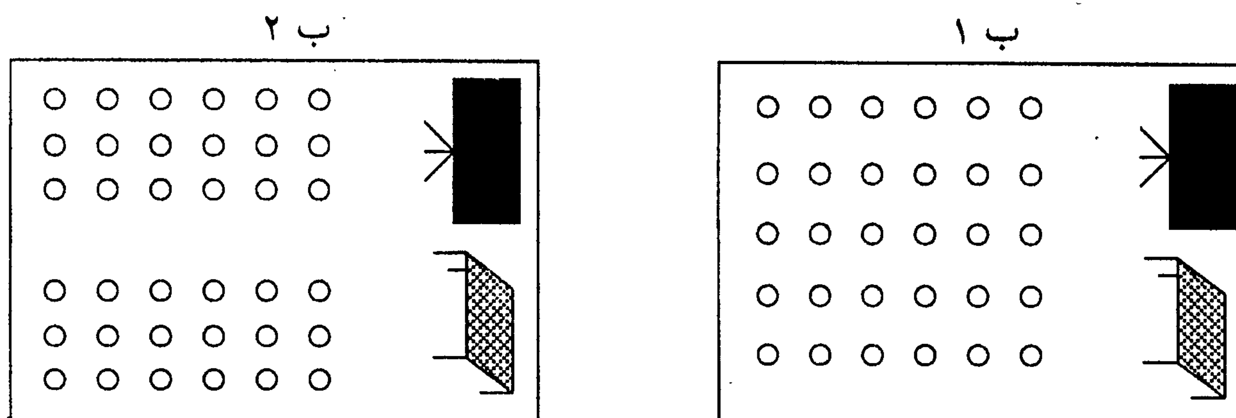
معلم با وجود این همه مشکلات اگر بخواهد که شاگردان را مشغول و فعال بسازد بعض راههایی وجود دارد که شاگردان صحبت نمایند؛ یا خواندن و نوشتن را اجرا کنند؛ یا سوال و جواب نمایند؛ به همراه همصنفی خود کار کنند و از این قبیل.

چاره کردن :

- در صورت مساعد بودن هوا معلم میتواند در بیرون از صنف هم درس بدهد.
- هرگاه در مکتب کدام اتاق کلان و بیکار وجود داشته باشد؛ معلم میتواند برای تدریس از آن استفاده کند.
- برای گروپ بزرگ شاگردان باید اتاق بزرگ تهیه شود.

صنفهایی که تعداد شاگردان آن مناسب است :

آن عده صنفهایی که تعدا شاگردان آن کم باشد، نشستن شاگردان را آسان میسازد. و غالباً دو گونه ترتیب نشستن را در آنها یافته میتوانیم. طوری که در شکل پایین نشان داده شده است:

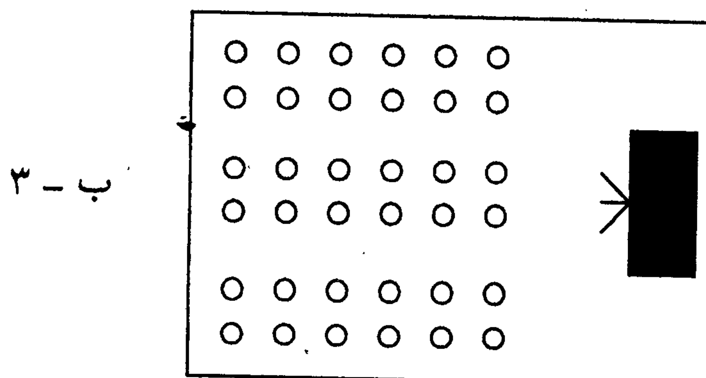


هردو نمونهٔ بالا (ب۱) و (ب ۲) نسبت به صنفهای مزدحم (متراکم) که در صفحهٔ قبلی در اشکال "الف - ۱" و "الف - ۲" نشان داده شده دارای مفاد ذیل است:

- معلم در بین قطار شاگردان خوب گشت و گذار کرده؛ میتواند که آنانرا کمک و نظارت درست نماید.
- معلم کنترول و ارزیابی مناسب از شاگردان کرده میتواند.

- شاگردان از مواد درسی خود به شکل مناسب کار گرفته میتوانند؛ مثلاً: بدون مزاحمت نوشته میکنند.
- شاگردان به تختهٔ صنف به آسانی رسیده گی توانسته از آن کار گرفته میتوانند.
- فرصت بهتر برای کارها و فعالیتهای عملی میسر میشود.
- ترتیب نشستن شاگردان مانند شکل "ب ۱" برای امتحان و املا مناسب بوده هر شاگرد کار خود را خودش صادقانه انجام داده میتواند.
- ترتیب نشستن مانند شکل "ب ۲" موقع تماس گرفتن شاگردانرا باهم پهلوی شان میسر میسازد. مگر نشستن مانند شکل "ب ۱" مشکلی را بار آورده یعنی، شاگردانرا از همدیگر تجرید و جدا میسازد، زیرا در شاگردان باید روحیهٔ همکاری با دیگران هم تقویه گردد.

(به فصل ۴ - ۲ - ۴ - ۵ رجوع شود.) از این سبب ترتیب نشستن شاگردان مانند شکل "ب ۳" توصیه میگردد زیرا در آن همکاری و تماس بیشتر وجود میداشته باشد.



ب ـ ۳

نشستن به ترتیب شکل (ب - ۳) تمام خوبیهای نشستن به اشکال (ب - ۱) و (ب - ۲) را دارا بوده در عین حال شاگردان را به کار مشترک و همکاری با همصنفان تشویق مینداید. بنابراین، معلم آنانرا طوری تنظیم کند که شاگردان لایق با شاگردان ضعیف کمک کرده بتوانند. بدین ترتیب معلم شاگردانرا به آموزش جمعی تشویق نموده، فعالیتهای مشترک تمام صنف را انکشاف میبخشد.

کار در گروپها :

بعض حالتهایی هم در تدریس / آموزش وجود دارد که در آنها به کار گروپی سفارش بیشتر به عمل آمده است. معنای کار گروپی اینست که معلم کاری را آماده میکند که به همکاری تمام شاگردان به انجام برسد. (فصل ۴ - ۲ - ۴ - ٦ دیده شود.)

شماره (اندازهٔ) گروپها به نوعیت کار و موجودیت مواد درسی مربوط میباشد. ضرور است که اعضای گروپها یکدیگر را ببینند. زیرا گروپها به زودی و آسانی تنظیم شده میتوانند.

معلم نشستن شاگردان به شکل گروپی را وقتی انتخاب مینماید که وضعیت صنف برایش اجازه دهد. در اینگونه شرایط، کار گروپی دارای مفاد ذیل است:

- کار شاگردان در غیاب معلم توسط مسؤول و سرگروپ گروپها هم اداره شده میتواند. (صرف توسط شاگردان کلانسال).
- شاگردان در اینگونه نشستن همان قسم بر مشکلات بحث میکنند که از بزرگان آموخته اند.
- گروپها میتوانند که بین خود مسابقه دهند.
- تمام شاگردان در کار گروپی مشغول و مصروف میشوند.
- تمام شاگردان میتوانند که در یک وقت بازی های تعلیمی را اجرا نمایند.
- معلم با گروپهای کوچک شاگردان صحبت نموده در وقت کم میتواند که به تمام گروپها رسیده گی کند.
- شاگردان میآموزند که چگونه به دیگران گوش دهند، دلایل آنها را قبول کنند و با یکدیگر خود کمک نمایند.
- شاگردان در کار گروپی "حل مشکلات توسط خود شانرا" میآموزند.
- در صورت میسر نبودن مواد درسی کافی برای هر شاگرد، آنان از طریق نشستن به شکل گروپی میتوانند که از مواد درسی یکدیگر استفاده کنند.

۴ ـ ۳ ـ ۲ ـ ۲. انتظام و نظافت :

آیا شما در مورد تأثیر انتظام (منظم بودن) و نظافت بالای عملیهٔ تدریس، فکری کرده اید؟ آیا گاهی شما تجربه کرده اید که کثافت و بینظمی (تیت و پرکی اشیا و لوازم در صنف) بالای عملیهٔ آموزش شاگردان چه اندازه تأثیر منفی داشته است؟

در این فصل میخواهیم که پیرامون اهمیت و تأثیر پاکی و منظم بودن لوازم و وسایل درسی در صنف بحث نموده ضمناً واضح سازیم که پاکی و انتظام چگونه میتوانند که به یک عادت پسندیده و خوب در شاگردان تبدیل شده و از این کار سلوک مثبت و نتیجهٔ خوب در کار آنان به مشاهده رسد.

چرا انتظام و نظافت ضرور است؟

پیش از دادن جواب به این سوال باید توضیح کرد که مقصد ما از پاکی و انتظام صنف چیست؟

نظافت عبارتست از پاکی و صفایی صنف از گرد و خاک، کثافات، چربی، داغها و لکه ها، چتلی اشیای بیکاره و غیره چیزها و معنای انتظام اینست که اشیا، لوازم و بعضی چیزهای دیگر در صنف پراگنده و تیت و پرک نبوده بل که، هر چیز باید در جای خودش به قسم منظم و صفا گذاشته و نگهداری شود.

جهت پاک و منظم نگهداشتن وضع صنف چهار دلیل اساسی و کافی ذیل را میتوان در نظر گرفت:

۱. دین اسلام امر کرده است که مسلمانان باید بدن و محیط ماحول خود را پاک نگهدارند. در قرآن کریم آمده است که: خداوند جل جلاله اشخاص پاک را دوست دارد.

بدبختانه، بیشتر مسلمانان نظافت را صرف مربوط به نمازهای پنجگانه و دیگر اعمال و مراسم دینی میپندارند و بس. که برداشت نادرست است. زیرا اسلام قانون مکمل زنده گی بوده هم نظافت و هم انتظام هردو را در هر جای احتوا میکند. یعنی، به مسلمانان حکم شده است که همیشه بدن و لباس خود را پاک نگهداشته در هر جای باید در محیط پاک زنده گی کنند.

معلم میتواند که جهت پیدا نمودن روحیهٔ خوب نظافت در شاگردان و حتی در تعمیل عملکرد اسلامی سهم بیشتری را ایفا کند.

۲. صحت، حفظ الصحه و نظافت مترادف هم بوده با همدیگر ارتباط مستقیم دارند. اگر بخواهیم که صحت و سلامت زنده گی کنیم، پس باید خود و محیط خود را نظیف و در مطابقت با حفظ الصحه نگهداری کنیم. این سخن در مورد صنف و مکتب هم صدق میکند. زیرا در جاهای چتل و کثیف مکروبها و سایر حشرات زیست میکنند و از این قسم جایها بسیاری از امراض خطرناک و ساری بروز میکند. اتاقهای پر خاک و گرد آلود هم ضررهای بیشماری دارند. اگر هوای گردآلود تنفس شود، نفس تنگی و امراض شش از آن به وجود میآید.

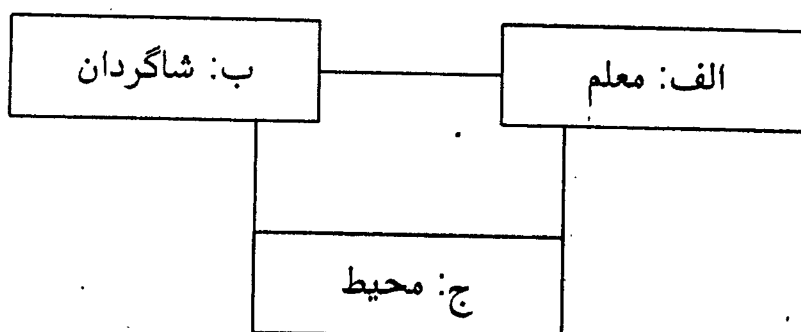
هرگاه در مکتب به نظافت توجه شود، از یکطرف معلمان کمکی برای شاگردان میکنند که آنان را از امراض محافظه مینمایند و از جانب دیگر، از ارشادات حضرت محمد صلی الله علیه وسلم پیروی خواهد بود که فرموده اند: "نظافت جز ایمان است."

۳. نظافت با تعلیم و تربیه ارتباط ناگسستنی دارد. معنای این سخن چنین است که اشخاص تعلیم یافته از روی نظافت و پاکی شان شناخته میشوند. چون مدارس و مساجد، محلات پیاده کردن تعلیم و تربیه و دانش بوده توأم با آن تقویه کنندهٔ روحیهٔ نظافت و پاکی و رعایت کردن آن نیز میباشند. بنابراین مردم از تعلیم و تربیه نظافت و ستره گی را هم توقع میداشته باشند. ممکن است بگوییم که اهیمت و ارزش علم و دانش در نتیجهٔ کوششهایی آشکار میگردد که در صفایی و انتظام سالم به پیش برود.

یک معلم / مدرس آنگاه قابل قدر و احترام میباشد که در این کار موفق باشد.

۴. یک محیط پاک و با نظم انسان را لذت و رضایت میبخشد. این یک تجربهٔ سابقهٔ معلمان است که: شاگردان در یک فضای سالم و خوب به شکل بهتر میآموزند به خاطری که نظافت و انتظام بخش مهم تعلیم و تربیه را تشکیل میدهد. صرف پی بردن به اهمیت نظافت و انتظام کافی نبوده بل که، معلمان باید بدانند که نظافت و انتظام در یک مکتب چی طور تامین شده میتواند؟ بعض فعالیتها و گامهای کوچک، یک بخشی از نظافت و انتظام بوده مگر، این گامهای خورد و ریزه در فعالیتها و کارهای عادی روزانه نهایت مهم است. زیرا بالای شاگردان تأثیر عمیق و دایمی میداشته باشند.

شکل ذیل نشان میدهد که کدام عناصر و اشخاص در عملیهٔ نظافت و انتظام دخیل اند:



این هرسه عنصر سازندهٔ نظافت و انتظام با همدیگر مرتبط بوده که در این جا به خاطر سهولت، هریک را جدا جدا مورد مطالعه قرار میدهیم :

الف - معلم :

معلم همیشه نمونه و سرمشق برای شاگردان خود میباشد. شاگردان گفتار و کردار او را عیناً تقلید میکنند و تأثیر معلم بر شاگردانش در رابطه به نظافت، پاکی و صفایی نظر به موارد ذیل تعیین شده میتواند:

۱. از روی قیافهٔ ظاهری معلم.

۲. به ملاحظهٔ ارتباطات شخصی، قیافه و شکل معلم.

۳. به ملاحظهٔ سلوک، کردار و اعمال معلم.

گفتار معلم به تناسب کردار و قیافهٔ ظاهری اش چندان مورد توجه شاگردان قرار نمیگیرد. در اینجا پیرامون نظافت و انتظام تذکر چند نکته لازم است :

۱. معلم باید روی، دستها و تمام بدن خود را پاک نگهدارد تا سرمشق برای شاگردانش باشد.

- لباس و بوتهایش باید پاک و منظم بوده وضع مناسب داشته باشد. حتی اگر وضعش غریبانه هم باشد.
- معلم باید کتابهای خود را خوب نگهداری کند؛ مثلاً: از طریق وقایه کردن و استعمال مناسب آن. با دیگر مواد درسی هم باید همین سان برخورد کند.

- پیش از آن که معلمان داخل صنف شوند، باید دستها و بوتهای شان را پاک کنند تا با بوتهای شان گل و خاک و اشیای ناپاک دیگر صنف را آلوده نسازد. در جریان درس باید اشیای بیکاره را در روی صنف نیندازند؛ بل که، در بیرل کثافات یا تکری یا کدام صندوق خالی انداخته شوند. و بهتر از همه اینست که معلمان در صنف باید لعاب دهن خود را نیندازند. زیرا از یکطرف صنف چتل میشود و از جانب دیگر، مشکلات صحی را به وجود میآورد؛ و مرضهایی مانند: سل / توبرکلوز و امثال اینها از آن به شاگردان سرایت میکند.

ب - شاگردان :

در رابطه به پاکی و نظافت وظایف شاگردان عین وظایف معلمان بوده؛ در برگیرندهٔ موارد ذیل است:

- چی گونه گی وضع ظاهری آنان.
- چی گونه گی ارتباطات شخصی و قیافهٔ شان.
- رویه، کردار و اعمال آنان.

البته تعداد زیاد شاگردان در مورد نظافت و چیزهایی که گفته شد، معلومات دارند. زیرا والدین شان آنها را تشویق میکنند که نظیف و منظم باشند مگر، یک تعداد شاگردانی هم وجود دارند که در این مورد به تشویق و کمک معلم ضرورت میداشته باشند و این یک موضوع جدایی ناپذیر تعلیم و تربیهٔ خوب است. برای این که شاگردان عاطل باقی نمانند یا اعتماد شان سلب نشود، معلم باید مسألهٔ نظافت این نوع شاگردان را با مهربانی و صمیمیت مراقبت کند.

معلم باید در بارهٔ شستن تمام اعضای بدن، شانه کردن یا کم کردن موی سر، گرفتن ناخنها و سایر موضوعهای مربوط نظافت با شاگردان صحبت کند و این را هم باید در نظر داشته باشد که مراعات کردن نظافت در حالت کمی آب و زیادی گرد و خاک کار آسانی نیست. حتی اگر شاگردان قانع نشوند و به اهمیت و ضرورت نظافت و انتظام هم سعی نمایند. معلم باید نظافت شاگردان را معاینه کرده به صورت منظم به آن توجه نماید.

برخی نکته های عملی :

- به اثر نظافت دستها، کتابها در جریان کار، پاک و صفا باقی میمانند.
- کتابها به اثر وقایه کردن، برای مدتی نظیف و پاک معلوم میشوند.
- شاگردان باید برای پاک کردن تخته های سلیت خود کدام تکه یا چیز مشابه به آن داشته باشند، (پاک کردن تخته توسط دست، یا پیراهن کار درست نیست.)
- کتابها، کتابچه ها و اشیای دیگر وقتی از گردو خاک و چیزهای چتل پاک و محفوظ مانده میتواند که شاگردان در بردن و آوردن آن از بکس مخصوص (اگر نرخ بکسها زیاد باشد، از بکسهای ساخته شده از پلاستیک یا تکه یا خریطه های پلاستیکی) کار بگیرند.
- وقتی صنف پاک و صحی بوده میتواند که شاگردان پیش از داخل شدن به صنف بوتهای خود را پاک کنند. یا این که، چون به جای نشستن (اگر فرش بود) نزدیک شدند آنرا از پای خود بکشند و در یک گوشه به ترتیب بوتهای را بچینند.
- صنفی منظم معلوم میشود که شاگردان هرچیز را روی آن نیندازند. (مثلاً: پارچه های تراش شدهٔ پنسل و دیگر چیزها را) بل که، در کثافت دانی بیندازند. پس به این ترتیب میتوانیم صنف خود را پاک و صفا نگهداریم.

معلم با کفایت کارهای یاد شده در بالا را شخصاً کنترول کرده میتواند. مگر لازم نیست که معلم بیشتر از طاقت و توانایی شاگردان مقررات را بر آنها تحمیل کند و قوانین مشکل را بالای شان جاری سازد. برعکس باید با شاگردان دلسوزانه عمل نموده از متوجه ساختن مکرر شاگردان به نظافت و انتظام خسته نشود و هرگاه شاگردان به تمام معنی مکمل نبودند، نباید معلم مأیوس شود. بل که، کار خود را توأم با صمیمیت و مهربانی ادامه دهد.

ج - محیط (صنف، مواد، مکتب و محل زیست) :

میدانیم که اکثریت مکاتب فاقد اتاقهای درسی یی اند که از خشت پخته ساخته شده باشد. بعضی مکاتب صرف دارای صنفهایی اند که از خشت خام یا گل (پخته) اعمار گردیده و یا به

کلی فاقد اتاقهای درسی اند. یعنی، معلمان در خیمه ها یا دریک محل معین در فضای آزاد، یا زیر کدام درخت، شاگردان را به روی زمین شانده تدریس میکنند. در تمام این شرایط هدف های انتظام و نظافت یکسان است. مگر شیوه ها و طریق تطبیق آنها با هم متفاوت میباشد.

زمانی که معلمان به مقصد رسیدن به هدفهای پاک بودن صنف و مکتب سعی و تلاش به عمل آرند، آنگاه به مقصد رسیدن به آن اهداف، وسایل و راههای مناسبی را جستجو میکنند. اگر معلم و شاگردان به نظافت شخصی خویش توجه کنند، کار خوب خواهد بود. زیرا در یک محیط چتل، کثیف و بی نظم هیچگاه خوش و آرام نخواهند بود.

- رهنمایی در این مورد اینست که: در هر صنف به مقصد انداختن مواد فاضله وسیلهٔ موجود باشد. (صندوق سادهٔ چوبی یا یک پیپ پاک کفایت میکند.)
- این وسیله یا انداختن مواد فاضله باید هر روز خالی و پاک شده مواد فاضلهٔ آن در یک جای یا در یک چقری عمیق دفن یا سوختانده شود.
- صنف هر روز باید جارو شود؛ حتی کنجهای آن. اگر در صنف فرش هموار باشد باید طور منظم زمین زیر فرش نیز پاک گردد. وقتاً فوقتاً دیوارها از جال جولاگک و اشیای دیگر پاک شود.
- الماریها و خانه های میز هر روز باید پاک شوند.
- مواد درسی در یک جای مناسب و محفوظ نگهداری شود.
- روی تختهٔ صنف باید همیشه پاک و آماده باشد تا آنچه بر آن نوشته میشود به خوبی خوانده شود. تخته به تناسب استعمال روزانه چند بار باید پاک گردد. (فصل ۴ - ۲ - ۷ - ۴ دیده شود.)
- معلم باید به صورت متداوم صنفهای دیگر را نیز از موضوع نظافت و انتظام باخبر ساخته آنها را رهنمایی لازم نماید.
- وضع میزها، چوکیها و فرش از چی قرار است؟ آیا پاک است؟ آیا به ترمیم ضرورت دارد؟
- وضع دیوارها از چی قرار است. آیا به سفید کردن ضرورت ندارد؟

- حالت جارو و تخته پاک چی طور است؟ آیا از آنها کار گرفته میشود؟
- وضع کتاب حاضری چی طور است؟ آیا صحیح پشتی شده است؟
- وضع بام صنف و چت آن چگونه است؟ آیا وقتی که باران میبارد، چکک نمیکند؟
- دروازه و کلکین ها چی طور است؟ آیا در وقت شمال و خاکباد خوب بسته شده میتوانند؟ همچنین وقتی که شاگردان رخصت شوند آیا کلکینها بسته شده میتواند که صنف مجدداً چتل نشود یا خیر؟
- آیا در بیرون از صنف کدام جوی آب یا آب ایستاده و دند وجود دارد که دارای حشرات خطرناک باشد؟
- آیا مکتب در کدام محل مبرز (خاک انداز) دارد؟ زیرا اگر شاگردان در کدام جای نزدیک رفع حاجت کنند محیط مکتب به یک جای چتل و بدبوی که مگسها در آن جای بگیرند و امراض را انتقال دهند، تبدیل نخواهد شد؟

(دو سوال آخر موضوعهای بسیار مشکل و مغلق اند که در این کتاب حل شده نمیتواند. مگر معلم و سرمعلم باید در زمینه فکر کنند و به کمک اهالی منطقه مسالهٔ نبودن مبرز یا خاک انداز را حل نماید.)

معلم باید در صنف و مکتب عناصر سه گانهٔ نظافت و انتظام (معلم، شاگرد و محیط) را در نظر داشته ضمناً توجه خود را به موارد ذیل هم معطوف سازد:

- حس نظافت و انتظام را در شاگردان بیدار سازد یعنی: شاگردان باید قانع ساخته شوند که انتظام و نظافت امر نهایت ضروری است و آنها باید خود شان تقاضای تأمین آنرا نمایند.
- به هر اندازهٔ که ممکن است شاگردان باید یکجا با معلم یا به هدایت او این مسؤولیت را به عهده گیرند که کارهای ضروری ذیل را خود انجام دهند؛ مثلاً:
  - تخته را پاک کنند.
  - مواد درسی را پس از استعمال به جاهای معینهٔ آن بگذارند.
  - کثافت دانی را تخلیه کنند.

کـه بـه طـور آسـان و موثـر از آن در محیط خود، محیط مردم، محیط وظیفه و خانوادهٔ خود از آن استفاده کرده بتوانند.

تعلـیم و تـربیهٔ کـه مقتضیات افراد جامعهٔ خود را مد نظر نداشته باشد ارزش محدودی را دارا خواهد بود.

۳ ـ ۱. رشد اطفال :

بـرای ایـن کـه زمینـهٔ بهـتر آموزش مساعد گردد، معلمان باید درک کنند که شاگردان چه طور میـآموزند، شـاگردان گـاهی بـه صـورت همآهـنگ و گاهی به صورت نامنظم می آموزند. در مرحلهٔ نخسـت بـه سـهولت پیـش میرونـد و بـه مشـکلات زیـاد مواجـه نمیشوند. بعداً اوضاع شخصی و محیطـی بـالای شـان تـأثیر میافگـند. انکشـاف اطفال یک سلسله مراحل انکشافی را درقبال دارد. اطفال در هریک از مراحل با همدیگر تفاوتهایی دارند و هر طفلی این همه مراحل را طی میکند.

سـلوک اطفـال هم در جریان نموی جسمی شان در مراحل مختلف حیات تغییر مییابد. گاه گاه تغیـیر سـلوک شـان در اوقات مشخص احساس میشود. زمانی که جنین در رحم مادر تشکل مییابد نخسـت، اعصـاب اولیـهٔ سر و شانه به فعالیت آغاز میکند، بعد از آن چشمها و دو دست به کار میافـتد. جـای ابـروها، دندانها و ناخنها قابل تشخیص میباشد و داکتران آواز حرکت قلب جنین را میشنوند.

طفـل پـس از دو مـاه در برابـر بعضی از امراض معافیت حاصل میکند همچنان پس از تولد هم وقایـه میشـود. ایـن فعالیتها از اثر واکسین هایی است که مادرش حاصل کرده است. به زنده گی طفـل تـا هفـت مـاه امید شده میتواند و نموی طفل طیّ دو ماه آخر حمل سریع میباشد. همزمان با ولادت طول طفل ۱۴ ـ ۲۱ اینچ و وزنش از ۲ ـ ۵ کیلو گرام میباشد.

- میزها را پاک کنند.

- صحن صنف را آبپاشئ و جارو کنند و امثال اینها.

البته شاگردان کلانسال نسبت به خورد سالان مسؤولیت بیشتر را به عهده گیرند. حتی شاگردان صنف اول هم بعض کارها را کرده میتوانند. اگر معلم تلاش ورزد خواهد دانست حتی حیران خواهد شد که اطفال چقدر علاقمند و مبتکر اند. در این رابطه مهم اینست که معلم یک سیستم نوبت بین شاگردان را باید رویکار کند تا در هر هفته انجام وظایف خاصی به عهدهٔ گروپ خاص شاگردان گذاشته شود و در داخل مکتب بین شاگردان مسابقهٔ کار را رایج سازد، مثلاً این که :

- کدام صنف به مقایسهٔ صنفهای دیگر منظم و پاکتر است؟

- کدام صنف به مقایسهٔ صنفهای دیگر بهتر مجهز است؟

- کدام صنف مواد درسی خود را به مقایسهٔ صنفهای دیگر به وجه احسن تنظیم کرده است، و از همین قبیل مسایل.

طوری که گفته شد مسألهٔ نظافت و انتظام با گامهای کوچک و ظاهراً بی اهمیت و واقعیتهایی بسته گی داشته که توجه به آن به تلاشهای پیهم معلم و اداره چیان ضرورت دارد. گذشته از آن در آغاز، سعی و تلاش خسته گی ناپذیر معلمان نهایت ضرور است. این گونه تلاشها ناچیز نبوده بل که، در ایجاد شرایط بهتر آموزش کمک هم میکند.

۴ ـ ۳ ـ ۲ ـ ۳. تهیهٔ مواد ممد درسی و نگهداری آن :

معلم باید به مقصد تدریس و آموزش موثٔر، پلان درسی خود را با نهایت دقت ترتیب کند و از آن مواد ممد درسی استفاده کند که درکارهای عملی به آنها ضرورت پیدا میشود.

آماده گی های ناتمام، فشار زیاد و دلزده گی را در شاگردان به وجود آورده ممکن است آنان را از درس دلسرد سازد. این واقعه در حالت کمبود مواد درسی هم به میان آمده میتواند. واضح است که شاگردان با وسایل و مواد مختلف و جداگانه که آموزش را با مفهوم و آسان سازد تحریک و تشویق شده میتوانند.

چی چیز را میتوان مواد ممد درسی گفت؟

منظور ما از مواد ممد درسی، اشیای سادهٔ محیطی و تخنیکی است که شاگردان را در کشف مفهوم کارهای آموزشی شان کمک کند و عبارتند از: تیپ ریکاردرها، ویدیوها، فیته های فلم، سلایدها، فلش کارتها، بسته های کارهای پروژه و زبان، سامان و آلات ریاضی، کتابهای درسی، کتابهای کار، آله های رسم و ساینس و اشیای دیگر؛ مانند: کرهٔ زمین، نقشه ها، چارتها، اسکلیتها، سنگهای کوچک، قطی گوگرد، چوبکهای گوگرد، برگها، ورق کاغذ، گل سفید، اشکال هندسی، خطکش، چرخهای اعداد و کلمه ها و سایر چیزهای مشابه که به معلمان معلوم است.

یاد آوری :

(اینجا موضوع ما صرف تهیه و نگهداری مواد ممد درسی است. بحث مکمل آنرا در فصل ۴ - ۲ - ۷ ملاحظه کرده میتوانید.)

- چرا ما مواد ممد درسی را در مکاتب استعمال میکنیم؟ و مواد ممد درسی چرا اینقدر مهم است؟

مواد ممد درسی را در رابطه به تشویق، حافظه و معنی (ت، ح، م) اینگونه خلاصه کرده میتوانیم:

* تشویق
* حافظه
* معنی

- مواد ممد درسی در حقیقت نقطهٔ محوری را در آموزش تشکیل داده که صنف را دور هم جمع میکند و توجه را به سوی آن مضمونی میکشاند که معلم تدریس میکند.
- مواد ممد درسی دو چیز را با هم مربوط میسازد: یکی، موضوعی که در کتاب درسی شامل است و دیگر، وضع واقعی زنده گی که برای مدت طولانی در حافظه باقی میماند.
- مواد ممد درسی در عملیهٔ تدریس و آموزش تحرک واقعبینانه را برای بسیاری فعالیتهای صنفی مساعد میسازد.

- مواد ممد درسی، انطباعات حسی (برابری طبیعت) را بین شاگردان به میان میآورد.
- مواد ممد درسی، در جهت فهمیدن و تدریس بهتر شاگردان کمک میکند.
- مواد ممد درسی، درس را دلچسپ و تا حدودی آسان میسازد.
- مواد ممد درسی، عملیهٔ تدریس را با مواد مختلف غنی میسازد.
- تدریس را فعال و مفید میسازد.
- شاگردان به صورت مناسب و سریع میآموزند.
- معلمان به آسانیً دانش را به شاگردان انتقال میدهند.
- تدریس با مواد درسی ثبات بیشتر داشته؛ آموزش موضوعها را دوامدار میسازد.
- مواد ممد درسی، حتی شاگردان تنبل را هم به آموختن تشویق میکند.
- با معلمان در تأمین انضباط کمک میکند.

کدام نوع مواد ممد درسی برای تحریک عکس العملهای معین و مهارتهای خاص تدریس بنا بر ضرورت مناسب است؟ مواد ممد درسی را چطور باید آماده و تأمین کرد؟

مواد مختلف درسی برای مقاصد مختلف استفاده میشود. متخصصان تعلیم و تربیه میگویند: "انتخاب درست مواد درسی و استعمال با مهارت آن در وقت مناسب، در جای مناسب و با طریقهٔ صحیح در عملیهٔ تدریس مجرای مفاهمه را بین معلم و شاگردان وسیع و فراخ میسازد."

تمام مواد درسی به سه دستهٔ ذیل تقسیم شده از هر دسته باید به شیوهٔ خاصی مواظبت به عمل آید:

اول - مواد ممد درسی تخنیکی :

در این دسته، فلمها، مودلها، رادیو، تلویزیون، تیپ ریکاردرها، پروجکتورها، فیته های فلم، سلایدها و مواد نظیر اینها شامل است. تمام این مواد ممد درسی تخنیکی برای اجرای فعالیتهای مختلف دارای اهمیت بوده و در جهت رشد مهارتهای مختلف وظیفهٔ تشویق کننده را دارا میباشد.

آیا این گونه مواد ممد درسی را تهیه کرده میتوانیم؟

این مواد ممد درسی کاملاً تخنیکی بوده معلم نمیتواند آنها را تهیه کند. همچنان نرخ آنها هم قیمت است تهیه کردن مواد ممد درسی تخنیکی در مکاتب ابتدایی کار مشکلی خواهد بود. زیرا پول و بودجهٔ بیشتر را ایجاب میکند.

این مواد باید در یک محل محفوظ و فاقد رطوبت گذاشته شود. گاه گاه از آنها مراقبت به عمل آید تا حرارت و آب به آنها نرسد.

دوم - مواد ممد درسی تیار :

رادیو، تیپ ریکاردر، نقشه ها، چارتها، کرهٔ زمین، تختهٔ صنف، اسکلیت، سلیتها، کتابهای کار، کتابهای درسی، خطکشها، فلش کارتها و امثال اینها شامل این دسته است.

از جملهٔ اینها رادیو و تیپ ریکاردر قیمت بوده مگر، تعداد زیاد معلمان آنها را دارند. سایر اشیا هم در مکاتب ابتدایی موجود بوده برای مقاصد مختلف به شیوه های مختلف استعمال میشوند. صرف چند قسم آنرا معلم آماده کرده میتواند؛ مانند: فلش کارتهای اعداد، کلمه ها و حرفها، کارتهای عملیه های ریاضی، فیته های اعداد، خطکشهای درجه دار، چرخهای اعداد، کلمه ها و غیره.

این اشیا در کجا و چطور ذخیره / نگهداری شوند ؟

بیشتر این نوع مواد را یک کمیتهٔ مخصوص تعلیم و تربیه تهیه میکند. مسؤولیت آن به دوش سرمعلم مکتب است. لذا در دفتر سرمعلم نگهداری میشود. بعضی مکاتب برای آن اتاق مخصوص دارند که به نام (اتاق تهیهٔ مواد) یاد شده و در همین اتاق مواد درسی گذاشته میشود.

مواد ممد درسی مرکز خاص مراجعوی میداشته باشند، مگر در هر جایی که نگهداری میشوند باید برای معلمان معلوم و در اختیار شان باشد.

سوم - آنعده مواد ممد درسی که به زودی میسر شده میتواند :

در این دسته بیشتر اشیای سادهٔ محیطی و ارزان بیع شامل است که در بازار به فروش میرسد مگر یک تعداد دیگر آن بدون پول و از محیط ماحول هم تهیه شده میتواند؛ مانند: چارتهای

کاغذی تهیه شده با دست برای تمام مضمونها، کارتهای نازک (کاغذی) برای مضمونهای زبان و ریاضی، چوبکها، ورقها، برگها، سنگها، گلها، قطی گوگرد، چوبک گوگرد، کتر، اشپلاق، مهره، دکمه، عکسها، پولهای کاغذی، روزنامه ها، متر چوبی، خطکش، کتابهای درسی و کتابهای کار. اکثر اینها با دست ساخته شده؛ معلم آنها را به خاطر کار عملی آماده میسازد مگر باز هم به داخل صنف نگهداری میشوند. بعضی معلمان آنها را در منازل خود هم نگهمیدارند و هنگام ضرورت آنها را به صنف میآورند.

بعض قواعد عمومی که باید در نگهداری و استعمال مواد ممد درسی رعایت شوند؛ عبارتند از:

۱. تمام مواد باید پس از استعمال جمع آوری شده در یک محل محفوظ نگهداری شود.

۲. در استعمال مواد شکننده احتیاط شود.

۳. طریق استعمال و مواظبت از مواد درسی باید به شاگردان یاد داده شود.

خلص این که :

- آنچه مربوط به مکتب است، باید در صنف نگهداری شود.
- موادی که از معلم است، باید خودش نگهداری کند.
- اشیایی که هر روز مورد استعمال قرار میگیرند، باید به صنف گذاشته شوند.

تاکیداً سفارش میشود که معلم باید از آن نوع مواد ممد درسی کار بگیرد که مواد سادۀ محیطی بوده یا نرخ آنها ارزان باشد و به آسانی به دست آمده بتواند. از مواد درسی باید در رابطه به موضوع درس کار گرفته شود. وزن و اندازۀ آن مناسب باشد که شاگردان بتوانند به آسانی آنرا مورد استعمال قرار دهند.

باید به خاطر داشت که حل مسالۀ منابع مواد درسی کدام مشکلی نبوده. بل که، کنترول کردن و انتخاب مواد وظیفۀ معلم در عملیۀ تدریس است که این موضوع در موفقیت درس و استعمال موفقانۀ مواد درسی اهمیت به سزایی را دارا میباشد.

۴ ـ ۳ ـ ۲ ـ ۴. قواعد و ضوابط (نظارت و دسپلین) :

اول - چرا در صنف به قواعد و ضوابط (نظارت و دسپلین) نیاز احساس میشود؟

در هـر وقـت و در هـر جـای، گذشته از همه در جاهایی که مردم زیست میکنند و اطفال رشد مییابند، آموزش صورت میگیرد.

وضـع آمـوزش در مکـتب طور دیگر است. در اینجا آموزش به شکل منظم آن عملی میشود. یک تعـداد شـاگردان بـرای بـه دست آوردن آن در یکجای یا محل که به نام صنف یاد میگردد شانده میشـوند تا به شکل منظم، در وقت معین تحت رهنمایی یک معلم به یک سلسله اهداف مشخص و مطلوب تعلیمی و تربیتی برسند.

معـلم و شـاگردان بـاید بدانـند کـه چـی را انجـام دهـند و چـی را انجام ندهند و در اقتضاآت جداگانـه چطور کارها را به انجام برسانند. البته، انجام کارها به خاطر زنده گی مشترک و عملیهٔ آموزش موجودیت بعض قواعد و ضوابط را تقاضا میکند.

مقصـد مـا از قواعـد و ضـوابط آن معیارهاییست که سلوک و اعمال معلم وشاگرد را تغییر داده و تحـت تسلط و رهنمایی قرار دهد تا در آن آموزش و تدریس طور آرام و مبرا از جنجالها و مشکلات صورت گیرد.

ادارهٔ عمومـی مکـتب یـک سلسـله قوانـین و اصـول پسندیدهٔ زیادی را دارا میباشد؛ مثلاً: نحوهٔ تدریـس معـلمان در صـنف هـای مختـلف، تقسـیم اوقـات صنفها، معیار ساعتهای‌درسی، ارتقای شـاگردان بـه صـنفهای بالاتـر، امـتحانات، وظـایف عمومـی معلمان و سرمعلمان و قوانین و لوایح دیگـر در موضـوعهای مختلف. تمام این قواعد مهم بوده؛ معلمان باید از آنها آگاهی داشته باشند. در ایـن کـتاب در بارهٔ بسیاری از این قوانین و لوایح تحقیق به عمل آمده است؛ مثلاً: در فصل ۴ - ۳ - ۲ - ۵ نگهـداری اسناد یا ارزیابی و ارتقا در (فصل ۵) مگر. در این فصل میخواهیم قواعد و ضوابطی را تشریح کنیم که به اقتضاآت صنفهای درسی آشکار میشوند.

ایـن گونـه قواعـد و ضوابط در مکـاتب و صنفهای مختـلف یکسـان نـبوده زیرا اقتضاآت شان تفـاوت دارد؛ مـثلاً: اگـر صـنف کوچک یا بزرگ، خامه کاری یا پخته و یا خیمه باشد، شاگردان خوردسال یا بزرگسال و معلمان خوشخوی یا بد خوی باشند و مثل اینها.

معـلمان بـاید در رابطـه بـه قواعـد و انضـباط موضـوعهایی را فـراموش نکنند که در مورد انواع مختلف آموزش فرا گرفته اند. تدریس فعالانه بهتر است یعنی، قواعد و ضوابط در صنف باید

شاگردان را به فعالیت بیشتر وادار سازد. آنها باید در تأمین انضباط سهیم باشند و شاگردان باید همه، این مسیر عملیهٔ سعی و تلاش خود به خودی را در جهت کار، آموزش و سهمگیری انکشاف دهند.

این موضوع؛ طی مثال ذیل خوبتر توضیح شده میتواند :

وقتی که شاگردان با هم چوکیها یا همصنفان خود بحث / کار میکنند، آنها باید به صورت واقعی باهم صحبت کنند. زیرا اگر آنها به آواز عادی هم باهم دیگر حرف بزنند در صنف سر و صدای بلندی به میان خواهد آمد. راه حل آن اینست که باید مقرراتی موجود باشد که هر گاه شاگردان با هم چوکیها یا همصنفان خود صحبت میکنند، باید با صدای آهسته صحبت کنند. زیرا به همین شکل شاگردان همدیگر را اخلال نخواهند کرد. این گونه مقررات به تمام شاگردان موقع میدهد که در عملیهٔ آموزش سهم گیرند.

دوم - برای کی و برای چی در یک مکتب به قوانین نیاز پیدا میشود؟

الف) قوانین برای معلمان جدا و برای شاگردان طور جداگانه ضرور میباشند و ارتباط مستقیمی باهم ندارند. تأثیر این قوانین اصلاً بالای وضع ظاهری و سلوک است. در این رابطه کردار و سلوک معلم بالای شاگردان تأثیر غیر مستقیم دارد. پس باید که معلم در مورد خود به رعایت این قوانین جدی باشد:

قوانین مربوط به معلم	قوانین مربوط به شاگردان
وقت را باید مراعات کند. باید وجود خود را پاک نگاه کند. باید در گفتار و کردار صادق باشد. باید در کار خود جدی بوده و با آماده گی به مکتب و صنف بیاید. باید به روی تخته به ستره گی و صفایی نوشته کند.	وقت را باید مراعات کنند. باید وجود خود را پاک نگاه کنند. در امتحانات باید نقل نکنند. باید کارهای خانه گی خود را به درستی و وقت و زمان انجام دهند. باید در تخته ها یا سکلیتهای خود به صفایی و ستره گی نوشته کنند.

معلم باید برای حفظ کردار و سلوک خود چنان قوانینی را پیدا کند که بالای سلوک شاگردان هم تأثیر وارد کند، مگر این اثر باید غیر مستقیم باشد.

ب) قوانین ارتباطات بین معلم و شاگردان :



این گونه قوانین بیشتر توسط معلمان وضع و تطبیق میشوند و شاگردان آنها را به مثابهٔ کوران رعایت میکنند. هرگاه این قوانین برای شان توضیح شود به اهمیت و ضرورت بسیاری از آنها آگاه خواهند شد.

چند مثال در این مورد :

این مثالها مکمل و جامع نبوده؛ مگر، معلمان را رهنمایی کرده میتواند تا برای صنف خود قواعد مناسب را جستجو کنند.

قوانین سوال و جواب یا مباحثات و گفتار :

- معلم باید به آواز بلند صحبت کند تا هر شاگرد سخنانش را بشنود و آنرا بفهمد.
- در یک وقت صرف یک شخص (معلم یا شاگرد) باید صحبت کند و جلو گپ یکدیگر را نگیرند.
- وقتی که معلم گپ میزند، همه شاگردان باید بشنوند.
- معلم جواب شاگردان را تکرار نکرده تا ثابت شود که دیگر همصنفان شان به سخنهای آنان گوش داده اند.
- اگر شاگردی میخواهد گپ بزند، باید انگشت / دست خود را بلند کند.
- معلم به صورت عمومی شاگردانی را به صحبت کردن دعوت کند که دست خود را بلند کرده اند.
- گاه گاه معلم، شاگردان دیگر را هم صدا کند که صحبت کنند تا آنها هم تشویق شوند و به این ترتیب توجه شان را به درس بیازمایند.

قوانین استفاده از مواد درسی :

- کتابهای درسی یا کتابهای کار آنوقت گشوده شوند که واقعاً استعمال میشوند.
- باید در کتاب درسی و کتاب کار هیچ چیز نوشته نشود، مگر این که به درس مربوط باشد.
- مواد درسی پس از استعمال به ترتیب مناسب و احتیاط، در جاهای شان گذاشته شوند.

قوانین املا و ارزیابی :

- باید آرامش کامل حکمفرما بوده هیچکس هم پهلو (پهلوفیل) خود را اخلال نکند.
- شاگردان باید به صداقت کار کنند.

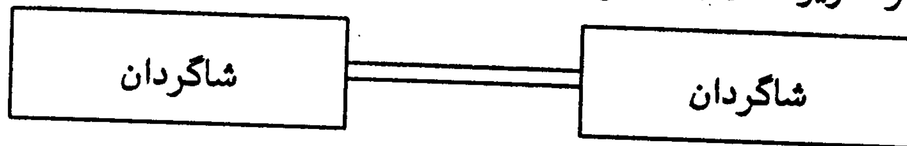
طرزالعمل نوشتن املا :

- وقتی که معلم املا میگوید، تمام شاگردان باید به کلی خاموش بوده به صورت دقیق متوجه معلم خود باشند.
- لازمست تا معلم کلمه یا جمله را یک یا دو بار به طور واضح و به آواز بلند بگوید.
- شاگردان به خاموشی آنرا بنویسند و پرسان نکنند.
- موقعی که همه نوشته کردند و با دقت به معلم خود متوجه شدند، معلم باید کلمه یا جملهٔ دیگر / جدید را بگوید.
- معلم باید قوانین عمومی تأمین انضباط و دسپلین را در صنف تطبیق کند. این قوانین نهایت مهم است. شاگردان باید در وقت درس بعض قواعد دیگر را نیز در صنف رعایت کنند؛ مثلاً:

  * در وقت تدریس معلم گپ نزنند.
  * در صنف با همدیگر سر و صدا و جنجال نکنند.
  * در داخل صنف اینطرف و آنطرف رفت و آمد و گردش بیجا نکنند.

ج) قوانین مربوط به رویهٔ متقابل شاگردان با یکدیگر :

این گونـه قوانین با آموزش و اداره کردن ارتباط مستقیم دارد. این قوانین باید مستقیماً از طرف شاگردان پذیرفته شوند زیرا آنان باید بتوانند بدون مداخله و سلطهٔ معلم هم کار کنند.



د) قواعد کار کردن گروپی با همچوکیها یا همصنفان :

- شاگردان باید به لحن آهسته حرف بزنند که گروپهای دیگر اخلال نشوند.
- شاگردان با همچوکیهای خود به خوبی از مواد درسی استفادهٔ مشترک کنند.
- شاگردان با آن عده همچوکیهای خود که نیازی به کمک داشته باشند کمک کنند.
- شاگردان در وقت ضرورت از همصنفان خود کمک بخواهند.
- شاگردان، همصنفان خود را در وقت بروز مشکل شان که بالای آن صحبت میکنند، اخلال نکنند.
- قوانـین فعالیـتهای بـازی و ورزش هـم باید جداً مراعات شود و شاگردانی که در آن اشتراک میکنند باید زخمی نشوند. (نرمی و مصئوونیت).

سـوم - معلمان در برابر قوانین صنف چی گونه سلوکی را باید اختیار کنند که قابل تطبیق باشد:

بـه تمام قوانین و ضوابط باید از نگاه هردو (معلم و شاگردان) دیده شود. یعنی قوانین باید اراده و مقصد معـلم را در عمـلیهٔ تدریـس و آمـوزش بـرآورده سـازد مگـر، باید بر وفق تحمل و حوصلهٔ شاگردان باشد.

معـلم باید همیشه در صنف خود اندیشهٔ قواعد و ضوابط را حفظ کند و اینراهم همیشه به خاطر داشـته باشـد کـه شاگردان گاه گاه در لحظات هیجانی اطاعت از قوانین را فراموش میکنند. قابل یـاد آوری اسـت کـه در همچو حالتها، آنان کدام نیت سوء ندارند. پس سختگیری معلم در همچو اوقات بی فایده است.

زنده گی طفل پس از تولد

تیوری نمو و رشد با مراحل آموزش، دانش، تحرک و محبت بسته گی دارد. عملیهٔ تفکر در مرحلهٔ اطلاعاتی آموزش شامل است که انکشاف هیجانها و احساسات تحرک تمام بدن را احتوا میکند.

طفل هنگام تولد دست و پای خود را حرکت داده میتواند مگر نمیتواند آنها را اداره کند. گریه میکند اما نمیداند چرا؟. حواس لامسه، شامه و ذایقه اش به مقایسهٔ حس باصره اش بیشتر رشد کرده میباشد. در برابر اوضاع جوی عکس العمل نشان میدهد مگر نمیتواند.وضع خود را تغییر دهد.

اطفال به محافظت نیاز دارند، که از آنها باید مراقبت به عمل آریم باید با آنها صحبت و ساعت تیری هم کنیم. هرگاه مراقبت و حفاظت طفل به وجه احسن صورت نگیرد به طور عادی رشد نمیکنند. ممکن است اطفال مادران خود را نشناسند. مگر وقتی که مادر به آنها شیر میدهد با آنها گپ میزند یا لباس شان را تبدیل میکند، محبت یا قهر آنها را به صورت کلی احساس میکند..

تغذیهٔ منظم بالای رشد و نموی طفل اثر مطلوب دارد. اوقات تغذیهٔ اطفال متفاوت است اما مادران میتوانند تا یک ماه یا شش هفته پس از تولد اوقات تغذیهٔ ایشان را تثبیت کنند. برای مادر دانستن این نکته هم مهم است که وقتی طفل گریه کند با شیر دادن هم آرام نمیشود.

تحقیقات ثابت کرده که اطفالی که مطابق تقسیم اوقات منظم تغذیه میشوند به مقایسهٔ اطفالی که بدون تقسیم اوقات تغذیه میشوند کمتر گریه میکنند.

این نکته را باید یاد آوری کرد که بیشتر بزرگان اطفال را به گریه میآورند، آنها میخواهند که مشکل اطفال را همراه با خوشی خود حل کنند اما به این نکته متوجه نیستند که یگانه طریقهٔ مفاهمهٔ یک طفل فقط گریهٔ اوست.

سخن مهم اینست که معلم باید توجه شاگردان را به تعهدات شان به صورت دوستانه معطوف سازد. برای شان رهنمایی کند، به آنان موقع دهد تا آنرا عملی کنند. اگر معلمان سرانجام در مورد رعایت قوانین قناعت شاگردان را فراهم سازند، این کار به مقایسهٔ این که جبراً رعایت قوانین بالای شاگردان قبولانده شود تأثیر مثبت خواهد داشت.

قوانین، بنابر اقتضاآت صنف، زمانی وضع میگردد که به آن ضرورت احساس شود؛ یعنی، معلم باید اینطور عمل نکند که کار خود را در یک صنف جدید، با معرفی کردن بسیاری از قوانین آغاز کند که سبب ترس و نگرانی شاگردان شود. زیرا شاگردان هیچگاه آنها را به خاطر نخواهند داشت و رعایت نخواهند کرد. به عوض آن باید قوانین را به نوبت توضیح کند که در همان صنف به شاگردان کمک میرساند. به جای آن که برای هر مقصد کوچک هم باشد قوانین زیادی وضع شده است هنگامی که شاگردان خواندن و نوشتن را یاد گرفتند کار خوبی خواهد بود که شاگردان قوانین مربوط خود را در یک صفحه به خط زیبا بنویسند و به روی دیوار صنف بیاویزند تا به آن همیشه متوجه باشند.

۴ - ۳ - ۲ - ۵. نگهداری اسناد (امور اداری صنف) :

مکتب محل اجرای فعالیتهای مهم و پیچیدهٔ تعلیمی و تربیتی است. در آنجا عملهای متقابل به خاطر آن صورت میگیرد که اهداف خاصی به دست آید. مکتب جایی است که در آن نه تنها سلوک انسانی ارزیابی میشود، بل که در جهت بهبود تغییر مییابد.

مسؤولان امور در داخل مکاتب باید در جهت انجام فعالیتهای پیچیده، بعض مکلفیتها و همچنان حقوقی رادارا اند. برخی از این حقوق و مکلفیتهای متقابل باید نوشته شوند که این اسناد نوشته شده را به نام قواعد و ضوابط یاد میکنند.

این قوانین و ضوابط از طرف مقامات ذیصلاح بالا به مکاتب، سرمعلمان و معلمان انتقال مییابد یا آن که از طرف سرمعلمان به کارکنان داخلی مکاتب صادر میشود. معلمان هم میتوانند در صنف خود اینگونه قوانین را وضع و تطبیق کنند. تمام قوانین و ضوابط از قبیل: راپورهای معلمان و ارزیابی شاگردان که شکل تحریری داشته باشند اسناد شمرده میشوند.

۱ ـ چرا اسناد نگهداری میشوند ؟

به خاطری که :

- حقایق و ارقام را ثابت کنند.

- دلیلی که برای آن ارائه گردیده به آن مراجعه شود.

(مسؤولیت در برابر شاگردان و دارایی عامه) که باید به آن عمل شود.

۲ ـ چی قسم اسناد ؟

الف) اسنادعمومی :

الف ـ ۱ ـ نصاب تکمیل شده

الف ـ ۲ ـ توزیع مواد درسی

الف ـ ۳ ـ حاضری

الف ـ ۴ ـ لست اشیای موجود

الف ـ ۵ ـ کارهای خانه گی

الف ـ ٦ ـ واقعات خاص

ب) اسناد خاص شاگردان :

ب ـ ۱ ـ دستآوردها

ب ـ ۲ ـ کامیابی - ناکامی

ب ـ ۳ ـ مشکلات - کمبودیها

ب ـ ۴ ـ مشوره ها

۳ ـ چرا اسناد را نگهمیداریم ؟

نگهداری اسناد به خاطری ضرور است که :

- یک آمر این اسناد را ملاحظه کرده بتواند، در مورد بعض موضوعها خاطرات خود را احیا و طوری که لازم باشد اجراآت کند.

- معلمان این اسناد را مشاهده نموده؛ در برخی موارد به نفع شاگردان مطابق آن اجراآت نمایند.
- در برخی موارد، سرمعلمان میتوانند این اسناد را ملاحظه کنند و بر اساس آن سفارشهای مفید و با ارزش را به معلمان صادر نمایند.
- به روی اسناد، سرمعلمان بفهمند که امور مکتب چی گونه جریان دارد. همین قسم با ملاحظهٔ اسناد برای سرمعلمان وضع مکتب، صنفها و وضع رشد و انکشاف هر شاگرد معلوم خواهد شد. همچنان، معلم در بارهٔ لیاقت، نیازمندی و انکشاف سطح دانش هر شاگرد کسب معلومات کرده میتواند.
- اسناد، با معلمان در پیشرفت کار شان کمک میکند.
- معلمان به کمک اسناد تجاربی را میتوانند ارزیابی کنند که شاگردان آنرا کسب میکنند.
- معلمان و سرمعلمان خوب در بارهٔ وظایف شان، فعالیتهای صنف مربوط شان، مکتب و معلمان، سلوک شاگردان و بعضی موضوعهای دیگر روزانه را باید یادداشت گیری نمایند. زیرا در بعض موارد قناعت سرمعلمان و معلمان با آن یادداشتها فراهم میشود.
- اسناد کار ماهوار و هفته وار شاگردان در موضوعهای جداگانه معلم را کمک میکند. یک معلم میتواند شاگردان ضعیف، احساساتی و لایق را بهتر بشناسد و شاگردان با استعداد را تشویق کند.
- اسناد مفاد واضح تعلیمی و اداری میداشته باشد.
- بدون اسناد، ارزیابی شاگردان مشکل خواهد بود.
- معلم و سرمعلم در بارهٔ تمام اشیا و مواد درسی که از دیگران اخذ کرده اند و هم در مورد استعمال و توزیع آن به شاگردان معلومات موثق میداشته باشند به این ترتیب، معلم و آمران مکاتب به خاطر درک حقایق و ارقام و به مقصد استناد و مآخذ اسناد را نگهداری میکنند.

۴ - چی نوع اسنادی باید نگهداری شوند ؟

برای این که آمران مکاتب از اهداف و نیازمندیهای مکتب به صورت مکمل آگاه باشند و این را بدانند که معلمان وظیفهٔ خود را چطور انجام میدهند، پس باید اسنادی را به نحوی از انحا نگهدارې کنند که این اسناد عبارت اند از :

۴ ـ ۱ : کتاب حاضری معلمان

۴ ـ ۲ : اسناد انتظام و قانونیت معلمان

۴ ـ ۳ : اسناد در بارهٔ سوابق و شخصیت معلمان

۴ ـ ۴ : اسناد در بارهٔ مشخصات ذاتی معلمان

۴ ـ ۵ : اسناد توزیع مواد درسی

۴ ـ ٦ : اسناد تقسیم اوقات، نصاب تعلیمی و رخصتی های عمومی.

۴ ـ ۷ : در بعض مکاتب اسناد اجرآات عمومی (کتاب اطلاع) غرض جمع آوری اطلاعات و اطلاع دهی کارکنان مکتب، اطلاع دهی به شاگردان، و اولیای شاگردان نیز وجود دارد.

ما در سطرهای گذشته به صورت مختصر اصول ملاحظهٔ سرمعلم را در مورد نگهداری اسناد از لحاظ اداری نشان دادیم. در سطرهای بعدی در مورد انواع و اقسام اسنادی صحبت خواهیم کرد که معلم باید آنها را نگهداری کند.

میتوان این اسناد را به دو بخش تقسیم کرد:

۱. اسناد عمومی

۲. نصاب تعلیمی

۱ ـ ۱. معلم باید سند تطبیق قدم به قدم نصاب تعلیمی را نگهداری کند.

۱ ـ ۲. اسناد مواد درسی و ذخایری را که از آمر مکتب گرفته و اشیایی را که توزیع یا استعمال کرده است، و همچنان لست اشیای ذخیره شده را باید داشته باشد.

۱ ـ ۳. کتاب حاضری

۱ ـ ۴. معلم خوب، حادثات و واقعات خاص را ثبت میکند.

۵ ـ ثبت اسناد در مورد شخصیت شاگردان :

در ایـن قسـمت میخواهـیم اسـنادی را ارزیـابی کنـیم که معلم در بارهٔ شخصیت شاگردان خود ثبت کرده، حفظ میکند.

زنده گی در مکتب و صنف :

معلم در مورد جوانب مختلف شاگردان اسنادی را نگهداری میکند؛ مانند:

الف - راپورهای هفته وار، ماهانه، سه ماهه و سالانه.

ب - بازیهـای تعلیمی و تربیتی و فعالیتهای مـاورای درسـی؛ مانـند: راپورهـای اشتراک در مجالس و مناظره های صبحانه، سیرهای علمی و فعالیتهای مشابه دیگر.

ج - در مهارتهـای جداگانـه؛ مـثلاً: ثـبت و حفظ درجهٔ انکشاف سویهٔ شاگردان در خواندن، نوشتن، شنیدن، حساب کردن و مهارتهای دیگر.

د - معـلم خـوب دارای کـتابچهٔ یادداشـت روزانـهٔ شخصـی میباشد که در آن مشاهدهٔ صنف، انکشاف ذهنی شاگردان، مشکلات و ضرورتهای شان را مینویسد.

هـ - پلانهـا به خاطر کمک به شاگردان و تخمین کردن سطح انکشاف احتمالی دانش شاگردان ثبت و حفظ میشوند.

و - معـلم ریکاردهـای کارهـای خانـه گـی، امتحانات، کامیابی و ناکامی، مشوره های انجام یافـته بـا شـاگردان و والدیـن شـان را با خود حفظ کند. همین قسم وی فعالیتهای تخمینی مختصر، هفته وار و سالانه یا سه ماهه را پشتی و مفصلاً ثبت نموده حفظ نماید.

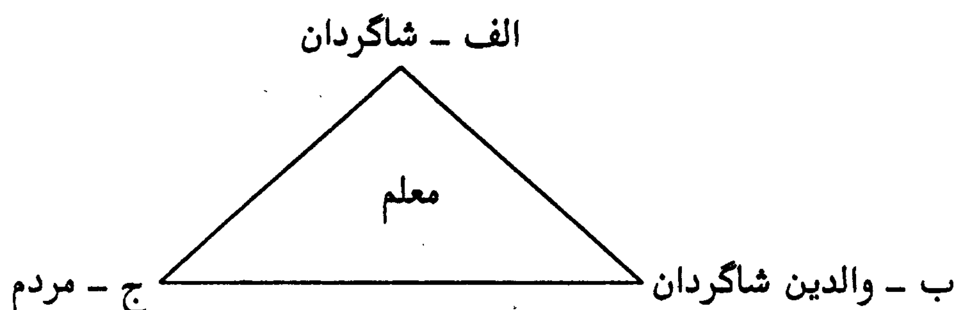
بـنابرین، آمـران و معلمان برای ادارهٔ مکتب و صنف بعض قوانین را وضع کنند. معنای رعایت کـردن ایـن قوانـین ثـبت و حفـظ بـرخی از حقوق و وجایب نیز میباشد. برای این که از مشکلات خواهشـات، علایـق خـاص، مهارتهـای جداگانـهٔ زبـانی و حسـابی و همـین سـان از سـوابق و شخصـیت شـاگردان بـه صـورت مکمـل اطـلاع حاصل کنیم لازم است که تمام آنها را ثبت نموده حفظ نماییم.

۴ ـ ۳ ـ ۳. ارتباط مشترک بین معلم، شاگردان، والدین شاگردان و مردم :

یک معلم ورزیده باید با شاگردان، اولیای آنان و مردم تماسهای همیشه گی و مفید تعلیمی را داشته باشد. این نوع ارتباطها تغییر عمده را در امور تعلیمی شاگردان به عمل خواهد آورد و این تغییر نه تنها در گرفتن نمرات خوب در امتحان به شاگردان کمک خواهد کرد بل که، دستآوردهای شان در مکتب و خانواده ها بیشتر خواهد شد.

تعلیم و تربیهٔ ابتدایی دورهٔ حساس نموی بدنی، اجتماعی و روانی شاگرد است و دورهٔ مناسبی برای تشکل شخصیت، عادتها، کرکتر و رشد و نموی عمومی شخصیت شاگردان میباشد.

عامل متقابل معلم در اجتماع و در روابط چند جانبهٔ تعلیمی آن با شاگردان و والدین آنان در مثلث ذیل نشان داده شده است:



الف: استحکام ارتباط با شاگردان :

معلم دلایل خوبی دارد این که با شاگردان ارتباط خود را مستحکم سازد، یکی از آنها اداره کردن مناسب صنف و نظم آن است. آن عده شاگردانی که معلمان را میپسندند و برای شان احترام قایل اند کمتر پروگرام درسی را اخلال میکنند و مشکلات دسپلینی را کمتر به میان میآورند. هدایتهای معلم خود را بیشتر میپذیرند و به درس توجه زیاد مینمایند. آنعده شاگردانی که معلم خود را نمیپسندند و خوش ندارند یا، هرگاه ارتباط شان با معلم بیطرفانه باشد از سلوک و رویهٔ بد کمی خود داری نموده در برابر فعالیتهای متمرکز بر تعلیم مقاومت میکنند مگر، برای استحکام ارتباط دلایل دیگری هم وجود دارد زیرا شاگردان خود را، به مثابهٔ اشخاص با ارزش

احساس میکنند؛ مثلاً: محیط صنف را سالم، مسرت بخش و درست حفظ میکنند که این کار در دلچسپ ساختن درس نقش عمده دارد.

تمام معلمان با شاگردان خود یکنوع روابطی را دارا میباشند و این روابط وسیلهٔ مهمی در جهت فهمیدن وضع پیچیدهٔ صنف به حیث یک اجتماع کار میدهد. در این فصل راجع به ارتباط و آن چیزهایی صحبت میشود که در استحکام ارتباط مؤثریت دارند.

از لحاظ کیفی استحکام ارتباط شخصی بین معلم و شاگرد را از دو جهت میتوان ملاحظه کرد:

۱. راههای مختلف استحکام ارتباط معلم با جهان خصوصی شاگردان.

۲. علایم خاص ارتباطهای قایم شده؛ احترام و علاقمندی را در روابط معلم و شاگردان به وجود میآورد.

در این جا هریک از این موارد را طور جداگانه شرح میدهیم:

اول ـ راههای مختلف استحکام ارتباطها :

برای این که معلم با شاگردان رابطه پیدا کند، لازم است تا در صنف به آن توجه داشته باشد. به صورت انفرادی با آنها نزدیک شود و نامهای شان را یاد کند. معلم شخصاً تمام انرژی خود را وقف درس نساخته بل که، برای شاگردان هم وقف سازد. زیرا اطفال خورد سال از لحاظ روانی زمانی احساس خوشی میکنند و تشویق میشوند که مرکز توجه بزرگسالان قرار گیرند. استقبال معلم از احساسها، آرمانها، آرزوها، شوخیها، تصورات و اهداف اطفال یکنوع ارتباط را در بین آنها آشکار میسازد. معلم باید با شاگردان در بازیها به صفت یک بازیکن یا عضو تیم یا به حیث رقیب بازی نموده با آنها در مورد تجارب شخصی شان صحبت کند. در کارهای عملی با ایشان سهیم شود، کارهای پروژ را با آنها یکجا پیش ببرد و امثال اینها.

طریقه های دیگری هم وجود دارد که معلم به وسیلهٔ آنها ارتباط خود را با شاگردان استحکام بخشیده میتواند. معلم به خاطر استحکام ارتباط مطابق به روشهای ذیل اجراآت سطوح مختلف شاگردان را تشخیص کرده میتواند:

- هیچگاه با شاگردان ارتباط خود را منحیث اشخاص انفرادی دیگر مستحکم نکند.

- باشاگردان به صورت انفرادی باید به یک شکلی (در وقت سپورت یا تفریح یا در هنگام معلومات دادن چارتها یا کدام مواد درسی دیگر) ارتباط داشته باشد.
- به طریقه های مختلف با شاگردان ارتباط بگیرد.
- معلم طریقه های مختلف ارتباط با شاگردان را مقایسه کند.

دوم ـ علایم خاص ارتباطهای قایم شده :

علایم خاص و بسیار مهم عبارت از اینهاست: انصاف، وضع ظاهری، خوش طبعی، مؤدب بودن، احترام، واقعبینی، استحکام تماس مجدد وگوش فرا دادن فعالانه به خواستهای شاگردان.

این علایم باید در جهت استحکام ارتباط باهم پیوست شوند. موقعی که این علایم در معلم دیده میشوند پس احترام شاگردان به معلم بیشتر میگردد و این یک تهداب خوب ارتباط شخصی تلقی شده میتواند.

۱. انصاف :

از لحاظ احترام شخصی انصاف به خاطری مهم جلوه میکند که شاگردان متیقن نیستند که آیا معلم هنگام تصمیم گیری در مورد آنها از انصاف کار میگیرد یا نه؟

مثلاً: در سپردن وظایف، در حل مناقشات، در کمک کردنها و در انتخاب تیمها و گروپها آیا معلم به خاطر خوشی شاگردان دست به کار نخواهند شد؟

۲. وضع ظاهری :

شاگردان همیشه میگویند که فلان معلم را به خاطری میپسندیم و برایش احترام داریم که وضع ظاهری وی خوب است. شاید شاگردان موهای شانه شدهٔ منظم و لباس نظیف را علامهٔ معزز بودن معلم و دیگر بزرگان بدانند و تصور کنند که اشخاص مهم باید به نظر خوب جلوه کنند.

۳. مزاح (خوش طبعی) :

معلم نیازمند آن نیست که همیشه با شاگردان مزاح و خوش طبعی نماید؛ مگر، هرگاه او هنگام مزاح پیشانی گشاده داشته باشد یا با شاگردان با صمیمیت مزاح کند طرف پسند شاگردان واقع خواهد شد.

۴. ادب (مؤدب بودن) :

یک حرکت مؤدبانه گرچه که کاملاً رسمی و مذهبی باشد بازهم اشارهٔ مستقیمی به خاطر خواهی و احترام یکفرد خواهد بود. زیرا مؤدب بودن یک عمل شخصی بوده از ساحهٔ روابط شخصی فاصله دارد مگر، بازهم مربوط آنست. شاگردان تمایل دارند که در مقابل ادب خوب کسی عکس العمل مشابه را از خود تبارز دهند. مؤدب بودن معلم صفت ممتازی است که به دلیل گفتن و تفصیل نیازی ندارد.

البته مؤدب بودن در اینجا به حیث یک علامهٔ خصوصی استحکام ارتباط و علایق به خاطری آورده شده که.معلم با نام گرفتن شاگردان طوری وانمود میسازد که تهداب مناسب استحکام ارتباط را میگذارد مثلی که انصاف را به خاطر جلب احترام به کار میبرد. کمبود رفتار مؤدبانه خلایی در راه ارتباط بوده فاصله ها را بین معلم و شاگردان به میان میآورد.

۵. احترام :

معلم، شاگردان خود را به حیث انسانها، به طرق مختلف احترام میکند. معلم میتواند طوری از منافع شاگردان استقبال کند که به شاگردان هر روز موقع دهد که از او پیروی کنند یا کوشش نماید که این منفعت را در اهداف نصاب تعلیمی شامل سازد تا در عملیهٔ تدریس / آموزش تأمین شود.

معلمان به شاگردان طوری ارزش قایل شوند که اجازه دهند بدون این که بالای شان انتقاد شود مفکورهٔ خود را بیان کنند. (البته لازم است که تصحیح هم شود). آنان، شاگردان را اینطور هم احترام کرده میتوانند که غلطی های شان را بدون کمی و کاستی اصلاح نماید.

به این ترتیب هم معلم میتواند شاگردان را احترام کند که برای نمایش و اجرای نقش برایشان موقع را مساعد ساخته و عکس العملی رانشان دهد که شاگردان یقین حاصل کنند که معلم کارهای آنها را واقعاً مشاهده کرده است. سپس تفاوتی نخواهد داشت که عکس العمل معلم مثبت باشد یا اصلاحی.

٦. واقعبینی :

مقام بلند مانند پردهٔ عمل میکند که "آمر" مانند یک شخص عادی در آن مشاهده نمیشود. درست مانند شخصی که فکر میشود احساس دارد و یک عمر تجربه را انجام داده است. بالعکس تمایل ما طوری است که آمر را به نگاه آمر و معلم را به چشم معلم و مقام بلندتر را به چشم صلاحیتدار ببینیم. شاگردان که استاد خود را "معلم صاحب" میگویند و به نام مخاطبش نمیسازند این مطلب را ثابت میکند. شاگردان زمانی معلم خود را به حیث یک شخص واقعی میبینند که برایشان در فعالیتهای آموزشی موقع دهد. اعمالی که معلم با انجام دادن آنها ابعاد شخصیت و صفات خود را آشکار میسازد در اصل برایش موقع میدهد که چهرهٔ خود را در قالب یک شخص واقعی ظاهر نماید. معلم در مورد زنده گی خود قصهٔ مشابه و مشترک با زنده گی شاگردان را دارا میباشد و تجارب شخصی خود را در تشریح درس به کار برده با آنها شریک میسازد.

۷. استحکام تماس مجدد :

هنگامی که یک معلم شاگردی را شدیداً مجازات میکند؛ مثلاً: یک شاگرد را از صنف بیرون کرده یا در نهایت غضب یک حرکت انضباطی را انجام داده میگوید: (فوراً این کار را بگذار! تو نمیتوانی کار دیگران را خراب بسازی... هرگاه با همصنفان کمک کرده نمیتوانی، این جای برای تو امروز مسدود است. برو خدا حافظ! ... .) پس فضای ارتباط بین معلم و شاگرد تیره و مکدر میگردد. (و باید هم شود) پس از این واقعه اگر معلم بخواهد با شاگرد خود ارتباط خوب داشته باشد با او در رابطه به یک موضوع دیگر، به طریقهٔ شخصی و مثبت باید دوباره مفاهمه کند که این استحکام تماس مجدد است و در حقیقت دادن این پیغام برای شاگرد است که کدام کدورت

زنده گی و دانش

اساساً زنده گی یک عملیهٔ آموزشی است که آموزش آن از وظایف ساده؛ مانند: حرف زدن و راه رفتن آغاز میشود و بعد از آن به شکل مفاهمهٔ مجرد از قبیل دین و به سوی روابط بین الانسانی حرکت میکند. اگر بخواهیم که این عملیهٔ آموزشی را در بین یک جامعه تحقیق کنیم نخست باید فرصتهایی کشف شوند که برای آموزش یکی از اعضای آن جامعه مساعد است. برای این نوع مردمی که به سرعت تحول پذیر اند ضروری است که برای اعضای خود تهداب بزرگ آموزشی را بگذارند. این کار تضمین آنرا میکند که مردم این تغییرات را که با آن مواجه اند بدانند و گام به گام آنها انکشاف نمایند. هرگاه به یک شخص از دادن موقع آموزشی انکار به عمل آید معنای آن اینست که برای تمام مردم از استفاده کردن همچو آموزش انکار صورت گرفته است.

قبلاً تعداد زیاد روانشناسان به جنبهٔ اطلاعاتی آموزش و پرورش اطفال فشار می آوردند که در فصلهای بعدی بالای هر کدام آن به طور مفٌصل بحث خواهد شد مگر مهم اینست که به وجوه دیگر، از قبیل: رشد عاطفی، بدنی و اجتماعی در تربیهٔ طفل باید توجه به عمل آید.

توانایی آموزش گپ زدن (صحبت کردن)

اعضای سخن گفتن انسان در هنگام تولد رشد کامل داشته و وظیفهٔ طفل نوزاد اینست که باکشیدن آواز های با معنی این اعضا را در جهت سخن گفتن به کار اندازد. نخستین آوازهایی که طفل با آن مواجه میشود آوازهای ساده است مانند [آ ، اوی ، بابا] که طفل به تکرار آنها میپردازد و مردم خوشحال شده به وصف او میپردازند، مگر، به خاطر اینکه این عکس العمل مثبت بیشتر تحریک شود سعی به عمل آید که طفل بیشتر حرف بزند. آن کلماتی را که آموخته است او را به آن اشخاص و اشیایی مربوط میسازد که دلالت بر آنها دارد. لذا وقتی که یک طفل افگار یا گرسنه شود پس [اوی یا ننه] میگوید زیرا این را آموخته که مادر بیشتر از دیگران احتیاجاتش را رفع کرده است.

طفل به تدریج آن کلمه هایی را میآموزد که در ماحول خود میشنود و به ذخیرهٔ لغات آغاز میکند. بین اطفال ۳ ـ ۵ ساله معمول اینست که یک لغت و معنای آنرا میدانند؛ مگر، نمیتوانند

و آزرده گی در میان نبوده و روابط نیک بین او و معلم برقرار است. این کار کشیده گی را از میان برده و شاگردان را در مسیر فعالیتهایشان از راه عاطفی مجدداً رهنمایی میکند.

در حرکت معلم "معذرت خواستن" یا عقب نشینی از عضب قبلی اش وجود ندارد و این صرف یک طریقهٔ سخن گفتن است که معلم به شاگرد بگوید خوب! بیا با هم تماس بگیریم و واپس به حالت عادی برگردیم.

۸. شنیدن (گوش گرفتن) فعالانه :

عکس العمل گوش گرفتن یا شنیدن، برای گوینده در مورد محتوای گفتارش دادن یکنوع فیدبیک است و این را تأیید میکند که برایش گوش داده شده است. گوش گرفتن فعالانه با فیدبیک یک جزوی را بر احساس افزوده؛ شنونده حالت و احساس گوینده را به آواز بلند بیان میکند یا این که آنرا خاموش میسازد. "گرفتاری در این مشکلات (محتوا) و این که واقعاً خسته میشود (احساس) را تشکیل میدهد".

معلمانی که از گوش دادن فعالانه کار میگیرند در حقیقت به درک احساسات شاگردان مستقیماً توجه میکنند. هرگاه این کار به طرز انحصاری و غیر صمیمانه صورت گیرد حق داریم استدلال کنیم که گوش دادن فعالانه و با هدف، عملی بوده که به مقصد استحکام ارتباط صورت گرفته است. عملی که با سلوک لفظی انتقال فکر اجتناب ناپذیر است.

ممکن است که قسمت بیشتر این مظاهر را به (استثنای وضع ظاهری و گوش گرفتن فعالانه) با مودلهای تدریس وابسته سازیم و میتوانیم معنای اشکال مختلف انصاف را با مودلهای مختلف مقایسه کنیم. در قسمت "واقع بینی" نیز عین کار را انجام داده میتوانیم و به این ترتیب از بسیاری این نوع مودلها (محیط های آموزشی) توقع برده میتوانیم که ممثل واقع بینی و انصاف است. مگر ما اندازه گیری های استحکام روابط شخصی را به حیث یکی از وسایل سلوک از لحاظ کیفی طوری میآزماییم که گویا در استحکام این روابط سهم میگیرد. این روابط به مقیاس درسهای فردی ارزش بالاتری دارد گرچه ممکن است که ماهیت برقراری ارتباط بروفق ماهیت درس تغییر یابد؛ مگر کیفیت ارتباط بین افراد تغییر نمیپذیرد.

ارزیابی استحکام روابط :

تدریس خود و تدریس معلم دیگری را ارزیابی کنید و ببینید که کدام یک از مسایل ذیل واقع میشود؟ در مورد هر سلوک و روش که شما به آن اهمیت میدهید متوجه شوید که آیا کدام حادثهٔ ثانی یا بدیل آنرا پیدا کرده میتوانید که آنرا تائید کند؟ آن سلوکی که شما انکشاف آنرا توقع دارید در جستجوی فرصت یا وقتی باشید که آنرا به انجام برسانید، تا حدی که میتوانید عمل مشخص را هم در نظر بگیرید.

راههای داشتن ارتباط با شاگردان، هر کدام را در یک دایره بگیرید.

آثار	راهی نیست	یک راه دارد	راه های زیاد دارد	راه با فرد مناسبت دارد
انصاف				
وضع ظاهری				
مزاح (خوش طبعی)				
ادب				
احترام				
واقعبینی				
استحکام تماس مجدد				
گوش گرفتن یا شنیدن فعالانه				

ب: ارتباط معلم با والدین شاگردان :

به خاطر نفع بردن شاگردان و بااستفاده از موقع تعلیمی باید بین کوششهای خانواده و مکتب یک وحدت به میان آید. بین خانه و مکتب باید جدایی و تضاد وجود نداشته باشد. در سالهای نخستین عمر شاگردان در مکاتب، موجودیت روابط بین معلم و والدین آنان اهمیت زیاد دارد. معلمان مکاتب ابتدایی والدین و مکتب در تهدابگذاری روابط نخستین و متداوم ذات البینی موقف ستراتیژیک دارند.

بعض پدران و مادران حتی به خاطر مراقبت یک شاگرد در راه رفتن او به مکتب هم مذبذب میباشند. مگر، بعضاً آنان توقع دارند که در امور تعلیمی مکتب هم سهم بگیرند.

مکتب باید این وظیفه را به عهده گیرد که با والدین شاگردان ارتباط داشته باشد با آنها به نفع ادارهٔ مکتب، معلمان و شاگردان سخن را در میان بگذارد.

مفاد ارتباط معلم با والدین شاگردان :

معلم آرزو دارد که برای هر شاگرد یک پروگرام مناسب را ترتیب کند. اگر معلم از وضع پدر، مادر، محیط و ماحول شاگردان آگاه باشد به اساس تجارب خویش به بهترین وجه شاگردانی را ارزیابی کرده میتواند که پیش از آمدن آنان به مکتب آن تجارب را حاصل کرده اند.

معلم از این تجارب منحیث زیربناء به مقصد تجارب آیندهٔ شاگردان استفاده کرده میتواند. گزارشدهی تجارب شاگرد از مکتب، به پدر و مادرش در حقیقت آغاز تبادلهٔ افکار معلم با پدر و مادر شاگرد میباشد که به شکل غیر مستقیم انجام داده میشود و معلم از آنها در مورد پروگرامها فیدبیگ مفید را به دست آورده میتوانند.

اگر یک معلم پدر و مادر شاگرد خود را بشناسد، آنها را در جهت تعلیم بهتر اولادش خوبتر میتواند تشویق کند. معلم به طریقه های مختلف میتواند با پدر و مادر شاگرد کمک کند تا در مدت طولانی شاگرد در خانه انکشاف تعلیمی او را سرعت بخشند.

زمانی که معلم با والدین شاگرد آشنا شود آنگاه با اهداف و ارزشهای تعلیمی همدیگر بلدیت حاصل میکنند. بین آنها کشیده گی به وجود نخواهد آمد که ذهن شاگرد را مغشوش سازد حتی بعضی والدین دارای تحصیلات عالی، در مورد اطفال و صفات آنها معلومات محدودی دارند. معلم میتواند با تمام والدین همکاری کند تا در بارهٔ فرزندان خود دانش لازم را به دست آرند. والدین به همکاری مشترک معلم در مورد وضع آموزش شاگرد، رشد ذهنی، نصاب تعلیمی لوازم و وسایل درسی و نظم و قانون مکتب آگاهی حاصل میکنند.

انواع تماسها با والدین شاگردان :.

۱. دیدار نخستین در مکتب :

آمدن پدر و مادر شاگرد در روزهای آغاز سال تعلیمی به مکتب به خاطر معرفی اطفال شان و یا به خاطر شمول آنها به مکتب، برای آنان و معلمان موقع بسیار مناسب است که با همدیگر معرفی شوند و در مورد همدیگر کسب معلومات کنند. معلومات پدر و مادر در بارهٔ معلم شامل موضوعهای ذیل خواهد بود:

خصلتها یا سلوک معلم، لیاقت تدریس، صفات او، سابقهٔ وظیفه و کارش که تخصص عمومی اش رانشان میدهد.

ضمناً معلمان در مورد کارو بار والدین شاگردان، موقف اقتصادی و اجتماعی شان، سواد و درجهٔ تحصیل و سایر موارد معلومات ابتدایی را به دست میآورند.

۲. ملاقات در منزل :

معلم میتواند که یک ملاقات مختصر را در منزل با والدین شاگردان سربه راه کند که صرف با شاگردان و گذشته از آن با جدید الشمولان آشنا شود. ملاقات در خانه ارزشهای دایمی دارد که باقبول اندک زحمت در مورد تطابق شاگرد با محیط مکتب هم کمک کرده میتواند.

شاگرد و والدینش هردو نسبت به جاهای دیگر در منزل مرفه میباشند لذا دید و وادید در خانه و در مورد زنده گی خانوادهٔ شاگرد به معلم معلومات میدهد و او را کمک میکند که از روی آن حالت روانی شاگرد را در صنف ارزیابی کند؛ طور مثال: در یک خانواده رقابتها بین خواهران و برادران، ترجیح دادن پدر و مادر یکی را بر دیگرش، توجه بیشتر محبت و ارجگزاری به یکی از آنان، محرمیت ها، عقده ها و ارتباطهای طفل با پدر و مادر اندر (اگر طفل یتیم باشد) و مثل اینها

اگر شاگرد بدون پدر و مادر با اشخاص بیگانه تنها گذاشته شود یکنوع ترس میداشته باشد. اما این نوع ملاقاتهای معلم باپدر و مادر او در خانه تشوش و اضطراب آنها را زایل ساخته؛ برای اطفال احساس امنیت، اعتماد و تطابق را میبخشد.

۳. ملاقات در مکتب :

معلمان میتوانند با والدین شاگردان در داخل مکتب نیز وعدهٔ ملاقات را بگذارند و با آنها تماس بگیرند این پلان توجه والدین را زودتر به مکتب و به وسایل مکتب و طرزالعملهای آن معطوف میسازد. ملاقات باید خصوصی باشد تا شاگرد و خانواده اش راحت باشند. والدین باید احساس کنند که رفتن شان به مکتب همیشه به پذیرایی گرم مواجه میشوند. آنان باید از طرف ادارهٔ مکتب اجازه داشته باشند تا هر زمانی که وقت پیدا کردند به مکتب بروند و در مورد فرزندان خود با معلم صحبت کنند.

۴. ملاقات تصادفی :

ممکن است در جریان فعالیتهای اجتماعی در بازار یا زمانی که شاگرد توسط پدر و مادر به طرف مکتب یا از مکتب به طرف خانه برده و آورده میشود والدین شاگرد و معلم باهم ملاقات تصادفی کنند. این نوع ملاقاتها موقع را مساعد میسازد تا والدین و معلم در خانه و مکتب در مورد رفتار و کردار شاگرد با هم مفاهمه کنند.

۵. رابطهٔ تیلفونی :

اگر تیلفون به دسترس معلم باشد میتواند برای والدین شاگرد از لحاظ اخلاق نیک و کامیابی فرزندان شان تبریک و تهنیت گفته ، آنانرا باخبر سازد.

٦. کنفرانسها :

معلم و والدین در کنفرانسها به تمام شاگردان، به شمول آنانی که مشکلاتی در تطابق با محیط مکتب دارند کمک کرده میتوانند.

مقصد معلم از کنفرانسهای خصوصی این است که واکنش و توقع والدین را در مورد پروگرامهای مکتب معلوم کند تا آنان هم در مورد اثرات پروگرامهای مکتب بیشترین اطلاعات را به دست آرند. معلم میخواهد در بارهٔ شاگردان معلومات زیاد حاصل کند و پدر و مادر آنان را تشویق کند که خود را با پروگرامهای مکتب آشنا سازند و از آن حمایت کنند.

والدین مکلف اند که در این کنفرانسها اشتراک نمایند. این هم ضرور است که اگر والدین پیشنهادات دیگری نداشتند، صرف موضوعهای مربوط را بررسی کنند. هدف کنفرانس باید این نباشد که والدین را آزرده یا ملامت سازد. زیرا والدین علاقه دارند که از موفقیتهای هم صنفان فرزندان شان در درسها و همچنان از معلمان، شاگردان و از روابط مکتب با محیط ماحول باخبر شوند. معلمان باید پیش از پیش برای کنفرانس آماده گی داشته باشند. باید کارهای شاگردان را جمع آوری کنند و نمونه های آنرا برای تماشا تقدیم نمایند. همچنان باید از فعالیتهای صنوف یادداشتهایی بگیرند. راههای حل مشکلات باید پیش از پیش توسط معلمان سنجیده شده باشد. بهتر خواهد بود آنعده مشکلاتی پیشکش نشود که راه حل نداشته باشد.

۷. دعوت از والدین شاگردان در محافل مکتب :

یکی از راههای استحکام روابط بین والدین شاگردان و معلم، دعوت از آنان در محافل مختلف مکتب است. برای این منظور باید دعوتنامه های رسمی ارسال گردد. هر دعوتنامه (کارت) باید به خط واضح نوشته شده باشد. نام دعوت شونده، وقت و تاریخ محفل و توأم با آن پروژه یا فعالیت مورد نظر باید در آن واضح شده باشد. نمونه از این گونه محافل در این جا ذکر شده است:

۱) کنسرتها

۲) نمایشنامه ها

۳) روز معلم

۴) بازیهای ورزشی

۵) محافل موسیقی

۶) کنفرانسهای معلمان

۷) نمایشگاهها (خطاطی، رسامی و غیره)

۸) مباحثه های علمی

۹) لکچرها

۱۰) توزیع اطلاعنامه ها

۸. مفاهمه از طریق مواد چاپی و نشرات :

ارتباط بین والدین شاگردان و معلمان از این راه هم استحکام میپابد که آثار چاپی و نشرات مکتب به صورت منظم به پدران و مادران شاگردان فرستاده شود. به این ترتیب آنان از جریان امور مکتب قدم به قدم باخبر میشوند. این مواد؛ عبارت اند: از بولتینهای ارزانقیمت، نشرات خبری، رساله ها و اشیای مشابه دیگر. شاید والدین نیز تشویق شوند که به کتابخانه، لابراتوار یا برای معلمان مکتب اشیای مفید را بفرستند.

اداره کننده گان مکتب مسؤولیت وظیفوی دارند که با والدین شاگردان ارتباط خود را استحکام بخشند. آنها باید از تسهیلات موجود کار گیرند و با معلمان در راه رسیدن به هدفهای شان همکاری کنند که این کار با شاگردان در حیات تعلیمی شان کمک بزرگی میتواند باشد.

آن عده والدینی که در دید و وادید و تماسها مذبذب میباشند برای این کار به طریقه های مختلف تشویق شده میتوانند.

ج : ارتباط بین معلم و مردم :

نقش معلم در تنظیم خدمات اجتماعی و تجارب آموزشی شاگردان و مردم :

معلم، منحیث هموطن و همچنان به عنوان یک کارکن اجتماعی، پروژه های مختلف تعلیمی را برای شاگردان به منظور کار کردن در جامعه، تنظیم کرده میتواند. شاگردان از این نوع تجارب به خاطری استفادهٔ بیشتر میکنند که شعور اجتماعی آنان رشد مینماید و هنگام معاشرت با مردم کمک نموده؛ استعداد های خود را برملا میسازند. زیرا، معلم به رشد جسمی، ذهنی، اجتماعی و عاطفی او مشغول است. شاگردان فعالیتهای بیرون از مکتب را مطابق به معیارهای آن تنظیم کرده میتوانند. معلم، علاوه براین که به حیث یک منبع با مسؤول به شاگردان و منبع خدمت به مردم کار میکند این نوع پروژه را هم تنظیم کرده میتواند که بین هردو جانب تفاهم را به میان آورد.

معلم، شاگردان را به اساس علاقمندی سن، کار و ظرفیتهای شان به گروپهای جداگانه تقسیم کرده، که این کار حفظ الصحه، زراعت، کنترول ترافیکی و حتی ځارندوی (سکوت) و غیره را احتوا نموده در فرصت های ذیل انجام داده شده میتواند:

- در محافل دینی و اجتماعی

- در انکشاف محیط عاری از کثافات

- در حالات اضطراری؛ مثلاً: در زلزله، سیل، وقوع حریق و امثال اینها.

- در عادی ساختن جریان ترافیکی

- در مساعدت به اشخاص معیوب و کهنسال

- در کشت و زرع نباتات و درختها

معلمان سیرهای علمی را هم تنظیم کرده میتوانند که در جریان آن شاگردان هم طبعیت را مستقیماً مشاهده میکنند و هم با فرهنگ مادی و معنوی مردم و محیط ماحول خود آشنا میشوند. در اینجا بعض مثالها از جاهایی ذکر شده که شاگردان میتوانند به سیر علمی بروند.

۱) کلینکها / شفاخانه ها

۲) آبدات تاریخی

۳) موزیمها

۴) کلپهای ورزشی

۵) فارمهای مرغداری و زراعتی

۶) پرورشگاهها

۷) مطبعه ها

۸) کتابخانه های عامه

۹) باغها و جنگلات

۱۰) دریا ها / بندها

۱۱) فابریکه های تولید برق و دیگر فابریکه ها

(یادداشت: "سیرهای علمی" در فصل ۴ ـ ۲ ـ ۴ دیده شود)

شده میتواند که بزرگان اجتماع، هنرمندان، آواز خوانان، صنعتگران، دهقانان، کارگران و سایر اشخاص مشابه به مکتب دعوت شوند تا کمال، هنر و کسب و کار خود را به شاگردان

نشان دهند و تجارب خود را با آنان شریک سازند. ادارهٔ مکتب باید بین مردم و مکتب در جهت انکشاف این نوع تعلقات کار کند.

بخش مشکل وظیفهٔ معلمی ارتباط او با بسیاری از شخصیتهای انفرادی و ایجاد یک شبکهٔ تفاهم با جامعه میباشد.

وظیفهٔ معلم صرف از این لحاظ ثقیل است که قطب مقابل آن انسانی و روابط انسانهای بوده که شاگردان، والدین، آمران مکاتب، مشاوران، مفتشان و اشخاص دیگر در یک دام پیچیده درگیر اند مگر، بازهم معلم در بین دانش و فرهنگ اجتماع به صفت یک میانجی به رشد دادن یک سلسله مهارتها مشغول است.

هر مرحلهٔ حیات اجتماعی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در تعلیم افراد سهم خود را دارا میباشد که یک معلم در جهت تربیهٔ روابط انسانی موفق باشد پس تمام خوبیها نصیبش میگردد و شاگردان هم به شوق زیاد درس میخوانند. آمران، سرمعلمان، مشاهده کننده ها و حتی والدین شاگردان شخصیتهای قابل ستایش خواهند بود زیرا روابط انسانی معلم نسبت به مهارتهای تخنیکی اش یا بالای مضمونش بیشتر از هر حاکمیت دیگر بار بار حایز اهمیت میباشد.

۵ - ارزیابی و ارتقا

معلم چگونه میداند که شاگردان واقعاً فهمیده اند؟

جامعه چطور به پیش میرود؟

کدام چیزها هنوزهم بهتر تدریس شده میتواند؟

کدام قسمت پروگرام درسی ایجاب تعویض را مینماید؟

آیا هدفهای در نظر گرفته شده به دست آمده است یا خیر؟

برای جوابهای بهتر این سوالها، ارزیابی یکی از بهترین وسیله هاست. معلم از طریق ارزیابی فهمیده میتواند که شاگردان چقدر آموخته اند و تا چه حد انکشاف کرده اند. ارزیابی مشخصهٔ عمدهٔ جستجوی مؤثریت معلم است.

چی را ارزیابی میگویند؟

۱. ارزیابی عملیه ایست که اندازهٔ رسیدن به هدفها را معلوم میکند.

۲. ارزیابی آن عملیه ایست که توسط آن اندازهٔ پیشرفت شاگردان و مؤثریت کار معلم و ارزش آن به صورت یقیی معلوم میشود.

۳. ارزیابی عملیه ایست که با استعمال یک معیار، ارزش یا اندازهٔ یک چیز را برای یقینی ساختن یا قضاوت کردن بر آن معلوم میکند.

ارزیابی به شکل عام و خاص باید از طرف هیأت تدریسی به شکل دوامدار صورت گیرد. نه این که برای یک دورهٔ تدریس یا تا ختم سال تعلیمی معطل قرار داده شود. معلم باید به صورت دوامدار از شیوه های مختلف ارزیابی استفاده کند.

معلم صرف از طریق ارزیابی تثبیت کرده میتواند که آیا تعلیم و تربیه پیشرفت و انکشاف کرده است یا خیر؟

عصب سخن گفتن را طوری به کار اندازند که آوازها صحیح تلفظ شوند. لذا اطفال حروف بسیار ثقیل را حذف میکنند؛ مثلاً: به عوض [مکتب] [متب] و به جای [کتاب] [اتاب] می گویند.

انکشاف در آموزش کلمه ها

جدول ذیل انکشاف آموزش کلمه ها را در اطفال نشان میدهد:

عمر	تعداد کلمه ها	آموزش کلمه های نو
۸ ماهه	۱	۱
۱۲ ماهه	۳	۲
۱۵ ماهه	۱۹	۱٦
۱۸ ماهه	۲۲	۳
۲۱ ماهه	۱۱۸	۹٦
۲ ساله	۲۷۲	۱۵۴
۲ نیم ساله	۴۴۹	۱۷۴
۳ ساله	۸۹٦	۴۵۰
۳ نیم ساله	۱۲۲۲	۳۲٦
۴ ساله	۱۵۴۰	۳۱۸
۴ نیم ساله	۱۸۷۰	۳۳۰
۵ ساله	۲۰۷۲	۲۲۰
۵ نیم ساله	۷۲۸۹	۲۱۹
٦ ساله	۱۲۵٦۲	۲۷۳

طی مدت دوازده ماه اول انکشاف آموزش کلمه ها بطی میباشد مگر از سه ساله گی تا پنج نیم ساله گی به طور ثابت سرعت حاصل میکند و در همین مدت افزایش سریع یاد گرفتن لغات صورت میگیرد.

هدف ارزیابی :

۱. طبقه بندی کردن شاگردان، درجه بندی و مقایسه کردن آنان	شامل کردن شاگردان به خاطر تقدیر و جایزه دهی در پروگرامهایی که اشتراک کننده گان آن محدود است.
۲. تعیین معیارها برای چند شاگرد یا گروپهایی از شاگردان.	به خاطر مقایسهٔ مؤفقیتها در رابطه به گروپهای ملی.
۳. تصدیق کردن شاگردان.	از حیث لیاقت در یک ساحهٔ علمی.
۴. پیشگویی کردن.	در کار عملی، از حیث لیاقت در یک ساحهٔ علمی به حیث غیر مستحقان ترفیع کامیابی در کورس
۵. به خاطر مقرری.	کامیابی در مکتب.
٦. قضاوت کردن مجموعی.	مؤفقیت در انجام یک وظیفه، در این مورد که شاگردان تا چی حد به هدفهای کورس یا واحد درسی رسیده اند؟
۷. فیصله کردن در بخش تعلیمی.	در مورد این که شاگردان درس را از کجا آغاز کنند؟ در مورد این که کدام مهارتها کسب شده است؟ در مورد این که کدام مهارتها یا اجزای مهارتها مجدداً تدریس شود؟ در مورد مؤثریت درس بالای چی نوع شاگردان.

۵ ـ ۱: وسایل ارزیابی :

ارزیابی، تخنیکها، گامها وسایلی را داراست که معلمان میتوانند از آنها استفاده کنند.

گامها و وسایل اساسی ارزیابی اینها اند:

۱. مشاهده :

در این مورد بعداً به تفصیل صحبت خواهیم کرد.

۲. کار خانه گی / نمونه و محصول کار :

معلم میتواند که برای کار خانه گی نمونه هایی را تعیین کند و به این ترتیب مواد اضافی را در بخش آموزش در مورد فیدبیگ شاگردان و همچنان نمره دادن آنان به دست بیآورد.

۳. مصاحبه / دیالوگ / کنفرانسها :

معلم میتواند با شاگردان مصاحبه کند یا دیالوگهای مفید را ترتیب کند و به این صورت او میتواند در مورد تدریس دیگر معلمان معلومات مفید را به دست آرد که کدام شاگرد میفهمد؟ کدام درس مشکل است؟ و کدام درسها برایش وضاحت ندارد؟ معلم در نتیجه در بارهٔ کفایت و اجراآت شاگردان قضاوت کرده میتواند.

۴. پروژهٔ صنفی :

شاگردان میتوانند در گروپهای کوچک در هر وظیفهٔ که نزد معلم مناسب جلوه کند، کار کنند. پس از آن هر گروپ میتواند خلاصهٔ کار یکدیگر را به همصنفان خود بیان کرده. سلوکها و مهارتهای خاص شاگردان در مدت کار بالای پروژه ارزیابی کنند؛ مانند: استفاده از کتابخانه، تحقیقات، نگارشها، مقاله ها و مهارتهای افاده وي.

۵. فعالیتهای خارج از پروژه / خارج از نصاب تعلیمی :

طوری که در تعداد زیادی از درسها فعالیتهایی؛ مانند: رفتن به ساحه (سیر علمی)، کارهای گروپی بیرون از صنف، مطالعات مستقل، نمایشنامه ها و ورزشها افزود شده میتواند. پس امکان دارد که این وظایف به شاگردان سپرده شود و سپس آنان ارزیابی شوند.

۶. قضاوت شاگردان و گزارشدهی در مورد خود شان / فعالیتهای خود را بررسی کردن :

معلم میتواند از آن قضاوتهایی که شاگردان در مورد خود مینمایند برای ارزیابی آنان نیز استفاده کنند، مانند: جمع آوری معلومات در مورد شاگردانی که در مباحثات گروپی سهم گرفته اند و همچنان لیاقت شان در اجرای نقش چطور بوده؟ یعنی درسها و موضوعها را چطور خلاصه نموده و موضوعها را چطور طرح کرده اند؟ و چطور مناقشات را حل نموده اند و غیره.

معلم به شاگردان میگوید که قضاوت آنها را در مورد خود شان به خاطری جمع آوری میکند که ببیند به لیاقت آنان در اجرای نقشهای مختلف افزود شده یا نه؟ او به این ترتیب شاگردانی را تشخیص میکند که به کمک بیشتر ضرورت دارند. معلم هر نقش را تشریح میکند، شکل نمونوی به آن میدهد و به صورت منظم بالای شاگردان تمرین میکند. باز از شاگردان تقاضا میکند که به مقصد تقویهٔ بهتر در یک گروپ مباحثوی جدید سهیم شوند. شاگردان در بارهٔ قضاوت در مورد خود شان آن نقش یا نقشهایی را یادداشت کرده میتوانند که یا خود آنان یا دیگر شاگردان در گروپ آنرا اجرا نموده اند؟ آنها زمانی موفق شمرده میشوند که شاگردان دیگر را به اجرای نقش وادار ساخته باشند و زمانی موفق شمرده میشوند که ادعا کنند که نقشهای مختلف را بازی کرده اند و اکثریت گروپ آنرا تائید هم کرده باشند. در اجرای نقش سلوک مناسب برای ثبوت ادعا کافیست. معلم با آن نوع شاگردانی روبه رو میشود که سه نقش را بازی کرده یک نقش اضافی دیگر را هم بگیرند که در آینده آنرا ایفا نمایند. آن عده شاگردانی که بیشتر از تائید گروپ خویش ادعای اجرای نقش بیشتر را بکنند از ایشان خواهش شود که مثالهای نقشهای ناتائید شده را بنویسند. شاید معلم آنرا به صفت شواهد بپذیرد، معلم لست آنعده شاگردانی را با خود نگهدارد که معیارها را اکمال کرده باشند.

۷. امتحانات :

امتحانات از سوالهای مختصر غیر مترقبهٔ غیر رسمی و ناگهانی معلم گرفته تا امتحانات مکمل رسمی نهایی و همه را دربر میگیرد. معلم برای ارزیابی آموزش و دستآوردهای تعلیمی شاگردان از امتحان بیشتر استفاده میکند که در آنیده در این باره بحث مفصل به عمل خواهد آمد.

۵ ـ ۱ ـ ۱. مشاهدهٔ معلم :

معلم باید شاگردان را به صورت صحیح و مؤثر تحت مشاهده قرار دهد و به خاطر بهتر شدن اجراآت کار شان مطابق به ضرورتها و لیاقت های شان فیدبیگ آن موادی راکه در نتیجهٔ مشاهدات از راه تجزیهٔ عینی جمع آوری کرده است برای شان بدهد و از آن حمایت هم کند.

محراق مشاهدهٔ معلم باید سلوک مشاهده شونده یا شاگرد باشد. معلم باید بتواند از راه مشاهده اسلوبهای آموزشی شاگردان را مشخص و در تدریس خود به آنها توجه کند.

معلم میتواند یک نقشهٔ صنف را تهیه کند و شاگردانی میتوانند آنرا مشاهده کنند که در فعالیتهای صنفی اشتراک میکنند. یک نقشهٔ سادهٔ اشتراک شاگردان در فعالیتهای صنفی اینطور ترتیب میشود که بکسهای خالی ترسیم و هر بکس طوری نشانی کرده شود که ممثل یک شاگرد سهیم در فعالیتهای صنفی باشد. همچنان به صورت تفصیلی کودنمبر های بیشتر به کار برده شده میتواند که نوعیت فعالیت رانشان دهد؛ مثلاً:

۱. خواندن شاگردان یک متن را به آواز بلند.

۲. سوالات شاگردان.

۳. جواب گفتن شاگردان (در برابر سوال معلم).

۴. جواب گفتن شاگردان (طور داوطلبانه و جوابهای اضافی).

۵. تبصرهٔ شاگردان (در بارهٔ درس).

٦. شاگردان جواب سوالهایی رانمیفهمند که از آنان پرسیده میشود.

در شکل پایین یک نقشهٔ ساده داده شده که فعالیتهای شاگردان را نشان میدهد:

	۳				
		۱	۲	۱۳٦٦	۱
۲	٦	۴			۵

اگر مشاهده انتظام یابد یک وسیلهٔ مؤثر ارزیابی خواهد بود.

۱. یادداشت کردن این که، کدام شاگرد و به کدام سوالها جواب گفته است؟

۲. چند شاگرد جواب آن را گفته است؟

۳. نمره دادن به شاگردان اشتراک کننده.

۴. مشاهدهٔ صنف سایر معلمان.

معلم باید در وقت تدریس، فعالیتهای شاگردان خود و فضای اجتماعی و فزیکی صنف را به صورت دقیق و منظم مشاهده کند.

۵ - ۱ - ۲. امتحان چیست ؟

تعریفات :

۱. هر گونه آزمایش و سنجش لیاقت و کسب دانش و اجراآت شاگردان در مضمونهای مختلف امتحان نامیده میشود.

۲. وسیلهٔ ارزیابی دانش شاگردان از طریق طرزالعملهای منظم و کنترول شده در رابطه به اهداف معینهٔ قبلی عبارت از امتحان است. آموزش شاگرد و مؤثریت تدریس معلم از راه امتحان ارزیابی شده میتواند که به تفصیل آنرا بررسی خواهیم کرد.

انواع مختلف امتحانات :

امتحانات انواع مختلفی دارند که یک معلم به وسیلهٔ آنها سطح دانش و استعداد یک شاگرد یا یک صنف را ارزیابی کرده میتواند و به اقسام ذیل تصنیف شده است:

اول ـ امتحان داخلی :

امتحانی است که یک معلم از شاگردان خود در مکتب، پوهنخی، پوهنتون و یا مؤسسات دیگر تعلیمی آنرا اخذ میکند.

دوم ـ امتحان خارجی :

امتحانی است که در یک موسسهٔ تعلیمی از طرف یک هیأت بیرونی تدویر میشود و شاگردان در آن اشتراک میکنند.

ورق جوابات را یک امتحان گیرنده (ممتحن) نمره میدهد که عضو هیأت تدریسی مکتب نباشد.
نقش امتحان خارجی اینست که در حفظ معیار واحد یک تعداد مکاتب و پوهنځی ها کمک میکند.

سوم ـ تصنیف امتحان از نگاه وقت :

۱. امتحان چهارونیم ماهه

۲. امتحان سالانه

۳. امتحان ماهانه

۴. امتحان مختصر ناگهانی روزانه که خود یک نوع ارزیابی بوده میتواند.

چهارم ـ تصنیف امتحان از لحاظ انواع سوالها :

۱. امتحانهای تحریری

۲. امتحانهای تقریري

۳. امتحانهای عملی

پنجم ـ تصنیف امتحانات از نگاه ساختمان و نوعیت جوابها :

۱. امتحانات ذهنی :

امتحاناتی که در آنها به جواب سوالها بر اساس قضاوت عندی امتحان گیرنده نمره داده میشود جوابات سوالهای این نوع امتحانات یا بی اندازه نامحدود است و یا قسماً حد و حدودی دارد که نهایت کوتاه و مختصر میباشد.

امتحاناتی که جواب سوالهای آن محدود نباشد امتحانات مقاله یی گفته میشوند. در امتحانات مقاله یی از شاگردان خواهش میشود که تحقیق، تلخیص، طرح، نقد، مقایسه، قضاوت، بیان، اظهارات، تحلیل و شرح را در بارهٔ انسانها، اشیا و حوادث بنویسند.

مثالها :

۱. اهمیت مواد ممد درسی را در آموزش و تدریس تشریح کنید.

۲. نقش دانش را در انکشاف انسانها تشریح کنید.

۳. عواملی را تحلیل کنید که باعث جنگ دوم جهانی گریده است.

۴. مشخصات برجستهٔ سلطنت احمدشاه بابا کدامها بود؟

در امتحانات مقاله یی نمره به صورت عندی داده میشود. این امتحان شاگرد را اجازه میدهد که معلومات خود را به صورت آزاد بیان کند و بر دو قسم است:

اول ـ امتحان مقاله یی دارای جواب محدود :

در این نوع امتحان جواب محدود است.

مثالهای آن :

۱. نامهای ده قلم جنس صادراتی عمده را بگیرید.

۲. در بارهٔ بهار یک پاراگراف ده جمله یی بنویسید.

۳. سه فایده و سه ضرر امتحانات مقاله یی را بنویسید.

دوم ـ امتحان مقاله یی دارای جواب مختصر / کوتاه :

در این نوع امتحان از شاگردان تقاضا میشود که با یک یا دو جُمله یا چند کلمهٔ کوتاه و مختصر جواب بگویند. البته تعریفات و توجیه فارمولهای ساینس در این دسته میآیند.

مثالهای آن :

۱. عملیهٔ جمع را تعریف کنید.

۲. چرا تنفس کردن در کوهها به مقایسهٔ سطح هموار دشوار است؟

۳. جغرافیه را تعریف کنید.

۴. هرگاه اکسیجن و هایدروجن را ترکیب کنیم، کدام مرکب به دست میآید؟ معادلهٔ آنرا نوشته کرده توازن کنید.

۵. نامهای هر چهار خلیفهٔ اسلام را به ترتیب نوشته کنید.

سوالهای دارای جواب مختصر حقایق زیاد را در مدت کم مورد آزمایش قرار داده؛ نمره دادن آن آسان است. این یک شکل عالی ریاضی است که به یاد آوردن را میآزماید مگر، به واسطهٔ آن سنجش درس پیچیده، دشوار و نهایت مبهم میباشد.

۲. امتحانات عینی :

الف) امتحان صحیح و غلط :

یکنوع این امتحان متبادل جواب است از موضوع آن معلوم میشود که جوابهای آن صحیح یا غلط میباشد یا این که امتحان از آن نوع اجزایی متشکل است که صرف دارای دو جواب بوده و شکلهای عادی این نوع امتحان همان سوالهای مشهور صحیح و غلط است که با جوابهای متبادل غلط، صحیح، درست،نادرست، بلی، نی و یکسان مخالف است.

در این نوع امتحان از امتحان دهنده تقاضا میشود که از جوابهای داده شده یکی را انتخاب کند.

مثالهای آن :

جمله های ذیل را به دقت بخوانید بعضاً صحیح و بعضاً غلط است، جمله های غلط را نشانی کنید.

۱. کابل پایتخت افغانستان است.

۲. هندوستان پر نفوس ترین کشورهای جهان است.

۳. محمد صلی الله علیه وسلم در مکهٔ مکرمه تولد شده است.

+۴. ۳/۴ بیشتر از ۱/۲ است.

۵. زاویهٔ حاده نسبت به زاویهٔ قایمه کوچکتر است.

۶. پاکستان در اروپا موقعیت دارد.

۷. مربع شکل مستطیلی است که چار ضلع مساوی و چار زاویهٔ قایمه دارد.

۸. مثلث دارای پنج ضلع مساوی است.

۹. اگر ۱ را با ۱/۴ جمع کنیم حاصل جمع ۳/۴ میشود.

۱۰. جزیره، قطعه زمینی است که اطراف آن آب باشد.

۱۱. خاکنا قطعه زمین درازی است که دو آب بزرگ را به هم وصل کرده باشد.

۱۲. قرآن کریم سی پاره دارد.

۱۳. یک متر ۹۰ سانتی میشود.

۱۴. جمله دستهٔ از کلمه هاست که دارای معنای مکمل باشد.

۱۵. اگر صورت و مخرج یک کسر با عین عدد ضرب شود یا به عین عدد تقسیم شود قیمت آن ثابت میماند.

۱۶. آب از H و C ترکیب شده است.

۱۷. هر مثلث سه ضلع مستقیم دارد.

۱۸. زاویه شکلی است که از دو خط مستقیمی تشکیل شده که در یک نقطه باهم چسپیده باشند.

فایدهٔ امتحان صحیح و غلط :

۱. حقایق بیشتر در وقت کم آزمایش میشود.

۲. نمره دادن آن آسان است.

۳. شناخت را میآزماید.

۴. عینی است.

۵. تهیهٔ آن آسان است.

نقایص امتحان صحیح و غلط :

۱. سنجش درس پیچیده با آن مشکل است.

۲. نوشتن چیزهای طرف اعتماد در آن مشکل است.

۳. خودش باید آزموده شود.

۴. نقل در آن آسان است.

۵. فکر کردن و ابتکار در سویه های عالی در آن ناچیز است.

هدایت برای اصلاح امتحان صحیح و غلط :

۱. مطلب باید صحیح ادا شود.

۲. تعداد مطالب صحیح و غلط تقریباً باید برابر باشند.

۳. نیم مطلب صحیح و نیم مطلب غلط نباشد.

۴. جمله ها و کلمه های مبهم، نامأنوس، ذومعنین به کار برده نشوند.

۵. جمله ها و کلمه هایی به کار برده نشود که دارای معنای منفی اند.

٦. حقیقت های مسلم در آن تقدیم گردد.

ب) امتحان چند جوابه / انتخابی :

این امتحان به نحوی است که برای اصل مطلب یا سوال دو یا سه یا بیشتر جوابها آورده میشود و از امتحان دهنده تقاضا میگردد که جواب صحیح یا درستترین آنرا انتخاب کند.

مثالهای آن :

جواب صحیح را انتخاب و دور کلمهٔ مربوط دایره بکشید :

۱. افغانستان راروسها در کدام سال اشغال کردند؟

الف) ۱۹۷۵ ب) ۱۹۷۹ ج) ۱۹۸۳ د) ۱۹۸۹

۲. پایتخت پاکستان چه نام دارد؟

الف) لاهور ب) اسلام آباد ج) سرینگر د) کتمندو

آموزش آداب تشناب (مبرز)

آموزش آداب تشناب رفتن برای اطفال از دو تا چار ساله گی آغاز مییابد. در این سن وسال به اطفال آموختانده میشود که به خاطر رفع ضرورت باید به تشناب (مبرز) بروند. آموزش آداب تشناب به اطفال باید با صمیمیت و احتیاط توسط خانواده و اشخاص کلانسال دیگر صورت گیرد. بعضی از روانشناسان میگویند که آموزش آداب تشناب رفتن در جهت رشد طفل گام مهم شمرده میشود و آوردن فشار های نامناسب میتواند در رشد طفل تأثیر منفی به جا گذارد.

تفکر اطفال :

سلوک و تفکر اطفال از هم تفاوت دارند. عادتهای فردی هر طفل در چوکات تفکرش اهمیت زیادی دارد. لحظه های تمرکز فکری اطفال بر مفاهیم ساده، نسبت به مفاهیم پیچیده بیشتر است. لحظه های تمرکز فکری اطفال زمانی طولانی میشود که علاقمندی اش بر یک موضوع بیشتر شود. عامل دلچسپ دیگر در لحظه های تمرکز فکری دختران و پسران خوردسال تفاوتهای این لحظه هاست.

جدول ذیل لحظه های تمرکز فکری اطفال را به ملاحظهٔ جنس و عمر توضیح میکند:

عمر	جنس	موضوع ساده	موضوع پیچیده
۳ ساله	دختر	۱۴ دقیقه	۱۲ دقیقه
	پسر	۸,۵ دقیقه	۵,۵ دقیقه
۴ ساله	دختر	۱۵دقیقه	۸,۵ دقیقه
	پسر	۱۰,۵دقیقه	۸,۷۵ دقیقه
۵ ساله	دختر	۱۲,۵ دقیقه	۱۱ دقیقه
	پسر	۱۰ دقیقه	۸,۵

۱ـ تعلیم و تربیه به حیث یک ضرورت اساسی

۱ ـ ۱. ضرورت جامعهٔ افغانی به تعلیم و تربیه :

تعلیم و تربیه بخش مهم و ضروری جامعهٔ اسلامی است که باید حیثیت یک رهنمای قوی و فعال را داشته باشد. به اساس ارشادات اسلامی تعلیم و تربیه یک حق انسانی است که باید حکم و عمل آن با پشتیبانی جامعه و افراد از جانب حکومتها تأمین شود.

در جریان جنگهای چندین سالهٔ گذشته اکثر کودکان، جوانان و بزرگسالان ما از هر نوع تعلیمات رسمی و غیر رسمی محروم مانده اند. از جملهٔ مسؤولیت های مهم دولت اسلامی افغانستان یکی هم اینست که با نظرداشت ارزشهای فرهنگی و دینی جامعهٔ افغانی، برای تمام سویه ها، زمینه های تعلیم و تربیه را مساعد سازد.

افغانستان یک کشور اسلامی است؛ اسلام تعلیم و تربیه را برای مرد و زن فرض دانسته. پس ضروری است که زمینه های تعلیمی و تربیتی از سطح ابتدایی تا سویه های عالی به شمول زنان، برای تمام مردم میسر گردد.

در اسلام برای کسب دانش هیچ نوع تبعیضی بین مرد و زن وجود ندارد. در قرآن مجید کلمهٔ عربی (معلم) بر مرد و زن یعنی بر هردو دلالت میکند. احصائیه های به دست آمده از منابع مختلف وانمود میسازد که، چه در کمپ های مهاجران و چه در داخل قلمرو افغانستان برای نود فیصد اطفال واجد شرایط شمول به مکاتب زمینه های تعلیمی میسر شده نمیتواند.

در جامعهٔ افغانی در ساحات روستایی به مقصد تحقق عملیهٔ تعلیم و تربیه باید به مکاتب ابتدایی حق اولیت داده شود و مؤسسات موجودهٔ تعلیمی و تربیتی؛ مثل: مکاتب دهاتی (درسهای مسجد) مورد حمایه قرار گیرند.

تعلیم و تربیه در افغانستان به صورت عنعنوی از طریق یک نظام مرکزی اداره میشد. این نظام در کشورهای روبه انکشاف نظیر افغانستان نهایت مؤثر ثابت شده است.

لذا باید ادارهٔ نظام تعلیم و تربیه به یک ادارهٔ مرکزی مربوط ساخته شود تا تمام مواد درسی ازقبیل: متنهای درسی، رهنمای معلم و غیره را چاپ و توزیع کند. مواد متذکره باید به هردو زبان رسمی کشور (پشتو و دری) انتشار یابد.

۳. یک کیلو متر چند متر میشود؟

الف) ۱۰۰۰ متر ب) ۱۰۰ متر ج) ۳۰۰۰ متر د) ۱۰ متر

۴. کدام کشور همسایهٔ افغانستان است؟

الف) مصر ب) ترکیه ج) ایران د) نیپال

۵. اولین خلیفهٔ مسلمانان کی بود؟

الف) حضرت علي كرم الله وجهه ب) حضرت عمر رضی الله عنه

ج) حضرت عمر رضی الله عنه د) حضرت ابوبکر رضی الله عنه

٦. فارمول کیمیاوی سلفوریک اسید کدام است؟

الف) HCL ب) H_2SO_4 ج) HNO د) NaOH

۷. اگر از ۳/۴ ـ ۱/۴ را تفریق کنیم چند باقی میماند؟

الف) ۱/۲ ب) ۱/۳ ج) ۴/۴ د) ۱/۴

۸. زاویهٔ قایمه چند درجه است؟

الف) ۱۸۰ درجه ب) ٦۰ درجه ج) ۹۰ درجه د) ۳٦۰ درجه

۹. علامهٔ ضرب کدام است؟

الف) + ب) × ج) - د) ÷

۱۰. کدام عدد بیشتر از دیگران است؟

الف) ٦۱۵ ب) ۴۲۸ ج) ۷۵۳ د) ۹۰۲

۱۱. افغانستان در کدام براعظم واقع است؟

الف) اروپا ب) آسیا ج) افریقا د) آسترالیا

۱۲. مساحت مثلث از این فارمولها به دست میآید:

الف) طول × عرض ب) ضلع × ضلع

ج) ۱/۲ قاعده × ارتفاع د) قاعده × ارتفاع

مفاد امتحان چند جوابه :

۱. درسهای پیچیده را در تمام سویه ها ارزیابی کرده میتواند.

۲. به صورت مکمل قابل اطمینان است.

۳. عینیت نمرات مختلف در آن مشاهده میشود.

۴. دانش زیاد را در وقت کم میآزماید.

۵. نمره دادن در آن آسان است.

نقایص امتحان چند جوابۀ انتخابی :

۱. نوشتن آن دشوار است و وقت زیاد رامیگیرد.

۲. به ذات خود ارزیابی را تقاضا میکند.

۳. نقل کردن در آن آسان است.

۴. تکثیر نسخه های آن ایجاب سامان و وسایل تخنیکی و چاپ را میکند.

ج) امتحان تطابقي / مقابلوی :

یک شکل شناخته شدۀ امتحان عینی است که شاگردان در آن در دو، یا ستونهای بیشتر، مطالب مربوط راترتیب و باهم تطبیق میکنند. شاگردان باید از جوابهای داده شده یکی آن را که صحیح است انتخاب کنند.

مثالهای آن :

۱. دو ستون ذیل را مطالعه کنید. در یکی آن نامهای کشورهاست و در ستون دیگر نام پایتخت های شان، آنهارا باهم تطبیق نموده کلمۀ پایتخت مربوط هر کشور را در پهلوی کشور مربوط در بین قوسها بنویسید.

( ) ۱. افغانستان	الف) ریاض
( ) ۲. پاکستان	ب) لندن
( ) ۳. ایران	ج) بن

( ) ۴. امریکا — د) ستاکهلم

( ) ۵. فرانسه — هـ) کابل

( ) ٦. عربستان سعودی — و) بروکسل

( ) ۷. جرمنی — ز) تهران

( ) ۸. انگلستان — ح) اسلام آباد

( ) ۹. سویدن — ط) واشنگتن

( ) ۱۰. بلجیم — ی) پاریس

۲. جوابها را با سوالها تطبیق کنید :

( ) ۱. ۳ + ۵ — الف) ۲۱

( ) ۲. ۱۰ – ۵ — ب) ۷

( ) ۳. ۷ . ۵ — ج) ۸

( ) ۴. ۹ + ۲ — د) ۱

( ) ۵. $\frac{۱}{۴} + \frac{۳}{۴}$ — هـ) ۵

۳. نامها را با فورمولهای کیمیاوی تطبیق کنید :

( ) ۱. کاربن دای اکساید — الف) NaCL

( ) ۲. نایتریک اسید — ب) CH_4

( ) ۳. سلفوریک اسید — ج) $C_6H_{12}O_6$

( ) ۴. گلوکوز — د) HNO_3

( ) ۵. سودیم کلوراید — هـ) H_2SO_4

( ) ٦. میتان — و) CO_2

۴. نامها را با شکلها تطبیق نموده حرف شکل را در قوسهای طرف راست نوِشته کنید.

( )	۱. مثلث	الف)	○
( )	۲. دایره	ب)	△
( )	۳. مربع	ج)	□
( )	۴. مستطیل	د)	( )
( )	۵. قوس	هـ)	▭
( )	٦. زاویه	و)	<
( )	۷. خطوط موازی	ز)	═

خوبیهای امتحان تطابقی / مقابلوی :

۱. نمونهٔ بهتر امتحانات است.

۲. برای شِناختن حقایق از آن کار گرفته میشود.

۳. درس مشکل، و گذشته از آن مفاهیم را میآزماید.

۴. عینی است.

۵. در نوشتن نسبتاً جای کم را میگیرد.

نقایص امتحان تطابقی / مقابلوی :

۱. نوشتن مطالب خوب در آن مشکل است.

۲. تابع عملیهٔ حذف است.

مثالها :

سمبولهای کیمیاوی را با نامهای عناصر تطبیق نموده حرف مربوط هر کدام را در قوسهای پهلوی آن نوشته کنید.

( )	۱. اکسیجن	الف) Zn
( )	۲. هایدروجن	ب) O

(	) ۳. کاربن	ج) P
(	) ۴. سلفر	د) He
(	) ۵. نایتروجن	هـ) N
(	) ٦. فاسفورس	و) H
(	) ۷. کوپروم	ز) C
(	) ۸. زنگ	ح) Na
(	) ۹. هیلیوم	ط) Cu
(	) ۱۰. سودیم	ی) S

د) امتحانات مکمله / تکمیلی :

امتحانی استْ که امتحان دهنده بخش های حذف شدهٔ یک سلسله مطالب را که شاید اعداد، کلمه ها، رسمها یا گرافها باشد تکمیل میکند. امتحان دهنده سوالات را به کمک کلمه ها، اعداد و عبارتها که در تکمیل معنی برایش درست جلوه کند با پر کردن جاهای خالی جواب میدهد.

مثالها :

جاهای خالی را باجوابهای مناسب پر کنید.

۱. آب به ______ واکسیجن تجزیه میشود.

۲. ______ پایتخت عراق است.

۳. ۸ + ______ = ۱۳ میشود.

۴. $(۲۰)^{۲۰}$ = ______ میشود.

۵. ۹ . ______ = ۴۵ میشود.

٦. ______ - ۷ = ۲۲ میشود.

۷. یک میل ______ فت میشود.

۸. در افغانستان ______ بزرگترین دریاست.

۹. بزرگترین کشور تولید کنندهٔ نفت در جهان ______ است.

۱۰. ما باید در یک شبانه روز ______ وقت نماز بخوانیم.

۱۱. انسان دارای ______ جوره استخوان پشت است.

۱۲. انسان دارای ______ دندان است.

۵ ـ ۲. ساختمان یا تشکیل امتحان :

ساختمان یا تشکیل امتحان هشت مرحله دارد که معلم باید آنها را رعایت کند و عبارتند از:

۱. تثبیت هدف / مقصد :

پیش از آن که در بارهٔ طرزالعمل و محتوای امتحان فکر شود معلم باید این را تثبیت کند که کی امتحان میدهد؟ چرا و برای چی منظور امتحان میدهد؟ علاوه بر آن معلم باید به خاطر این که در یک مرحلهٔ خاص کورس، امتحان میگیرد دلیلی داشته باشد که آیا امتحان یک بخش محتوای یک واحد درسی را احتوا میکند؛ یا این که، آن موادی که تدریس آن جریان دارد برای زمان آینده ذخیره شود و زمانی که تمام فصل به اتمام برسد امتحان از آن اخذ میگردد؟

۲. فهرست کردن موضوعها :

هنگامی که مقصد و کمیت تخمینی تثبیت شد؛ موضوعهای مشخص فصل بر اساس اهمیت نسبی آن فهرست و ارزیابی میگردد که این کار به نام نمونه گیری مُمثله یاد میشود؛ طور مثال: اگر درس میکروبها در فصلی که از آن امتحان اخذ میشود (وقت صنفی، کار خانه گی به شمول سایر وظایف) ۱۰% تمام بخش را احتوا کند. پس باید که این موضوع ده فیصد امتحان را دربر گیرد. این کار یا به واسطهٔ تعدادی از سوالات هر موضوع یا به اساس سنجش تمام موضوعهای صنف انجام شود.

۳. فهرست کردن انواع سوالها :

انواع مختلف موضوعها، انواع مختلف سوالها را در امتحان ایجاب میکند در حالی که چند سوال انتخابی برای امتحان ریاضی مناسب است و سوالهای مقایسوی برای ادبیات، زبان و اجتماعیات مناسب میباشد. پس باید که در یک امتحان انواع مختلف سوالها آورده شود.

* شرایط صنف :

میتوان به صورت فوری بعضی انواع سوالها را تبدیل کرد زیرا صرف آوردن چند سوال انتخابی زمینه را برای نقل کردن آسان میسازد. پس باید برای سنجش دانش شاگردان مواد درسی مناسب وجود داشته باشد، به همین ترتیب اگر تختهٔ صنف برای تقدیم سوالها یگانه وسیلهٔ ممکن باشد داخل کردن سوالهای طویل و متنها در آن ناممکن میباشد.

* توجه به اداره و نمره دادن :

غالباً نوعیت سوالهای امتحان را توجه به نمره دادن تعیین میکند. تعداد شاگردان، معیار وقت و عوامل دیگر در تدارک این نوع سوالها ایجاب میکند که طی مدت کوتاه و به آسانی شاگردان اداره شده برایشان نمره داده شود.

* نوعیت دانش امتحان شونده :

در عملیهٔ امتحان باید در نظرداشت که امکان دارد معلم لست مختصر نشانی شده از سوالها را داشته باشد که در آنها یک بخش درسها را نشانی کرده باشد که از آن بخش از شاگردان امتحان گرفته میشود.

۴. نوشتن بخشها :

وقتی که هدف، موضوعها و نوعیت سوالها تثبیت شد، معلم به این آماده میشود که بخش خاص امتحان را بنویسد. در آغاز باید بیشتر از همه مواد و بخشی نگاشته شود که در امتحان شامل کرده میشود. هنگام نوشتن بخشها و موضوعها موارد ذیل باید مراعات گردد:

* شامل ساختن مواد مهم :

دیگر هیچ نوع مواد باید در امتحان شامل ساخته نشود مگر، که یک واقعیت، یک مفهوم یک مهارت یا یک پرنسیپ تطبیقی که در درس خوانده شده شامل بوده آن هم پیچیده باشد.

* مواد باید مستقل باشد :

جواب یک سوال باید در سوال دیگر پیدا نشود به یک سوال یک جواب صحیح و درست باید ارائه گردد که در سوال قبلی نیامده باشد. (این موضوع ممکن است در بعض موارد تطبیق نشود؛ مثلاً: شاید امتحان ریاضی با ارزیابی مهارتهای سادهٔ شاگردان آغاز گردد و سپس مهارتهای مغلق ارزیابی شود. در تمام موارد معلم باید بفهمد که در هر مرحله کدام چیزها ارزیابی شده است و از این اجراآت با نهایت احتیاط استفاده کند.)

۵. ساده و واضح نوشتن سوالها :

صرف آن کلمه ها و مثالهایی در سوالها آورده شود که شاگردان آنها را میفهمند و از آوردن کلمه های نا آشنا خود داری شود.

* اطمینان داشتن به این که شاگردان طرز جواب دادن را میفهمند :

سوال باید طور واضح نشان دهد که از شاگردان چی قسم جواب تقاضا شده است و جوابهای خود را به چی ترتیب بنویسند.

طور مثال: در سوالهای مقاله یی معلم باید اندازه و ساحهٔ سوال مطلوب را تعیین کند.

* ساختن سوالهای مشکل برای سویه های مختلف شاگردان :

امتحانات باید آن گونه سوالهایی را دربر داشته باشد که تمام شاگردان آنها را جواب داده بتوانند و سوالی هم که کمتر شاگردان آنرا جواب گفته بتوانند آورده شود. امتحان باید طوری طرح شود که از سوالهای نهایت ساده به سوی نهایت مشکل برود تا شاگردان ضعیف فوراً مأیوس نشوند.

یعنی سویهٔ شاگردان در آوردن سوالها در نظر گرفته شود.

* انعطاف پذیری :

آوردن یک قسم سوالها هیچگاه در تمام حالتها بهتر نبوده. هر امتحان باید به اساس ضرورت سوالهای مختلف را داشته باشد.

* مرور بر سوالهای ساخته شده :

اگر یک معلم هر قدر ورزیده هم باشد که تمام سوالهای خود را مرور کند بر سوالات خوب آن تجدید نظر نموده؛ سوالهای نامطلوب آن کشیده شود در خاتمه باید سوالها به اساس یک مقصد، معیار، مربوطیت، عملی بودن، مفیدیت و انصاف سنجیده شوند.

۶. نوشتن هدایات :

باید برای هر قسمت سوال هدایات واضح و کوتاه نوشته شود و در صورت امکان برای رهنمایی جواب درست سوالها یک یک مثال هم نوشته شود. هرگاه در قسمت وضاحت مدایت شک و شبه موجود باشد، معلم باید اول آنرا اصلاح نموده سپس به شاگردان بدهد.

۷. یک تجویز کلی برای نمره دادن :

برای نمره دادن کلیدی باید ساخته شود یعنی لست جوابهای صحیح، قابل قبول و متبادل برای هر جواب را معلم باید با خود داشته باشد.

نمرهٔ تمام سوالها باید در همان لحظه تعیین شود؛ طور مثال: اگر کسرها پنجاه فیصد آن موضوعهایی را که شاگردان امتحان میدهند احتوا کند و صرف ۲۵ فیصد نمرهٔ امتحان در آن مدنظر قرار گیرد. پس هر سوال باید دوچند نمره داشته باشد.

۸. ارزیابی و غور دوباره بر امتحان :

باید از تمام میتودهای ارزیابی دانش شاگردان یک نتیجه به دست آید که آن در یک سلوک یا در یک هدف تدریس شدهٔ سلوک و اندازه گیری منظم، ثابت و واضح میباشد. زمانی که سوالهای

امتحان تهیه شد باید مجدداً مورد غور قرار گیرد که آیا این امتحان معیارهای شش گانهٔ وضاحت، ثبات، مربوطیت، تحقیق عملیه، مفیدیت و عدالت را در خود دارد یا خیر؟

در پایین لستی از نشانی کردن سوالها آورده شده است که باید برای هر گونه فعالیت امتحان پس از ساختن سوالها و پیش از آزمایش آن معلم آنرا تطبیق کند:

هدف تثبیت شده به طور واضح	- کی ارزیابی میشود؟ - امتحان، کدام مواد یا فعالیتها را اندازه میکند؟ - امتحان کدام نوع دانش و مهارتها را اندازه میکند؟ - آیا سوالهای امتحان با وظیفه وبا اهداف درسی ارتباط دارد؟
معیاری بودن محتوا	- آیا محتوا، اداره و نمره دادن در تمام گروپها ثابت است یا نه؟
مربوطیت	- آیا این امتحان با آن موادی که در این قسمت عرضه شده نمونهٔ تمثیلی است یا نه؟ - آیا این امتحان در صنف، حقایق و مشکلات مواد تدریس شده را واضح میسازد یا نه؟
عملی بودن و مفیدیت	- آیا شاگردان وقت کافی دارند که امتحان یا فعالیت را به اکمال برسانند؟ - آیا مواد کافی وجود دارد که امتحان با آن به طور مؤثر به اکمال برسد؟ - از اثر مشکلات کمی یا ساختمانی مواد کدام مشکلات دیگر به وجود نخواهد آمد؟
انصاف وعدالت	- آیا معلم شاگردان را برای این فعالیت / امتحان به طور مناسب آماده ساخته است یا نه؟ - آیا پیش از پیش به شاگردان اطلاع داده شده یا نه؟ - نمره به چه شکل بالای زنده گی شاگردان اثر میگذارد؟

۴– یک عملیهٔ بهتر تدریس / آموزش چگونه به میان میآید؟

بـه میـان آوردن عملیهٔ آموزشی وظیفهٔ هر معلم است. اساس این کار مسلکی باید بر معیار همان دانـش و تجربهٔ معلم که به مقصد آموزش اطفال اندوخته است، استوار باشد. معلم صرف از طریق همـین دانـش خـود میتواند در دوومین گام به طریقهٔ مثبت و مؤثر تدریس کند. تدریس بهتر زمانی صـورت گرفـته میـتواند کـه معـلم در مـورد دانـش و خـود شـاگردان دلچسپی خاص داشته باشد. هیچگـاه شـده نمیتواند که تعلیم صرف به سطح یک عملیهٔ تخنیکی کاهش داده شود عملیهٔ آموزش و پرورش مسالهٔ روابط انسانی و فلسفی است.

در ایـن فصـل، نخسـت بحث خواهیم کرد که اطفال در شرایط مختلف چگونه میآموزند؟ پس از آن ایـن موضـوع را تحقیـق خواهـیم کرد که معلم چه طور میتواند طریقه هایی را ایجاد کند که مطابق آن تدریس نماید؟

- هدف معلم آموزش شاگردان و انتقال دانش به آنان است.
- تدریس مجموعهٔ از میتودهاست که آموزش را به میان میآورد.

الف _ آموزش :

مفهـوم واحد تعلیم و تربیه و روانشناسی آموزش است. آموزش به اساس تجارب قبلی تغییرات نسبتاً دایمـی را میگویـند. امکـان دارد تجربه به صورت تصادفی یا کم از کم ازطریق تدریس پلان شده به وجود آمده باشد.

شاگردان نه تنها از معلم بل که از مادر، پدر، اقارب، اطفال دیگر و محیط هم میآموزند.

ب _ ادراک :

یـک قسـمت مهـم عمـلیهٔ آمـوزش اسـت و عبارت از آن عملیه یی است که تجارب خود را با آن تنظـیم میکنیم و سعی میورزیم که آنرا بدانیم. ما با درک خود محیط خود را میسازیم و تنظیم میکنیم. وقـتی که یک طفل میآموزد، درک آن از محیطش تغییر مییابد، برای تحریک عملیهٔ ادراکی و آموختن

۵ ـ ۲ ـ ۳. احصاییه :

تعریفات :

۱. نمایش حقایق توسط اعداد و ارقام، به نام احصاییه یاد میشود.

۲. احصاییه یک اصطلاح عام است که هر گونه تحلیل مواد نمونوی و تصامیم مفید و قابل درک، تفسیرها، استنباطها و اعلام فرضیه ها برای تیوری و میتود را احتوا میکند. البته در مورد آن نمونه ها یا نفوس متراکم که این مواد از آنها به دست آمده است.

۳. احصاییه یک میتود علمی اطلاعات است که در قالب اعداد خود را آشکار ساخته؛ ما را قادر به آن میگرداند که از آن نتیجهٔ مفید به دست آریم و تصامیم مناسب اتخاذ کنیم. به ذات خود این ارقام و حقایق هم احصاییه نامیده میشود.

احصاییه در جهت رسیدن به اهداف، دارای چهار مرحلهٔ مهم ذیل است:

۱. جمع آوری شواهد :

پیش از آن که به کدام کار احصاییوی اقدام شود باید ارقام جمع آوری شود. البته جمع آوری ارقام یک بخش مهم احصاییه است.

۲. ساختن تابلو :

پس از آن، ارقام جمع آوری شده، درج تابلویی میشود که مشخصات برجسته را به آسانی قابل درک ساخته؛ به شکل واضحتر آن را نشان داده بتواند.

۳. تقدیم گراف :

از شواهد به دست آمده باید گرافهای واضح و قابل درک تهیه شود.

۴. تجزیه و تحلیل :

گرافهای به دست آمده باید تحلیل و تجزیه شوند.

اهمیت احصاییه :

به طور مکمل ثابت گردیده که احصاییه در حیات انسانی نقش مهمی را ایفا میکند. انکشاف احصاییه نشان داده است که بسیاری از جوانب انکشافی آن و گذشته از همه، بخشهای تعلیم و تربیه، اقتصاد و تجارت به تحلیل و تجزیه و اطلاعات اعداد و ارقام ارتباط دارد.

معلم و تربیه کننده به دانستن احصاییه ضرورت دارد تا در ساحهٔ تعلیم و تربیه تصامیم معقول را اتخاذ و پلانهای مناسب را طرح نماید.

از معلمان تقاضا میشود که امتحانات را اخذ کنند، نمره بدهند تدریس و انکشاف را مقایسه کنند، نتیجه را تجزیه و تحلیل نمایند و در مورد اجراآت خود و شاگردان تصامیمی اتخاذ کنند.این کارها صرف از طریق کار گرفتن از احصاییه انجام شده میتواند. بناءً، معلمان باید به زبان احصاییه و میتود آن بفهمند و از آن استفاده کنند.

میتودها و اصطلاحات احصاییه :

اوسط حسابی (Mean) :

۱. اوسط

اوسط حسابی که اکثراً اوسط نامیده میشود؛ حاصل تقسیم قیمت های مجموعی بر تعداد اقلام را میگویند.

اوسط یابی :

طرزالعمل آن به شکل ذیل است:

الف) تمام قیمت ها را باهم جمع میکنند.

ب) بالای تعداد اقلام تقسیم میکنند.

سمبول آن $\bar{x}$ (ایکس بار) است میتود محاسباتی آن به قسم الجبری اینطور نشان داده میشود.

$$\frac{\text{مجموع نمره ها}}{\text{تعداد نمره ها}} = \frac{x}{n}\ \bar{x}$$

مثال:

در یک امتحان ۵۰ نمره یی ۱۵ نفر شاگرد لست شده است. با استفاده از احصاییه در مورد نمره ها معلومات ذیل به دست آمده میتواند:

۳۹	۳٦	۴٦	۳٦	۳۵
۴۵	۴۳	۳۴	۴۱	۳٦
۳۸	۴۱	۳۷	۵۰	۴۱

حل:

اوسط = مجموع نمره ها ÷ تعداد نمره ها.

۳۵ + ۳٦ + ۴۱ + ۳٦ + ۴۱ + ۵۰ + ۴٦ + ۳۴ + ۳۷ + ۳٦ + ۴۳ + ۴۱ + ۳۹ + ۴۵ + ۳۸

اوسط = ٦۰۰ ÷ ۱۵ = ۴۰

تمرین :

۱. اوسط پنج نمرهٔ ذیل را پیدا کنید:

۸٦ ، ۵۸ ، ۷۵ ، ۱۹ ، ۷۰

۲. متوسط (میانه – Median) :

متوسط، در یک لست نمره ها آن نمرهٔ وسطی است که به ترتیب آمده باشد هرگاه شمار اقلام در سیت جفت باشد. اوسط نمرات را بین دو عدد متوسط معلوم میکنیم.

یا متوسط در یک توزیع ، ارزش قلم مابینی را داراست.

پیدا کردن اوسط :

الف) نمرات را به ترتیب بنویسید.

ب) اقلام متوسط را پیدا کنید.

ج) ارزش قلم متوسط را بخوانید.

مثال: متوسط نمرات قبلی را پیدا کنید.

اول تمام نمرات را از نمرات بالایی به طرف نمرات پایینی این طور ترتیب میکنیم:

۵۰ ، ۴٦ ، ۴۵ ، ۴۳ ، ۴۱ ، ۴۱ ، ۳۹ ، ۳۹ ، ۳۸ ، ۳۷ ، ۳٦ ، ۳٦ ، ۳۵ ، ۳۴

نمرهٔ متوسط مابینی است.

هفت نمره تا نمرهٔ ۳۹ بالایی و ۷ نمرهٔ بعدی نمره های پایینی اند.

نمره متوسط = ۳۹

یک سیت که نمره های آن جفت باشد دارای دو نمره متوسط میباشد. در این حالت نمرهٔ متوسط اوسط بین دو نمره است؛ مثلا:

۱۵۶ ، ۱۵۹ ، ۱۴۸ ، ۱۴۴ ، ۱۴۰ ، ۱۳۵

مابینی (متوسط) = (۱۴۸ + ۱۴۴)

متوسط = ۱۴۶

۳. مود (Mode) :

۱) مود در یک سیت به آن نمره یا نمره هایی گفته میشود که بسیار زیاد آمده باشد.

۲) مود ارزشی است که در یک سیت نمره ها بیشتر آمده باشد.

پیدا کردن مود: صرف آن ارزشی را در میابیم که بسیار زیاد آمده باشد.

مثال: مود نمره های ذیل را پیدا میکنیم:

۵۰ ، ۴۶ ، ۴۵ ، ۴۳ ، ۴۱ ، ۴۱ ، ۴۱ ، ۳۹ ، ۳۸ ، ۳۷ ، ۳۶ ، ۳۶ ، ۳۵ ، ۳۵ ، ۳۴

مود = ۴۱ این نمره در سیت نسبت به نمره های دیگر سه بار آمده است. اگر دو یا بیشتر نمره ها به یک معیار و به مقایسهٔ نمرات دیگر بیشتر آمده باشد تمام این نمره ها مودها اند. سیت نمرات ذیل دارای دو مود است:

۹۸ ، ۹۶ ، ۹۵ ، ۹۵ ، ۹۵ ، ۹۴ ، ۸۹ ، ۸۹ ، ۸۹ ، ۸۶ ، ۸۶ ، ۸۴

نمرات ۸۹ و ۹۵ مودها اند.

۴. سلسله (The Range) :

سلسله، تفاوت بین نمرهٔ نهایت بلند و نهایت پایینی را نشان میدهد. برای معلوم کردن سلسله، نمرات نهایت پایین را از نمرهٔ نهایت بالایی تفریق میکنیم. مثلاً:

۳۴ ، ۳۵ ، ۳٦ ، ۳٦ ، ۳۷ ، ۳۸ ، ۳۹ ، ۴۱ ، ۴۱ ، ۴۱ ، ۴۳ ، ۴۵ ، ۴۹ ، ۵۰

سلسله = ۵۰ ـ ۳۴

= ۱٦

تمرینات :

۱. ۸٦ ، ۵۸ ، ۷۵ ، ۹۱ ، ۷۰

۲. ٦۵ ، ۵۹ ، ۴۸ ، ۴۴ ، ۴۰ ، ۳۵

۵. تکرار (Frequency) :

تعداد شمار عین نمرهٔ که آمده است؛ مثلاً: تعداد شاگردانی که در امتحان عین نمره را اخذ کرده اند. مثلاً:

۳۴ ، ۳۵ ، ۳٦ ، ۳٦ ، ۳٦ ، ۳۷ ، ۳۸ ، ۳۹ ، ۴۱ ، ۴۱ ، ۴۱ ، ۴۳ ، ۴۵ ، ۴٦ ، ۵۰

نمرات	تکرار
۵۰	۱
۴٦	۱
۴۵	۱
۴۳	۱
۴۱	۳
۳۹	۱
۳۸	۱
۳۷	۱
۳٦	۳
۳۵	۱
۳۴	۱

باید به خاطر داشت که مجموع تکرار با تعداد مجموعی ارقام مساوی میباشد؛ مثلاً:

$F = N$

در مثال فوق ۱۵ نمره است.

۶. فیصد (Percentage) :

معنای فیصد

مربع بزرگی را در نظر بگیرید که به صد مربع کوچک دیگر تقسیم شده است. مربع های سیاه همیشه یک کسر ۱۰۰ خواهد بود. اینجا ۲۵ مربع سیاه است، پس $\frac{۲۵}{۱۰۰}$ حصهٔ مربع بزرگ سیاه است. ما این را هم گفته میتوانیم که ۲۵ فیصد این مربع سیاه است. زمانی که یک کسر به ترتیبی نوشته شود که مخرج آن ۱۰۰ باشد فیصد (در صد) گفته میشود که در انگلیسی Percentage به آن گفته شده است. معنای آن (در صد) (Perhundred) است. پس گفته میتوانیم که ۲۵ در صد مربع ها سیاه است به جای (در صد) علامهٔ (%) نوشته میتوانیم.

پس :

۲۵ در صد = ۲۵%

فیصد برای معلم یک تصویر واضح هر مربع را نشان میدهد که یک شاگرد در امتحان چند فیصد یک نمره را به دست آورده است.

مثال:

۱. معلم امتحان ریاضی را از شاگردان گرفته است که نمرهٔ اعظمی آن ۶۰ بوده و احمد از ۶۰ نمره ۴۰ نمره را حاصل کرده است. فیصد آنرا پیدا کنید.

۶۰	۴۰
۱۰۰	x

$$x = \frac{۱۰۰ \times ۴۰}{۶۰} = \frac{۲۰۰}{۳} = ۶۶.۶\ \%$$

۲. ۴۰ نفر شاگردانی است که ۳۵% شان دختران است؛ تعداد دختران را معلوم کنید.

$$\frac{۳۵}{۱۰۰} \times ۴۰ = \frac{۱۴۰۰}{۱۰۰} = ۱۴$$

جواب: تعداد دختران ۱۴ نفر است.

۷. انحراف معیاری (Standard Deviation) :

در مقدارها، مهمتر از همه است. محاسبهٔ آن این طوری است که اوسط انحرافات از مربع متوسط تفریق میشود. سمبول آن (δ) است. فورمول آن چنین است:

انحراف معیاری = $\delta = \frac{(xi - \overline{x})^2}{n}$

مثال اول: انحراف معیاری نمرات ذیل را پیدا کنید:

۶ ، ۸ ، ۱۰ ، ۱۳ ، ۱۴

n تعداد نمرات را نشان میدهد که در اینجا تعداد آنها (۵) است.

اول در میابیم که :

$$\overline{x} = \frac{\delta x i}{n} = \frac{x_1 + x_2 + x_3 + x_4 + x_5}{5}$$

سپس انحراف هر نمره را از متوسط پیدا میکنیم.

$$xi - \overline{x} = 14 - 10 = +4$$

$$= 13 - 10 = +3$$

$$= 10 - 10 = 0$$

$$= 8 - 10 = -2$$

$$= 6 - 10 = -4$$

بعد هر انحراف راپس از مربع کردن باهم جمع میکنیم.

$$(xi - \overline{x})^2 = (4)^2 + (3)^2 + (0)^2 + (-2)^2 + (-4)^2$$

$$= 16 + 9 + 0 + 4 + 16 = 45$$

پس از آن عدد حاصل شده را بالای تعداد نمرات تقسیم میکنیم.

$$\delta = \frac{(xi - \overline{x})^2}{n} = \frac{45}{5} = 9$$

بعداً جذر مربع آن عدد (۹) را میگیریم:

$$\frac{(xi - \overline{x})^2}{n} = \frac{45}{5} = 9 = 3$$

$$= 3$$

مثال دوم :

انحراف معیاری اعداد ذیل را پیدا کنید.

x	$xi - \overline{x}$	$(xi - \overline{x})^۲$
۸	+۳	۹
٦	+۱	۱
۳	-۲	۴
۷	-۲	۴
۲	-۳	۹
۸	+۳	۹
۱	-۴	۹
۴	-۱	۱٦
٦	+۱	۱
۵	۰	۰
x = ۵۰	$(xi - \overline{x})۲$	۵۴

$$\delta = \frac{۵۴}{۱۰} = ۵ . ۴ = ۲ . ۳۲$$

$$\delta = ۲ . ۳۲$$

توجـه کـنید کـه فورمـول بالا به ترتیب ذیل مختصر شده میتواند؛ که در توزیع تکرار میآوریم معـنای آن اینسـت که انحراف هر ارزش، مربع است و به این نیاز داریم که آن ارزش را با تکرار ضرب کنیم؛ پس، مثال فوق شکل ذیل را به خود میگیرد :

x	F(تکرار)	$(xi-\overline{x})$	$(xi-\overline{x})^{۲}$	$F(xi-\overline{x})^{۲}$
۱	۱	-۴	۱۶	۱۶
۲	۱	-۳	۹	۹
۳	۱	-۲	۴	۴
۴	۱	-۱	۱	۱
۵	۱	۰	۰	۰
۶	۲	+۱	۱	۲
۷	۱	+۲	۴	۴
۸	۲	+۳	۹	۱۸
				۵۴

سپس از فورمول ذیل کار میگیریم:

$$\delta = \frac{F(xi-\overline{x})^{۲}}{F} = \frac{۵۴}{۱۰} = ۵ . ۴$$

$$\delta = ۲ . ۳۲$$

٦. اصطلاحها

احصاییه	statistics
ادراک	perception
ارزش	value
ارزیابی	assessment / evaluation
روانشناس	psychologist
اساسی	basic
انطباع (نقش شدن چیزی به چیزی)	impression
آموزش انفعالی	passive learning
اوسط	mean
مردم	community
تربیت بدنی	physical education
امتحان خارجی	external test
تشویق بیرونی	extrinsic motivation
باز سازی	reconstruction
انکشاف	development
روبه انکشاف	developing
امتحان مکمله (تکمیلی)	completion test
تغییر به رمز	encode
پیغام	message
آموزش تأثری.	affective leraning
آموزش تعاونی	cooperative learning
نصاب تعلیمی	curriculum

بـه فعالیـتهای بدنـی و ذهـنی به مقصد کسب حصول تجارب جدید به مشاهدهٔ سایر اشیا و تحریک حواس (دیدن، گفتن، لمس کردن، چشیدن و بوییدن) ضروری است.

ج _ تدریس :

عـبارت از عمـلیهٔ انـتقال مهارتهـا، تجارب و دانش به شاگردان است. معلم در مکتب مسؤولیت تنظـیم اوضـاعی را دارد کـه توسـط آن انـتقال مهارت ها، تجارب و دانش صورت میگیرد. در عملیهٔ آمـوزش / تدریـس معلم و شاگرد هردو بـه صورت فعال سهیم میباشند. انتخاب، انکشاف و تشخیص ایـن فعالیتها را پیداگوژی یا فن تربیت میگویند. در جریان تاریخ تعلیم و تربیه، روشها (میتود های) جداگانـه بـه کار برده شده که در عملیهٔ تدریس / آموزش با افزایش معلومات و دانش معلم این میتود هـا وقـتاً فوقـتاً تغییـر میکند. به صورت عمومی جریان ازینقرار است که سطح فعالیت شاگردان باید در صـنف بـالا بـرده شـود و سـهمگیری ایشـان از حـالت انفعـالی شنیدنی به وضع و حالت فعال، پرسـنده و حصـه گیرنـده تبدیل شود اگر به روشهای سابق تدریس / آموزش دقت کنیم واضح میشود کـه در زمانهـای گذشـته شـاگردان محـض یک شنونده بودند که تشریحات و لکچرهای معلمان را با چشـمهای بسـته میپذیرفتـند مگر، حالا در بسیاری از فرهنگ ها و کشورها مساعی جریان دارد که بـه وظیفـهٔ معـلم منحیث مددگار و آسان کنندهٔ فشار توجه صورت میگیرد نه به حیث مجبور کننده. یعـنی شـاگردان بـه اثـر رهـنمایی و کمـک معـلم درس را آغاز کنند، نه به اساس تابع بودن به جبر معلم.

۴ - ۱. شاگردان چگونه به شکل بهتر میتوانند بیاموزند ؟

شـاگردان صـرف در مکتب نمی آموزند عملیهٔ آموزشی آنها از آوان تولد شان آغاز می یابد و تا پایـان زنده گی دوام مییابد. آنان از پدران، مادران، اعضای خانواده، مشاهده، تمرینها، مهارتها و تجارب زنده گانی که در حیات روزمره با آنها مواجه استند میآموزند.

در بسـیاری از موارد آموزش از تکرار یک عمل طوری انجام میشود که عکس العمل یک شخص در برابـر یک وضع مشخص با سعی مشخص به مشاهده برسد و کوشش شود تا همان عکس العمل

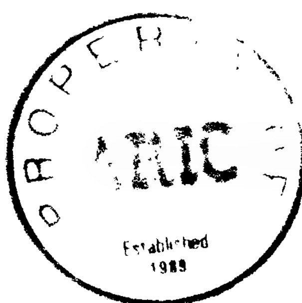
pedagogy	تفاهم
frequency	تکرر
cultural	فرهنگی (کلتوری)
physical	جسمی (بدنی)
embryo	جنین
environment	محیط
warming up	آماده (کردن، شدن)
multipie choice test	امتحان انتخابی (چند جوابه)
stimulous	حرکت دهنده
stimulation	تحرک
mean	اوسط حسابی
sensorimotoric learning	آموزش حسی، حرکی، (فزیکی)
sensorimotoric skill	مهارت حرکی، حسی
imternal test	امتحان داخلی
intrinsic motivation	تشویق داخلی
teaching aids	ممد درسی
teaching material	مواد درسی
psychology of learning	روانشناسی آموزش
course (of life)	جریان زنده گی
teaching methodology	میتود و لوژی تعلیمی
massmedia	وسایل ارتباط جمعی (همگانی)
mental	ذهنی
subjective test	امتحان ذهنی
womb	رحم
rites	رسوم

digit	رقم
decode	کشودن رمز (تعبیر کردن)
health education	تعلیمات صحی
still picture	تصویر صامت (ساکن)
range	سلسله
behaviour	سلوک
true - false test	امتحان صحیح و غلط
audo - visual	سمعی - بصری
overhead projector	پروجکتور شفاف
calligraphy	حسن خط
data	شواهد
principle	قاعده، مقره (پرنسیپ)
procedure	طرزالعمل
variable	متبادل
variaunt	متحول
abstract (thing)	مجرد (شی)
content	محتوا
limited answer essay type test	امتحان مقالوی دارای جوابهای محدود
environment	محیط
sout	خارندوی (پیش آهنگ)
professional	مسلکی
observation	مشاهده
conceret (thing)	مشخص (چیز مشخص)
interview	مصاحبه
dilema	مشکل

Generic Teacher's Manual

standard deviation	انحراف معیاری
communication	مفاهمه (تفاهم)
syllabus	مفرداد
concept	مفهوم
distributed	مضطرب
subject	مضمون
matching test	امتحان تطبقی (مقابلوی)
median	متوسط (میانه)
passive	منفعل (انفعالی)
mode	مود
institution	موسسه
skill	مهارت
time table	تقسیم اوقات
method	میتود روش، اصول
supervisor	نظارت کننده
system	نظام (سیستم)
theoritical	نظری (تیوریکی)
semi - concrete (thing)	چیز نیمه مشخص
meons	واسطه
hereditary	وراثتی
situation	وضع
objective	هدف
motivation (motivate)	تشویق کردن (تشویق کننده)
trial and error	اشتباه
emotion	هیجان





تکرار گردد. بیشتر عمل و سلوک متقابل آموزش جامعه طوری میشود که طفل با اطفال دیگر بازی کند، هیچگاه شایسته نیست که در آموزش اهمیت بازیها از توجه انداخته شود. بیشترین تجارب از آزمایشات و امتحانات به دست میآید. گاه گاه از این آزمایشات نتایج مثبتی به دست میآید که اطفال از آن بیاموزند. اما بعضاً نتیجهٔ غلط در قبال دارد که ایجاب میکند. این اشتباهات.هم از نگاه تجارب آموزش مفید تلقی شود و برای شاگردان توضیح گردد که از اشتباهات و موفقیتهای شان یعنی از هر دو باید بیاموزند. این عملیهٔ آموزش به نام [سعی و اشتباه] یاد میشود که یک عملیهٔ مشکل و در عین حال عاجز کننده است زیرا قسمت بیشتر آن به یک شیوهٔ منظم عرض وجود میکند. یعنی، شاگرد آنقدر قابلیت لازم را ندارد که جلو غلطیهای خود را در یک چوکات مناسب بگیرد.و به این ترتیب از آن چیزی بیاموزد.

طوری که میدانیم موجودیت مکتب در جوامع بدوی و ابتدایی هم ضروری نبود و شاگردان فقط چیزی را فرا میگرفتند که دانستن آن برای شان ضروری بود. طوری که در بالا توضیح شد آموزش به صورت عنعنوی بود. اکنون جوامع انکشاف زیاد کرده، پیچیده تر شده است. و در بسا کشورها اشکال منظم آموزش ضروری پنداشته میشود. آموزش در مکاتب باید که از طرف معلمان و اشخاص مسلکی انجام داده شود.

محتوای نصاب تعلیمی در مکاتب ابتدایی باید در مضمونهای درسی تصنیف و تنظیم شده باشد.به هر مضمون وقت مناسب داده میشود تا تضمین شده بتواند که مضامین جداگانهٔ که در ساحات مختلف یک کشور نظیر افغانستان تدریس میشود. با وجود آن که عنعنات تعلیمی مناطق شان از هم متفاوت است باز هم کم از کم از یک معیار زمانی یعنی وقت مساوی استفاده کنند. یکی از ضرورت های نصاب تعلیمی یک مکتب اینست که اکثر سوالهای واقعی و عملی که شاگردان در بارهٔ ماهیت واقعیتهای محیط خود دارند باید در یک مضمون سادهٔ مکتب نی بل که، در یک ترکیب مضمونهای متعدد به آنها جواب ارائه کند؛ طور مثال: معلومات راجع به زنده گی، تغذیهٔ نامناسب، تدبیر منزل زراعت، تجارت و دانش مربوط به سلوک اجتماعی توسط مضامین صحت، جغرافیه، علوم طبیعی و سایر علوم اجتماعی فراهم میگردد.

آموزش در مورد مشکلات واقعی زمانی، به سهولت تأمین شده میتواند که خود اطفال تشویق شوند تا جوابهای همچو سوالات راپیدا کرده آنها را بیاموزند. این هم ضروری است تا به اطفال چنان زمینهٔ مساعد گردد که در خلال آن، مفاهیم را به آسانی درک کرده بتوانند؛ طور مثال: هرگاه آموزش در مورد جنگ مطرح باشد پس لازم است تا آن زمینه های تاریخی، جغرافیایی، سیاسی و دینی آموختانده، شوند که جنگهای واقع شده را انعکاس دهند. اینرا هم میدانیم که حفظ ارتباط بین نظر و عمل از اهمیت زیادی برخوردار است و این امر در علوم طبیعی به طور خاصی واضح شده است. هرگاه در عملیهٔ تدریس / آموزش علوم طبیعی نظر و عمل / تجربه با هم ترکیب نشود آموزش هم به همان اندازه در سطح پایین مؤثریت خود قرار خواهد داشت.

تعلیم و تربیه در سطح ابتدایی برای شاگردان باید دارای چنان دورهٔ آماده گی و آموزشی باشد که آنها را درجهت رشد و انکشاف هرچه بیشتر خانواده و جامعه به سهمگیری فعال و ابتکاری آماده سازد.

دانستن مضمونهای مختلف باید با ارزشهای فرهنگی جامعهٔ افغانی، دینی و دموکراسی طوری پیوند داده شده و مورد آموزش قرار داده شود که نه تنها شاگردان را به خاطر موفقیت در امتحانات آماده سازد بل که، اگر خواسته باشیم شاگردان آموزش را صرف نه به خاطر کامیابی بل که به خاطر بهبود هرچه بیشتر کیفیت زنده گی خود به انجام برسانند. پس لازم است تا شیوه های تدریس و مهارتهای مسلکی معلمان انکشاف داده شود.



۴ ـ ۱ ـ ۱. راههای مختلف تدریس :

روشهای مختلف تعلیمی و تربیتی از نگاه علم پیداگوژی (فن تربیت) بر اساس فلسفه های مختلف تعلیمی و تربیتی؛ فرضیه های تدریس، وضع ذهنی شاگردان، شیوه های تدریس و نصاب تعلیمی طرح و پایه گذاری میگردد.

الف ـ فن تربیهٔ محافظه کارانه و مقید :

آموزش را به مثابهٔ جذب پشتارهٔ از علم میداند. استعداد اطفال را به عوامل ارثی و محیطی که در خارج از محیط مکتب قرار دارند مربوط میداند. آن روش تدریس را مناسب میشمارد که معلمان به حیث متخصصان باشند بالای شاگردان حاکمیت داشته و پیروان خود را در تدریس رهنمایی کنند. نصاب تعلیمی وابسته به صنف را صرف علمی میداند که معلم آنرا تعریف میکند و بس.

ب ـ فن تربیهٔ آزاد و تنویری :

آموزش را به عوض حصول دانش خاص به نگاه یک عملیه میبیند مگر، شاگردان را قابل رشد و انکشاف میشمارد، تدریس را در مسیر این رشد منحیث یک عنعنهٔ رهنمایی می شناسد و نصاب تعلیمی را مناسب میداند که با علاقمندیهای شاگردان مطابقت داشته باشد.

از سال ۱۹٦۰ به اینسو شیوهٔ تدریس مترقی و تدریس متمرکز بالای شاگرد و فن تربیهٔ آزاد در نظریه های تعلیمی و تربیتی عمومیت یافت و تعبیرهای جداگانه از آن به عمل آمد. برخی از دانشمندان تعلیم و تربیه مانند [فریر FREIRE] (۱۹۷۲) اینطور استدلال مینماید که این تیوری جهت سیاسی و افراطی دارد زیرا به عوض کنترول اجتماعی به آزادی شخصی تأکید میورزد. مگر سایر دانشمندان ادعا دارند که روشهای (مترقی) در نهایت رسیدن به پخته گی در سالهای اول (دورهٔ اول) مکاتب ابتدایی دستیاب میشوند و اثرات دامنه داری بر روش تبلیغاتی نخواهد داشت.

بی. برنشتاین [B. BERNSTEN ۱۹۷۷] به این عقیده است که توجه به تحصیلات مجموعی و همگانی در مکتب که یک جهت این نوع پیداگوژی (فن تربیت) است شاید توانایی سازنده گی را در کارهای تدریس تعویض کند. اوصولاً این تیوری ارتباط عنعنوی بین شاگرد و معلم را هم خنثی ساخته میتواند گرچه عملاً بسیاری از معلمان در مقابل تغییرات و تحولات مقاومت میکنند. در جهت پیاده ساختن آرزو های مترقی در مکاتب ابتدایی از طریقهٔ تعدیل آن واضح میشود که اعمال تربیتی اساساً محافظه کارانه باقی میماند.

در تطبیق و تحقق تعلیم و تربیه بهترین طریقهٔ تدریس شاگردان محض یک طریقه بوده نمیتواند. بل که عملیهٔ تدریس / آموزش به طریقه های جداگانه تنظیم شده میتواند. کدام طریقه و روش خاص وجود ندارد که در عملیهٔ تربیه و دانش و تدریس / آموزش طریقهٔ بهتر و خاص به مقصد حل تمام مشکلات شمرده شود. پس لازم است که روشهای مختلف آموزش منحیث وسایل و افزار مفید مدنظر قرار گیرد. این وسایل و افزار با آن افزار جراحی مقایسه شده میتواند که یک داکتر ورزیده از آن استفاده میکند. البته، داکتر دانش تخصصی یی را حایز است که طریقهٔ بهتر و وسیلهٔ کمک کننده را برای معالجهٔ مریض خود خودش انتخاب کند. یک معلم ورزیده هم همین گونه است که باید چنان دانش مسلکی را داشته باشد که به صورت شعوری بتواند مواد کمکی و میتودها را انتخاب کند تا زمینهٔ بهتر تدریس برای شاگردانش مساعد گردد.

در این فصل میتودهای مختلف تدریس و آموزش مطالعه میشود.

بیشتر این میتودها به تدریس ۴۰ دقیقه ساعت درسی مناسبت دارند. عموماً همینقدر وقت در مکاتب معیار طول ساعتهای درسی شمرده شده اند. طبیعتاً تدریس این نوع فعالیتی نیست که طی ۴۰ دقیقه به وقفه ها انقسام یابد مگر، به اساس تجارب خویش میدانیم که در تدریس آموزش به روش عنعنوی لازم است که شاگردان پس از ۴۰ دقیقه درس یک تفریح داشته باشند. این تفریح برای آنها به مقصد ساعت تیری و گشت و گزار به اینطرف و آنطرف و استراحت ضروری است. هرگاه تفریح نباشد آنان نخواهند توانست که با ظرفیت اعظمی تمرکز فکری بیاموزند. گاه گاه اگر تدریس به نحو دیگری تنظیم شود بهتر خواهد بود. بعضی از معلمان طی ۲ ـ ۳ ساعت درسی با شاگردان همکاری کرده میتوانند.

طور مثال: هنگامی که شاگردان در بارهٔ جهاد که دین و تاریخ هردو را احتوا میکند، میآموزند معلمان هردو مضمون (علوم دینی و تاریخ) درینمورد میتوانند با آنان همکاری کنند تا درس مورد دلچسپی شان واقع شود و تصویر واضح جهاد را در یک قرینهٔ مناسب تاریخی و دینی مشاهده کنند. همچنان بهترین تدریس در بارهٔ زراعت هم میتواند صورت گیرد در صورتی که معلمان

جغرافیه و زبان مشترکاً یک ساحهٔ مطالعهٔ عملی راترتیب داده شاگردان را اجازه دهند که با عدهٔ از زارعین مصاحبه کنند.

گاه گاه فعالیت های ورزشی بین صنوف عین مکتب یا با مکاتب همجوار نیز اجرا شده میتواند که بیشتر از ۴۰ دقیقه وقت را احتوا نمیکند. همچنان انواع مطالعه های ساحوی خارج از مکتب هم همین سان خواهد بود. پس باید در یک مکتب تقسیم اوقات نهایت ضیق نباشد و آنقدر آزادی در آن گنجانیده شود که میتود های بهتر تدریس / آموزش که همیشه در مهارتهای درسهای عادی گنجایش نداشته باشد باید در آن انجام داده شده بتواند.

مهمترین وظیفهٔ معلم اینست که زمینه های خوب و مناسب آموزش را برای شاگردان مساعد سازد.

آماده ساختن شاگردان به آموزش :

جهت تدریس بهتر برای معلم ضرور است تا یقین حاصل کند که شاگردان آماده گی ذهنی به آموزش دارند و خود را هم به طریقهٔ منظم آماده سازد.

معلمان ضامن این نکته اند که خود و شاگردان یعنی هردو را به مقصد انجام عملیهٔ تدریس / آموزش آماده سازند این در رابطه به معلم بدان معناست که معلم در مضمون خود دانش مسلکی و پلان درسی واضح و تغییر ناپذیر روزمره را دارا بوده و توانایی آماده ساختن شاگردان خود را داشته باشد تا عملیهٔ تدریس را آغاز کرده بتواند. آماده گی قبلی تدریس با آماده گی یک ورزشکار پیش از آغاز بازی تشبیه شده میتواند. وظیفهٔ یک معلم است که پیش از تدریس نه تنها شاگردان را به درس آماده سازد بل که، تشویقهایی را هم در آنها ایجاد کند. همچنان لازم است که شاگردان به آموزش علاقه داشته باشند و به مفاد آن پی ببرند.

شاگردان بیشتر عوض وظیفه شناسی به اساس ذوق و علاقهٔ شان بهتر آموخته میتوانند. هرگاه یک معلم مضمون خود را به شکل جالب و مشغول کننده پیشکش کند شاگردان به آموزش تشویق میشوند و نتیجهٔ عملیهٔ تدریس / آموزش به تمام اشخاص مربوط مثبت خواهد بود.

این آماده گی و تحرک پیش از تدریس به طریقه های مختلف امکان پذیر است. زیرا معلم میتواند که:

- در رابطه به مضمون قصهٔ کوتاهی بگوید.
- در رابطه به مشکلات روزمرهٔ شاگردان یک مسئله را ارایه کند که بعداً خوب معرفی شود.
- سوال دلچسپی را طوری طرح کند که شاگردان بخواهند جواب آنرا بدانند.
- هدف یا وضع را طوری به شاگردان توضیح یا تشریح کند و در رابطه به آن سوالی را ارایه نماید که پس از درس به طریقهٔ بهتر حل شده بتواند.

معلم باید چنان حالتی را به میان آرد که شاگردان از لحاظ شرایط روانی؛ در وضع آرام صنف قرار داشته باشند؛ طور مثال: هرگاه در ساعت تفریح بین شاگردان کشیده گی رونما شده باشد معلم باید سعی کند تا مشکل را حل و وضع را آرام سازد. در غیر آن شاگردان شامل کشیده گی؛ روحاً برای تدریس / آموزش آماده نخواهند بود.

سلوک معلم در عملیهٔ تدریس نقش مهم دارد. معلم باید بفهمد که وی هم نمونه / بازی کنندهٔ نقش سلوکی است و هم معلم مضمون منتخبهٔ خود است. لذا باید معلم وقت را بشناسد و تمام شاگردان را یکسان احترام کند، دسپلین را استوار مگر غیر متعرضانه حفظ کند. اگر معلم احترام شاگردان را رعایت کند، در آن صورت گام عمدهٔ را در جهت جلب احترام شاگردان برداشته است. آموزش در فضای احترام متقابل، تفاهم و علاقه به نحو شایسته صورت گرفته میتواند. اگر معلم به مضمون خود علاقه و به مردم احترام داشته باشد، آنگاه شاگردان طی آموزش بعض خصلتهای مثبت را از معلم خود تقلید خواهد کرد.

معلم باید از توانایی و محدودیتهای علمی شاگردان خود آگاه باشد و سعی ورزد که شاگردان سویهٔ مناسب آموزشی را کمایی کنند اینکه، مواد درسی به گروپهای شاگردان بسیار مغلق یا بسیار ساده باشد اهمیت چندانی ندارد. زیرا در هردو صورت شاگردان حوصله و علاقهٔ خود را از دست میدهند و آوردن تعادل کار مشکل خواهد بود. لذا در هر گروپ شاگردان بعضاً اشخاصی وجود خواهد داشت که نسبت به دیگران درس را زودتر خواهند فهمید.

بدون شک که در بسیاری از مکاتب شاگردان از لحاظ استعداد به گروپها انقسام میيابند. آنانی که سریعتر درس را میآموزند در یک صنف جداگانه تنظیم میشوند؛ مگر این کار در آن مکاتبی انجام شده نمیتواند که بودجهٔ کافی نداشته باشند. پس باید راههای حل دیگری جستجو شود تا آنعده شاگردانی که در آموزش تنبل اند از آموزش محروم نمانند یک امکان اینست تا آنعده شاگردانیکه درس را خوب میآموزند در داخل ساعتهای درسی و خارج از آن با همصنفان خود کمک کنند.

پیغمبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم فرموده است: کلم الناس علی قدر عقولهم. یعنی با مردم به اندازهٔ عقل، فهم، دانش و سویهٔ شان حرف زده شود.

۴ ـ ۱ ـ ۲. فایده های تدریس فعالانه :

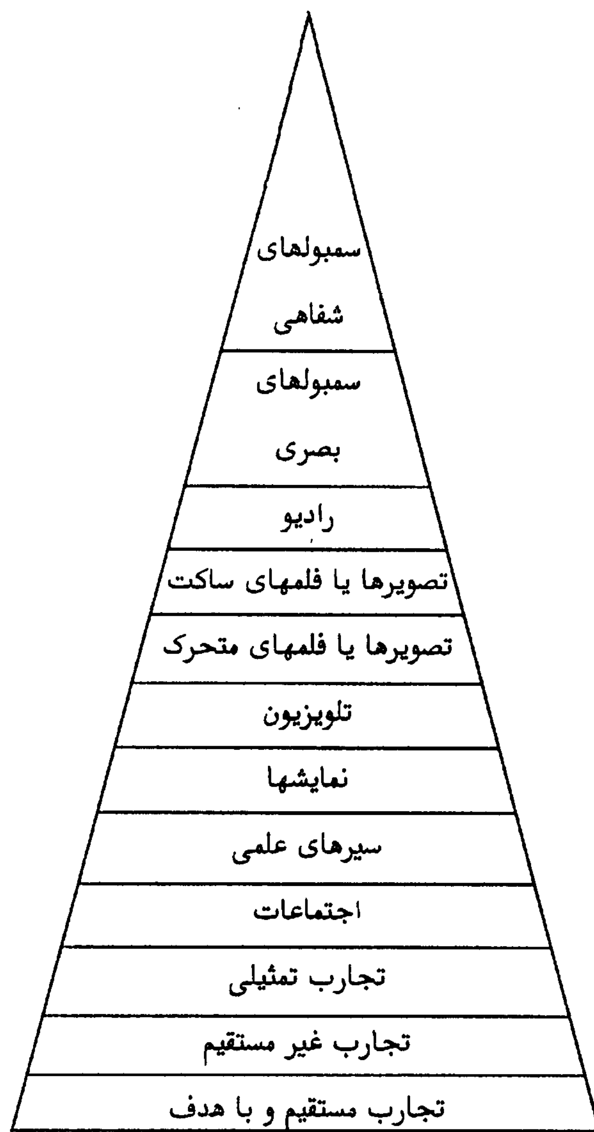
معلم دانش را به شاگردان بیشتر از دانش و تجارب قبلی خود و گاه گاه با استفاده از تجارب دیگران انتقال میدهد. این موضوع قبلاً در فصل (۴ ـ ۱ ـ ۱) تحت عنوان (فن تربیت محافظه کارانه و مقید) مطالعه شد. مگر بهترین تجربهٔ آموزش زمانی انجام شده میتواند که شاگردان در عملیهٔ تدریس سهم فعال بگیرند.

معلمان با تجربه احساس سهم گیری شاگردان را به سویهٔ عالی حفظ میکنند که این شیوه علاقمندی شاگردان را به مضمون بیشتر میسازد و در نتیجهٔ قدرت تمرکز آنها در فعالیتهای درسی قدرت آموزش آنان را افزایش میدهد.

آموزش محصول یک سلسله تجاربی شمرده میشود طوریکه گفته اند:

تجربه، فلسفهٔ بزرگ زنده گی است، گاه گاه مریضان هم جای داکتران را خواهند گرفت.

مخروط E. Dale درجهٔ تأثیر مواد درسی بر آموزش شاگردان را بیان میکند. به وضاحت در آن نشان داده شده که تجارب مستقیم و با هدف نسبت به سمبولهای شفاهی، آموزش شاگردان را بیشتر وسیع میسازد.



آن حالت تدریس و آموزش که شاگردان خصلت سهمگیری فعالانه را داشته باشند و تجارب معلم هم شامل آن باشد به نام تدریس فعالانه یاد میشود و این بر ضد (تدریس غیر فعال است) و خصلت آن اینست که به صورت شفاهی و یا سمبول های تحریری به شکل انفعالی و غیر فعال معلومات داده و به روش عنعنوی لکچر ها ارایه میگردد و معلم صرف به صورت یکجانبه با شاگردان مفاهمه میکند. میتودهای تدریس فعالانه افکار و فعالیت های شاگردان را که برای شان موقع داده میشود آشکار میسازد و تجربه و تجسس شان را احتوا میکند. این میتودها در صنف طرزالعمل های ظاهری و عنعنوی را اکمال می کند یا جای آنها را اشغال مینماید. این هم ممکن است که فعالیتها کاملاً آزاد و ابتکاری باشند؛ مثلاً: در هنر، احساسات، عواطف و افکار خویش را اظهار کردن.

مفکورهٔ اصلی میتود هر فعالیت اینست که شاگردان در تدریس سهیم شوند.

حکومت باید از طریق مشوره با متخصصان، آن نوع پالیسی را انتخاب کند که یک نصاب تعلیمی ملی را مطابق تقاضای مردم به وجود بیاورد. باید کم از کم در هریک از قریه های ولایات کشور یک یک باب مکتب موجود باشد، محل عمارت این مکاتب را باید خود مردم آن تعیین کنند. به این نکته توجه شود که برخلاف رژیم های قبلی باید به مکاتب دهاتی معلمان لایق و ورزیده استخدام شوند.

۱ ـ ۲. نیازمندیهای اطفال افغان :

جامعهٔ افغانی در حال خروج از یک حالت نهایت نامساعد قرار دارد. موفقیت ما به ایجاد چنان فضایی وابسته است که زمینه های بهتری را برای تعلیم و تربیهٔ ممکنهٔ اطفال و جوانان مهیا سازد.

تعلیم و تربیهٔ مساجد در تعلیم و تربیهٔ ابتدایی نقش مهمی دارد. زیرا مساجد ما در راه خواندن و نوشتن، نخستین تعلیمات دینی را تمثیل میکنند.

در این مساجد، بچه ها و دخترهای خورد سال یکجا درس میخوانند، قرآن مجید و سایر کتاب های اساسی دینی را فرا میگیرند. برای این اطفال باید فرصت های مساعدی بمقصد ادامهٔ تعلیم و تربیه از طرف مقامهای محلی و ولایتی به اشتراک اهالی، مساعد و میسر گردانیده شود.

نظام تعلیمات ابتدایی تقاضای تغییرات اساسی و بنیادی را داراست که بدون اتخاذ یک پالیسی جدید تعلیمی و تربیتی متکی بر ارشادات دین مبین اسلام نمیتوان کشور را باز سازی کرد.

مفردات تعلیمات دورهٔ ابتدایی باید منحیث یک ضرورت انسجام یابد و به صورت عمومی مضامینی اعم: از تعلیمات اسلامی، ساینس، ریاضی، تاریخ، جغرافیه و غیره را شامل باشد و با میتود مکمل علمی تدریس شود.

نظام تعلیمی آیندهٔ ما باید جوابگوی نیازمندیهای مردم ما باشد و با تاریخ و فرهنگ ما ارتباط نزدیک داشته باشد. نصاب تعلیمی مکاتب ما باید دارای چنان احکام و موادی باشد که شاگردان جوان قابلیت آنرا کمایی کنند که در راه بهبود کیفیت زنده گی مردم گامهای بزرگی را به جلو بگذارند.

در دورهٔ اول باید تلاوت قرآن مجید، دینیات، حساب، زبان، نوشتن، تربیت بدنی و سایر مضامین اساسی تدریس شود.

مفاد آموزش فعالانه

۱. شاگردان در عملیهٔ تدریس / آموزش مستقیماً سهم میگیرند.

۲. علاقه و دلچسپی شاگردان را افزایش میدهد.

۳. شاگردان به جای تدریس نظری و حصول معلومات، شامل ساحهٔ عملی میشوند.

۴. حیات عملی را به شاگردان آسان ساخته آنها را برای آینده آماده میکند.

۵. به مقصد رسیدن به هدف مطلوب به آسانی و به نحو شایسته با معلم کمک زیادی میکند.

٦. عملیهٔ تدریس / آموزش را مؤثر میسازد.

۷. مکتب را به عوض جای آموزش نظری به ساحهٔ عملی تبدیل میسازد.

۸. استعداد فطری و توانمندی شاگردان بهتر انکشاف مییابد و برای شان موقع ابتکار مساعد میگردد.

۹. برای شاگردان مفکورهٔ تجسس و مطالعه را به وجود میآورد.

۱۰. شاگردان به خود و توانایی خود اعتماد پیدا میکنند.

۱۱. تمام حواس شاگردان را فعال نگهمیدارد و بهتر انکشاف میدهد.

به همین ترتیب شاگردان به مقصد آموزش بهتر، خوب میشنوند، خوب فکر میکنند، خوب گپ میزنند و خوب عمل میکنند.

۴ - ۲. معلمان چگونه میتوانند شاگردان را فعال سازند؟

در فصل گذشته خواندیم که شاگردان زمانی بهتر آموخته میتوانند که در عملیهٔ تدریس سهم فعال داشته باشند. یک معلم خوب، مطابق این نظر باید سعی کند تا شرایط تدریس را تا حدی که ممکن است به همین شکل تنظیم کند. در این فصل گامهای سادهٔ را به مقصد رسیدن به این هدف نشان میدهیم.

۴ - ۲ - ۱. ضرورت پلان ساختن :

در عملیهٔ تدریس فعالانه شاگردان صرف آنچه را که میشنوند یا برای شان گفته میشود یا صرف به یاد گرفتن و تکرار کردن نمیآموزند بل که، باید با مواجه شدن به موضوعها و مسایل

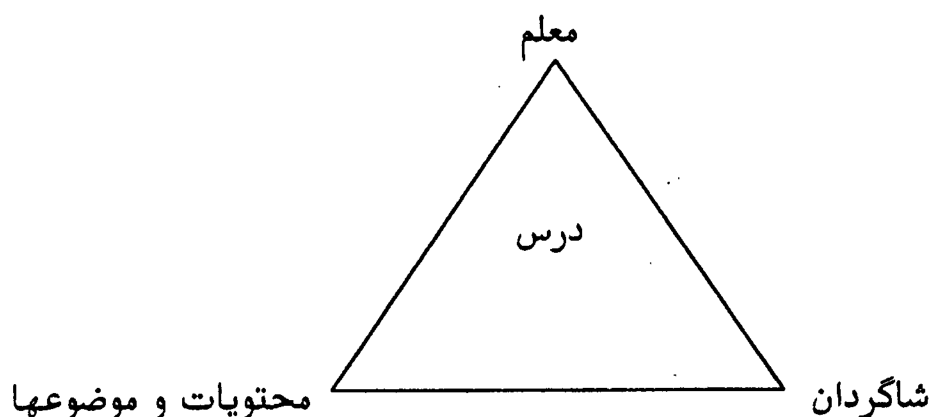
مختلف بیشتر با به کار انداختن استعدادهای خود بیاموزند. در این رابطه نه تنها نتایج حاصلهٔ دانش بل که آموختن عملیهٔ آموزش نیز دارای اهمیت است.

استعداد های آموزش شاگردان در نتیجهٔ تحمل و طاقت خود شان رشد میکند و نیرو میگیرد که به تدریج توانمندی ارتقایی و پیچیده تری را به دست میآورند.

معلم با تقدیم موضوعها، مضمونها و مسایل این عملیه را طوری آغاز و رهنمایی میکند که شاگردان به صورت موفقانه آنرا فرا میگیرند. البته معلمان شاگردان را خود مختار نخواهند گذاشت و به معیاری که لازم است آنها را رهنمایی و کمک خواهند کرد و البته این موقع را هم فراهم خواهند ساخت که تا حدودی که از عهدهٔ آن برآمده میتوانند کار کنند.

از این تشریح مختصر معلوم میشود که در رابطه به تدریس فعالانه باید به نقش معلم ارزش عالی داده شود. و در اینمورد به موضوعهای ذیل باید توجه داشت:

- دانش قبلی و استعدادهای شاگردان.
- مضمون: ساختمان داخلی و تمام مشکلات آن.
- طریق برخورد شاگردان با موضوع / مسایل / مضمون.
- امکان دارد مثلث ذیل ارتباط شاگردان، معلم و محتویات یا موضوعها در عملیهٔ آموزش را واضح سازد و به آسانی میتوانیم بفهمیم که تدریس بدون پلان و تیاری کار مشکلی خواهد بود.



شاگردان	معلم
معلم محتویات درس را با آماده گی به شاگردان عرضه میکند، شاگردان کمک میخواهند و معلم آنها را کمک می کند.	هر محتوا ساختمان جداگانه داشته مسایلی را دارا میباشند. معلم باید در بارهٔ محتوا فکر کند و به ساختمان و مسایل آن پی ببرد.

محتویات :

محتویات مشخصات خاص و تقاضا هایی دارند. شاگردان باید از استعدادها و مهارتهای خود کار بگیرند تا آگاهی از محتویات را حاصل کنند.

تشریح پلان گزاری و سویه های جداگانهٔ آن را در فصل (۴ ـ ۲ ـ ۲) و صفحات بعدی آن مطالعه کنید؛ مثلاً: اگر معلم داخل صنف میشود و صرف میپرسد که دیروز چی کردیم و سپس درس را از همان نقطهٔ دوام میدهد که دیروز آنرا توقف داده بود، پس تدریس او مؤثر نخواهد بود. خصوصاً که فرصتهای مناسب فعال سازی شاگردان را از دست میدهد.

با توجه به (رابطهٔ مثلثی) معلم، شاگرد و محتویات قبلاً بیان شده متذکر میشویم که: معلم پیش از همه نقش محتویات را در نصاب تعلیمی با بخشهای کوچک و مناسب و با معنای آن نظارت کند و در وقت معین آنرا پیش ببرد. یعنی، در جریان یک درس به توانایی تحمل شاگردان فکر کند پس از آن معلم به آن تشویقها و توانمندی هایی فکر کند که در هریک از قسمت های خاص محتویات آموزشی به مقصد کار کردن نیاز دارند.

در خاتمه معلم به مواد درسی و مواد ممد درسی که برایش میسر است (فصلهای ۴ ـ ۲ ـ ۲ ـ ۳ و ۴ ـ ۲ ـ ۷ دیده شود) فکر کند و بعد به پلان سازی و آماده گی گام به گام تدریس دست به کار شود.

خوشبختانه قسمت اعظم پلان گزاری بیشتر توسط طراحان نصاب تعلیمی، مؤلفان متنهای درسی و ترتیب کننده گان پلانهای درسی معلمان انجام یافته است. مگر، اینها مسؤولیت آنعده معلمانی را رفع کرده نمیتوانند که در بخش پلان گزاری، در برابر صنف مربوط خود به عهده دارند.

فصلها و عنوانهای آینده با معلمان در قسمت پلان گزاری مناسب به صورت غیر مستقیم کمک میکند.

۴ ـ ۲ ـ ۲. پلانگزاری و آماده گی قبلی :

موفقیت در تعلیم و تربیه نتیجهٔ پلان گزاری دقیق است. برای مربیان لازم است که پلانهای سالانه، ماهانه و پلان درسی ساعتوار که نیازمندیهای شاگردان را برآورده ساخته بتواند طرح و ترتیب کنند.

پلان گزاری تمام عوامل را طوری باهم مرتبط میسازد که واقعهٔ جاری و آنچه را که پس از آن واقع خواهد شد تثبیت میکند. پلان، نتایج آموزش شاگردان را پیشبینی میکند و آن پروگرام درسی را تعیین میکند که موقع مساعد را به شاگردان برای رسیدن به اهداف مساعد میسازد. پلان درسی / نصابی به حیث پلانی تعریف شده میتواند که برای یک گروپ خاص شاگردان مجموع فرصتهای آموزش را مساعد میسازد تا به اهداف وسیع و اهداف مربوط به آن برسند.

این نکته را نباید فراموش کرد که رشد مهارتهای شاگردان یکسان نبوده، این ها صرف تسلسل گامها و مراحلی اند که دارای اهمیت میباشند نه به درجهٔ سن آنها و آنچه مهم است ترتیب آنست نه تعیین وقت.

یک نمونهٔ اساسی پلان درسی / نصابی این است:

۱. تثبیت اولویتها :

تثبیت این موضوع که در این سال مشخص کدام نتیجهٔ آموزش مهارتهای شاگردان مهمتر از همه تلقی میشود؛ مثلاً: آموزش مهارت خواندن و نوشتن برای تمام شاگردان صنفهای ۱ ـ ۲ ـ ۳ .

۲. تعیین اهداف و مقاصد :

مقاصد و اهداف طویل المدت (سالانه)، قصیرالمدت (ماهانه / روزانه) سنجیده شوند و در پلان شامل گردند.

۳. تطبیق :

مهمترین وظیفهٔ تطبیق این است که آنعده شرایطی را تدارک نماید که مقاصد و اهداف تثبیت شدهٔ پلان درسی / نصابی در آن تحقق پذیرد.

۴ ـ ۲ ـ ۲ ـ ۱. ترتیب پلان سالانه :

تثبیت اهداف و مقاصد وسیع برای مدت یکسال به معلم منظرهٔ عمومی ساحه و تسلسل آن مفاهیمی را نشان میدهد که باید به شاگردان تقدیم کند.

در یک پلان تعلیمی / نصابی دقیقاً سنجیده شده کسب مهارتهای آموزش که به شاگردان به قسم تسلسلی و کنترول شده تقدیم میشود به شکل منظم در نظر گرفته شده میتواند.

هرگاه در ساحهٔ یک مضمون مشخص تأکید خاص برای مدت یکسال ضرورت باشد پلان سالانه موقع آنرا فراهم میسازد که آن تأکید را در داخل چوکات وقت معین به انجام برساند. در عین حال در یک زمان امکان ادغام محتویات چندین مضمون به ملاحظهٔ پلانهای جداگانهٔ سالانهٔ یک مضمون مشخص واضح میشود.

پلان سالانه به شاگردان موقع آنرا مساعد میسازد که در یک ساحهٔ درسی / نصابی معین، کل را در رابطه به اجزا بفهمند.

۴ ـ ۲ ـ ۲ ـ ۲. ترتیب پلان ماهانه یا یک واحد :

در ترتیب پلان ماهانه مفاهیمی از پلان سالانه اقتباس میشود و به اندازهٔ زیاد انکشاف داده میشود. در بیشتر موارد از تمام مفاهیم استفاده صورت نمیگیرد صرف آن مفاهیمی مناسب خواهد بود که با توانایی و انکشاف سویهٔ یک گروپ مشخص شاگردان تعلق داشته باشد. در یک پلان ماهانه برای یک گروپ مشخص شاگردان یک تقسیم اوقات و میتودها برای انکشاف تسلسلی شاگردان در مورد مفاهیم انتخاب شده در نظر گرفته میشود. برای پلان واحد از پلان ماهانه کار گرفته میشود که در اینصورت به تمام مفاهیم با یک موضوع مشخص تعلق میداشته باشد.

۴ ـ ۲ ـ ۲ ـ ۳. پلان و آماده گی روزانه :

اصطلاحاتی که در طرح و تدوین یک پلان با مفهوم به معلم کمک میکند از این قرار اند:

۱. هدفهای تکمیلی :

آیا شاگردان پس از اکمال یک تجربهٔ معین کدام کاری را انجام داده خواهند توانست یا کم از کم توقع سلوک مناسب از آنان برده خواهد شد.

۲. وضع :

حالتی که در آن شاگردان کار مورد نظر را به انجام میرسانند وضع گفته میشود.

۳. هدفهای عام :

هدفهای جامع یک مضمون درسی که در ترتیب نصاب تعلیمی هم در نظر گرفته میشود و به تمام یک مضمون درسی ارتباط میداشته باشد، به نام اهداف عام یا عمومی یاد میگردد.

۴. آموزش فعالانه :

سهمگیری فعال شاگردان در عملیهٔ آموزش (عمل کردن / انجام دادن) که بر ضِد سهمگیری منفعلی یا غیر فعال (شنیدن) صورت میگیرد.

۵. ارزیابی :

سنجش دانش یا کاری که شاگردان در رابطه به اشیای مشخص انجام میدهند که به صورت رسمی و غیر رسمی امکان پذیر میباشد.

٦. طرز تلقی :

تمایل به سوی سلوک توسط طریقهٔ معین یا عکس العمل بوده و در یک صِنف طرز تلقی مثبت و منفی هردو وجود دارد.

۷. آموزش :

حاصل کردن چنان مهارت یا دانشی که قابل بروز از شاگردان باشد.

۸. تجربهٔ آموزش :

آن فعالیت یا عملیهٔ که شاگردان را در امر آموزش کمک کند.

۹. محرک :

هـر چیـزیکه شـخص آنـرا بـرای اجـرای یـک عمل / فعالیت یا چندین عمل / فعالیتها به کار میاندازد محرک گفته میشود.

۱۰. تشویق :

فرستادن دلیل به ذهن برای انجام یک کار :

۱۱. مواد درسی :

تمام آن موادی که در عملیهٔ تدریس / آموزش به کار برده میشود.

۱۲. فیدبیک :

معـلومات مشـترکی کـه یـک شـاگرد آنـرا تـبارز داده و نشـان میدهد که تا چی اندازه دانش را کسب نموده و چی گونه انکشاف کرده است.

۱۳. اهداف سلوکی :

ایـنرا واضـح میسـازد که یک شاگرد دانشی را که آموخته در کدام شرایط و در کدام معیار های لیاقت آنرا تمثیل کند که قابل قبول باشد یا تغییر سلوک شاگردان هم از جملهٔ اهداف درس است.

ضرورت و ماهیت پلان درسی

پـلان درسـی بـه حیث یک رهنما تعریف شده میتواند که معلم آنرا برای هریک از درسهایی که در یک صنف تدریس می کند، طرح مینماید.

یـک پـلان درسی منحیث یک وسیلهٔ مراجعوی (مأخذ) مورد استفاده قرار میگیرد و درس واقعی در صـنف باید تمثیل کنندهٔ تطبیق واقعی این وسیله باشد. مهم اینست که درسها باید طوری پلان شوند که دارای اهداف جداگانه و محتوای مختلف باشد.

۱. یک پلان درسی برای معلم به حیث رهنما کار میکند. معلم به ملاحظهٔ آن به صورت دقیق میداند که چی باید بکند. این کار هم آهنگی را در بین فعالیتهای جداگانهٔ یک درس تأمین میکند و جلو خلای احتمالی در عملیهٔ تدریس را میگیرد.

۲. پلانگذاری درس، معلم را وادار میسازد که تا در مورد تکمیل شدن درس خود همه جانبه فکر نماید. این کار آسانی نیست که یک معلم تمام چیزهایی را به ذهن بسپارد که در درسهای مختلف یکروز به کار میرود. از این سبب پلانهای درسی بدون شک یکی از وسایل ضروری درس به شمار میرود.

۳. یک پلان درسی که به دقت طرح شده باشد، معلم را از موفقیت درسی اش مطمین میسازد.

۴. هرگاه تدریس یک درس موفقانه نباشد و شاگردان به درس توجه نداشته باشند معلم باید علت اساسی را که سبب خرابی درس شده است پیدا کرده بتواند. به این ترتیب پلانهای درسی به معلم کمک میکند که مشکلات واقع شدهٔ درس را ارزیابی و تشخیص کند. لذا پلانهای درسی به مقصد جلب توجه شاگردان قابل تغییر نیز میباشد.

طرح پلان درسی با مفهوم در تدریس مؤثر و ایجاد آموزش عملی به معلم کمک زیاد میکند.

سه قاعدهٔ اصلی طرح پلان درسی

زمانی که موضوع خاص یک درس تعیین شد، اولین سوال که معلم باید در مورد آن فکر کند اینست که (من کی را درس میدهم؟) به وسیلهٔ این پرسش معلم معیار موارد ذیل را معلوم کرده میتواند:

۱. سطح انکشافی / ذهنی شاگردان :

هرگاه شاگردان صنف در یک مرحلهٔ عملی درس قرار داشته باشند، تشریح یک موضوع با بیان لفظی مناسب جلوه نمیکند؛ مثلاً: برای شاگردان صنف سوم اگر عملیهٔ تقسیم ۶۳ ÷ ۷ اینطور توضیح شود که: ۶۳ دانه چوب کوچک و هفت شاگرد انتخاب شوند و از آنها خواسته شود تا این چوبها را بین خود مساویانه تقسیم کنند.

تقسیم چوبها در بین شان فعالیت (مشخص فزیکی) قابل مشاهده بوده و برای شان قابل فهم است. مگر به کار بردن بیان لفظی، برای تشریح تقسیم ۶۳ به این ترتیب کهُ مضروب ۷ طور مسلسل از ۶۳ تفریق میشود، این موضوع سبب مغشوش شدن ذهن شاگردان میگردد. زیرا آنها هنوز به این مرحلهٔ دانش نرسیده اند که به این گونه یک جملهٔ لفظی و منطقی پی ببرند.

۲. سطح لیاقت علمی شاگردان :

هرگاه یک درس برای یک صنف طوری تهیه شده باشد که سطح لیاقت علمی شاگردان آن از اندازهٔ متوسط پایین باشد، در آن صورت باید سرعت تدریس، وقت و فعالیتهای آن صنف با صنف دیگری که سطح لیاقت علمی شاگردان آن از حد متوسط بالاتر است و برای آنان هم درس مطابق سُویهٔ شان تهیه شده باشد، مقایسه شود.

هرگاه سویهٔ شاگردان صنف پایین باشد باید، سرعت تدریس هم در آن صنف کم ساخته شود. علاوه بر آن از لحاظ ذهنی سویهٔ فعالیتهای آن نسبت به فعالیتهای شاگردان صنف دارای سویهٔ عالی پایین تر باشد؛ طور مثال: باید آن معلوماتی که شاگردان پیش از پیش در موضوع همان درس حاصل میکنند، برای معلم معلوم باشد که بر مبنای این آگاهی معلم میتواند فیصله کند که درس را از کجا آغاز کند؛ مثلاً: تقاضای معلم اینست که در مورد خصوصیتهای فزیکی محل و قریهٔ بحث کند که شاگردان صنف ۳ در آن زنده گی میکنند. پس باید درک کند که شاگردان مفاهیم کوه و دریا را می فهمند؛ مگر، در رابطه به مفهوم خصوصیتهای فزیکی آن چیزی نمیدانند.

پس معلم درس را باید طوری آغاز کند که توسط خود شاگردان مودل یک کوه / دریا را از گل یا کدام چیز دیگر بسازد و به این ترتیب فهم آنها را در رابطه به خصوصیتهای فزیکی آن محل بالا برده، برای شان مجسم سازد.

از مثال بالا این قاعده (پرنسیپ) واضح میگردد که تعلیم و تربیه باید بالای شاگردان متمرکز باشد، نه بالای محتوای درس.

چی موضوعی باید تدریس شود ؟

پیش از آن که معلم به طرح پلان درسی خود آغاز کند، باید بداند که کدام یک از مفاهیم در نصاب تعلیمی تدریس شود. زمانی که مفاهیم تعیین شد، پس از آن اهدافی که آموزش مفاهیم را احتوا میکند، مشخص میگردد. اما به نحوی که ارتقای سویهٔ شاگردان و سطح توانایی علمی شان در نظر گرفته میشود.

تهیه یا تشکیل درس :

این موضوع بیشتر اقداماتی را دربر میگیرد که در بارهٔ موارد ذیل انجام میشود:

آنچه که باید شاگردان بیاموزند؛ سلسلهٔ فعالیتهای معلمان و شاگردان و تشریح آن عده موادی که معلم و شاگردان هردو به آن ضرورت دارند. زمانی که معلم فیصله میکند که در یک درس خود را به کدام نقطهٔ اهداف قبلاً تعیین شده باید برساند. پس به این هم ضرورت دارد که تشخیص کند چه طور باید به آن نقطهٔ اهداف برسد؟ معلم به این هم ضرورت دارد که در جهت مفاهمه با شاگردان از میتود مناسب و برای تدریس شاگردان تجربهٔ مناسبتر از همه را انتخاب کند و مرکز توجه معلم باید استعدادهای فردی شاگردان، تقاضا و علاقمندی آنها باشد. معلم باید به این هم اطمینان داشته باشد که برای شاگردان تمام مواد و وسایل ضروری درس مهیا میباشد.

معلم در این مرحلهٔ طرح پلان باید واحد درسی فصل یا محتوای کتاب را مجدداً مطالعه کند.

۱. فعالیتهای آموزشی و میتودهای تدریس :

فهرست آتی یک نمونهٔ آن عده میتودها و فعالیتهای آموزشی و مواد درسی است که معلم میتواند از آن پلانهای درسی هفته وار، ماهوار و سالانه را استخراج کند و به دست بیآورد:

تختهٔ تباشیر	مباحثه	تفکر انتقادی
تشریح به شکل عملی	نمایشها	کارهای خانه گی
مشق و تمرین	گرافها	اوراق معلوماتی
فلمها / سیرهای علمی	مطالعهٔ مستقل	تقاضای مفاهیم

در پرتو شریعت اسلامی مطابق معیارهای بین المللی در جهت ایجاد امکانات مساعد و به مقصد تعلیم و تربیهٔ دختران نوجوان توجه خاص مبذول گردد. در مضامین اختصاصی آنها باید تعلیمات خانواده گی، پرستاری طفل، تعلیمات صحی و غیره گنجانیده شود. این ها باید برعلاوهٔ مضامین محض برای دختران آموزنده در نظر باشد. اهمیت معلمان زنانه در جامعهٔ ما بنابر نقش مهم شان باید مورد توجه خاص قرار گیرد تا سویهٔ آنها با سویهٔ معلمان مردانه در تعادل باشد.

۱ ـ ۳. سهم معلمان در جهت تأمین این آرمان :

در ساحهٔ معارف باید آنعده معلمان لایق و با کفایتی استخدام شوند که معیار علم را ارتقا بخشیده و شاگردان را به مقصد کسب تحصیلات عالی آماده سازند. رژیم های قبلی معلمان نهایت ضعیف را در مکاتب ابتدایی و دهاتی مقرر میکردند.

معلمان صرف مسؤول این نیستند که سویهٔ شاگردان را ارتقا بخشند بل که، تقاضا و اندیشه های مردم باید معیار فهم ایشان را نیز بالا ببرد. معلمان باید در فعالیت های انکشافی مردم هم سهیم شوند و مردم را هم به سهمگیری تشویق کنند. به همین ترتیب معلمان به بهترین وجه در جهت بهبود نصاب تعلیمی هم سهیم شده میتوانند. معلمان باید در تمام فعالیتها و سیمینار هایی که در رابطه به تعلیم و تربیه در محیط شان تدویر میشود اشتراک ورزند و آنچه را میآموزند در صنف خود تطبیق کنند، مهمتر از همه این که معلم باید هریک از گروپ های قومی، زبانی و نژادی را مورد قدردانی و احترام قرار دهد و آنها باید شاگردان را با زبان مادری شان به امور انکشافات سیاسی و علمی آشنا سازند و این کار را زمانی میتوانند به انجام رسانند که به مطالعهٔ کتابها، روزنامه ها و شنیدن وسایل ارتباط جمعی جهان عادت کرده باشند.

کمبود معلمان مسلکی یکی از مشکلات قابل یادآوری است. این مشکل به این طریق رفع شده میتواند که سهم مؤسسات تحصیلات عالی در مورد تدویر، کورسهای تقویتی- تربیوی معلمان کورسهای تربیوی داخل خدمت و امکانات تدارک کسب تحصیلات عالی به مقصد تربیهٔ معلمان در نظر گرفته شود.

لکچر های تشریحی	کار در گروپ بزرگ	مراجع انسانی
تجارب لابراتواری	حل سوال	تدریس کمکی
قرائت شفاهی	سوال و جواب	فعالیتهای حرکی
طرحها	تشویق	فعالیتهای شنیدنی
نقش بازی کردن	نوشتن	آموزش نظارت شده

زمانی که معلم در تمام متبادلها فکر کند، میتودها و فعالیتها را درجه بندی کرده پس از آن در رابطه به درس، هریک از خوبیها و کمبودیها را سنجش نماید. ضرورت نیست که معلم عقب یک میتود یا ترکیب یک تجربه بگردد، بل که، به این نیازمند است که از آن تجارب و میتودهای آموزشی استفاده کند که برای تدریس از همه مناسب و بهتر باشد.

۲. تسلسل فعالیتهای معلم :

در طرح یک پلان درسی مهمتر اینست که معلم آن سلسله از فعالیتهای تدریس را تنظیم کند که ارادهٔ انجام آنرا دارد. این گونه پلان درسی که حایز تسلسل فعالیتهای تدریس باشد، معلم را در تمام تدریس به راه صحیح راهنمایی میکند. برای معلم در نظر داشتن این نکته مهم است. گرچه سلسلهٔ فعالیتهای درسی معلم تعیین شده باشد این حتمی نیست که عیناً آنرا به همان شکل تطبیق کند. وقتی که آن فعالیتها به انجام رسانیده میشوند شاید به فعالیتهای دیگر یا به فعالیتهای مغایر آن ضرورت پیدا شود که مؤثریت آن بیشتر باشد. باید فعالیتهای فهرست شده تعیین شوند که معلم در جریان تدریس آرزوی انجام آنها را دارد. این فعالیتها برای معلم به حیث آن نقاط مراجعوی کار میدهد که در جریان تدریس از آنها استفاده میکند.

۳. تسلسل فعالیتهای شاگردان :

اینهم مهم است که معلم در پلان درسی خود آن فعالیتهایی را هم بنویسد که شاگردان طی مراحل جداگانهٔ تدریس باید آنها را انجام دهند. تفکر در مورد چوکات این سلسله فعالیتها برای معلم نهایت مفید است که به شاگردان پیش از پیش در تجارب مؤثر تدریس سهم داده شود.

تفکر دقیق در مورد فعالیت های شاگردان این امکان را از بین میبرد که شاگردان وقت خود را در انتظار این ضایع کنند که معلم در کسب تجارب آموزشی برای شان رهنمایی کند که خودش هنوز پلان مکمل آنرا ترتیب نکرده است.

۴. تشریح مواد ضروری :

در جریان آموزش بیشتر از این هیچ چیز برای شاگردان نا امید کننده نیست که در یک درس جدید برای شان مواد درسی مورد نیاز میسر نباشد.

پلان دقیق قبلی میتواند از این مشکل بکاهد، طور مثال: هرگاه با شاگردان در تدریس مضمون ریاضی بعضی تسهیلات لازم موجود نباشد و ایشان به آنها ضرورت داشته باشند، امکان دارد تمام درس توقف کند. همین طور اگر در درسهای اجتماعیات فورمه های مورد ضرورت شاگردان موجود نباشد، پس امکان دارد که همان درس در ساعت درسی معینه تکمیل کرده نشود و آن ذوقی را که شاگردان به مقصد تکمیل درس دارند، از دست بدهند.

چنین پلان درسی که تسلسل فعالیتهای معلم و شاگرد را دارا باشد، معلم را در جریان تدریس به راه درست رهنمایی مینماید.

ترتیب و طرح پلان درسی :

هرگاه به مسؤولیت های تدریسی توجه گردد دیده میشود که آماده ساختن درس و طرح آن برای یک معلم مسؤول و مسلکی از جملهٔ فعالیتهای حیاتی شمرده میشود. یک معلم باید کار خود را با تشخیص چنان دانشی آغاز کند که میخواهد شاگردان در ختم درس آنرا حاصل کنند. هرگاه در آغاز درس توقعات ختم آن تشخیص شود در حقیقت معلم تهداب عملیهٔ تدریس را بنا کرده است. این عملیه به شاگردان کمک میکند تا آن نوع مهارتها و دانش را کسب کنند که از آنها توقع میشود. علاوه بر آن تدریس با کیفیت مرموزی انجام نمیشود که معلم واجد آن است و نه با آن اندازهٔ که معلم خوب از آن بی بهره باشد بل که، تدریس به این خاطر به انجام میرسد که

معلمان موفق بیشتر میتوانند که درسهای شان به تجارب عملی تمرکز داشته باشد و به این ترتیب موقع آنرا میدهد که از وقت داده شده به شکل مؤثر استفاده کند.

اگر از شاگردان این آرزو برده شود که در صنف یا لابراتوار از وقت خود با هوشیاری کار بگیرند پس ترتیب پلان درسی منظم برای معلم ضرورت است.

شاگردان را به آموزش مصروف نگهداشتن ایجاب میکند که معلم نیز با آنها در صنف یا لابراتوار حاضر و مصروف باشد. به عبارت دیگر، معلم باید در تدریس متمرکز به شاگرد سهم فعال بگیرد. طرح پلان برای موفقیت معلم خواست عمدهٔ قبلی میباشد. شاید به نظر یک نظارت کننده اینطور معلوم شود که یک درس بدون این که پلان مفصل قابل ملاحظه را داشته باشد به پیش برود. پس یک نظارت کنندهٔ با تجربه تشخیص کرده میتواند که آیا تدریس به طور سنجیده شده و منطقی انجام میشود یا نه؟

علاوه به آن نظارت کنندهٔ مجرب اینرا تشخیص می کند که آیا این گونه آموزش و تدریس که انجام میشود محصول پلان درسی و آماده گی درست است یانه؟ لذا این واضح خواهد شد که به اقتضای تدریس و آموزش سهم معلم نهایت مهم است. هر معلم باید سهم خود را در عملیهٔ تدریس و آموزش مورد آزمایش قرار دهد.

بدبختانه هنگامی که معلمان مبتدی در مورد این سوال که "شاگردان چی موضوعی را باید بیاموزند؟" فکر میکنند، بیشتر شان توجه خود را به این متمرکز میسازند که فعالیتهای شخص خود شان در یک درس باید چی باشد؟ و زمانی که در مورد فعالیتهای ممکنهٔ آموزشی فکر میکنند، شاید تلاش ورزند که بعضی از آن طرزالعملهایی را تکرار نمایند که اشخاص دیگر حین آموزش مهارتهای اساسی به آنان آموختانده است. شاید معلمان در مورد فعالیتهای زیادی که انجام میشوند فکر کنند مگر بر اثرات آن بالای شاگردان متوجه نمیباشند.

نکته ای که باید در مورد تعلیم و تربیهٔ مسلکی در نظر گرفته شود اینست که معلم حتماً باید از نیازمندیهای تعلیمی شاگردان آگاهی کامل داشته باشد تا با آنها کمک کرده بتواند که در آینده شاگردان لایق از آنها ساخته شود.

خصوصیتهای یک پلان درسی خوب

یک پلان درسی خوب دارای خصوصیتها و اجزای ذیل است:

۱. عنوان درس (مبحث) :

این جزو از نام آن شناخته میشود. عنوان درس عبارت از جمله یا کلمه ییست که در بارهٔ ساحهٔ مرکزی درسی که داده میشود، تعیین میگردد. در عنوان باید آن واحد درسی هم شامل ساخته شود که خود عنوان هم جزو آن میباشد.

۲. بیان مقصد :

جملهٔ کوتاهی است که مقصد درس را افاده میکند.

۳. هدف درسی :

هدفها چیزهایی را مشخص میسازد که در نتیجهٔ ارایهٔ درس، شاگردان باید آنها را انجام داده بتوانند. هر هدف باید به طور سلوکی نوشته شود. اگر امکان داشته باشد اهدافی شامل گردد که به واسطهٔ تفکر هم عضلات را به حرکت آورد و هم هدفهای مربوطهٔ علمی باشند. هدفهای درسی باید با هدفهای واحدها یا فصلها مطابقت داشته باشند که جزو متشکلهٔ درس میباشند. هرگاه این جزو هدفهای زیادی داشته باشد فرقی نمیکند. همچنان اگر یک درس صرف دارای یک هدف باشد پروا ندارد.

۴. فعالیتها / طرزالعملها :

موارد ذیل در پلانهای درسی ساعتوار شامل ساخته میشوند:

تکرار درس گذشته، معرفی درس جدید، یک سلسله فعالیتهایی که به شاگردان موقع میدهد تا محتوای درسی را بیاموزند و تمرین کنند. فعالیتهای معلم و شاگرد نیز باید شامل آن باشد و خاتمه یا فعالیت خلاصه سازی درس.

۵. مواد :

فهرست تمام وسایل و آلات / فهرست موادی که به خاطر تدریس مؤثر درس لازم است باید شامل پلان درسی ساخته شود.

٦. وقت :

حد تخمینی وقتی که برای هر مرحله به آن ضرورت است.

۷. ارزیابی :

میتودهای رسمی و غیر رسمی ارزیابی که رسیدن یا نرسیدن شاگردان را به اهداف مورد نظر واضح سازد.

پلان درسی در حقیقت طرحی است که برای معلم موقع آنرا مساعد میسازد که به صورت مؤثر درس بدهد و عملیهٔ تدریس را پیش ببرد. لذا مهم است که برای تمام درسها پیش از آن که در صنف تدریس شوند به طور دقیق پلان مفصل ترتیب شود. ترتیب و طرح با مفهوم یک پلان درسی مفاد فراوان دارد که بعضی از آنها چنین اند:

- معلم را در جریان تدریس به راه درست رهنمایی و تنظیم میکند.
- درس را برای شاگردان بیشتر با مفهوم میسازد.
- برای معلم هم موقع میدهد که فعالیت های خود، فعالیت های شاگردان، مواد درسی مورد ضرورت را با دقت لازم و هوشیاری تنظیم کند.
- به معلم موقع میدهد که برای هریک از فعالیتهای درسی وقت مناسب را تعیین کند.
- به معلم موقع میدهد که فضای مناسب درسی را ایجاد کند.

پلانهای درسی از یک مضمون تا مضمون دیگر و از یک مؤسسه تا مؤسسهٔ دیگر با هم متفاوت اند. حتی امکان دارد که یک مؤسسه ساختمان پلانهای درسی خود را به اساس مواد تجربوی

ساحوی و منابع تخصصی خود تغییر دهد، هر درس یک قسمت عمومی و یک بخش اختصاصی را داراست.

ساختمان پلان درسی به بخش عمومی آن متوجه است. بخش اختصاصی به آن قرینهٔ درست نصاب تعلیمی اتکا دارد که در همان لحظه به فکر خطور کرده باشد.

پس ساختمان پلان درسی به این بخش اختصاصی توجه کرده نمیتواند. در آغاز، ساختمان پلان درسی دارای معلومات احصاییوی ذیل میباشد:

نام مکتب	وقت تعیین شدهٔ آن به	دقیقه
نام معلم	فعالیتهای پیش از درس	۵ دقیقه
مضمون	هدف درس	۵ دقیقه
موضوع درس	فعالیتها / طرزالعملها	۲۰ دقیقه
تاریخ	خلاصهٔ درس / ارزیابی	۱۰ دقیقه

عنوانهایی که در بالا تذکر داده شد برای نظارت کننده (سوپروایزر) و سر معلم مهم است. زیرا آنهایی که نظارت میکنند میخواهند مطمئن شوند که رهنمایی نصاب در صنف چی وقت تطبیق میشود؟ از ساختمان پلان درسی معلومات مختص به دست میآید. هدفهای سالانه و ماهانه هم به صورت مستقیم و غیر مستقیم در پلان درسی متمرکز شده میتواند.

پلان درسی نمونه یی

صنف اول

نام مکتب		وقت تعیین شدهٔ آن به	دقیقه
نام معلم		فعالیتهای مقدماتی درس	۵ دقیقه
مضمون	پشتو	هدفها	۵ دقیقه
موضوع درس	هیواد	فعالیتها / طرزالعملها	۲۰ دقیقه
تاریخ		خلاصه / ارزیابی	۱۰ دقیقه

فعالیتهای مقدماتی درس :

سلام و احوال پرسی با شاگردان، معاینهٔ نظافت صنف و شاگردان، گرفتن حاضری، ملاحظهٔ کار خانه گی روز گذشتهٔ شاگردان، مشاهدهٔ حالت روانی شاگردان؛ هرگاه شاگردی به کدام مشکلی مواجه باشد، به او مشوره داده شود تا به درس خوبتر آماده گردد.

موضوع درس :

هیواد: شرح اقلیم، نقش آزادیخواهان در حصول استقلال افغانستان. (ببینید پشتوی صنف اول موضوع: هیواد، صفحهٔ کتاب: ....)

بیان مقصد :

در جریان مطالعهٔ محتویات اجتماعیات، آموختن مهارت خواندن.

هدفها :

در ختم درس شاگردان باید بتوانند که:

- حرف [و] را در بسیاری کلمه ها پیدا کنند.
- افغانستان را در نقشهٔ جهان نشان دهند.
- حقایق را در رابطه به افغانستان بیان کنند.
- برای تمرین مهارتهای خواندن شفاهی و خاموشانه موقع پیدا کنند.

فعالیتها و طرزالعملهای معلم / شاگردان :

پرسان کردن از شاگردان و ارتباط دادن جوابهای آنان به درس جدید که در ضمن آن درس گذشته نیز مرور میشود. پس از آن موضوع درس جدید را با این پرسش که "در بارهٔ موضوع چی معلومات دارید؟" معرفی گردد. جوابهای درست شاگردان بر تختهٔ صنف نوشته شود. شاگردان توظیف شوند تا به سوالهای ذیل جواب بگویند و بالای آن بحث کنند:

کی میتواند که اقلیم وطن ما افغانستان را تشریح کند؟ یا کی میفهمد که مجاهدین و آزادیخواهان چی طور و چرا افغانستان را در جهان مشهور ساختند؟ چی طور و چرا آنها نظام کمونستی را شکست دادند؟ آیا کسی میتواند افغانستان را در نقشهٔ جهان نشان دهد؟ اگر شاگردان این کارها را انجام داده نمیتوانند همرای شان کمک شود.

اکنون معلم صفحهٔ دیگر کتاب را گشوده میگوید: "بسم الله الرحمن الرحیم" معلم درس را صحیح و با احساس بخواند و شاگردان در کتابهای خود آنرا تعقیب کنند.

معلم ببیند که شاگردان خواندن را جمله به جمله از طرف راست به طرف چپ تعقیب میکنند یا خیر؟ پس از آن معلم متن درس را بخواند و از شاگردان بخواهد که یک یک جمله را تکرار کنند. سپس از شاگردان تقاضا شود که درس را خاموشانه بخوانند و آن کلمه هایی را با پنسل نشانی کنند که آنها را نمیدانند. معلم لغتهای مشکل (مشهور، نړی، کمونستی، رژیم) را بر تخته بنویسد و به آن لغتهایی بحث کند که شاگردان آنها را نشانی کرده اند و لغتهای مشکل را معنی و تشریح نماید. به آن شاگردانی که خواندن شان خوب است اجازه داده شود که به آواز بلند درس را بخوانند. اگر لازم باشد در خواندن کلمه ها با آنان کمک صورت گیرد. به آن شاگردانی که درس را سریعتر میآموزند موقع داده شود که لغتهای دارای حرف (و) را بشمارند. از این وقت برای کمک به شاگردانی استفاده شود که درس را به سرعت یاد گرفته نمیتوانند. وقتی که برای معلم واضح شد که شاگردانی که درس را به سرعت یاد گرفته نمیتوانستند و اکنون آنرا فهمیده اند لازمست تا معلم به آن سلسله فعالیتها آغاز کند که آموزش را تقویه میکند؛ مانند: از شاگردان پرسیده شود که چی چیز را آموخته اند؟ جوابهای شان بر تخته نوشته شود. بعداً از شاگردان تقاضا شود که در پای تخته آمده جمله ها را بخوانند. سپس از یک شاگرد خواسته شود که یک جمله را انتخاب کرده و بخواند که برایش دلچسپ باشد. وقتی که جمله را خواند از وی تقاضا شود که آنرا پاک کند و دوباره بنویسد. از دیگر شاگردان خواسته شود که متوجه تخته باشند و آن کلمهٔ را پیدا کنند که دارای حرف (و) باشد. پس از آن شاگرد دیگری توظیف شود که همان کلمه را در جای معین تخته بنویسد. این کلمه ها توسط شاگردان تکمیل شود:

(مجـ ... افغـ ... ته نجـ ... ورکوي.) لغتهای ذیل فهرست وار بر تخته نوشته شوند:

(هیواد، اقلیم، مجاهدین، مشهور، نړۍ، نجات، کمونست، ماتی ورکوي، گران)

در یک فهرست دیگر بر اساس حرف اول، هر لغت طور جداگانه ترتیب گردد. از شاگردان خواسته شود که حرف اول هر لغت را توسط یک خط پیوست کنند. این کلمه ها را معلم به شکل صحیح و غلط بر تخته بنویسد. پس از آن جمله های غلط و صحیح را به یکطرف تخته بنویسد و از شاگردان بخواهد که لغتهای غلط را در جمله ها به لغتهای غلط و لغتهای صحیح را در جمله ها به لغتهای صحیح پیوست کنند.

خلاصهٔ درس :

از یک یا چند شاگرد پرسان شود که امروز چی را یاد گرفته اید؟ عبارتها طوری تغییر داده شود که یک مطلب را به شکل دیگر افاده کنند. وظیفهٔ خانه گی از شاگردان طوری خواسته شود که از پدر و مادر خود یا اشخاص دیگر، در بارهٔ کشور معلومات بیشتر بخواهند.

مواد درسی :

کتاب درسی، تخته، تباشیر، نقشه و کاغذ.

ارزیابی درس :

در جریان درس جواب به سوالات و مباحثه، به حیث یک ارزیابی غیر رسمی به کار میرود.

پلان درسی نمونه یی

نام مکتب :	وقت داده شده / تعیین شده به	دقیقه
نام معلم :	فعالیتهای مقدماتی درس	۵ دقیقه
مضمون : ساینس و صحت	هدفها	۵ دقیقه
موضوع درس : پاکی بدن	فعالیتها / طرزالعملها	۲۰ دقیقه
تاریخ :	خلاصه / ارزیابی	۱۰ دقیقه

فعالیتهای پیش از درس جدید / مقدماتی :

سلام و احوالپرسی با شاگردان، معاینهٔ نظافت صنف و شاگردان، ملاحظهٔ حاضری، مشاهدهٔ کار خانه گی روز گذشتهٔ شاگردان، معاینهٔ حالت بهتر روانی شاگردان، مشوره در مورد آماده گی درس و کمک با آنها.

موضوع درس :

پاکی بدن: شاگردان (مردم) از طرف معلم و جامعه به حیث اشخاص مکمل شمرده میشوند. (موضوع پاکی بدن صفحهٔ ٦٢، کتاب ساینس صنف چهارم دیده شود.)

بیان مقصد :

فهمیدن این موضوع که شما چی طور و چرا بدن خود را پاک نگاه میکنید؟

هدفها :

پس از تکمیل این درس، شاگردان بتوانند به این سوال جواب صحیح ارائه کنند که بدن خود را چی طور پاک نگهمیدارند؟

طرزالعملها و فعالیتهای معلم / شاگردان :

درس پیشتر را به وسیلهٔ پرسش از شاگردان مرور و تکرار کنید وجوابها را با درس جدید ارتباط دهید. درس نو را با گفتن بسم الله الرحمن الرحیم آغاز کنید و از شاگردان بپرسید که درس جدید ما چی است؟

جواب صحیح شاگردان را به تختهٔ صنف بنویسید و به مقصد تشویق شاگردان تصویرهای یک بچهٔ پاک و یک بچهٔ چتل رانشان دهید و پرسان کنید که با کدام اینها میخواهید دوست باشید؟ باز بپرسید که چرا بچهٔ پاک را خوش دارید؟ بالای هر یک از جوابهای شاگردان بحث کنید و از آنها بخواهید که صفحهٔ (٦٢) کتاب را باز کنند، درس را به شاگردان با تلفظ درست، اشاره ها، حرکات و احساس بخوانید.

۲- اطفال افغان باید چی چیز را بیاموزند ؟

هدف عمدهٔ رهنمای عمومی معلمان اینست که معلمان اطفال را، به شیوهٔ بیاموزند تا آنها زمانی که به مرحلهٔ جوانی میرسند، منحیث یک مسلمانان صادق و راستکار به کار بلدیت پیدا کرده و برای همین نوع آموزش و تعلیم و تربیه آماده شوند.

بدون اطمینان به هدف یک کار آغاز کردن آن ضیاع وقت است. به منظور حفظ نام و شهرت خود در جهان باید بدانیم که در جهت بازسازی افغانستان بایست به تعلیم و تربیه حق اولویت داده شود. زیرا ما تا زمانی به کیفیت عالی تعلیم و تربیه رسیده نمیتوانیم که بین دولت و والدین شاگردان تشریک مساعی و روحیهٔ همکاری موجود نباشد.

در نظام بازسازی و احیای مجدد تعلیم و تربیه باید حقوق تمام مردم مد نظر باشد. یعنی تمام مردم افغانستان باید چانس آنرا داشته باشند که بدون هیچ نوع تبعیض به کسب دانش بپردازند.

معنای تعلیم و تربیه عبارت از انکشاف ذهنی، بدنی و اجتماعی است. از برکت تعلیم و تربیه زیبایی های فطری مردم از جهات ذهنی، اخلاقی، اجتماعی و روحی انکشاف مییابد و میتواند که با فرهنگ و دانش خود در برابر مسؤولیت های خانواده گی در انتخاب شغل و پیشه و استفادهٔ مناسب از اوقات فراغت کسب معلومات کند و منحیث یک عضو فعال جامعه تبارز نماید.

به اساس نکته های ذکر شدهٔ قبلی کورسهای تعلیمی و تربیتی و مضامین آن به ترتیب ذیل تدوین و تقدیم شده میتواند:

پروگرامهای ورزشی و تربیت بدنی باید مطابق سن شاگردان عیار ساخته شود تا برای نموی جسمانی شاگرد در مراحل مختلف زنده گی مفید ثابت گردد.

مضامین، حسن خط، صحت و رسم باید به خاطر آن آموختانده شود که شاگردان به حفظ محیط زیست و آموزش زیبایی ها پی ببرند.

مضامین دینی به خاطری باید تدریس شود که شاگردان به وحدانیت الله تعالی و سایر موضوعات اسلامی بفهمند. زیرا آنان با دانستن مضامین دینی ارتباط خود را با افراد و مسؤولیت های خود را در جامعه تشخیص میکنند.

فعالیتها / طرزالعملها :

درس را بار دوم بخوانید و از شاگردان بخواهید که کلمه ها را تکرار کنند. بعداً از آنان بخواهید که درس را خاموشانه بخوانند وکلمه هایی را نشانی کنند که معنای آنها را نمیدانند.

کلمه های مشکل؛ مانند: وضو و نظافت را بر تخته بنویسید. از آن عده شاگردانی که درس را سریعتر میآموزند، خواهش کنید که هر کدام شان درس را به آواز بلند بخوانند و مفاهیم اساسی پاکی بدن را بر کاغذ بنویسند (آموزش حقیقی). از بعض شاگردانی که آنها درس را به کندی میآموزند تقاضا کنید که خلاصهٔ درس را نوشته کنند (تدریس اصلی).

از بعض شاگردان تیز فهم تقاضا شود که مفهوم نظافت بدن را با شرایط زنده گی روزمره ارتباط دهند (آموزش جامع). در این وقت به آن شاگردانی که کند ذهن اند، به طریق خاص کمک صورت گیرد و با هریک از شاگردان کند ذهن کمک جداگانه صورت گیرد. به مقصد خلاصه سازی درس پرسیده شود که امروز چی را یاد گرفتیم؟ به جواب شاگردان گوش فرا داده شده به آنها گفته شود (شما اینرا آموختید که صبح وقت از خواب بیدار میشوید، وضو میکنید و نماز را ادا مینمایید: ما باید دستهای خود را پیش از غذا خوردن و پس از تشناب رفتن بشوییم، دندانهای خود را در وقت وضو و پس از خوردن غذا پاک کنیم، بدن خود را با آب پاک و صابون بشوییم. وقتی که لازم باشد ناخنهای خود را بگیریم.)

شاگردان برای کار خانه گی آن چی را که آموخته اند در خانه تمرین کنند. (تدریس تطبیقی) و سپس با گفتن قصه در روز بعدی که روز پیشتر در صنف چی کرده اند؟ مفکورهٔ خود را با همدیگر شریک خواهند ساخت.

مواد درسی :

کتاب، تختهٔ صنف، رسم، کاغذ و پنسل.

ارزیابی درس :

شاگردان به سوالها جواب بگویند. کاغذهای نوشته شده و بحث های جریان درس، کار ارزیابی رسمی و غیر رسمی را میدهد.

پلان درسی نمونه یی

پلان درسی مضمون دینیات، صنف ششم

نام مکتب :		وقت داده شده / تعیین شده	دقیقه
نام معلم :		فعالیتهای پیش از درس	۵ دقیقه
مضمون :	دینیات	هدفها	۵ دقیقه
موضوع درس :	زکات نقره	فعالیتها / طرزالعملها	۲۰ دقیقه
تاریخ :		خلاصه / ارزیابی	۱۰ دقیقه

فعالیتهای پیش از درس / مقدماتی :

سلام دادن و احوالپرسی با شاگردان، معاینهٔ نظافت صنف و شاگردان، گرفتن حاضری، تنظیم صنف، دیدن کار خانه گی روز گذشته و ارزیابی درس گذشته.

فعالیتها و طرزالعملهای معلم / شاگردان :

با پرسش از شاگردان و ارتباط جوابهای آنان با درس جدید، درس گذشته مرور شود. درس جدید با گفتن بسم الله الرحمن الرحیم آغاز گردد. پرسیده شود (عنوان درس جدید ما چیست؟) جوابهای درست شاگردان توسط خود آنان بر تخته نوشته شود به مقصد تشویق شاگردان به مباحثه پرسیده شود (زکات چیست؟) بالای جواب هر شاگرد بحث شود. متن درس با تلفظ صحیح و آواز مناسب به شاگردان خوانده شود. سپس سوالهای ذیل طرح شود:

- چند درهم معادل هفت مثقال طلا است؟
- معیار نصاب زکات طلا چند درهم است؟
- یک مثقال چی مقدار وزن دارد؟
- زکات یکهزار افغانی چقدر میشود؟

- اگر شما بیست و پنجهزار درهم داشته و طی مدت یکسال به مصرف آن ضرورت نداشته باشید، زکات آن چند میشود؟
- از شاگردان بخواهید تا یکمقدار مبلغ را در نظر بگیرند. سپس از آنها خواسته شود که در پای تخته آمده و زکات آن مقدار را (مطابق به فهم خویش) سنجش کنند. در نوشتن حسن خط کمک شوند.

از شاگردان تقاضا شود که درس را خاموشانه بخوانند و لغتهایی را که نمیفهمند نشانی کنند. لغتهای مشکل؛ مانند: (طلا، مثقال، زکات) را بر تخته بنویسید. همچنان لغتهای مشکل دیگر که شاگردان آنها را نمیفهمند معنی و تشریح شوند.

به شاگردان گفته شود آنچه را آموخته اند لست کنند. از شاگردان خواسته شود که خلاصهٔ درس را طور شفاهی بیان کنند. این درس برای شاگردان در جهت بهبود شرایط زنده گی شان هم ارتباط داده شود.

خلاصهٔ درس :

از شاگردان خواسته شود که آنچه را امروز آموخته اند بیان کنند. سپس معلم خلاصهٔ درس را به این عبارات بگوید: (شما اینرا آموختید که زکات دادن از جملهٔ فرضهای عمده است. هرگاه شما دوصد درهم داشته باشید و در طی یک سال به مصرف آن ضرورت پیدا نکنید، پنج درهم زکات آن را باید بدهید، زکات یکهزار درهم بیست و پنج درهم میشود.)

از شاگردان خواسته شود که این درس را در خانوادهٔ خود طوری تطبیق کنند که یک مبلغ افغانی را فرض کرده و از روی نصاب نقره، زکات آنرا سنجش کنند.

مواد درسی :

کتاب درسی، تخته، تباشیر، پنسل و کاغذ.

ارزیابی درس :

جوابهای سوالها و مباحثه در جریان درس، جای ارزیابی غیر رسمی را میگیرد.

۴ - ۲ - ۳. مواد درسی، مواد درسی کمکی و منابع آنها :

مـواد درسـی وسـایل و اشـیایی است که به مقصد حصول هدفهای درسی یک مضمون معیین با معـلم و شـاگردان کمـک میکـند. هر مضمون دارای یک کتاب است که معلم آنرا طی سال تعلیمی و گذشـته از آن در یـک سیسـتم مرکـزی تعلـیمی و تربیـتی در نظر میگیرد. این کتاب به نام (کتاب درسـی) یـاد میشـود و آن محـتوای نصاب تعلیمی را احتوا میکند که از طرف حکومت تعیین شده باشد.

تدویـن نصـاب تعلیمی و تألیف محتوای کتاب درسی که از طرف مقامات مسؤول پذیرفته شده باشد وظیفهٔ مؤلفان نصاب تعلیمی است.

معـلم، پروگرام نصاب تعلیمی را به همان نحوی که در کتاب درسی انعکاس یافته باشد تطبیق میکـند. کـتاب درسـی و سـایر مـواد، مـواد درسـی نهـایت مهمی بوده اما، وسایل مکمل و کافی درسـی شـمرده نمیشـوند. در زمانهـای قدیم تعلیم و تربیه صرف به خواندن و یاد گرفتن کتابهای درسـی اتکـا داشت؛ اما امروز در جهان معاصر نظر در مورد تعلیم و تربیه تغییر یافته است و این تقاضا را دارد که محتویات کتاب درسی، یاد گرفته شود و مهارتهای آن انکشاف کند.

آن مـواد درسی که در کتاب پیدا میشود به ذهن شاگردان طور مناسب انتقال کرده نمیتواند. تا بـرای مفاهمـهٔ مناسب آن بعضی وسایل و لوازم موجود نباشد پس آن وسایل و لوازمی که توسط آن تدریـس / آمـوزش بـه سهولت صورت میگیرد به نام مواد ممد درسی یاد میشوند. مواد ممد / کمک کنندهٔ درسی از این سه منبع عمده به دست میآید:

۱. آنعده مواد ممد درسی که به مقصد تجارت تولید شده از بازار دستیاب میگردند.

۲. وسـایل و اشـیای واقعـی کـه در محیـط و مـاحول مکـتب وجـود دارنـد و در تقدیم موفقانهٔ تدریس به صورت بهتر با معلم کمک میکند.

۳. معلم شخصاً وسایل کمکی را تهیه و تولید میکند.

مـواد درسـی بخـش مهـم سـاختار تدریس / آموزش را تشکیل میکند. زیرا معلم، مواد درسی و شـاگردان بخش واقعی عناصر متشکلهٔ تعلیم و تربیه اند. از همین سبب باید مواد درسی قابل قبول

موجود باشد که معلم به مقصد رسیدن به اهداف واضح خود بالای آن تمرکز داشته باشد. به همین سبب است که بیشتر مواد درسی؛ مانند: کتابها، رهنما ها و مواد چاپی دیگر، به خاطر تطبیق درس پس از منظوری حکومت تهیه و تولید میشوند. لذا در بسیاری از کشورها این نوع مواد درسی از طرف مؤلفان نصاب تعلیمی در وزارت معارف که تقاضای فرد و جامعه را در نظر میگیرد، تهیه میشوند. این مواد چاپی به شکل مجرد بوده؛ باید به شاگردان طوری انتقال شوند که در آنها تغییرات مؤثر را پدید آورد و به همین ترتیب شاگردان مواد درسی را میشناسند که برای شان نشان داده میشود. شاید گفته شود که در صورت موجودیت مواد درسی به مواد کمکی درسی ضرورت نیست مگر این گفته بجا نمیباشد.

اکنون به تعلیم و تربیهٔ متکی به کتابهای درسی نیازی نیست. حالا گفته میشود که تعلیم و تربیه همه گانی است و این به خاطری است که هر شاگرد به یک طریق خاص می آموزد. هرگاه خواهشات شخصی هر شاگرد را در نظر بگیریم اتکا به کتاب های درسی با وجود موجودیت مواد ممد درسی مفید نیست.

تقدیم مواد درسی یکی از طریقه های تدریس است؛ مگر این را میدانیم که تمام شاگردا به واسطهٔ عین مواد درسی کمکی و وسایل نمیتوانند بیاموزند. بعض ها صرف از طریق خواندن میآموزند؛ البته با خواندن و با استفاده از مشاهدهٔ اشیایی که میخوانند و مینویسند. برخی گروپهای دیگر شاگردان صرف با خواندن، نوشتن و تجارب یعنی به واسطهٔ عمل کردن میآموزند.

در تعلیم و تربیهٔ معاصر درس دادن به شاگردان صرف از روی کتابهای درسی نتیجهٔ مطلوب را بار نمیآورد. زیرا کتابهای درسی مواد نوشته شدهٔ مجرد اند. شاگردان با چیزهای نوشته شدهٔ مجرد بلد نیستند و برای این که آنها بفهمند باید چیزهای مشخص و نیم مشخص را نیز بشناسند. مقصد ما دراینجا از چیزهای مشخص آن اشیای واقعی است که در کتاب درسی نگاشته شده است و مقصد از چیزهای نیم مشخص تصویر اشیای نوشته شده میباشد. تشریح مفاهیم در تدریس با اشیای مشخص و نامشخص به حیث مواد ممد درس وسیلهٔ تشریحات زبانی (تقریری / تحریری) متنها، فارمولهای ریاضی و اشیای دیگر شده میتواند.

برای معلم منابع معرفی مواد کمکی اهمیت زیاد دارد. برخی از آن موادی که به شکل تجارتی تولید میشوند در کشور های انکشاف یافته دستیاب نمیشوند. آن کشورها که بودجهٔ محدود دارند به مقصد خریداری مواد کمکی پیشرفته و تخنیکی پول ندارند. در چنین موارد معلم شخصاً از طریق آشنایی با منابع دیگر از آنها استفاده کرده میتواند؛ مثلاً:

- مواد سادهٔ که به صورت محلی از طرف معلم یا شخص دیگر ساخته شده باشد.
- اقتباس و استعمال آن موادی که برای کشور دیگر ساخته شده باشد.

آن معلمی که علاقه و مهارت مسلکی داشته باشد به خاطر پیشبرد عملیهٔ تدریس / آموزش منابع زیادی را جستجو میکند. این منابع در محیط ماحول وجود دارند لذا معلم در وقت ضرورت از آنها کار گرفته میتواند.

یک معلم میتواند که مواد درسی کمکی را به خاطر تدریس مضامین مختلف تهیه کند؛ مثلاً: در تدریس مضمون ریاضی از چارت اعداد استفاده کند.

۴ ـ ۲ ـ ۳ ـ ۱. مواد ممد / کمکی تدریس :

یک معلم لایق بسیاری از مواد و وسایل درسی را میشناسد که برای وی در صنف میسر باشد و هم با اطمینان استعمال شده بتوانند. تدریس متحرک و پر تلاش میتودهای مختلف همان است که در آنها معلم از مواد ممد درسی جداگانه طور کافی کار میگیرد. این کار را معلم به خاطر سرگرمی شاگردان نمیکند بل که، به خاطر آن انجام میدهد که شاگردان موضوعها و مضمونهای مختلف را به طریقه های جداگانه بیاموزند. تخنیک استفاده از مواد ممد درسی باید طوری باشد که تمام شاگردان از آن استفاده کرده بتوانند.

وسایل درسی یا مواد کمکی درسی به نام مواد سمعی و بصری هم یاد میشوند.

اگر امکان داشته باشد، شاگردان باید خود درس را تجربه کنند و به همین ترتیب باید مواد کمکی تدریس را بخوانند، بشنوند یا ببینند. تأکید بر مواد کمکی تدریس بر نتایج تحقیقاتی یی استوار است که نصیب تعلیم و تربیه شده است. بر اساس این تحقیقات، اندازهٔ حفظ معلومات در ذهن شاگردان ارتباط مستقیم به نوعیت مواد ممد درسی دارد.

حفظ معلومات و دانش در ذهن شاگردان به وسیلهٔ مواد کمکی تدریس به ترتیب ذیل است:

۱. آنچه را که شاگردان میگویند و عملی میکنند ۹۰ فیصد در ذهن شان باقی میماند.

۲. آنچه را که شاگردان میگویند و مینویسند ۷۰ فیصد در ذهن شان باقی میماند.

۳. آنچه را که شاگردان میگویند، میشنوند و میبینند ۵۰ فیصد در ذهن شان باقی میماند.

۴. آنچه را که شاگردان صرف می بینند ۳۰ فیصد در ذهن شان باقی میماند.

۵. آنچه را که شاگردان صرف میشنوند ۲۰ فیصد در ذهن شان باقی میماند.

٦. آنچه را که شاگردان صرف میخوانند ۱۰ فیصد در ذهن شان باقی میماند.

ما و شما دیده میتوانیم که تقدیم مواد درسی و میتود استفاده از آن، سطح حفظ معلومات را در ذهن شاگردان تا چه حد تغییر میدهد. بعضی موادی که در تعلیم و تربیه استعمال میشوند معلوماتی اند که این مواد را احتوا میکند و حواسی که برای گرفتن این مواد لازم است در ذیل طور خلاصه تشریح میشوند:

- مواد نوشته شده؛ مانند: متنها و سایر چیزهای چاپی به واسطهٔ کلمه های نوشته شده معلومات مفصل را میسر میسازد. در این مورد به دیدن نیز ضرورت است.
- کمکهای بصری، معلومات ترسیمی یا تحریری را میسر میسازد که تشریحات شفاهی را آسان ساخته و در این مورد به هردو حس دیدن و شنیدن ضرورت است.
- تیپهای سمعی و ریکاردها به وسیلهٔ کلمه های شفاهی، معلوماتی را به دست میدهند که بیشتر آن به شنیدن ضرورت دارد.
- فلمها، سلایدها، تیپ و ویدیو تیپها برای تقدیم معلومات وسایل بصری / سمعی و تحریری اند که به لمس و دیدن یعنی به هردو ضرورت دارند.

اکنون مسؤولیت معلم است که تصمیم بگیرد که کدام نوع مواد برای کدام نوع فعالیت تدریس مناسب است.

بر اساس این معلومات، کار گرفتن به شکل آسان از مواد کمکی درسی در صنف و این که مواد درسی چگونه هر یک از حواس معین را به فعالیت بیاورد و اهداف معین درسها را بیشتر

تـأیید کـند قابل تشخیص اند. البته موفقیت های نسبی یی که معلم برای انجام این کار به دست میـآورد بـه موجودیت مواد معین اتکا دارد. ضمناً آن عده معلمانی که برای شان مواد و وسایل ممد درسی میسر نباشد باید مأیوس نشوند.

معـلمان بـاید بدانـند که خود میتوانند مواد ممد درسی محلی ارزانقیمت را تهیه کنند. گام اول آمـاده سازی مـواد درسـی، واضح ساختن این موضوع است که کدام اشیا میسر و کدام اشیا میسر نیسـت. معـلم بـاید مـواد ممـد درسی خود را قبل از شروع سال تعلیمی از مقام مسؤول تقاضا کند. اگـر مکـتب نمیـتواند تـدارک کند ایشان خود میتوانند که از مواد محلی و محیطی ارزانقیمت مواد درسـی را تـهیه کنند؛ طور مثال: از چوب، سنگ، حبوبات (لوبیا، نخود و غیره) و مواد دیگر در تدریـس عمـلیهٔ جمـع و عمـلیه هـای دیگر ریاضی و از اشیای واقعی دیگر که در محیط و طبیعت وجود دارند در تدریس مضمونهای زبان، ساینس و امثالها اینها کار بگیرد.

معـلم پیـش از آن کـه فیصـله کـند که کدام نوع مواد برای کدام درس معین مناسب است؟ باید ببیـند کـه کـدام مـواد زود میسـر میشود. در بسیاری حالات صرف موادی که در صنف از آن کار گرفـته میشود تخته وتباشیر است. بعضی اوقات حتی همینها هم موجود نمیباشند. بنابراین اتکای معلم باید بر موادی باشد که میسر شده میتوانند.

تکـرار درس و پلانهای درسی کم از کم برای معلم در بارهٔ مواد درسی مورد ضرورتش معلومات میدهـد. معـلم باید پلان درسی خود را ملاحظه کرده لست مواد ممد درسی یی را تهیه کند که در تدریـس یـک قسمت یا یک فصل کتاب درسی به آن ضرورت دارد. اگر معلم این کار را انجام دهد میتواند که مواد ممد درسی خود راپیش از آغاز درس تهیه کند.

انـواع مختـلف مـواد کمکـی درس وجـود دارد کـه بعضـاً فـوق العـاده تخنیکی و بعضاً ساده و محیطـی انـد کـه معلم باید از آنها آگاه باشد. اگر این مواد میسر نباشد معلم میتواند به عوض آنها از موادی کار گیرد که برایش میسر است.

هـرگاه مـواد ممد درسی که در پایین از آنها نام برده میشود، میسر باشند بیشتر مورد استعمال قرار میگیرند:

۴ ـ ۲ ـ ۳ ـ ۲. استفاده از اصل اشیا یا اشیای واقعی :

استفاده از اشیای واقعی به مقصد توضیح یک موضوع مجرد کتاب در صنف یا بردن شاگردان بیرون از صنف و در همانجا همان شی اصلی را به آنان نشان دادن یک طریقهٔ مؤثر در مشخص ساختن اشیای بصری به شمار میرود.

در میتودهای درسی جداگانه، یک دلیل بردن شاگردان بیرون از صنف اینست که شاگردان آن اشیا را دیده و حتی لمس کرده میتوانند که آنها را در کتاب میخوانند.

تدریس مضامینی ناقص شمرده میشود که در آنها از رفتن به محیط ماحول، گالری ملی موزیم نزدیک، دفتر روزنامهٔ محلی، کلینیک یا مرکز صحی، فابریکه یا بانک استفاده شده نتواند. کار نهایت مناسب این خواهد بود که شاگردان حتی استیشن اطفائیه را مشاهده کنند، چاپ روزنامه ملاحظه شود تا این که در بارهٔ آن در کتاب چیزی خوانده شود ما از آن اشیای واقعی که در مناطق روستایی دستیاب میگردد با مضمونهای دورهٔ ابتدایی ارتباط دارند استفاده کرده میتوانیم. لازمست که در مضمون دینیات شاگردان را به یک مسجد نزدیک ببریم تا ببینند که مردم چه طور وضو میکنند و خود را برای نماز آماده میسازند و چی طور نماز را ادا میکنند. هرگاه در کتاب کدام قصه در بارهٔ یک دهقان وجود داشته باشد یا در صنف موضوع سبزی کاری تدریس شود میتوانیم شاگردان را به ساحهٔ ببریم تا ببینند که دهقان چه طور زمین را کشت میکند و ضمناً انواع سبزیها را به چشم خود ببینند. اینها صرف چند مثالی بود که در مناطق روستایی وجود دارند و شاگردان آنها را ببینند. لازمست تا هنگام استفاده از اشیای واقعی در صنف، یا بردن شاگردان به ساحه نکات آتی در نظر گرفته شود:

- از آن موادی محیطی کار گرفته شود که شناخته میشوند.
- مواد درسی باید پیش از پیش آماده و جا به جا شده باشد.
- معلومات مواد باید ساده و واضح باشد.
- در استفاده از مواد واقعی و به مقصد سهولت در تدریس، معلم باید جوانب فرهنگی و علمی وابسته به آن را در نظر داشته باشد. مواد و اشیایی که به این مقصد استفاده میشود از

لحـاظ فرهنگی و علمی مورد قبول باشد؛ طور مثال: هرگاه در مضمون ساینس برای شاگردان استخوان بـدن انسـان یا قسمت های دیگر آن نشان داده شود گاه گاه امکان آن وجود دارد کـه معـلمان را بـه مشـکل مواجـه سـازد. لـذا معـلم میتواند که از مواد مصنوعی همچو اشیا استفاده کـند. هـرگاه برگ درختان، اشیای معدنی، پرنده گان و سایر مواد طبیعی استعمال شود کدام معضلهٔ را به وجود نخواهد آورد.

۴ ـ ۲ ـ ۳ ـ ۳. تختهٔ سیاه و استعمال آن :

۱. تختهٔ سیاه :

تختـهٔ سـیاه از جملـهٔ قدیمـترین وسـیلهٔ مواد درسی بصری است. خصوصیت عمدهٔ تختهٔ سیاه مناسب بودن آن به تمام صنفهای درسی است. نوشتن و ترسیم در آن آسان است و به سهولت هم پاک میشود. نقص عمدهٔ آن در اینست که تدریس در پیشروی تخته مرکزیت میداشته باشد.

این موضوع امکان به وجود آوردن تدریس جدی و لکچرها را در صنف سبب شده میتواند.

هـم اکـنون بـه جـای تخـتهٔ عـادی تباشیری صنف انواع دیگر تخته ها؛ مثل: تختهٔ فللینی و تخـتهٔ مقناطیسـی هـم ایجاد شده است؛ مگر، این تخته ها به مواد کافی ضرورت دارند که پیش از پیش باید تهیه شوند. استفاده از صفحات کاغذ یا آن نوع تخته های مقوا که درسها با قلمهای مارکـر نـوک پهـن بـر آنهـا نوشـته شوند جانشین تخته های تباشیری شده است. این کاغذ ها به آسـانی در صـنف قـابل انـتقال انـد و در تدریـس گروپهای کوچک شاگردان میتوانند مورد استفاده قرار گیرند.

استعمال ورقهـای دور خورنـده بـه قسم فلپ چارت هم از آن ترتیبات رسمی جلوگیری میکند که مختص به استعمال تختهٔ تباشیری است.

در کشـورهای رشـد یافـته تخـتهٔ سیاه از جملهٔ آن مواد درسی است که استعمال آن در مکاتب عمومیت زیاد دارد و در تدریس هر مضمون از طرف معلم و شاگرد از آن کار گرفته میشود.

آموزش جغرافیه، تاریخ، تمدن و امور اجتماعی شاگردان را کمک میکند تا به فرهنگ کشور خود و جهان آشنا شوند.

به همین ترتیب آموزش ریاضی به انکشاف ذهنی کمک میکند و با آن منطق شاگردان نیز تقویه میشود. برای شان فهم و درک مسایل پیچیدۀ تخنیکی آسان میگردد.

اطفال افغان باید درسهای عملی و نظری را بیاموزند. زیرا آموزش تغییرات مطلوبی را در کار و بار شاگردان به بار میآورد. شاگردان هر مضمون را با درنظرداشت اهداف آن میآموزند.

۲ ـ ۱. مکتب و زنده گی روزمره :

ضرورت های هر انسان در مسیر زنده گی فراوان است. ضرورتها و نیازمندی های اطفال پیش از شمول به مکتب محدود میباشد. زمانیکه به مکتب شامل شدند تماس شان به محیط و دیگران وسیع شده و به همین سبب احتیاجات و ضرورتهای شان نیز وسعت می یابد؛ طور مثال: طفل در خانه با مادر، پدر، برادران و خواهران خود و در قریه با همسایه ها تماس نزدیک دارد اما در مکتب با محیط جدید، هم صنفی ها، بزرگان و سایرین روبه رو میشود.

شاگردان در محیط خانه که رسم و رواجهای خاصی دارد، مواجه است؛ در مراسم خوشی و غم همسایه ها اشتراک می ورزند؛ با همسالان خود بازی می کنند؛ با زبان محلی خود با دیگران صحبت می کنند؛ نام اشیایی را می دانند که در محیط شان دستیاب میشود و می بینند که از سامان و آلات چه طور استفاده میشود و به هر کاری مطابق توانایی خود سهیم میشوند. مگر زمانی که طفل شامل مکتب شود محیط جدید و جداگانه را می بیند؛ آنجا کتابها، قلمها، کتابچه ها، پنسلها، تختۀ سیاه، تباشیر و اشیایی دیگر را می بیند و همچنان طفل اینرا هم می آموزد که در این محیط جدید از این اشیا چی طور استفاده کند. علاوه بر آن سخنان معلم سرمعلم و ملازم را درک میکند و میکوشد که به ماهیت و ذات هر چیز پی ببرد.

به خاطر اینکه اطفال به محیط مکتب علاقمند شوند و چیزی را بیاموزند، مربوط به معلم است که در جهت تشویق شاگردان از چه میتودی استفاده میکند تا آنان به عوض نشستن در خانه ترجیح بدهند که به مکتب بیایند و درآنجا بیاموزند.

در مضمون ریاضی نوشتن اعداد به روی تخته و به واسطهٔ نشان دادن علایم و نشانه ها در عملیه های ریاضی را معلم و شاگرد به آسانی انجام داده میتوانند. طوری که تخته به سهولت پاک شده، عملیهٔ زیاد در وقت کم در آن تکمیل میشود و در تدریس زبان بار دیگر مفید بودن تختهٔ سیاه به اثبات میرسد معلم یک جملهٔ مکمل را بر تخته نوشته و شاگردان آنرا تکرار کرده میتوانند. زمانی که شاگردان نوشتهٔ خود را تکمیل کنند و معلم جمله ها را تصحیح کند؛ تخته پاک شده میتواند.

معلم هنگام استفاده از تختهٔ سیاه باید نکات ذیل را در نظر داشته باشد:

- رنگ تخته طوری باشد که هرگاه با تباشیر بر آن نوشته شود تمام شاگردان آنرا خوانده بتوانند.
- معلم در نزدیک تخته به جای مناسبی اخذ موقع کند تا تمام شاگردان مطالب نوشته شده در تخته را دیده و خوانده بتوانند.
- در مکتب باید ذخیرهٔ کافی تباشیر و تخته پاک موجود باشد. انواع دیگر تخته ها هم وجود دارند که در تدریس مضمون ریاضی، زبان و حتی در مضمونهای اجتماعیات از آنها استفاده میشود.
- تخته باید در صنف در چنان موقعیتی نصب شود که نور کافی به آن رسیده بتواند و طوری نصب نشود که نور در آن انعکاس نماید و شاگردان نوشته های آنرا خوانده نتوانند.

دو نوع دیگر آن عبارت از تختهٔ فللینی و نمدی است. توسط این تخته ها درس ریاضی‌به این ترتیب تدریس میشود که اعداد ساخته شده از قطعه یا تکه یا کدام چیز دیگر با نوار چسپ (سکاشتیپ) در جاهای آن چسپانیده میشود و به عوض پاک کردن تخته یک عدد پس گردیده عدد دیگر به جای آن چسپانیده میشود و این کار توسط سمبولها هم ممکن است. از تخته های نمدی، شاگردان به مقایسهٔ تختهٔ سیاه علایم اعشاریه را بهتر میتوانند بیاموزند. در تختهٔ سیاه صرف اشیای مجرد و سمبولها نمایش داده میشود؛ مگر، در تختهٔ نمدی اشیای مشخص و نا مشخص را که برای حفظ معلومات در ذهن مفید است، نشان داده میتوانیم.

در تدریس زبان تصویرها حرفها، کلمه ها و جمله ها را با سکاشتیپ، سنجاق، خار و ویلکرو در تخته های نمدی و فللینی چسپانده میتوانیم. بعد از شاگردان تقاضا میکنیم که در بارۀ تصویر یا کلمه قصه بسازند طوری که هر شاگرد مطابق تصور، درک، دانش و سویۀ خود قصه خواهند ساخت. لذا قصه های زیادی گفته شده میتواند و به این ترتیب شاگردان تشویق میشوند که به مقصد تقویۀ مهارتهای زبانی، افکار خود را به آزادی بیان کنند.

تخته های نمدی و فللینی از تکه های مختلف که اندازۀ آن ۱/۴۰ در ۱۰۰ سانتی متر باشد تهیه شده میتوانند، گرچه این اندازه استندرد نیست. تکه به خاطر آن مسطح میباشد که معلمان تصویرها، عددها، سمبولها، حرفها، کلمه ها و جمله ها را توسط سکاشتیپ بتوانند به آن بچسپانند.

۲. نمونه ها و مودلها :

فرصتهای زیادی در صنف میسر است که در تدریس از نمونه ها و در برخی حالات از مودلها کار گرفته شود. در تدریس بسیاری از مضمونها، مودلها استعمال شده میتوانند. از همین سبب در بازارها مودلهای وجود دارد که معلمان در صورت توانمندی آنها را بگیرند؛ مانند: مودل کرۀ زمین و غیره چیزها. برای تدریس اشیای تقلیدی یا تمثیلی دیگر نیز به کار برده میشود. باید گاه گاه مودلها و مواد ممد درسی را از اشیای بی مصرف؛ مانند: کلوخ، گل، کاغذ، رابر، چوب، پلاستیک و غیره شخصاً تهیه کنیم. در بعضی حالات مشخص که در صنف مودلها میسر نباشند باید به شکل محلی ساخته شوند؛ مثلاً: شاگردان مودل وضع قدیمی محیط و ماحول یا مودلهای دارای خصوصیتهای جغرافیایی یا جیولوجیکی محل خود را بسازند که نشاندهندۀ وضع جغرافیایی محیط و منطقۀ شان باشد.

۳. پروجکتورها :

امروز به عوض استعمال تخته های تباشیر از پروجکتورهای شفاف (اوورهید پروجکتور) که تصویرها را از صفحات شفاف به پرده میاندازند، کار گرفته میشود.

معلمان از یک پنسل روغنی و یک صفحهٔ شفاف کاغذی یا پلاستیکی (ترانسپرینسی) در یک پروجکتور شفاف چنان کار گرفته میتوانند که از تختهٔ تباشیر استفاده میکنند. آنها میتوانند بر اساس ضرورت با آن پنسل روغنی بنویسند، رسم بکشند یا آنرا پاک کنند. معلمان در وقت استفاده از پروجکتور شفاف با شاگردان صنف مواجه بوده آنان را کنترول هم کرده میتوانند. استفاده از پروجکتور شفاف به عوض تختهٔ سیاه علاوه بر این که انواع مختلف اشیای شفاف را منعکس کرده میتوانند؛ تخنیکهای مختلف فوتوکاپی را هم ممکن میسازد که از کتابها یا منابع دیگر برای انعکاس تصویر های شفاف کار گرفته میشود.

یک معلم باید بتواند که از پروجکتور شفاف به طریقهٔ ابتکاری در تدریس کار بگیرد.

وسیلهٔ مهم دیگر پروجکتور کدر است (اوپک پروجکتور) که هر نوع مواد مکدر؛ مثل: فلمها، فلم سترپ و تصاویر را به روی پرده انداخته نمایش داده میتوانند.

برای پروجکتورهای کدر نسبت به پروجکتورهای شفاف به یک اتاق تاریک نیز ضرورت است. پروجکتورهای کدر به مقصد بزرگ نشاندادن کاپیهای نقشه ها و چارتها هم استعمال شده میتوانند.

۴. تصویرهای ساکن و عادی :

تصویرهای ساکن به مقصد ایجاد یک فضای تشزیقی در صنف یک وسیلهٔ مفید تدریس به شمار میرود. معلمان باید یک فایل تصویرهای ساکن را ترتیب کنند. زیرا گاه گاه یک تصویر به حیث یک وسیلهٔ تدریس به عوض یکهزار کلمه کار میدهد. هر مکتب باید یک تختهٔ اخبار (تختهٔ اعلانات) داشته باشد که موضوعهای آن هفته به هفته تبدیل شده و در جای مناسب در مکتب نصب شود. این کار برای معلم و شاگرد موقع آنرا فراهم میسازد تا پلانهای کار خود را ترتیب کنند. تختهٔ خبرها برای شاگردان این موقع را میسر میسازد که به وسیلهٔ آن فکر و نظر خود را اظهار نمایند و از این طریق انرژی آنها هم به کار انداخته میشود.

اگر به شاگردان رهنمایی و کمک شود؛ امکان دارد که عکسهای مربوط به درس را نیز پیدا کنند و در تختهٔ اخبار نصب نمایند. شاگردان میتوانند مقاله های کوتاه بنویسند و مفکورهٔ خود را

بـا آن بیـان کنـند یا آنچیزهایی را بنویسند که در محیط خود میبینند و آنرا در تختهٔ اخبار نصب کنند که شاگردان دیگر هم آنها را ببینند و بخوانند.

وسـایل دیگر تصویری؛ عبارت اند از: چارتها، گرافها و نقشه ها که بیشتر برای ایجاد محیط بهـتر و موثر شدن تدریس به کار میروند. مگر معلمان باید مطمین باشند که شاگردان این وسایل را خوانده و به آنها پی برده میتوانند.

آن مـواد دیدنـی کـه از طـریق استعمال تصویرهای ساکن به دست میآید، صرف نظر از رشد و تقویـهٔ مهارتهـای خوانـدن و تعـبیرهای شاگردان آنها را به پیچیده گی های مبهم مواجه میسازد. چارتهـا، گـرافها و نقشـه هـا هـر کدام مواد پیچیده اند این وسایل ذکر شده باید آموزش را آسان سـازند نـه ایـن کـه شاگردان رابه اشتباه بیاندازد. شواهد مفاهیم و تصویرهای موجود در چارتها، گـرافها و نقشـه هـا بـاید بـرای شـاگردان واضح و مأنوس باشد که به آسانی آنها را بخوانند و به مطلب آنها پی ببرند.

۵. فلمها و فلم پروجکتورها :

سـلاید ها، فلمها، سلاید پروجکتورها، فلم پروجکتورها و امثال آن وسایلی اند که برای عملیهٔ تدریـس / آمـوزش مفیـد میباشـند. سـلاید پروجکـتورها بـه آن معـلمانی که مهارت عکسبرداری را نداشـته باشـند سهولتهایی را ایجاد میکند. آنها میتوانند که سلایدهای محلی، شخصی و مأنوس را با کلکسیون صنف ضمیمه سازند.

بـرخی از فـلمهای تشـریحی بـه شکل تایپ شده یا ریکارد شده تنظیم شده اند. در هر حالت گـاه گـاه کـه فلمها فروخته میشوند به دقت دیده شوند که دارای جنبهٔ تعلیمی و تربیتی مفید اند یا خیر!

تـلویزیون تعلیمی، رادیو و وسایل ثبت، وسایل دیگری اند که به مقصد فراهم کردن تسهیلات تدریـس در صـنف بـه کار میرود. تلویزیون تعلیمی در کشور های مختلف استعمال میشوند؛ مگر، تـا حـال در کشـورهای روبـه انکشـاف رواج نیافـته انـد. در بعـض از کشـورهای روبـه انکشـاف رادیوهـای ارزانقیمت در اخـتیار معـلمان و شـاگردان قـرار داده میشود. در بسیاری از کشورها به

شمول افغانستان پروگرامهای تعلیمی از طریق رادیو انتشار میابد. اگر رادیو های ترانزیستوری ارزانقیمت در مکاتب وجود داشته باشد، معلمان باید وقت نشر پروگرامهای تعلیمی و تربیتی رابشناسند و از آنها استفاده کنند.

۶. کتابخانه ها :

ایجاب میکند تا برای معلمان یک کتابخانهٔ مجهز در مکتب ویا محیط ماحول آن میسر باشد. علاوه براین، معلم میتواند که یک کتابخانهٔ ارزان صنفی را نیز آماده کند وبرای اکمال مواد درسی از آن استفادهٔ لازم نماید.

معلم مسؤولیت دارد تا طریق استفاده از کتابخانه و مواد آنرا به شاگردان بیاموزاند.

۴ ـ ۲ ـ ۳ ـ ۴. استفاده از محیط ماحول و طبیعت :

برای این که عملیهٔ آموزش دلچسپتر و متمرکز به زنده گی شاگردان شود، بهتر است تا فعالیتهای صنف بر آن عده فعالیتهای طبیعی متمرکز ساخته شود که مکتب در آن محیط واقعست؛ زیرا، بیشتر جوامع بشری سرشار از موادی اند که در امر اکمال درسهای صنفی شاگردان ممد و مفید واقع شده، ارزش دیدن را میداشته باشند؛ به گونهٔ مثال: معلم مضمون صحت میتواند که شاگردان خود را به دواخانه یا مرکز صحی نزدیک مکتب ببرد تا آنان اهمیت طب وقایوی را دانسته و طرزالعمل طب معالجوی را هم مشاهده نمایند. در مضمون ساینس معلم میتواند که شاگردان را به کدام جنگل یا باغ یا مزرعهٔ نزدیک مکتب رهنمایی‌کند تا آنان طرز نشو و نموی نباتات را ببینند. همین گونه، شاگردان فابریکهٔ تولید برق را از نزدیک مشاهده نموده، میآموزند که به چه ترتیب برق از آب تولید میشود.

در محیط ماحول بسیاری از اشیای ذیروح و غیر ذیروح وجود دارد که عملیهٔ تدریس صنف را اکمال میکند. مگر لازمست که معلم پیش از پیش با دقت بسنجد که کدام مواد به درس ارتباط داشته و کدام یک ندارد.

بدینگونه، شاگردان تنها به آن عده مواد محیطی دلچسپی نشان میدهند که آنها را در کتابهای درسی خود خوانده باشند. این هم یک امر تشویق کننده به شاگردان خواهد بود که معلم به آنان تفهیم نماید که از مواد دیدنی محیط و ماحول، بعداً امتحان خواهد گرفت. البته این موضوع را معلم پیش از پیش به شاگردان اعلان کند. به این اساس شاگردان درک میکنند که رفتن به خارج از مکتب صرف برای تفریح و هواخوری نبوده؛ بل که، در امر آموزش شاگردان ممد و مفید تمام میشود. بدین ترتیب شاگردان توجه خود را به موادی معطوف میسازند که به عملیهٔ تدریس ارتباط دارند و شاگردان در جستجوی موادی میشوند که در امر اکمال فعالیتهای صنفی شان مؤثر واقع میگردد.

۴ - ۲ - ۳ - ۵. استفاده از اشخاص مسلکی و وارد در فن :

علاوه بر مواد درسی بصری و محیط ماحول که معلم در تدریس از آنها استفاده میکند، در جامعه مواد دیگری هم وجود دارد که به حیث منبع مهم در تدریس از آن استفاده صورت گرفته میتواند؛ مثل: اشخاصی که دارای دانش به خصوص در یک فن و رشته میباشند. یا، در مضمون زبان بسیاری از درسها وقتی دلچسپ شده میتواند که شاگردان محاوره ها و یا دیالوگهایی را از زبان گوینده گان اصلی یکزبان بشنوند. بسا نصابهای تعلیمی یی وجود دارد که استفاده از منابع طبیعی محلی را در تدریس موضوعهای تاریخی و کلتوری بیشتر ارزش داده اند. صحبت با اشخاص بزرگ و با تجربه، پیرامون موضوعها و وقایع تاریخی و کلتوری، چه در داخل و یا خارج از صنف برای شاگردان درس را با معنی و با مفهوم ساخته؛ بر تجارب آنان میافزاید.

استفاده از خود شاگردان به شکل مجسم به جای دیگر مواد، در انجام دادن عملیه های مختلف ریاضی؛ مانند: جمع، تفریق و شمارش اعداد بیشتر مؤثر میباشد.

همین گونه: شاگردان به جای قهرمانان بعضی قصه ها در مضمون زبان، میتوانند به شکل تمثیل خود نقشی را اجرا کنند. زیرا شاگردان تجارب با ارزش و کافی دارند که میتوانند آنها را با تجارب دیگران شریک سازند. به هر اندازهٔ که شاگردان در فعالیتهای درسی سهم داشته باشند به همان اندازه دانش و دیگر معلومات در ذهن آنان ادامه مییابد. شاید در جامعه در مضمونهای

اجتماعیات و ساینس متخصصانی وجود داشته باشند که لکچرها بدهند و یا مجالس سوال و جواب با آنها آماده ساخته شود. همچنان، در تعلیم و تربیه و دیگر ساحات شاید مأمورین و کارکنانی وجود داشته باشند که به حیث منابع بزرگ مواد درسی از آنان استفاده صورت گرفته بتواند.

۴ ـ ۲ ـ ۳ ـ ٦. تهیهٔ مواد ممد درسی توسط معلم :

بعضی از مواد ممد درسی برای افادهٔ مناسب محتویات درس، توسط خود معلم نیز ساخته شده میتواند. در یک صنف مواد مفید قابل استعمال؛ مثل: بوتلها، قطی های خالی، تکه ها، تختهٔ سیاه، کارتنها و چوب توسط معلم آماده میگردد. همچنین مواد درسی یی هم وجود دارد که از اشیای ارزان قیمت ساخته میشود. تهیه و ساخت مواد ممد درسی توسط ادارهٔ مکتب یا معلم به ابتکار، علاقمندی، مهارتهای مسلکی و شرایط مکتب ارتباط دارد. بعضی از مواد درسی سادهٔ محیطی که توسط معلم ساخته شده میتواند بدینقرار است:

۱. چارتها :

چارتها به حیث مواد بصری؛ محتویات یک درس را در قالب سمبولها، کلمه ها و جمله ها تشریح مینماید. یک معلم میتواند که چارت را از کاغذ سفید یا رنگه برای هر یک مضمون مکتب تیار کند. معلمان میتوانند جمله ها یا رسمهای مربوط به درس را به وسیلهٔ مارکر، خط کش و پنسل روی چارت نوشته و ترسیم نمایند و در مضمون ریاضی، اعداد و علامه ها را روی چارت بنویسند و از شاگردان حل آنرا بخواهند؛ به گونهٔ مثال: دو سیب را همراه سه دانه سیب دیگر روی چارت رسم کنند. همچنین معلمان میتوانند توسط پنسلها، مارکرها و خط کش یک درس را به شکل تصویری روی فلش چارت ترسیم نموده به شاگردان توضیح نمایند. هرگاه تصویرهای مربوط به درس در بازار نباشد خود معلم میتواند آنرا ترسیم نموده و در صورت امکان از کتابها کاپی کند.

۲. کارتها :

معلم میتواند که بخشهای مختلف یک جمله و یا مفهوم یک کلمه را به وسیلهٔ کارتها به شاگردان نشانداده، تشریح کند. این کارتها از کاغذ چارت، قطعه ها و کاغذ کارتن و موادی ساخته شده میتواند که در آن درسها به کمک رسمها قابل تشریح باشد.

۳. تصویرها :

از تصویرها جهت دلچسپی شاگردان به درس، کار گرفته میشود. تصویرها در صنف به موضوع و مضمون درسی ارتباط داشته، بسیاری از معلمان تصاویر را از روزنانه ها و مجله ها جمع آوری نموده میتوانند. تصویرها به حیث یک وسیلهٔ بصری در تدریس مهم پنداشته شده است. لازمست تا مجموعه یا کلکسیونی از تصویرها برای هر مضمون در مکتب وجود داشته باشد.

۴. مودلها :

مودلها به خاطر تمثیل اشیای واقعی در تدریس به کار رفته، بیشتر از چوب، گل زرد، کاغذ، فلز، پلاستیک و امثال اینها ساخته میشود. مودل در حقیقت شکل مصنوعی یی اشیای واقعی بوده که یا خود معلم و یا به کمک نجار و اشخاص دیگر آنرا تهیه کرده میتواند. در تدریس وقتی از آن کار گرفته میشود که امکان نمایش اشیای واقعی موجود نباشد. مودلهای اشکال هندسی هم جهت توضیح موضوعهای نوشته شده مورد استعمال قرار میگیرد.

۵. پوسترها :

پوسترها از کاغذ سفید، پنسلهای رنگه و مارکرها ساخته شده به حیث مواد ممد درسی در تدریس به کار برده میشود. پوسترها باید به موضوع درسی ارتباط داشته روی آن رسمها و شکلها همراه با نام آنها ترسیم و نوشته شود. فرق بین پوستر و چارت در اینست که معلومات روی چارت از کتابهای درسی گرفته میشود مگر، روی پوستر رسمهای مختلف جهت تشریح درس ترسیم میگردد.

۶. نقشه ها :

نقشه ها نمایانگر کشورها، شهرها، کوهها، بحرها، دریاها و امثال اینها بوده که به کشورهای مختلف ارتباط میداشته باشد. از نقشه ها بیشتر در تدریس مضمونهای اجتماعیات (تاریخ و جغرافیه) کار گرفته میشود. هرگاه در مکتب نقشه ها موجود نباشد معلم میتواند از روی نقشه های اصلی کتاب درسی آنها را کاپی یا فوتوکاپي کند.

۷. اصل اشیا :

از اشیای واقعی هم اگر مربوط به یک درس باشد در صنف کار گرفته میشود. معلم میتواند برگهای نباتات، اشیای معدنی و چیزهای دیگر را در وقت ضرورت به شاگردان خویش نشان دهد.

۸. اشیای مشخص :

لازمست که معلم در قدم نخست از اشیای قابل لمس و مشخص در تدریس استفاده کند. زیرا آموزش وقتی موثر میباشد که شاگردان اشیا را ببینند و تجربه نمایند؛ به گونۀ مثال: معلم در تدریس مضمون ریاضی دورۀ ابتدایی برای شمارش از دانه های سنگچل، لوبیا، نخود، چوبکها، خسته، مهره ها و مثل اینها میتواند کار گیرد تا درسش مؤثر و دلچسپ شود.

در اخیر باید گفت که معلم متیواند تمام مواد درسی یاد شده در بالا را در جای مناسب صنف به نمایش بگذارد. در کشورهای رو به انکشاف چون مواد درسی دقیق به دسترس معلمان قرار ندارد پس برای این که مأیوس نشوند لازمست تا معلمان و شاگردان هردو طور مشترک در تمام این مراحل کار کنند.

ارزیابی مواد درسی :

مواد درسی یی که توسط معلمان یا مکتب تهیه گردیده و در عملیۀ تدریس از آنها کار گرفته میشود باید مفیدیت و جنبۀ عملی آن با موضوع درسی مورد ارزیابی قرار گیرد و پس از ارزیابی دقیق لازمست تا معلمان بدانند که بعض تغییرات مناسب و اصلاحات در مواد درسی آورده شود. البته این اصلاحات پیش از مرحلۀ استعمال مواد به عمل میآید.

در تهیه و ترتیب مواد درسی مراتب ذیل را باید در نظر گرفت:

۱. مواد تولید و ترتیب شود.

۲. مواد در مکتبهای تجربوی مورد آزمایش قرار گیرد.

۳. پیش از استعمال، باید مفیدیت و مؤثریت مواد ارزیابی گردد.

۴. مواد نظر به ضرورت تبدیل و اصلاح شود.

۵. مواد در محیط منظم صنف مورد آزمایش قرار داده شود.

استعمال مواد درسی در صنف :

ما اهمیت مواد درسی و مواد ممد درسی را فهمیدیم. همچنین دانستیم که مواد درسی چگونه ساخته شده و از کدام منابع به دست آورده میشود. البته در تدریس هر مضمون هرگاه از مواد بصری استفاده صورت گیرد مؤثر میباشد زیرا تمام شاگردان از آن استفاده کرده میتوانند.

یک اصل مهم در تدریس اینست که بعضی از شاگردان از دیدن یا لمس کردن یک چیز بیشتر به مفهوم آن پی میبرند مگر عدهٔ دیگر برای این که مفهومی را دریابند در مورد آن به تشریح بیشتر ضرورت دارند. پس برای این که، معلم اطمینان حاصل کند که تمام شاگردان این شیوهٔ آموزش را پذیرفته اند یا نه، راهی وجود دارد و آن این که، از مواد درسی متنوع در هنگام تدریس کار گرفته شده است یا خیر؟ اتکای بیشتر بر مواد درسی بصری و فراموش کردن اهمیت تدریس شفاهی و از آن در تدریس کمتر استفاده کردن این معنی را میدهد که معلمان آنعده شاگردانی را که از طریق شنیدن بیشتر موضوعها را میآموزند، تعلیم درست و خوب نمیدهند یعنی معلم شیوهٔ تدریس شفاهی را نیز در نظر داشته باشد و از آن استفاده کند. پس بهتر خواهد بود تا در صورت امکان از مواد درسی گوناگون کار گرفته شود. و هم لازمست تا معلمان برای تقسیمبندی اشیای واقعی و مواد بصری؛ مثل: چارتها و اشکال، جهت نمایش عملیه ها، از وسایل تخنیکی تدریس اگر میسر باشد و یا در بعضی از مضمونها اجرای نقش را به کار ببرد تا درس جنبهٔ عملی را به خود اتخاذ کند.

اطفال به مثابهٔ گلها میباشند، زیرا گل در بستهٔ خود تازه گی و زیبایی داشته درآنجا بیشتر دوام میکند. همچنان اطفال در خانهٔ خود خوش میباشند و رفتن شان به محل جدید مانند همان گلیست که از شاخه اش جدا شده باشد.

گل جدا شده از شاخه باید در گلدان پر از آب نگهداری شود. لذا معلم میتواند شاگردان را از طریق تشویق در محیط مکتب به صورت تازه و دوامدار نگهدارد. معلم باید با شاگرد طوری رویه کند که پدر و مادرش در خانه با او دارند.

صحبت مهربانانه با طفل، علاقه اش را نسبت به مکتب زیاد میسازد، جمله ها و کلمه هایی که معلم به مقصد تشویق اطفال باید به کار ببرد اینها اند :

- السلام علیکم.
- عزیزانم خوش آمدید.
- چی طور استید / چی حال دارید؟
- بسیار هوشیاری کردید که وقتتر خود را به مکتب شامل کردید.
- پدران و مادران شما چی قدر مردم خوب اند.
- آنها با شما دلسوزی دارند که شما را به مکتب فرستاده اند.
- آفرین، شاباش، بسیار خوب بچه استی، بسیار خوب دختر استی، بسیار طفل هوشیار و فعال استی.

عبارتها و جمله های مشابه اینها اطفال را تشویق میکند که درس خود را در مکتب ادامه دهند.

۲ - ۲. نصاب تعلیمی و مفردات مبنی بر قواعد اسلامی :

پیش از آن که این مفکوره تشریح شود، بهتر است تا اصطلاحات (نصاب تعلیمی) و (مفردات) تعریف شوند.

مواد درسی مراحل کاربرد مشخص را دارا بوده که اینگونه بخشبندی شده است: مرحلهٔ پیش از تدریس، مرحلهٔ جریان تدریس و مرحلهٔ پس از تدریس. در اینجا هریک از این مراحل را مورد بررسی قرار میدهیم:

مرحلهٔ پیش از تدریس :

- باید اطمینان حاصل شود که مواد درسی با اهداف پلان درسی رابطهٔ مستقیم دارد.
- هرگاه کدام وسیلهٔ درسی تخنیکی در کار باشد لازمست تا معلم پیش از شروع درس آنرا امتحان کند که همه وسایل و پرزه های آن درست کار میکند یا خیر؟

مرحلهٔ جریان تدریس :

- برای جلب توجه شاگردان به درس، شیوهٔ تدریس معلم امر مهم است؛ مثلاً: هرگاه درس با این عبارتها آغاز گردد: (حال در این شکل مشاهده میکنیم که بعضی از نباتات نسبت به بعضی دیگر به آب بیشتر ضرورت دارند.) در اینجا هدف معطوف کردن توجه شاگردان است تا تشریح معلم را بفهمند.
- هنگامی که معلم، با یک صنف صحبت میکند باید به آرامی و وضاحت مواد درسی بصری را از یک قسمت صنف به قسمت دیگر حرکت دهد و به شکل فزیکی یی مواد درسی بصری هم اشاره نماید.

هنگام استعمال وسایل درسی معلم باید:

- در جریان تدریس از پریشانی فکر و حواس خود جلوگیری نماید.
- توجه شاگردان را به وسایل درسی بیشتر معطوف سازد.
- بعضی اوقات به شاگردان تفهیم نماید که پس از درس یک امتحان از آنان گرفته میشود.
- درسهایی را که در آنها وسایل درسی استعمال میگردد با یک مقدمه آغاز نموده ضمناً در جریان استعمال مواد درسی به شاگردان بفهماند که به نکات مهم درس توجه کنند.
- در مورد مواد درسی- درس را با یک خلاصه به پایان برساند.

مرحلهٔ پس از تدریس :

معلم مواد درسی را در یک جای محفوظ بگذارد تا برای استعمال دوباره آماده باشد.

۴ ـ ۲ ـ ۴. میتودهای درسی :

میتود Method کلمهٔ یونانی بوده از دو جز تشکیل شده است؛ یکی، Meta به معنای (در بین، در داخل و دوام) و دیگر، hodes به معنای (راه).

معنای میتود به طور عنعنی این چنین آمده است:

رفتن در بین راه یا به عبارت دیگر، تعقیب کردن راهی که دیگران به آن راه رفته اند و ثابت شده باشد که راه خوب است.

تعریف میتودهای درسی :

۱. میتودهای درسی رهنمای منظمی است که بر اساس آن، معلم عملیهٔ تدریس را انجام میدهد.

۲. میتودهای درسی عبارت از فعالیتهای سازندهٔ است که معلمان برای به دست آوردن اهداف قبلاً تعیین شده آنرا انجام میدهند.

۳. میتود درسی طریقهٔ است که بر اساس آن، معلم به شاگردان خود درس میدهد.

خلاصه این که، میتودهای زیادی برای تدریس وجود دارد. ما در اینجا به تشریح همهٔ آن نمیپردازیم. میتود خوب، میتودی است که معلم و شاگردان را کمک کند تا به زودی و وقت کم به اهداف خود برسند. در جایی که آموزش به یک مرحلهٔ جدید میرسد لازمست تا معلم نزد خود فیصله نماید که کار برد کدام میتود مناسب است تا کیفیت تدریس دلچسپ واقع شود، پس از آن از همان میتود استفاده نماید. میتودهای درسی را میتوان به دو بخش عمومی تقسیم کرد:

۱. میتودهای متمرکز بر شاگردان :

میتودهای درسی یی که در آنها، بیشتر شاگردان مرکز فعالیت میباشند، میتوهایی است که بیشتر کار و فعالیت درسی توسط شاگردان انجام داده میشود و معلم منحیث رهنما فعالیت میکند. امروز از اینگونه میتودهای جدید؛ مثل: کار دسته جمعی، تمثیل (اجرای نقش) و فعالیتهای خارج از صنف در تمام دنیا کار گرفته میشود.

۲. میتودهای متمرکز بر معلم :

میتودهایی که در آن بیشتر فعالیتهای درسی را معلم انجام میدهد به نام میتود (معلم به حیث مرکز فعالیت) یاد میشود.

در این میتودها شاگردان خاموش و آرام نشسته صرف به طرف معلم میبینند و به آن گوش میدهند. اگر شاگردان به خاطر امتحان درس میخوانند باید به واسطهٔ ترکیبی از میتودها تدریس شوند زیرا تدریس با عده یی از میتودها نظر به بعضی میتودهای‌دیگر تأثیر کم میداشته باشد شاگردان گاه گاه آموزش میگیرند مگر، چیزی را که خوانده باشند زود فراموش میکنند؛ مشق تمرین با تکرارهای یکنواخت، لکچرها و تشریحات آموزش را در شاگردان تقویه مینماید.

اکنون برای توضیح خوبتر، بر فرقهایی نظر می اندازیم که این دو نوع میتود با همدیگر دارند:

میتودهای متمرکز بر معلم (میتودهای قدیم)	میتودهای متمرکز بر شاگرد (میتودهای جدید)
۱. معلم تمام معلومات (دانش) را با خود میداشته باشد.	۱. شاگرد معلومات (دانش) را با خود داشته، خواستها و مفکورهٔ خود را ابراز میکند.
۲. شاگرد هیچ چیز را نمیفهمد و دانش به شکل غیر فعال به آن انتقال داده میشود.	۲. معلم به شاگردان هدایت داده آنانرا رهنمایی میکند و در آموزش، شاگرد فعال میباشد.
۳. تدریس به شکل مجرد و ذهنی بوده به ارتباط موضوع مثالها کم آورده میشود.	۳. تدریس شکل عملی و مشخص را داشته به ارتباط موضوع مثالهای فراوان ذکر میشود.
۴. فشار زیاد بر حفظ کردن میخانیکی آورده شده فهم موضوعها به درجهٔ دوم میباشد.	۴. فشار بیشتر به عملی کردن و فهم وارد گردیده حفظ کردن در درجهٔ دوم قرار دارد.

۵. معلم موضوع را از روی کتاب درسی به شکل میخانیکی بیان نموده، شاگردان تکرار میکنند و معلم خاموش ایستاده میباشد.	۵. معلم موضوع را به شکل کار عملی به کمک تصویرها و یا سوال و جواب واضح و روشن ساخته، خود شاگردان بر موضوع کار میکنند.
٦. معلم پلان درسی منظم نداشته و مواد ممد درسی را استعمال نمیکند.	٦. معلم پلان درسی داشته از مواد درسی محیطی استفادهٔ لازم مینماید.
۷. به شاگردان موقع بحث و سوال کردن در مورد موضوع درسی داده نمیشود.	۷. شاگردان میتوانند در مورد موضوع درسی در بین خود بحث و سوال و جواب کنند.
۸. شاگرد میترسد و بدون این که بفهمد موضوعرا به شکل میخانیکی میآموزد که ارزش عملی ندارد.	۸. شاگرد با اطمینان کامل بالای موضوع فکر و بحث نموده به کمک فعالیتهای عملی از موضوع خود را آگاه میسازد که ارزش عملی هم دارد.
۹. شاگردان در مورد تبادل تجارب به یکدیگر معلومات نداشته از تجارب یکدیگر کار نمیگیردند.	۹. به شاگردان تجارب جدید انتقال داده شده از تجارب یکدیگر کار میگیرند.
۱۰. به کمک انفرادی شاگردان، معلم وقت کم میداشته باشد.	۱۰. معلم وقت بیشتر را به کمک انفرادی شاگردان در نظر داشته، ضمناً از کار عملی آنان نظارت میکند.
۱۱. در آموزش موضوعهای درسی معلم به شاگردان کمک نمیکند. اوصرف درس میدهد و خودش ادامه دهندهٔ درس میباشد.	۱۱. معلم در آموزش موضوعهای درسی به شاگردان مفکوره داده آنان را کمک هم میکند و شاگردان با موفقیت درسها را پیش میبرند.
۱۲. به شاگردان شرح و تفصیل بیشتر داده شده امکان دارد آنان تمام موضوعها را به حافظه سپرده نتوانند.	۱۲. تنها تفصیلات مهم به شاگردان داده شده آنان موضوعهای تدریس شده را به یاد میداشته باشند.
۱۳. شاگردان صرف مینشینند و اجازهٔ همکاری با همصنفان خود را ندارند.	۱۳. شاگردان به طور مشترک با همدیگر کار میکنند و تنها نمیباشند.

در حقیقت میتودهایی را کـه معلم به کار میبرد کم یا زیاد بر معلم یا شاگرد متمرکز بوده مگر در بین این دو قطب میتودهای دیگری هم پیدا شده میتواند طوری که در این چوکات دیده میشود:

- صرف دیدن یا شنیدن، به معنای فراموشیست.
- عمل کردن، به معنای آموزش است.
- تکرار کردن، به معنای تکمیل کردن و آماده بودن است.

۴ ـ ۲ ـ ۴ ـ ۱. تشریح معلم (لکچر) :

بخش مهم تخصص و مهارت یک معلم را تشریح خوب یک موضوع تشکیل میدهد. میتود تشریح و لکچر در بیشتر حصص دنیا مدت زیادی رواج داشت. این میتود تقریباً ۲۰۰۰ سال پیش بار نخست، در یونان باستان مروج بود. آنان بیشتر بر معلم اتکاء داشتند و معلم باید با صدای بلند و صاف صحبت میکرد و مفکورهٔ خود را طوری به شاگردان بیان مینمود که همه به آن گوش فرا داده و میآموختند. معلم در نظر حاضرین مانند یک ممثل بود. در این میتود کهنه بیشتر مشقها و تمرینها به عوض شاگرد بر معلم متمرکز بود و لازم شمرده میشد که در تدریس مضمونهای مختلف قابل تطبیق باشد.

در این میتود، معلم پیشروی صنف ایستاد شده با شاگردان صحبت میکند و یا به تشریح موضوعهای مختلف یک مضمون میپردازد؛ مثلاً: یک سوال ریاضی را حل نموده یا در مورد تاریخ امان الله خان گپ میزند. شده میتواند که قرآن شریف یا یک پارچه شعر را قرائت کند یا یک قصه و فکاهی بگوید.

بر معلمان لازمست تا همیشه در مورد کار عملی به شاگردان هدایت بدهد. به طور عنعنی از لکچر وقتی استفاده شده میتواند که یک موضوع ضروری در کتاب تشریح نشده باشد.

میتود لکچر وقتی خوب و مؤثر پنداشته میشود که معلم دلچسپی شاگردان را جلب کند تا آنان ذهناً فعال و تشویق شوند. تشریح خوب آنست که شاگردان را تشویق نماید. در عین حال

این میتود نمیتواند که بالای میتودهای دیگر برتری حاصل کند و به حیث یک میتود مستقل و منفرد کار دهد.

میتود لکچر باید با میتودهای دیگر ترکیب و استعمال گردد. تدریس با روش لکچر، وقت زیادی را در بر نگیرد زیراسبب خستگی شاگردان میشود. حتی در پوهنتونها هم برای محصلان مشکل تمام میگردد که از ۲۰ دقیقه بیشتر به لکچر استاد گوش دهند. در دورهٔ ابتدایی لازمست تا به شکل نورمال معلم بیش از ۱۰ دقیقه لکچر ندهد. پس از آن شاگردان به شرح موضوع بر اساس میتودهایی فعال ساخته شوند که متمرکز بر شاگرد است.

پیش از آن که، معلم یک موضوع را به شاگردان تشریح کند، باید پلان درسی داشته باشد و برای این که توجه بیشتر بر شاگردان متمرکز شود در نظر داشتن مراحل زیرین به معلم مفید است:

- معلم باید به اهداف درسی و آنچه را که پس از درس از شاگردان توقع دارد آگاهی داشته باشد.
- معلم باید از دانش عمومی و سویهٔ شاگردان در مضون درسی آگاه باشد.
- معلم باید در موضوع بیشتر از آنچه را بداند که در متن درسی آورده شده است.
- معلم باید به درس طوری آماده باشد که برای تعقیب کردن راه مطلوب، مواد درسی مناسب را انتخاب کند.
- برای این که معلم آموزش فعال را در شاگردان رشد داده باشد لازمست تا یکبار دیگر به میتودهای درسی خود دقت کند.
- هرگاه معلم در تدریس از یک میتود استفاده نماید، شاگردان زود خسته شده آنها را خواب میبرد. پس لازمست تا معلم هنگام تشریح درس به نکات ذیل توجه داشته باشد:

۱. در هنگام دوام لکچر (تشریح درس) شاگردان را فراموش نکند.

۲. شاید معلم در جریان درس آن عده شاگردانی را وارسی کرده نتواند که از نگاه تفاوتهای فردی مشکلاتی دارند یا این که، شاگردان لایق به درس توجه کافی نداشته باشند.

۳. به معلم مشکل خواهد بود که در عین وقت توجه تمام شاگردان را به درس جلب کند. در سیستم لکچر دادن معاصر، معلم توجه بیشتر خود را به شاگردان از خاطری معطوف

میسازد که شاید در جریان لکچر از شاگردان سوال نماید یا پالای تخته بنویسد یا از مواد درسی؛ مثل: چارتها، نقشه ها، مودلها وامثال اینها استفاده نماید و همراه با آن نکات مهم درس را به شاگردان نشان دهد.

برای مفید واقع شدن تشریح لازمست تا شاگردان تشویق و فعال شوند و از نکات ذیل به قسم رهنما کار گرفته شود:

- معلم باید به صورت مجموعی مفاد درس را به شاگردان توضیح داده مفیدیت آنرا به آنها بفهماند.
- معلم باید عنوان و صفحهٔ درس را روی تختهٔ صنف نوشته کند.
- معلم باید در مورد درس از شاگردان سوال نموده تجارب آنانرا با تشریح خود شریک سازد. میتواند که پرسشها پیرامون اشیای محیط ماحول و یا دانش و تجربهٔ قبلی شاگردان باشد. شاگردان تشویق شوند تا به خاطر فهم بیشتر درس مرحله به مرحله سوال نمایند.
- چون شاگردان از معلم خود تقلید میکنند. بناءً معلم باید دارای شخصیت نمونه باشد.

به معلم لازمست تا هنگام تدریس با شاگردان رویهٔ ملایم و نرم را پیش گیرد. زیرا تفاهم متقابل بین معلم و شاگردان یک اصل مهم پنداشته میشود. عبارتها و جملات معلم باید مطابق سن، سال و سویهٔ شاگردان باشد. معلم باید از تختهٔ صنف استفادهٔ بیشتر نموده خطش واضح و خوانا باشد. برای این که معلم باتمام شاگردان تماس حاصل نماید، باید پیش روی صنف در یکجای ایستاد نشود. به همین ترتیب، شاگردان بتوانند آواز معلم را که گاهی بلند و گاهی پایین میشود به طور واضح بشنوند همچنین اشاره ها و حرکتها هم تشریحات را دلچسپ میسازد.

پس از هر تشریح معلم به شاگردان سفارش نماید که اگر جایی از درس را نفهمیده باشند، دوباره پرسان کنند تا درس خوبتر واضح شود. در ختم تشریح، معلم از شاگردان هم سوال نماید که آیا درس را فهمیده اند یا خیر؟ اگر معلم خواسته باشد که شاگردان سخنان او را بنویسند، باید قبلاً به آنان تفهیم نماید که یادداشت بگیرند و در هر مرحلهٔ درس هدایات لازم بدهد.

۴ ـ ۲ ـ ۴ ـ ۲. سوال و جواب :

با استفاده از این میتود، معلم موضوع درسی را به بخشهای کوچک تقسیم نموده در مورد آنها از شاگردان سوال کند و هنگام استفاده از این میتود نکات ذیل را در نظر داشته باشد:

۱. انواع سوالها و کیفیت آن :

برای تصنیف سوالها شیوه های زیادی وجود دارد که در این کتاب به چهار نوع آن اشاره شده است:

الف) سوالهای مستقیم (معلوماتی)

ب) سوالهای آزمایشی (متعاقب)

ج) سوالها به سویهٔ بلند (تحلیلی)

د) سوالهای متفاوت (انشعابی)

الف) سوالهای مستقیم (معلوماتی یا بسته) :

این نوع سوالها به مقصد آوردن حقایق و توضیح نظریات ذهنی مطرح میشود. جواب آن دفعتاً ارائه میگردد. سوالهای مستقیم به یکدیگر وابسته بوده، بدین مفهوم که هر سوال صرف یک جواب میداشته باشد که دارای اجزای مختلف است. نمونه هایی از این نوع سوالها قرار ذیل است:

- آیا مزار شریف پایتخت افغانستان است؟ (بلی ، نی)
- مولانا جامی شاعر دری است یا پشتو؟ (دری)
- یکشبانه روز چند ساعت است؟ (۲۴ ساعت)
- مقبرهٔ تمیورشاه در کجا واقعست؟ (کابل)

این گونه سوالها برای معلوم کردن ادراک و فهم شاگردان مفید بوده مطالب خوانده شده را به یاد آنان میآورد. برای فکر کردن به شاگردان وقت زیاد نمیدهد.

ب) سوالهای آزمایشی (متعاقب یا بررسی کننده) :

این نوع سوالها به مقصد تکمیل کردن جوابهای ناقص شاگردان و هم برای این که، آنان تعمق بیشتر برای ارائهٔ جواب درست نمایند؛ استعمال میگردد. مثالهایی از سوالهای آزمایشی اینهاست:

- مقصد از ___________ چی است؟ (روشن کردن)
- اینرا به عبارت دیگر گفته میتوانی؟ (به عبارتهای دیگر ذکر کردن)
- بلی! پس چرا؟ (دلیل خواستن)
- در مورد آن چیز دیگر هم گفته میتوانی؟ (توضیح دادن)
- احمد! در این باره تو چه فکر میکنی؟ (هدایت دادن)

سوالهای آزمایشی غیر لفظی؛ مثل: اشارهٔ سر، تبسم و حرکتهای کوتاه لفظی؛ مانند: بلی، خوب، بلی بلی و غیره نیز غرض تکمیل یک سوال به کار برده میشود و شاگردان را تشویق میکند تا بتوانند چیزی بگویند و قدم به قدم به طرف جواب مورد نظر نزدیک شوند و در مورد جواب خود دوباره فکر کنند.

ج) سوالهای به سویهٔ بلند (تحلیلی) :

این نوع سوالها به مقصد تحلیل، تجزیه، مقایسه، حل مسایل، استدلال و ارزیابی علت و معلول پرسیده میشوند. سوالهای تحلیلی نیاز به تفکر بیشتر داشته مانند سوالهای مستقیم دفعتاً جواب برایش داده نمیشود. زیرا نسبت به سوالهای مستقیم ساحهٔ باز را دارا بوده جوابهای آن متکی به طرز تفکر انتقادی و تحلیلی میباشد و زیادتر با کلمه های چه، چرا، چی و چطور پرسش صورت میگیرد. سوالهای تحلیلی به معلومات و دانش واقعی متکی میباشد.

چند مثال از این نوع سوال قرار ذیل است:

- چی دلیل دارید که زمین کروی است؟ (استدلال و استنباط)
- از دیدن کشت گندم چه نتیجه گرفته میتوانید؟ (تحلیل)
- مساحت یک قطعه زمینرا چطور معلوم میکنید؟ (حل مسأله)
- چه چیز سبب انبساط بالون میگردد؟ (علت و معلول)

د) سوالهای متفاوت (انشعابی و متباعد) :

این نوع سوالها از شاگردان میخواهد تا ابراز نظر کنند و تعبیر و تفسیر نمایند یا به عبارت دیگر، سوالهای متفاوت به طرز تفکر شاگردان ارتباط داشته؛ برای بیان کردن نظریه ها، معلوم کردن قضاوت و یا تشریح و تفسیر یک موضوع پرسیده میشود. چون این نوع سوالات آزاد و باز بوده تخیل شاگردانرا تحریک میکند. صحیح و غلط بودن جواب سوالهای متفاوت به طرز تفکر و توجیه شاگردان مربوط است.

نمونه هایی از این نوع سوالها در مثالهای ذیل مشاهده میشود:

- عکس العمل شما در بارۀ (.....) چیست؟
- حوا! نظر شما چیست؟
- زمین بدون درختها چگونه معلوم خواهد شد؟
- کدام نویسنده را دوست دارید؟

۲. شیوه های سوال کردن :

سوال به سه شیوه صورت گرفته میتواند:

الف) معلم ازشاگردان سوال میکند:

معلم شاگردان خود را طوری تربیت کند که اگر جواب سوالی را یاد داشته باشند دست خود را بلند کنند. سوال به صورت عمومی متوجه همه شاگردان صنف باشد. پس از سوال به شاگردان وقت داده شود که در مورد جواب فکر کنند و هر کدام به صورت فعالانه به جواب دادن سوال کوشش به خرچ دهند. بعداً معلم سوال را متوجه یک شاگرد سازد. شاید بیشتر شاگردان جوابهایی را ارائه کنند و شاگردان ضعیف غیر فعال بمانند. هرگاه شاگردی به سوال نفهمد و یا جواب نادرست بدهد، معلم باید سوال خود را دوباره تکرار نماید و بدون این که، از شاگرد دیگر طالب جواب شود؛ دوباره به شاگرد قبلی موقع دهد که جواب خود را بگوید. سوال باید از همه شاگردان صنف به عمل آید. لازمست تا معلم نامهای تمام شاگردان صنف را لست نموده ببیند که همه در سوال و جواب سهم گرفته کسی باقی نمانده باشد.

نصاب تعلیمی :

نصاب تعلیمی مجموعهٔ از اهداف مفیدی است که از طرف مقامات تربیتی و معارف؛ مانند: (شعبات ملی نصاب، مکاتب، پوهنتون ها و پوهنخی ها) به خاطر مطالعات منظم و منسجم منحیث یک اصل قبول شده تجویز گردیده تنظیم شده باشد. محتویات کتابهای درسی و کورسهای تعلیمی باید با آن رهنمایی های اساسی که در نصاب تعلیمی آمده است مطابقت داشته باشد.

مفردات :

هرگاه مفردات در یک زمینهٔ وسیع به کار برده شود پس لازم است که با نصاب تعلیمی تجویز شده مطابقت داشته باشد.

مفردات در حقیقت پلانی است که نقاط مشخص تدریس یک مضمون در یک کورس یا یک صنف را تعیین میکند و فهرست موضوعها، تشریحات مختصر و لست های عناوین مضمون را طوری تهیه میکند که یک موضوع معین در یک وقت معین تدریس شود.

نصاب تعلیمی در یک کشور از طرف یک مقام با صلاحیت؛ مثلاً: وزارت معارف تهیه میشود. به مقصد تهیه و تدوین نصاب تعلیمی اشخاص مسلکی و متخصصان تعلیم و تربیه توظیف میگردند که پس از تصویب نصاب در تدریس و تولید کتابهای درسی مورد استفاده قرار میگیرد.

جامعهٔ افغانی یک جامعهٔ اسلامی است که از قوانین اسلامی (شریعت) و سنتهای آن پیروی میکند. علاوه بر آن ترکیب عقیدهٔ اسلامی و فرهنگ افغانی این جامعه را بیشتر تقویه کرده است. بنابرآن نصاب تعلیمی و مفردات تدوین شدهٔ آن باید مبنی بر همین ارزشها باشد.

در وقـت سـوال کردن معلم، تمام شاگردان باید متوجه بوده جوابهای یکدیگر خود را بشنوند. بعـض اوقات معلم میتواند جوابهای شاگردان را لست نموده از بین آن خوبترین جواب را انتخاب کند.

ب) پرسشهای واقعی شاگردان :

بسیاری اوقـات شـاگردان سوالهایی میداشته باشند که میخواهند آنها را از معلم خود بپرسند. ایـنگونه سـوالها بـاید از نظر انداخته نشود. این یک امر مهم است که معلم در تنظیم نمودن دانش شاگردان به آنان کمک کند تا ضمن جواب دادن خلاهای خود را پر نمایند؛ طور مثال:

- معنای این چیست؟
- چرا اینطور است؟
- نمیدانم، چرا؟

پـس از هـر تشـریح، معلم باید شاگردان را به سوال کردن تشویق کند؛ مثلاً: بگوید کدام سوال دارید؟

اگـر معـلم جـواب درسـت ارائـه کرده نتواند بهتر است بگوید: انشاء الله جوابرا تا درس دیگر پیدا خواهم کرد.

ج) پرسش شاگردان از یکدیگر :

معـلم میـتواند که شاگردان را تشویق نماید تا از همدیگر سوال کنند؛ به طور مثال: معلم به یک شـاگرد بگویـد کـه اگـر تو جواب صحیح گفتی از شاگرد دیگری می توانی پرسان کنی و به همین ترتیب ادامه دهد.

۳. سوال باید، مطابق سویهٔ شاگردان باشد :

سـوال معلم باید کوتاه، واضح، مربوط به درس و محتویات کتاب درسی و مطابق سویه و سطح دانـش شاگردان باشد؛ طور مثال: معلم در مضمون تاریخ صنف چهارم سوالهایی را پرسان نکند که

محتویات آن مطابق سویهٔ صنف ششم باشد. معلم باید به شاگردان ضعیف کمک نماید که در آموزش درس سهم بگیرند. زیرا سوال و جواب، شاگردان را به فکر کردن و درک بیشتر تشویق مینماید. لازمست تا معلم به تمام جوابها به دقت گوش داده و جوابهای شاگردان را به وسیلهٔ الفاظ، عبارتها و حرکات مثبت تقویه کنندهٔ لفظی و غیر لفظی تشویق نماید؛ مثل: نوشتن جواب بر تخته، شور دادن سر، تبسم و از این قبیل. هرگاه کدام شاگرد جواب غلط بدهد، سوال دو باره تکرار گردیده به شاگرد وقت تفکر بیشتر داده شود. شاگردانی که به کمک بیشتر نیاز دارند باید از نظر انداخته نشده از آنان سوالهای آسانی پرسیده شود.

۴. کنترول و راهنمایی شاگردان توسط معلم :

در جریان سوال و جواب، معلم باید متوجه تمام شاگردان خود بوده کوشش کند که آنانرا وادار به شنیدن سوالها و جوابهای همصنفان شان سازد. شاگردان باید درس را تعقیب نموده به چیزهای گفته شده فکر خود را متمرکز سازند.

لازمست که معلم در وقت جواب دادن، شاگردان را راهنمایی نموده در صورت ضرورت از آنان بخواهد که جواب را دوباره تکرار کنند. اگر یک شاگرد به آواز پایین صحبت کند به او فهمانده شود که جواب خود را دوباره به آواز بلند تکرار نماید که همه بشنوند.

لازم نیست که معلم مانند لودسپیکر گفته های شاگردان را تکرار کند. یک معلم با تجربه به جای این که، سخنان شاگرد را تکرار نماید باید با تکان دادن سر جواب صحیح را به سوال دیگر ارتباط دهد؛ به طور مثال: در مضمون جغرافیه معلم سوال میکند و شاگردان جواب میدهند:

- این چه چیز است؟
- این نقشه است.
- این نقشه کدام براعظم را نشان میدهد؟
- افریقا را.
- در افریقا کدام ممالک عربی واقعست؟
- مصر، لیبیا، ... .
- کدام بحیره به مصر نزدیک است؟
- مدیترانه.

۵. سوالهایی که ارتباطها و سمت رهنمایی معلم را نشان میدهد :

برای این که معلم سویهٔ شاگردان را ارزیابی نموده باشد در شروع تدریس یک موضوع سوالهایی را از شاگردان بپرسد. سپس در پایان همان درس سویه های قبلی و بعدی یعنی پیش از تدریس و پس از تدریس را مقایسه نماید که شاگردان به کدام حد رسیده اند.

معلم باید، ارتباط بین ساعتهای درسی گذشته، حال و آینده را حفظ کند طوری که در مثال ذیل نشان داده شده، معلم تصمیم میگیرد که در مضمون ریاضی موضوع تفریق را در سه ساعت متواتر تکرار نماید:

ساعت ۱	ساعت ۲	ساعت ۳
سوالها برای تشخیص سویهٔ شاگردان.	سوالها در بارهٔ آنچه که در ساعت اول آموخته اند.	سوالها در بارهٔ این که در پایان درس چه اندازه آموزش صورت گرفته است.

۴ - ۲ - ۴ - ۳. رهنمایی مباحثه :

بین میتود سوال و جواب و رهنمایی مباحثه فرق تدریجی یی موجود است. مباحثه از طریق استدلال و تبادل مفکوره، شاگردان را فعال میسازد. لذا بالای موضوعها بحث صورت میگیرد. غالباً عنوانهای مورد بحث ازطرف معلم و گاهی از طرف شاگردان هم انتخاب شده میتواند. در پلان درسی لازمست تا حتماً وقت کافی برای مباحثه و اشتراک همه شاگردان درآن در نظر گرفته شود. نقش معلم در مباحثه اینست که شاگردان را رهنمایی نموده همراه شاگردان صنف در حل مسایل سهم بگیرد. پس لازمست تا هنگام مباحثه، معلم به نکات ذیل توجه داشته باشد:

۱. از طریق افزایش تجارب، معلومات معلم و شاگردان بیشتر میشود.

۲. از طریق تجارب شاگردان، کتابهای درسی و محیط ماحول، معلومات جمع آوری میگردد.

۳. در شاگردان روحیهٔ دلیل گفتن و تخیل کردن تقویه و پرورش مییابد.

۴. چون این میتود نظر به میتودهای دیگر وقت زیادی را میگیرد، پس باید پیش از پیش در پلان گرفته شود.

۵. این امکان موجود هست که یک یا چند شاگرد در مباحثه سهم فعال گرفته، دیگران گوش کنند. پس معلم مباحثه را طوری رهنمایی نماید که این نقیصه رخ ندهد.

٦. از طریق میتود مباحثه، امکان دارد که عمق و وسعت دانش شاگردان ارزیابی شود.

۷. شاید مباحثه از مسیر خود منحرف گردد. در این حالت معلم مسؤولیت دارد تا آنرا به مسیر اصلیش برگرداند.

۸. در صنفهای مختلف دختران نیز تشویق شوند که در مباحثه سهم بگیرند.

۹. برای مباحثه موضوعهایی آسان انتخاب شود تا همه شاگردان آنرا بفهمند. معلم باید موضوعها را شرح نموده هدایات لازم دهد.

۱۰. موضوعی که برای مباحثه انتخاب میگردد، باید دارای نتیجه باشد.

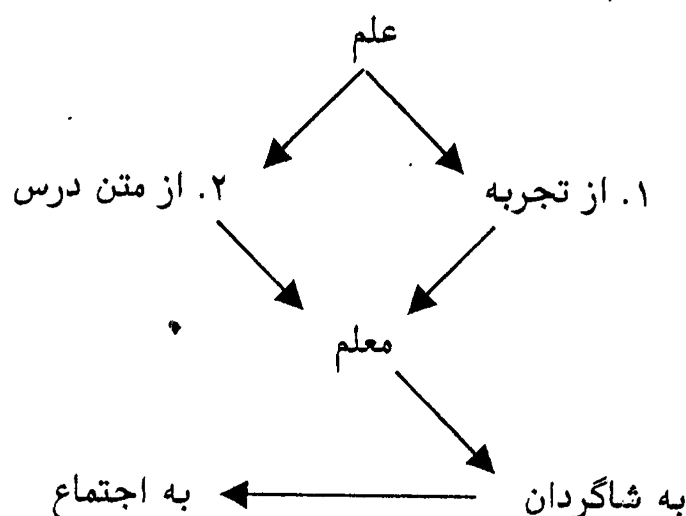
معلم شاگردانرا به این مقصد رهنمایی میکند که از مباحثهٔ آنان نتیجه گیری نماید و نظریه های شاگردانرا بر تخته نوشته کرده، در آخر نتیجه را به شکل یک لست مینویسد؛ مثلاً:

پس از آن که شاگردان نامهای امراضی؛ چون: کولرا، اسهال و امثال اینها را گرفتند، معلم از آنان وضع آب نوشیدنی در خانه های شانرا میپرسد؛ مثلاً: شما در خانهٔ خود از چه قسم آب استفاده میکنید؟ یا در قدم بعدی میپرسد: از امراض چطور جلوگیری میشود؟

- معلم شاگردانرا رهنمایی میکند که کتابهای درسی را بخوانید و بگویید که در این مورد در کتاب چی نوشته شده است؟
- پس از خواندن بحث میکند که در خانه ها وضع چطور خوب شده میتواند؟

بدینترتیب، شاگردان اول از علم تجربی به طرف نظری و پس از آن به سوی مهارتهای عملی سوق میگردند؛ بدینگونه با کاربرد مباحثات سودمند، دانشها و مهارتها از شاگردان به اجتماع انتقال نموده، علاوه بر این، از طریق اینگونه مباحثات، تجارب شاگردان بر معلومات کتاب درسی افزود گردیده علم را در زنده گی روزمره قابل استفاده میسازد.

این موضوع در شکل پایین این گونه توضیح شده است:



۴ ـ ۲ ـ ۴ ـ ۴. کار انفرادی :

چون در صنف استعدادهای مختلف وجود دارد. بناءً شاگردان توانایی آموزش فردی را داشته بـه آن دلچسپی نشان میدهند. آموزش انفرادی یک وسیلهٔ کمکی برای حل مسایل به شمار میرود. معلم بـه هر شاگرد موقع میدهد تا به صورت فعال بالای یک موضوع کار نموده مطابق سویهٔ خود بیاموزد. کار انفرادی شاگردان ایجاب وقت زیاد را مینماید. این یک میتود عادی بوده که معلم پس از معرفی و تشریح یک موضوع آنرا بـه کار میبرد. شاگردان مطابق هدایات معلم بالای مشکلات، متنهای درسی و مواد کار میکنند که معلم آنها را معرفی مینماید.

طور مثال: در مضمون ریاضی پس از آن که معلم در مورد حل سوالهای جمع هدایات میدهد، شاگردان بـه شکل انفرادی سوالهایی را حل میکنند که معلم داده است. لازمست که کار انفرادی در صنف بخش عمدهٔ فعالیتهای آموزشی یا تعلیمی را تشکیل داده یعنی، تقریباً نصف یک ساعت درسی به آن اختصاص داده شود.

آموزش انفرادی اشکال مختلف داشته، بیشتر آن بـه شکل حل نمودن مشکلات، آموختن متنها و یـا فعالیتهای کوچک عرض اندام میکند که باید شاگردان آنها را انجام دهند. هریک از فعالیتهای مربوط آموزش انفرادی اهداف مشخصی را برای خود دارا میباشند.

بسیاری از مثالهای مشکل، مسایل و متنها به شاگردانی سپرده میشود که زودتر میآموزند. با شاگردانی که کمتر میآموزند باید کمک صورت گیرد. معلم میتواند برای این گونه شاگردان حل مسایل آن را بسپارد. فایدهٔ کار انفرادی اینست که این دسته شاگردان نشانی نشده و از صنف کشیده نشده؛ به آنان کارهای خانه گی به اساس ضرورتهای روزانهٔ شان به شکل انفرادی داده میشود.

میتود کار انفرادی را (داکتر مانتی سوری) زن ایتالوی اساسگذاری نمود. وی معتقد بود که نسبت به تدریس دسته جمعی در صنف، کار انفرادی مفید تمام میشود. وی برای هر شاگرد شخصیت قایل بود. این میتود به نام (اصول تعیین نمودن کار یا وظیفه) هم یاد شده است.

معلمان هنگام استفاده از این میتود باید به نکات ذیل توجه داشته باشند:

۱. معلومات در مورد شاگردان :

معلم باید سویهٔ عمومی شاگردان صنف را بشناسد. زیرا وقتی که کار انفرادی را به آنان میسپارد تشخیص نماید که به کدام شاگرد کار آسان و به کدام شاگرد کار مشکل را بسپارد.

۲. هدایت :

معلم باید هدایات ضروری بدهد؛ موضوعرا تشریح کند یا آنرا توسط شاگردان تقسیم نماید.

۳. کیفیت کار :

معلم باید واضح سازد که عین یک کار برای تمام شاگردانست یا برای شاگردان مختلف کارهای مختلف داده میشود. در هردو صورت معلم باید این موضوع را روشن سازد.

۴. کنترول و رهنمایی توسط معلم :

وقتی که معلم در مورد کار هدایات میدهد، باید تمام شاگردان مخصوصاً آنانی را که مشکلات دارند، رهنمایی و کنترول نماید که در راه درست حرکت کنند.

۵. آماده کردن مواد ممد درسی :

مواد ممد درسی و مآخذ باید پیش از شروع کار انفرادی آماده ساخته شود؛ طور مثال: آنعده سوالهای ریاضی که شاگردان بالای آنها کار نمایند لازمست تا بر ورقهای کاغذ یا بر تختهٔ صنف نوشته شوند.

۶. نتیجه گیری و تصحیح کردن :

کارهایی را که شاگردان اجرا میکنند باید به انجام برسد. معلم باید کارهای انفرادی شاگردان و یا نتایج کار تمام شاگردان صنف را تصحیح نموده ضمناً شاگردان میتوانند که بار اول نتیجهٔ کار خود را جهت تصحیح مقدماتی به یک هم صنف خود نشان دهند.

۷. تشویق کردن :

شاگردان باید با الفاظ شفاهی به کار تشویق شده به حرکت آورده شوند. آنعده شاگردانی که کار خود را به وقت معین انجام داده نمیتوانند باید تشویق شوند که کار خود را در خانه تمام کرده یا از شاگردانی کمک گیرند که آنان کار خود را به انجام رسانیده اند.

۴ - ۲ - ۴ - ۵. میتود کار مشترک :

کار مشترک یک شکل سادهٔ گروپی بوده که در آن دو شاگرد متحدانه و یکجای کار میکنند و میآموزند. تمام قوانین و حقایق "کار انفرادی" در این شکل آموزش هم تطبیق میشود.

در وقت تشریح موضوعها، معلم به شاگردان رهنمایی میکند که در یک قسمت ساعت درسی، دو دو نفر به طور مشترک کار نمایند. شاید شاگردان غلطی های همدیگر را بشنوند و در اصلاح آن باهم کمک کنند و معلم از آنان نظارت و رهنمایی به عمل بیآورد. کار مشترک هم در فعالیتهای داخل صنف و هم در خارج از آن انجام داده شده میتواند. بعضی اوقات، معلم میتواند که از شاگردان بخواهد تا به شکل دسته های دو نفری بر یک موضوع مُعین باهم به بحث پرداخته یا یک سوال را حل کنند. مثلی که در ساعت درسی این کارها را انجام میدهند. شاگردان لایق برای کمک با

شاگردان ضعیف به کار انداخته میشوند. کار مشترک شاگردان بسیار مفید واقع شده این میتود برای تدریس زبان و آموزش مفاهمه هم مفید میباشد. جنبه های مثبت این میتود قرار ذیل است:

- به میان آوردن مهارتهای مفاهمه یی، رفاقت و کار مشترک، در شاگردان تحرک را به وجود آورده آنان را برای آموزش فعال میسازد.
- آن عده شاگردانی که دارای سویهٔ بلند اند موقع مییابند که دانش خود را به دیگران انتقال دهند.
- شاگردان موقع آنرا مییابند که مهارتهای خاص خود را انکشاف داده مطابق خواستها و ضرورتهای خاص خود کار نمایند. معلم میتواند عین کار یا کارهای مختلف را به شاگردان طور دو نفری و مشترک بسپارد.
- در این میتود معلم در انرژی و وقت صرفه جویی نموده تا بتواند در اوقات ضرورت با شاگردان دیگر به طور انفرادی انرژی و وقت خود را به کار اندازد.
- این میتود زمینهٔ آنرا مساعد میسازد تا معلم با شاگردان ضعیف کمک بیشتر نماید. در تطبیق این میتود، معلم نکات زیر را باید در نظر داشته باشد:

الف) هدایت دادن :

تمام گروپهای دو نفری در بسیاری موارد بالای یک وظیفه کار نموده در جریان کار، معلم به آنان هدایت لازم را میدهد. هنگامی که معلم به گروپهای دو نفری وظایف را میسپارد، باید انجام دادن فعالیتها در مضمون را به آنان توضیح و تشریح نموده، شاگردان هم بفهمند که انجام کدام وظیفه را معلم از آنان خواسته است. اگر به مواد ممد درسی ضرورت باشد لازمست تا معلم آنرا پیش از پیش آماده نماید.

ب) انضباط :

هرگاه معلم بخواهد که صنف را به دسته های دو نفری تقسیم کند، پس باید به شاگردان تفهیم نماید که مطابق هدایات وی کار کنند. معلم باید در جریان فعالیتها شاگردان را کنترول نموده آنان را در فعالیتها قدم به قدم رهنمایی کند.

معلم باید به شاگردان اعلان نماید که کار مورد نظر را در چه مدتی انجام داده ضمناً از محدودیت وقت آنان را آگاه سازد.

ج) تفاوتهای فردی شاگردان :

شاگردان دارای سویه های مختلف دلچسپی ها و مهارتها بوده و میخواهند که برای مدت دراز طور مشترک با همدیگر کار نمایند. پس لازمست که معلم تمام همین علاقمندی ها و مهارتهای آنان را در نظر داشته باشد.

طور مثال: باید شاگردان ضعیف با شاگردان لایق در بعضی کارها شریک ساخته شوند. در موارد دیگر هم باید به علاقمندی شاگردان با همدیگر در کار مشترک توجه صورت گیرد. البته این موضوع مربوط به اینست که معلم انجام دادن چگونه کاری را از شاگردان توقع میکند. به صورت عمومی آن عده شاگردانی که پهلوی همدیگر قرار دارند باید در کار مشترک سهیم ساخته شوند. زیرا معلم در این گونه ساختمان و ترتیب صنف برای تنظیم مجدد آن به وقت زیاد ضرورت دارد.

د) مقایسه و نتیجه گیری :

اشتراک کننده گان یک کار مشترک به شیوه های مختلفی کار مینمایند. بدین مفهوم که عده یی تیز و عدهٔ دیگر در کار سست میباشند. چون افراد دسته های شریک با همدیگر خود تفاوت داشته، پس لازمست تا معلم هنگام ارزیابی کارها، عین افرادی را که در یک گروپ طور مشترک کار مینمایند دوباره با همدیگر شریک نساخته بل که، آنان را از یکدسته به دستهٔ دیگر و از یک گروپ به گروپ دیگر تبدیل نماید.

۴ ـ ۲ ـ ۴ ـ ٦. کار گروپی (جمعی) :

در جایی که مناسب دیده میشود باید از کار گروپی استفاده شود. بدین مفهوم که، برای همه اشتراک کننده گان امکان سهم گرفتن میسر ساخته شود. زیرا نسبت به کار انفرادی در کار گروپی و جمعی اهداف زودتر به دست میآید. تقسیم نمودن شاگردان صنف در گروپها اندازهٔ سهمگیری

آنـان در فعـالیت را چند برابر میسازد. یک صنف به گروپها تقسیم شده، هر گروپ روی موضوعی کـار میکنـند که از طرف معلم به آنها سپرده شده است. اعضای هر گروپ با همدیگر روی موضوع داده شـده بـه بحـث پرداخـتـه تـبادل افکار نموده؛ مشکلات خود را حل میکنند. آنان از یکدیگر سـوال کـرده یکـی بـا دیگـری کمـک مینمایـند کـه البـته این کار زمینه های آموزش بهتر را فراهم میسـازد. نقش معلم در این میتود صرف رهنمایی شاگردان است. موضوعهایی که به گروپها سپرده میشـود بـاید مطـابق سـویهٔ شـاگِردان باشـد. درصـنفهای مختلط (بچه ها و دخترها) معلم اطمینان حاصـل نمـاید کـه موضـوعهای داده شـده هـم به بچه ها و هم به دخترها یکسان دلچسپ است. هنگام استفاده از این میتود معلم باید به این نکات توجه داشته باشد:

۱. گروپ :

هـر انـدازه کـه تعداد شاگردان صنف زیاد باشد، به همان اندازه به تعداد گروپها نیاز احساس میگـردد. هـر گـروپ از ۳ تـا ٦ نفر باشند تا زمینهٔ خوب برای تبادل افکار بین اعضای هر گروپ میسـر و مسـاعد شـود. در وقـت کار گروپی شاگردان باید به شکل دایروی نشسته برای هر گروپ یکـنفر سـرگروپ تعیـین گـردد. در بـین گروپها باید فاصلهٔ معین وجود داشته باشد تا معلم در بین آنـان آزادانـه گشت و گذار کرده بتواند. این کار سبب جلوگیری اخلال گروپها هم میشود. گروپها میـتواند که متجانس (هم سویه، علاقمند به یکدیگر و دارای استعدادها و خواستـهای مشترک) و یا غیر متجانس (دارای سویه های مختلف، علایق مختلف و استعدادهای مختلف) باشند.

معـلم کوشـش نمـاید که به مقصد اجرای فعالیتهای مختلف؛ گروپهای مختلف را تشکیل کند. اعضـای گـروپها را تغیـیر و تـبدیل سازد. یعنی، همیشه عین شاگردان شامل عین گروپها نباشند. زیرا شاگردان کوچک آرزو میداشته باشند که با شاگردان بزرگتر از خود کار نمایند. تغییر و تبدیل شـاگردان در کـار گروپی زمینهٔ تبادل تجارب و معلومات آنان را با همدیگر شان فراهم میسازد. در جـریان کـار گـروپی، شـاگردان میـآموزند که چگونه به سخنان دیگران گوش داده با آنان کمک و همکاری نموده؛ مشوره بدهند.

اهداف و نکات مهم نصاب تعلیمی

(منتخب از مضامین و صنوف مختلف)

۱) آگاهی از اهداف اساسی اسلام، به آن عقیده داشتن و عمل کردن است.

۱ - ۱. یاد گرفتن سلوک و احکام اسلامی، استفاده از آن و تطبیق کردن آن.

۲) همکاری با اطفال تا از راه تفاهم، مراحل ضروری و دایمی دانش متقابل را بیاموزند.

۲ - ۱. آموختن مهارتهای شنیدن، خواندن، نوشتن و سخن زدن که آنها را در جهت آموزش ساختمان زبان شان و کار برد آن کمک کند.

۲ - ۲. رشد دادن این مهارتها به معیاری که مردم هریک از زبانهای رسمی را خوب بفهمند.

۲ - ۳. محاورهٔ عملی، دلچسپ و آماده سازی به نحوی که مهارتهای زبانی اطفال رشد یابد.

۳) کمک با اطفال، در جهت رشد استعدادها و مهارتهای شان تا در جامعه سلوک موثر و قابل قبول پنداشته شود.

۳ - ۱. انکشاف دانش شاگردان در مسایل ریاضی، تا دانش تصوری را حاصل کنند.

۴) دانستن عنعنات تاریخی، ارتباطات اجتماعی و کلتوری و تحلیل مسایل اجتماعی.

۴ - ۱. دانستن محیط زیست، شعایر و عنعنات افغانها تا در مطابقت به آن این ارزشها و سلوک به عمل آید.

۴ - ۲. به دست آوردن چنان طریقه ها و معلوماتی که افغان ها توسط آنها مشکلات ضروری فعلی خود؛ از قبیل: خوراک، پوشاک، ادویه و مسکن خود را اکمال کرده بتوانند.

۴ - ۳. تهیهٔ چنان معلوماتی برای شاگردان که از روابط ذات البینی انسانها در خارج از افغانستان آگاه شوند.

گروپها مجبور اند که همیشه در یکنوع فعالیت سهم بگیرند. معلم میتواند که گروپها را به اساس استعدادها، ضرورتها، علایق و خواستهای ویژهٔ شاگردان تشکیل کند. پس معلم یک اندازه وقت خود را با آن عده شاگردانی صرف میکند که به کمک ضرورت داشته باشند.

هرگاه معلم مشغول کار با تمام شاگردان صنف باشد، در این صورت با همهٔ آنان کار انفرادی کرده نمیتواند.

۲. رهنمایی های کار گروپی :

پیش از آن که معلم صنف را به گروپها تقسیم کند، باید:

- فعالیتی را که شاگردان انجام دهند، واضح سازد.
- شاگردان را به همکاری و کمک کردن، گوش گرفتن و سهم گرفتن تشویق نماید.
- برای اجرای کار گروپی وقت را معین سازد.

۳. نظارت و کنترول توسط معلم :

در جریان کار گروپی، معلم باید گروپ را کنترول کند. هرگاه کدام شاگرد سوال داشته باشد یا کدام مطلب برایش تشریح نشده باشد، باید آنرا تشریح و توضیح کند. معلم باید در بین گروپها گشت و گذار کرده به اثر تماس با تمام گروپها، اعضای آنها را از طریق مباحثات، تشریحات و معلومات دادن به آموزش تشویق نماید.

۴. به پایان رساندن کار گروپی و اعلان نتایج :

معلم باید در ختم درس، کار هر گروپ را ارزیابی نموده بعضی سوالها را از اعضای آن پرسان کرده، ضمناً توضیحاتی را به آنان ارائه کند و اعضای گروپها باید جواب دهند. بعداً نتیجه را به تمام صنف اعلان نماید.

۴ - ۲ - ۴ - ۷. آموزش از طریق بازیها :

تمام اطفال و نوجوانان به بازیها بسیار علاقه دارند. در جریان بازیها علاوه از صحتمندی روحی و بدنی، آموزش هم به دست آورده میشود. اطفال در ضمن بازی، میآموزند و تمام مهارتهای خود را به کار میاندازند. بازی برای آموزش عملیه یی است که در آن همکاری و رقابت سالم هردو عملی میگردد. بسیاری از فعالیتهای معمولی صنف در مضمونهای حساب و زبان به بازیها مبدل میشود. رقابت هم مفید بوده اطفال را به آموزش تشویق میکند.
اطفال باید بازیهایی را اجرا نمایند که در محیط ماحول شان عمومیت داشته و باید به اصول بازیها آشنا باشند. بازی طوری آماده شود که بسیاری از شاگردان و حتی تمام صنف در آن شرکت کرده بتوانند. در ختم بازی باید برای مباحثه هم وقت داده شود تا شاگردان تجارب خود را بیان نموده؛ از اشتباهات خود بیاموزند. تربیت بدنی در تشکل و ساخت کرکترهای پسران و دختران اهمیت به سزا داشته سلوکی را به میان میآورد که بر اساس قانون کنترول، صبر و شکیبایی استوار بوده و در شرایط مختلف اطفال را آماده ساخته میتواند. تمام این صفات در انکشاف و نشوو نمای اخلاق و عادات اطفال مهم میباشد. در بازیها باید دلچسپی اطفال در نظر گرفته شده، سهولتهایی فراهم شود که اطفال اوقات تفریح خود را به شکل مناسب سپری نموده از اجرای فعالیتهای تخریب کننده جلوگیری به عمل آید. چنین بازیها در انکشاف ذهنی و ازدیاد نیروی بدنی اطفال کمک مینماید.

اشتراک منظم در بازیها و تحت نظر یک معلم با تجربه، سبب ازدیاد تجارب در جامعه میگردد. بدین ترتیب شاگردان بدانند که در مقابل دیگران از چی گونه روش و سلوکی کار گیرند. قوانین را چگونه رعایت نموده ناکامی را تحمل کنند و شاگردان بیآموزند که هنگام موفقیت چطور خود را از هیجانی شدن حفاظت نمایند.

۱. اقسام بازیها :

بسیاری از انواع بازیها وجود دارد که برای آموزش تمام مضمونهای مکتب به حیث یک میتود از آنها باید کار گرفته شود. بعضی از بازیها : مثل: والیبال، فتبال و دوش در تربیهٔ بدن سالم و

تقویهٔ آن کمک نموده مگر، بعضی از بازیهای دیگر؛ مثل: آموزش حروف الفبا، کاربرد کارتها، حل کردن جدولهای معما و غیره برای آموزش لغتهای جدید مفید واقع میشود.

۲. بازیهای تعمیری و ارتباط آن با مضمون :

شاگردان، مخصوصاً دخترها، به بازی هایی عادت داده شوند که جنبهٔ تعمیری داشته ضمناً با کلتور و فرهنگ افغانی مطابقت داشته باشد.

۳. آماده کردن مواد مورد ضرورت :

لازمست تا معلم با استفاده از این میتود مواد ضروری یی را آماده سازد که در تدریس از آن کار گرفته میشود.

۴. تعیین جایهای مناسب :

برای بازیها باید جاهای مناسب تعیین و انتخاب گردد. معمولاً این جاها خارج از صنف یا نزدیک محل تدریس دستیاب گردیده؛ معلم علاقمند همیشه در نظم و ترتیب چنین ساحات توجه میداشته باشد.

۵. هدایات ضروری :

معلم باید پیش از اجرای بازی هدایات لازم را داده و فعالیتها مطابق قوانین و مقررات بازی اجرا گردد.

٦. تعداد بازی کننده گان :

به صورت عمومی بازیها یا به شکل انفرادی و یا گروپی و جمعی اجرا میشود. در این حالت تعداد شاگردانی در نظر گرفته شود که به بازی (سپورت) علاقه دارند و هر بازیکن چه بچه، چه دختر، باید در بازی اشتراک نماید.

۷. کنترول معلم :

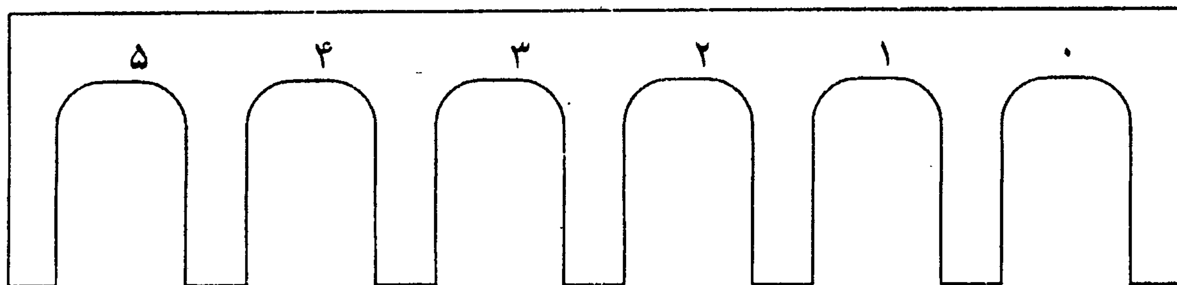
معلم باید شاگردان بازیکن را کنترول کند که در جریان بازی کدام بی نظمی، فریب و نیرنگ را به کار نبرند. معلم باید بازیکنان را رهنمایی لازم نموده و در پایان بازی نتایج را اعلان نماید. در اینجا برای معلومات مزید معلمان بعضی بازیها را طور مثال تذکر میدهیم:

الف) بازی زبان :

این بازی طوری اجرا میشود که معلم به شاگردان هدایت میدهد که به شکل دایروی ایستاد شوند. وقتی که معلم توپ را به یک شاگرد میاندازد، شاگرد یک کلمهٔ رابه آواز بلند تلفظ نماید که با حرف "ب" آغاز شده باشد؛ مثلاً: (بیرق). بعداً شاگرد دیگری که توپ را میگیرد، بگوید: (بوت)، همچنین شاگرد دیگر کلمهٔ (بادام) را تلفظ نموده به همین ترتیب، معلم میتواند که حرفهای الفبا را به شاگردان بیاموزاند. برای شاگردان صنفهای بالا از خوانش شعر هم به حیث یک بازی کار گرفته شده میتواند و از بین همهٔ آنان به گویندهٔ خوب شعر نمرهٔ زیاد داده شود.

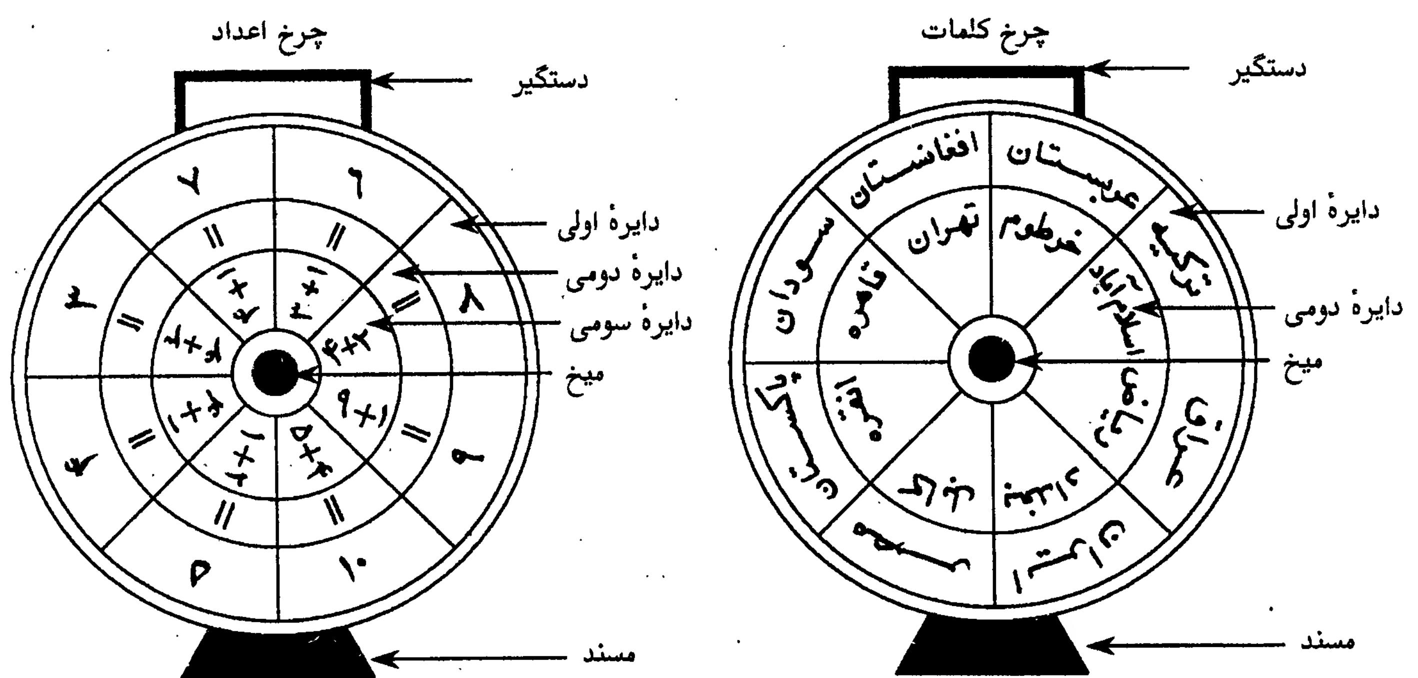
ب) بازی با پُل اعداد :

معلم میتواند که پل اعداد را از کاغذ کارتن، چوب یا چیز دیگر بسازد. شاگردان میتوانند که دانه های سنگچل، مهره، توپ یا کدام چیز کروی دیگر را از زیر پل بگذرانند. کوشش گردد که در این وسیلهٔ بازی تونلهای زیاد ساخته شود. در قسمت بالای هر تونل یک عدد نوشته شده وقتی که از زیر آنها توپ یا مهره توسط شاگردان تیر میگردد، همان عدد توسط شاگردان بالای تختهٔ صنف نوشته و جمع میشود. هر شاگردی که نمبر زیاد را حاصل کرد، برندهٔ بازی اعلان گردیده، این بازی در گروپهای شاگردان ۳ تا ۵ نفری اجرا شده؛ از این بازی، برای عملیهٔ جمع در مضمون ریاضی کار گرفته میشود.



ج) بازی با چرخ اعداد و کلمات :

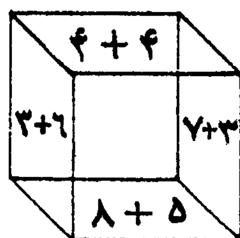
ایـن وسـیلهٔ بـازی آموزشـی هـم از کاغذ کارتن، چوب، قطعهٔ سخت، کاغذ مقوا یا چیز دیگر سـاخته شـده میـتواند؛ طـوری کـه اول یـک دایرهٔ کلان را قطع نموده بعداً دو یا سه دایرهٔ کوچک دیگـر را میسـازیم کـه متحرک بوده روی دایرهٔ کلان حرکت کرده بتواند. دایره ها را به وسیلهٔ یک میخ یا چوب یا کدام چیز دیگر باهم محکم نموده بعداً محیط دایرهٔ کلان را به چند حصهٔ مساوی تقسیم میـنمایم و درهر بخش آن معنا و مفاهیم کلمه ها یا جواب اعداد را نوشته کرده؛ پس از آن روی دایـره هـای کوچکتر اصل کلمه ها و در ریاضی سوال اعداد نوشته شده بر دایرهٔ کلان اولی را مینویسـیم. چـرخ اعـداد و کـلمه هـا دارای یـک مسند و یک دستگیر که آویزان شده بتواند هم بوده روی چـرخ اعـداد و کلمات به جای اعداد، حروف الفبا و کلمه ها را نیز نوشته کرده میتوانیم. از ایـن وسـیلهٔ بـازی در تدریـس و مشـق و تمـرین عملیه های جمع، تفریق، ضرب و تقسیم مضمون ریاضـی، زبان، جغرافیه و اسلامیات کار گرفته میشود. دو نمونه از این وسیله در ذیل نشان داده شده است:



د) بازی با مکعب :

در هـر پهـلو یـا سطح مکعب کلمه ها و در ریاضی سوالها نوشته شده، آنرا شاگردان به وسیلهٔ دسـت انداخـته، هـر شـاگرد جـواب همـان سوال و معنای همان کلمه یی را میدهد که روی سطح

مکعب نوشته شده است. این بازی نیز برای شاگردان دورهٔ ابتدایی دلچسپ بوده زمینهٔ آموزش مؤثر در مضمونهای زبان، ریاضی و جغرافیه را فراهم نموده، معمولاً این وسیله از چوب و یا پلاستیک سخت ساخته میشود.



هـ) بازی موش و پشک :

در این بازی تعدادی از دخترها دست همدیگر راگرفته به شکل یک دایره ایستاد میشوند. یک دختر نقش پشک و دختر دیگر نقش موش را اجرا کرده پشک تلاش میکند که موش را بگیرد. موش داخل دایره و پشک خارج از آن قرار داشته وقتی که بازی شروع شود دخترانی که دایره راتشکیل کرده اند موش را به داخل دایره اجازه داده مگر پشک را نمیگذارند که داخل دایره شود. هنگام خارج شدن موش از دایره، پشک تلاش میکند که دستهای دختران را از هم جدا کرده خارج از دایره، موش را بگیرد مگر دختران از موش حفاظت نموده، هنگامی که پشک موش را به دست بیاورد بازی تمام شده نوبت به دو نفر دختر دیگر میرسد که در نقش موش و پشک بازی را اجرا کنند و به همین ترتیب بازی ادامه مییابد.

و) فتبال، والیبال و بازیهای دیگر :

لازمست تا بازیهای عنعنوی و مروجهٔ قریه و محل شاگردان نیز اجرا گردیده مگر بعضی از بازیهای دیگر به وسیلهٔ توپ هم باید به شاگردان معرفی شود.

بدن، ذهن و روح اطفال به وسیلهٔ بازیها انکشاف نموده به همین ترتیب آنان تشویق شده به دلچسپی شان افزود گریده سبب آموزش فوری شان میشود.

۴ ـ ۲ ـ ۴ ـ ۸. آموزش به وسیلهٔ اجرای نقش و تمثیل :

آنچه که در زنده گی واقعی رخ میدهد به وسیلهٔ اجرای نقش طوری تمثیل میشود که شاگرد را با رخدادها و حالات واقع شده آماده میسازد. بازی نقش تنها میتودی نیست که در حالات استثنایی از آن کار گرفته شود؛ بل که، به حیث روشی در نظر گرفته شود که حادثه های

مختلف را به شکل ساده تمثیل کند. بازی نقش صرف برای مدت چند دقیقه به جای تشریح شفاهی به حیث یک نقش کوچک باید اجرا شود؛ طور مثال: یک شاگرد به حیث یک دهقان میتواند که در مورد زراعت نقشی را بازی کند.

بازی نقش و تمثیل از میتودهای مؤثر تدریس به شمار رفته در این میتود شاگردان به طور مستقیم حصه میداشته باشند و درسهایی که تمثیل میشوند در ذهن شاگردان تا مدت زیادی باقیمانده شکل واقعی را به خود میگیرند. حتی، شاگردان آرام و حلیم هم به اینگونه نمایشها دلچسپی نشان داده در فعالیتها سهم گیری خود را تبارز میدهند؛ طور مثال: معلم میتواند که ادا کردن نماز را به حیث یک درس دینی به شاگردان نشان دهد. بعداً یک شاگرد نقش امام و دیگران نقش مقتدیان را ایفا کرده، ادای نماز جماعت را به شکل واقعی تمثیل نمایند.

تمام شاگردان صنف باید به یک شکلی در بازی نقش حصه بگیرند. بازی نقش در مقابل دیگران صرف به حیث یک نمایش نباید تلقی شده بل که، نقشها توسط شاگردان به سببی اجرا میگردد که در زنده گی واقعی به آنان مفکورهٔ را القاء نماید. معلم باید بداند که تمام شاگردان اکتور و ممثل پیدا نشده اند. وقتی که تمثیل پایان یابد، شاگردان باید در مورد موضوع سوال نموده حتی شاگردان آرام و خاموش هم در بحث اشتراک کنند. در نمایش، مشکلاتی که نشان داده میشود باید درمورد راههای حل آن از نظریات شاگردان استفاده به عمل آید.

مفاد تمثیل یا بازی نقش :

بیشتر شاگردان در بازی اجرای نقش سهم گرفته آنان زیر نظر معلم، در عملیهٔ تدریس تمام مهارتها و دانش خود را طور مشترک به کار میاندازند. تمثیل در نشان دادن مفکوره ها و تجارب تمام شاگردان صنف نقش مهمی را ایفا میکند. هنگام استفاده از این میتود لازمست تا معلمان به نکات ذیل توجه داشته باشند:

۱. تهیه کردن مواد :

موادی که برای تمثیل ضرورت است باید پیش از پیش آماده گردیده و غالباً مواد نوشته شده، لباس و دیکور صحنه را خود شاگردان هم میتوانند تهیه کنند.

۲. هدایات لازم :

پیش از تمثیل، معلم باید در مورد اجرای نقشها هدایتهای لازم و واضح را به شاگردان بدهد. معلم باید هر بخش نقش را به طور جداگانه تشریح نموده مثالهایی را ارائه کند. بدین ترتیب در جریان اجرای نقش شاگردان سکتگی رخ نمیدهد.

۳. تعیین وظایف :

به تمام شاگردان باید نقشی داده شده، وظایف هر شاگرد معلوم شود و شاگردان باید سرگرم نقشهای خود بوده مسؤولیتهای خود را فراموش نکنند.

۴. چگونه یک شاگرد انتخاب میگردد ؟

معلم باید برای اجرای نقش شاگردی را برگزیند که توانایی آنرا داشته به شوق آنرا اجرا نماید. گاه گاه از خود شاگردان هم باید مشوره گرفته شود. شاید کسی اجرای نقشی را به عهده گیرد.

۵. کنترول و نظارت :

در تطبیق این میتود، معلم باید شاگردان خود را از همان آغاز بازی رهنمایی و نظارت نماید که وقت را ضایع نکرده و آماده گی خود را در نیمه راه نگذارند.

٦. چگونگی تطبیق بازی نقش :

هرگاه در صنف از میتود تمثیل در تدریس استفاده میشود باید واقعیتهای اساسی تاریخ و فرهنگ جامعهٔ افغانی و همچنین اوضاع جاری موجود اجتماع در نظر گرفته شود و به شاگردان زمینهٔ آنرا فراهم سازد که در آینده همچون بزرگان نقش خود را در جامعهٔ افغانی ایفا نمایند.

۷. جای مناسب :

برای تمثیل در صنف، محل مناسبی باید انتخاب شود و اجرا کننده گان نقش از جایی استفاده نمایند که تمام شاگردان صنف آنرا دیده بتوانند.

۸. نتیجه گیری و مثالها :

شاگردانی که در میتود تمثیل کار میکنند یا اجرای نقش را میبینند از آن میآموزند زیرا گفته اند: "شنیدن، فراموش کردنست. دیدن، حفظ کردنست و عمل کردن، فهمیدنست." پس برای این که معلم این میتود را به آسانی به کار ببرد، به مثالهای پایین توجه فرماید:

مثال اول :

در تدریس مضمون ریاضی، معلم میتواند که بالای یک شاگرد نقش دوکاندار، بالای چند نفر دیگر نقش شاگردان دوکاندار و بالای عدهٔ دیگر نقش مشتریان را بازی نماید. در صنفهای مختلط (بچه ها و دخترها) دخترها میتوانند که نقش زنهای خانه را بازی نموده و بگویند که به کدام وسایل خانه ضرورت دارند و نرخ هرکدام چقدر است. در این صورت از کاغذها و یا برگهای درختان که روی آنها اعداد نوشته شده باشد، میتوانند به حیث پول استفاده نمایند. مشتریان جهت خرید اشیای مورد ضرورت نزد دوکاندار آمده و دوکاندار ازقلمها، کتابچه ها، پنسلها، سنگچلها و بعض ترکاریها به حیث مال و اشیای دوکان استفاده کند. به همین ترتیب شاگردان عملیه های جمع و تفریق را میآموزند.

مثال دوم :

در صنفهای بالای ابتدایی (۴ - ۵ - ٦) هنگام تدریس نظام شاهی در مضمون اجتماعیات شاگردی انتخاب شود که نقش پادشاه را اجرا نموده و دیگران نقشهای وزیران، مامورین و غیره را بازی نمایند. در صنفهای مختلط دخترها در نقشهای وزیران، دهقانان و عساکر زن بازی کنند. در این وقت معلم به شاگردان خود بگوید که از حملهٔ اردوی یک کشور خارجی پیغامی رسیده است و آنان به ترتیب نقش خود را پیرامون این موضوع اجرا نمایند.

مثال سوم :

به مقصد تدریس یک واقعه و قصه، به شاگردان باید نقشهای مختلفی داده شود تا قصه به شکل خوبی تمثیل گردد؛ مثلاً: قصهٔ تاریخی آمدن احمدشاه بابا از ایران به افغانستان وجمع

شدن بزرگان قبایل افغان در زیارت شیر سرخ قندهار به خاطر تعیین نمودن پادشاه افغانستان را و در این موقع وارد شدن ملنگی به نام صابره شاه و گذاشتن خوشهٔ گندم بر سر احمدخان و انتخاب وی به حیث پادشاه افغانستان از طرف تمام بزرگان قبایل را معلم میتواند که بالای شاگردان این قصهٔ تاریخی را تمثیل نماید.

مثال چهارم :

در تدریس موضوع حفاظت و پاک نگهداشتن دندانها یک شاگرد میتواند که نقش داکتر و بقیه شاگردان (بچه ها و دخترها) نقش مریضان را اجرا نمایند.

۴ - ۲ - ۴ - ۹. آموزش به وسیلهٔ فعالیتهای خارج از صنف :

آموزش با جهات مختلف زنده گی روزانه ارتباط داشته؛ مفید میباشد. از معلم کتابهای درسی، تختهٔ سیاه و دیگر وسایل و لوازم ممد درسی صنف به حیث منابع کسب علم و دانش استفاده میگردد. فابریکه ها، دریاها، کوهها، درختها، اجتماع و مؤسسات محیط ماحول منابعی اند که در صنف دستیاب نمیگردند. پس گاهگاهی به تدریس خارج از صنف هم ضرورت احساس میشود. آموزش به وسیلهٔ کتابهای درسی بیشتر جنبهٔ نظری (تیوریک) داشته بناءً برای به دست آوردن علم و دانش استفاده از محیط ماحول نیز سبب ازدیاد معلومات عملی و واقعی میگردد که از کتابهای درسی در صنف به عمل میآید. شاگردان صنفهای اول و دوم از نشستن زیاد در صنف خسته شده پس به خاطر آموزش بهتر بیرون رفتن از صنف عملیهٔ تدریس و آموزش را از یکنواختی نجات میدهد. فعالیتهای خارج از صنف به خاطر رسیدن به اهدافی صورت میپذیرد که به وقت کم نیاز دارد. نشان دادن اصل اشیا؛ مثل: نباتات، حشرات و اشیای دیگر در خارج از صنف نسبت به مطالعهٔ آنها در کتابهای درسی به شاگردان بسیار مفید واقع میشود. به شاگردان جمع آوری موادی هدایت و رهنمایی صورت گیرد که به مضمون درسی ارتباط داشته باشد. بعداً روی موضوعهای مربوط در صنف تشریح و بحث لازم به عمل آید.

۵) کمک با شاگردان، تا باشد که آنان در مورد محیط طبیعی شان (اشیای کیمیاوی، فزیکی و بیالوژیکی جهان) کسب معلومات کرده از استعداد خویش در حفظ محیط خود به طور فعال و مؤثر کار گیرند.

۵ - ۱. انکشاف ذهنی و جسمی اطفال و تقویهٔ دانش شاگردان تا آنها قادر شوند که به خاطر حل مشکلات خود و همکاری با دیگران در جهت رفع مشکل شان معلومات کافی حاصل کنند.

۶) تربیهٔ استعداد های شاگردان به نحوی که نفوذ و توانایی فردی خود را در جهت انکشاف جامعه و کشور خود به کار اندازند.

۷) کمک با شاگردان تا به اشیا و هنر های نمایشی ارتباط خود را برقرار سازند.

۸) آشنا سازی شاگردان به تخنیک ایجاد آثار هنری.

۸ - ۱. تشویق شاگردان برای مطالعهٔ بیشتر در ساحاتی که به مقصد بازسازی افغانستان نقش مؤثر را ایفا کرده بتوانند.

۸ - ۲. تربیهٔ استعدادهایی که شاگردان به وسیله آنها کارهای روزمره و وظایف خود را به طور مؤثر و اختصاصی به انجام رسانده بتوانند.

زیرا افغانستان در تمام ساحات مسلکی به اشخاص مؤثر و وارد در کار نیازمند است.

۲ - ۳. مضمونهای مکتب :

تشخیص موضوعات و مدت لازم برای تدریس آنها در پروگرامهای تعلیم و تربیه دارای اهمیت زیاد است. برای تدریس هر مضمون مطابق پالیسی نصاب ملی تعلیم و تربیه وقت معین داده میشود؛ مثلاً: تعداد درسها دریک صنف یا تعداد درس ها در یک کورس.

بر مبنای چنین فیصله مواد درسی در مدت مشخص برای تدریس آمادهٔ میشود مضمونها و تقسیم اوقات مکاتب افغانی به ترتیب آتی است:

بسم الله الرحمن الرحیم

یاد آوری

مؤسساتی که در بخش تعلیم و تربیه در دیار هجرت برای افغانها مشغول کار و فعالیت اند پیوسته سعی میورزند که به خاطر بهبود بخشیدن امور تدریسی خویش زمینه های مساعدی را برای آموزش بهتر افراد فراهم سازند. تا باشد که نتایج مطلوب و خوبی را به دست آورده در جهت تعلیم و تربیهٔ سالم شاگردان مصدر خدمات ارزنده تری شوند و نقش بارز خود را در راه خدمت به وطن و هموطنان به وجه احسن ایفا نمایند.

یک مؤسسهٔ تعلیمی و فرهنگی زمانی خوب تبارز میکند که از نگاه داشتن استادان و معلمان مسلکی و مجرب، کار آزموده و وارد در فن تعلیم و تربیه، غنی باشد، معلمان هم آن وقت اثبات هویت و شخصیت کرده میتوانند که با دانش مسلکی و میتودولوژی عصری تعلیم و تربیه مجهز بوده؛ تجارب کافی اندوخته باشند و وظیفهٔ معلمی را منحیث یک مسلک و شغل مورد علاقه و دلخواه خود انتخاب کرده باشند.

معلمانی که به میل خود وظیفهٔ معلمی را پیشهٔ خود میسازند طبعی است که خود را با پیشرفتهای علمی مجهز ساخته بر دانش علمی و مسلکی خود میافزایند. ضمناً مؤسسات تعلیمی و تربیتی نیز از طریق تدویر سیمینارهای میتودیک و نشر کتابها و رساله های مسلکی امکانات ازدیاد معلومات آنان را فراهم میسازد. کتاب حاضر (رهنمای عمومی معلم) هم روی همین منظور و هدف تدوین شده که انگیزهٔ تدوین آن را اینگونه میتوان توضیح کرد:

به مقصد توحید پروگرامهای تربیهٔ مسلکی معلمان به خواست UNHCR مجالسی دایر گردید که در نتیجه ضرورت تولید و تدوین این کتاب احساس شد و در نیمهٔ دوم سال ۱۹۸۹م وظیفهٔ تنظیم ورکشاپها و جلسات را به پروژهٔ بیفیر (BEFARe) تفویض نمودند. در جلسات پروژه های

تعلیمی فهرست موضوعها ترتیب گردیده برای تهیهٔ محتویات و متنها، به شاملان مجالس تقسیم شد که بعداً جهت تدقیق و اصلاحات در جلسات بعدی مورد بحث قرار گرفتند که این کار مدت دونیم سال را احتوا کرد و ابتدا متن کتاب به زبان انگلیسی تهیه و تدوین شد بعداً پروژهٔ GTZ-BEFARe این کتاب را به زبان پشتو ترجمه کرد و چاپ اول آن را به تیراژ ۲۰۰ جلد در سنبلهٔ سال ۱۳۷۴هـ ش انجام داد. بنابر تقاضاهای بیشتر، چاپ دوم کتاب از طرف کمیتهٔ سویدن به تیراژ ٦۰۰۰ نسخه در جدی سال ۱۳۷۴هـ ش به مساعدت مالی جامعهٔ اروپا صورت گرفت.

اینک پروژهٔ BEFARe افتخار دارد که بر اساس نیازمندیهای معلمان و استادان محترم ترجمهٔ کتاب را به زبان دری تهیه و به خدمت علاقمندان تقدیم میدارد. تا باشد که معلمان محترم در جهت تقویه و غنامندی دانش مسلکی خویش از آن بهره مند گردیده تدریس خود را با اساسهای میتودیک عیار سازند. البته در ترجمهٔ دری این کتاب همه موازین و نزاکتهای اصول ترجمه در نظر گرفته شده، متنها از روی متن اصلی به صورت دقیق ترجمه گردیده صرف در بعضی موارد بنابر ملحوظاتی که محسوس بود ناگزیر اندک تعدیلات و تغییرات در متن و در بعضی عنوانها وارد آمده است.

توقع میگردد که این کتاب در تقویه و ازدیاد دانش مسلکی معلمان محترم مفید واقع شده در جهت تدریس بهتر استفادهٔ مطلوب از آن به عمل آید.

و من الله توفیق

بخش تألیف و نشرات

بیفیر

پیشگفتار

مساعی باز سازی افغانستان در فعالیتهای تعلیمات دورهٔ ابتدایی، طی سالهای اخیر جریان داشت از همین سبب تعدادی از پروژه ها و پروگرامهایی که از طرف اشخاص و مؤسسات مختلف در افغانستان و پاکستان تمویل میشدند، به میان آمد.

اما بیشتر آنعده کارکنان و معلمانی که در جهت انتظام، تطبیق و انکشاف این پروگرامها مشغولیت داشتند، نیازمند آن بودند که در جریان انجام وظیفه؛ مهارتهای ضروری را کسب کنند. برای رسیدن به این هدف، مشکل عمدهٔ داشتند. زیرا چنین یک رهنمایی موجود نبود که به اشخاص مشغول به کارهای تعلیمی و تربیتی در رابطه به تعلیمات دورهٔ ابتدایی، در مورد فن تربیت و میتودهای درسی معلومات دهد.

این (رهنمای عمومی معلم)، که نتیجهٔ تجارب عملی مؤلفان آن است، در این موقع مناسب برای باز سازی معارف افغانستان کمک مؤثری خواهد نمود.

این کتاب جامع، سزاوار مطالعه بوده و به شرایط افغانستان مساعد است. در تألیف این کتاب متخصصان افغانی و غیر افغانی سهیم شده اند که با این مشخصه شکل خاصی به آن بخشیده اند. پس توقع برده میشود که معلمان تعلیمات دورهٔ ابتدایی آنرا به حیث یک رهنمای عملی به کار برند و اشخاص دیگری که با تعلیمات اساسی در افغانستان سروکار دارند از آن به حیث یک مُأخذ با ارزش استفاده کنند.

خوشبختانه محتوای عمومی این رهنما امیدبخش بوده و مملو از نیک بینی هاست؛ زیرا معلمان را به صورت مکمل با آنعده مشکلات واقعی تعلیمی و تربیتی آشنا میسازد که افغانستان جنگ زده با آنها مواجه است.

در خاتمـه، یاد آوری میکنم که آنعده ورکشاپها و جلسات مباحثاتی که در مورد محتویات این کـتاب بـه تحقیـق و تتـبع پرداخـته انـد از طرف جی، تی، زید - بیفیر تنظیم میشد و از جانب کمیته ها و مؤسساتی، چون:

- SCA (Swedish Committee for Afghanistan)
- SOS / PG Belgium Teachers Training Program
- IRC (International Rescue Committee)
- EIL (The Experiment International Living)
- UNO (University of Nebraska at Omaha)
- Save The Children US

کاملاً حمایت میگردید.

مـا از صـمیم قلب از تمام اشخاص و مؤسسات ابراز شکران مینماییم که با ما در طرح و تکمیل ایـن کـتاب مساعدت به عمل آورده اند. همچنان از ادارۀ معاونت و همکاری های تخنیکی جرمنی (جـی، تـی، زیـد) کـه در انتشـار این کتاب (رهنمای عمومی معلم) با ما کمک مالی کرده اند ابراز امتنان مینمایم.

داکتر مایکل هرت

اگست ۱۹۹۵ - پشاور



BEFARe

Basic Education For Afghan Refugees



رهنمای عمومی معلم

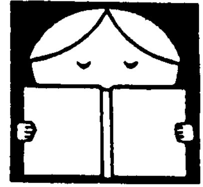


بیـــفیـــر

تعلیمات اساسی برای مهاجران افغان

gtz

BEFARe



رهنمای عمومی معلم

مترجمان : محمود ذهین اکسوس و محراب الدین فرزام

چاپ اول ـ حمل ۱۳۸۱ هـ ش

بیــفیــــر

تعلیمات اساسی برای مهاجران افغان

Farmal Education Programme

Title of book : Generic Teacher's Manual

Authors : Mahmood Zahin Oxus

Mehrabudden Farzam

Editor : Mir Abdul Malik Hashmi

Composer : Waheedullah Wardag

Publisher : G.T.Z-BEFARe

Production and Publication Section

First Edition : May 2003

No. of Copies : 1,000

پروگرام تعلیمات رسمی

نام کتاب : رهنمای عمومی معلم

مترجمان : محمود ذهین اکسوس

محراب الدین فرزام

ادیتور : میر عبدالمالک هاشمی

کمپوزر : وحیدالله وردگ

ناشر : جی تی زید - بیفیر

بخش تألیف و نشرات

چاپ اول : ثور ۱۳۸۴

تعداد : (۱۰۰۰) جلد

فهرست موضوعها